در عمر لات ۵۲۸

در ص ۵۵۲ جنه [illegible]

در صحیفه ۴۱۱ [illegible]

چکره [illegible]

۴۱۹ ص

۴۰۹ جنه [illegible]

[illegible] ۵۶۱ [illegible]

[illegible] ص ۲۱۳

۲۲۹ ص [illegible]

۴۱۴ ص [illegible]

[illegible] ۷۷۶ [illegible]

[illegible] ۴۳۲ [illegible]

ص ۵۹۳ [illegible]

۵۵۴ [illegible]

۱۷۱ [illegible]

۱۹۶ [illegible]

۵۵۷ [illegible]

۴۱۱ [illegible]

۲۲۰ [illegible]

۱۹۵ [illegible]

۳۵۵ [illegible]

۲۹۷ [illegible]

۴۱۱ [illegible]

۲۴۳ [illegible]

رفع درد فرج ص ۲۰۶ و ۲۰۷

بچه دانها در بول ... ۱۱ ... ص ۲۰۷

بچه ... ص ۲۰۷

[illegible] ص ۷۹۲

جهت دردی که ... ص ۲۳۱

اگر خوراکی ... اگر خورد ... ص ۲۱۹

درد ص ۱۹۶ درد زائیدن خصوصی زنان درد حمل

و کم شدن شیر زنان ... درد و علت

... و ... در ... از صفحه ۱۹۸

ص ۲۰۵ اگر ... بخواند ...

... در ... احوال آن ... گناهان صغیره و کبیره ان

... و کفارت ... ص ۲۰۲

... ۱۶

رفع ... ص ۴۰۶

ص ۴۰۷ در ... علاج ...

محبت زن و شوهر در ص ۲۳۳

ورم ... زنان و حیوانات ص ۷۲۶

درد ص ۲۷۳ ... بیماری ...

منقولست عبدالله عباس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

شنیدم که ... آدم ... بیماری

... که ... علاج ...

... هر که ... بخورد ...

... بیماری ...

دفع ... و ... ص ۷۳۳

... ص ۲۴۹ ...

... در صفحه ۲۳۱ ... در صفحه ۲۲۸ ...

... زنان ...

۱/۱

سورة يس وهي ثلاث وثمانون آيات نزلت بمكة

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا بنام
خداوند بخشاینده مهربان

يس ۝ والقرآن الحكيم ۝ إنك لمن المرسلين ۝ على صراط

یا حرف است که ای سید بحق قرآن محکم بدرستی که تو هر آینه از فرستادگانی بر راه راست

مستقيم ۝ تنزيل العزيز الرحيم ۝ لتنذر قوما ما أنذر آباؤ

استقامت نزول قرآن از خدای غالب مهربان تا آنکه بیم نمائی گروهی را که بیم کرده نشد

هم فهم غافلون ۝ لقد حق القول على أكثرهم فهم

ایشان [illegible] بحقیقت واجب رسانیدن قرآن بر بیشتر ایشان پس ایشان

لا يؤمنون ۝ إنا جعلنا في أعناقهم أغلالا فهي إلى

نمی آورند بدرستی که ما افکندیم در گردنهای ایشان غلهای [illegible]

الأذقان فهم مقمحون ۝ وجعلنا من بين أيديهم سدا

[illegible] ایشان [illegible] و پیدا کردیم [illegible] ایشان [illegible]

ومن خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون ۝ و

[illegible] پس [illegible] ایشان [illegible]

٢

إنا عليهم أأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون ۝

[illegible] برایشان آری آنکه بیم ای [illegible] یا بیم نمائی ایشان را [illegible]

إنما تنذر من اتبع الذكر وخشي الرحمن بالغيب فبشره

بدرستی که بیم [illegible] متابعت نمود قرآن را و ترسید از خداوند بخشاینده [illegible]

بمغفرة وأجر كريم ۝ إنا نحن نحيي الموتى ونكتب ما

[illegible] بدرستی که ما زنده میکردانیم مردگان را و [illegible]

قدموا وآثارهم وكل شيء أحصيناه في إمام مبين ۝

[illegible] فرستادند [illegible]

واضرب لهم مثلا أصحاب القرية إذ جاءها المرسلون

[illegible] چون آمدند [illegible] فرستادگان [illegible]

إذ أرسلنا إليهم اثنين فكذبوهما فعززنا بثالث فقالوا

[illegible] فرستادیم [illegible] پس [illegible]

إنكم مرسلون ۝ قالوا ما أنتم إلا بشر مثلنا وما

[illegible] گفتند [illegible] آدمی [illegible]

أنزل الرحمن من شيء إن أنتم إلا تكذبون ۝

[illegible]

١/٢

رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ • وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ

پروردگار ما میداند بدرستی که ما هر آینه بسوی شما فرستادگانیم • و نیست بر ما مگر رسانیدن

الْمُبِينُ • قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ

هویدا • گفتند آن گروه بدرستی که ما فال بد گرفتیم بحال شما هر آینه اگر باز نایستید شما [illegible]

لَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ • قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ

و هر آینه میرسد بشما از ما عذابی دردناک • گفتند رسولان فال بد شما با شماست

أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ • وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا

اگر پند کرده شد شما را بلکه شما گروه تباه کارانید • و آمد از نهایت شهر [illegible]

الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ • اتَّبِعُوا

مردی حبیب نام [illegible] گفت ای گروه من متابعت نمایید فرستادگان را • متابعت نمایید

مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ • وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ

آنرا که نمیخواهد از شما مزدی و ایشان راه یافتگانند • و چیست مرا که نپرستم

الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ • أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

آنرا که آفرید مرا و بسوی جزای او باز گردانیده شوید • آیا فرا گیرم من از غیر او معبودان

إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا

اگر خواهد بمن رسانیدن [illegible] کفایت نکند از من [illegible]

يُنْقِذُونَ • إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ • إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ

و نمیرهانند مرا [illegible] • بدرستی که من آنگاه هر آینه در گمراهی [illegible] • بدرستی که من ایمان آوردم [illegible]

فَاسْمَعُونِ • قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ •

پس بشنوید [illegible] • گفته شد درآ در بهشت • گفت ای کاشکی گروه من میدانستند

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ • وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ

که آمرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا از جمله گرامی داشتگان • و نفرستادیم ما بر

قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا

گروه حبیب پس از وفات او هیچ لشکری از آسمان و نبودیم ما فرستادگان لشکرها

مُنْزِلِينَ • إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ

نبود سبب هلاکت آن گروه مگر آوازی یگانه پس ناگهان ایشان مرده بودند

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ

ای هلاکت و حسرت و اندوه بر بندگان که نیامد بر ایشان هیچ پیغمبری مگر بودند [illegible]

يَسْتَهْزِئُونَ • أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ

[illegible] • آیا ندیدند [illegible]

أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ • وَإِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا

[illegible]

محضرون ۝ وآية لهم الارض الميتة احييناها واخرجنا منها

حاضر شده کانند ۝ و از دلایل قدرت ماست مر ایشان را زمین مرده که زنده گردانیدیم ما آن را و بیرون آوردیم ما از آن

حبا فمنه ياكلون ۝ وجعلنا فيها جنات من نخيل واعناب

و انبار دانه که از آن دانه میخورند ایشان و پدید کردیم ما در آن زمین بوستانها از خرما و انگور

وفجرنا فيها من العيون ليأكلوا من ثمره وما عملته ايديهم

و روان کردانیدیم ما در آن زمین از چشمه‌ها تا که بخورند از میوه‌های او و نکرده است آن را دستهای ایشان

افلا يشكرون ۝ سبحان الذي خلق الازواج كلها مما تنبت

آیا پس چرا شکر نمیگویند پاک خدای که بیافرید اصناف همه آن از آنچه میرویاند

الارض ومن انفسهم ومما لا يعلمون ۝ وآية لهم الليل نسلخ

زمین و از اصناف بنی آدم از ذکور و اناث و از آنچه نمیدانند و نشان قدرت است این شب که زایل میکردانیم

منه النهار فاذا هم مظلمون ۝ والشمس تجري لمستقر لها ذلك

ما از و روشنی روز را پس ناگاه ایشان در ظلمت در آمدگان و دلیل است بر قدرت آفتاب که میرود

تقدير العزيز العليم ۝ والقمر قدرناه منازل حتى عاد كا

به اندازه خدای غالب داناست و ماه را تقدیر فرمودیم ما منازل

العرجون القديم ۝ لا الشمس ينبغي لها ان تدرك القمر

نه آفتاب را سزد که دریابد ماه را

ولا الليل سابق النهار وكل في فلك يسبحون ۝ وآية لهم

انا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون ۝ وخلقنا لهم من مثله

[illegible]

ما يركبون ۝ وان نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم

ينقذون ۝ الا رحمة منا ومتاعا الى حين ۝ واذا قيل لهم

پس نیست فریادرسی مر ایشان را و نه ایشان رهانیده شوند

مگر رحمت و برخورداری تا هنگام اجل و چون گفته شود مر ایشان را

اتقوا ما بين ايديكم وما خلفكم لعلكم ترحمون ۝ وما

تأتيهم من آية من آيات ربهم الا كانوا عنها معرضين ۝ و

تا مگر بر شما رحمت کرده شود و نیامد سوی ایشان هیچ معجزه‌ای از

معجزات پروردگار ایشان مگر بودند ایشان از آن روی گردانندگان

اذا قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا

للذين آمنوا انطعم من لو يشاء الله اطعمه ان انتم الا في

[illegible]

٧

ضلالٍ مبينٍ ۝ ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين

گمراهی هویدا ۝ و میگویند کافران که کدام وقت خواهد بود این وعده اگر هستید راستگویان

ما ينظرون الا صيحةً واحدةً تأخذهم وهم يخصمون

فلا يستطيعون توصيةً ولا الى اهلهم يرجعون ۝ ونفخ

في الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون ۝ قالوا

يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن وصدق

المرسلون ۝ ان كانت الا صيحةً واحدةً فاذا هم جميعٌ لدينا

محضرون ۝ فاليوم لا تظلم نفسٌ شيئا ولا تجزون الا ما

كنتم تعملون ۝ ان اصحاب الجنة اليوم في شغلٍ فاكهون

٦

هم وازواجهم في ظلالٍ على الارائك متكئون ۝ لهم

فيها فاكهةٌ ولهم ما يدعون ۝ سلامٌ قولا من ربٍ رحيمٍ

وامتازوا اليوم ايها المجرمون ۝ الم اعهد اليكم يا بني

ادم ان لا تعبدوا الشيطان انه لكم عدوٌ مبينٌ ۝ وان

اعبدوني هذا صراطٌ مستقيمٌ ۝ ولقد اضل منكم جبلا

كثيرا افلم تكونوا تعقلون ۝ هذه جهنم التي كنتم

توعدون ۝ اصلوها اليوم بما كنتم تكفرون ۝ اليوم

نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم

بما كانوا يكسبون ۝ ولو نشاء لطمسنا على اعينهم فاستبقوا

بآنچه بودند که میکردند کرده ۝ و اگر خواهیم ما محو کنیم بر چشمهای کفار پس طلب کنند

الصراط فانى يبصرون ۝ ولو نشاء لمسخناهم على مكانتهم

راه را با نجات روند پس چون بینند راه را بگردانند ۝ و اگر خواهیم ما مسخ کنیم کفار را بر جایگاه ایشان

فما استطاعوا مضيا ولا يرجعون ۝ ومن نعمره ننكسه في

پس نتوانند رفتن بجانب نجات و باز نتوانند آمدن ۝ و کسی که عمر دراز دهیم او را وا گردانیم

الخلق افلا يعقلون ۝ وما علمناه الشعر وما ينبغي له ان

او را در آفرینش آیا عقل ندارند ۝ و در نیاموختیم ما محمد را شعر و نسزد او را

هو الا ذكر وقران مبين ۝ لينذر من كان حيا و

مگر وعظ و قرآن روشن تا بترساند کفار مکه را و هر که باشد زنده

يحق القول على الكافرين ۝ اولم يروا انا خلقنا لهم مما

بر کافران ۝ آیا ندیدند مشرکان که ما آفریدیم ما برای ایشان

عملت ايدينا انعاما فهم لها مالكون ۝ وذللناها لهم فمنها

چه ... آورد دست قدرت ما از انواع چهارپایان ۝ و رام گردانیدیم ما چهارپایان را

ركوبهم ومنها ياكلون ۝ ولهم فيها منافع ومشارب افلا

[illegible]

يشكرون ۝ واتخذوا من دون الله الهة لعلهم ينصرون

پس چرا شکر نمی‌کنید ۝ و فرا گرفتند مشرکان از جز معبود سزا بتان که بیاری شوند ایشان

لا يستطيعون نصرهم وهم لهم جند محضرون ۝ فلا يحزنك

نمیتوانند آن بتان یاری کردن ایشان و حال آنکه مشرکان مر بتان را لشکر حاضر کردگان

قولهم انا نعلم ما يسرون وما يعلنون ۝ اولم ير الانسان

گفتن ایشان بدرستی که ما میدانیم آنچه نهان میکنند و آشکارا میکنند ۝ آیا ندید آدمی ناسپاس

انا خلقناه من نطفة فاذا هو خصيم مبين ۝ وضرب لنا

که آفریدیم ما او را از قطره آب مرد پس ناگهان او مجادل ظاهر شود ۝ و بیان کرد مر ما را

مثلا ونسي خلقه قال من يحي العظام وهي رميم ۝ قل

مثال و فراموش کرد آفرینش خود در گفت آدمی کیست که زنده میکند استخوانها را و حال آنکه پوسیده شده

يحييها الذي انشاها اول مرة وهو بكل خلق عليم

زنده میکند او را آنکه بدید آورد او را نوبت اول و او بهمه آفرینش داناست

الذي جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه تو

آن خدای که پیدا کرد برای شما از درخت سبز آتش را پس ناگهان شما

قدون ۝ اوليس الذي خلق السموات والارض بقادر

میکنید ۝ آیا نیست آنکه آفرید آسمانها و زمین را توانا

عَلَىٰٓ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ

بر آنکه بیافریند مانند ایشان اری میتواند و او آفریننده دانا است بدرستی فرمودن او

إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ فَسُبْحَانَ الَّذِي

آن کار را چون خواهد چیزی آفریدن مگر آنکه میگوید او را بباش پس میباشد پاک خدائی که

بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

سورة الفتح تسع عشرة آية

بید قدرت پادشاهی همه چیزها و بسوی او باز گردانیده شوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۝ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ

بدرستی که فتح دادیم ما ترا فتحی هویدا یعنی مکه تا آنکه بیامرزد خدا آنچه پیش بود از گناه تو

وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝

و آنچه پس از زمان نبوت بوده و تا آنکه تمام کرداند خدا نعمت خود بر تو و تا آنکه راه نماید ترا راهی راست

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ۝ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ

و تا آنکه یاری کند ترا خدا یاری کردنی غالب او آنست که فرستاد آرام در دلهای

الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ

گرویدگان تا زیاده کنند گرویدنی با گرویدن ایشان و مر خدا راست لشکرهای آسمانها

وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَ

و زمین و هست خدای دانای درست کار تا آنکه درآورد مردان گرویده و

الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

و زنان گرویده را در بوستانهای که میرود از زیر درختان آن جویها جاودانیان در آنجا

وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ وَ

و تا آنکه زایل کرداند از ایشان بدیهای ایشان را و هست آن درآوردن نزد خدا فیروزی بزرگ

يُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ

و تا آنکه عذاب کند او مردان بی ایمان و زنان بی ایمان را و مردان شریک آرنده و زنان

الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ

آنانی که گمان برنده‌اند بخدا گمان بد بر ایشان است گردیدن سختیهای روزگار و خشم گرفت خدا

عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ وَ

بر ایشان و لعنت کرد ایشان و آماده کرد برای ایشان دوزخ و بد جای گشتن است

لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝

مر خدا راست لشکرهای آسمانها و زمین و هست خدای غالب دانای محکم کار

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

بدرستی که ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و مژده دهنده و ترساننده تا بگروید بخدای و پیغامبر او

وتعزروه وتوقروه وتسبحوه بكرة واصيلا ۝ ان الذين

و یاری کنید او را و تا اکه بزرگ دارید و تا اکه تسبیح بگویید بامداد و شبانگاه بدرستی کاتانکه

يبايعونك انما يبايعون الله يد الله فوق ايديهم فمن نكث

بیعت میکنند با تو بدرستی که بیعت میکنند مگر با خدا قدرت خدا پس هر که بشکند

فانما ينكث على نفسه ومن اوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتيه

بدرستی که می شکند او مگر بر تن خود و هر که وفا کرد او با آنچه عهد کرد بر وی خدا پس زود بود دهد

اجرا عظيما ۝ سيقول لك المخلفون من الاعراب شغلتنا

مزدی بزرگ زود بود که بگویند مر ترا باز ماندگان از اعراب که باز داشت ما را

اموالنا واهلونا فاستغفر لنا يقولون بالسنتهم ما ليس في

مالهای ما و کسان ما پس طلب آمرزش کن تو برای ما میگویند ایشان [illegible]

قلوبهم قل فمن يملك لكم من الله شيئا ان اراد بكم

در دلهای ایشان بگو کیست که مالک میشود مر شما را اگر خواست خدا بشما

ضرا او اراد بكم نفعا بل كان الله بما تعملون خبيرا

گزندی را یا خواست و بشما سود مندی را بلکه هست خدا با آنچه میکنید شما آگاه

بل ظننتم ان لن ينقلب الرسول والمؤمنون الى اهليهم

بلکه گمان کردید شما که هرگز باز نگردد رسول و مردان با ایمان بسوی کسان خود

ابدا وزين ذلك في قلوبكم وظننتم ظن السوء وكنتم

همیشه و آراسته شد آن گفتار در دلهای ایشان و گمان بردید شما گمان بد و بودید

قوما بورا ۝ ومن لم يؤمن بالله ورسوله فانا اعتدنا للكافرين

گروهی هلاک شده و هر که ایمان نمی آورد بخدا و رسول او پس بدرستی که ما آماده کردیم

سعيرا ۝ ولله ملك السموات والارض يغفر لمن

کافران آتش افروخته را و مر خدایراست پادشاهی آسمانها و زمین می آمرزد مر آنرا

يشاء ويعذب من يشاء وكان الله غفورا رحيما ۝

که خود میخواهد و عذاب میکند آنرا که خود میخواهد و هست خدای آمرزگار مهربان

سيقول المخلفون اذا انطلقتم الى مغانم لتاخذوها

زود بود که بگویند باز ماندگان از غزا چون بروید شما بسوی غنیمت تا آنکه فرا گیرید

ذرونا نتبعكم يريدون ان يبدلوا كلام الله قل

شما آنرا گویند بگذارید ما را تا آنکه متابعت نماییم شما را میخواهند که بدل کنند سخن

لن تتبعونا كذلكم قال الله من قبل فسيقولون

هرگز متابعت نمائید شما ما را همچنان شما را گفت خدای از پیش پس زود بود که بگویند

بل تحسدوننا بل كانوا لا يفقهون الا قليلا ۝ قل

بلکه حسد میبرید شما با ما بلکه بودند گروهی که نمی فهمند آن را مگر اندکی بگو

المخلفين من الاعراب ستدعون الى قوم اولى باس شديد

بگو مر بازپس ماندگان را از اعراب زود باشد که خوانده شوید شما بسوی گروهی خداوند حرب سخت که

تقاتلونهم او يسلمون فان تطيعوا يؤتكم الله اجرا حسنا

کارزار کنید با ایشان یا ایمان آورند ایشان پس اگر فرمان برید شما را بدهد خدا مزد نیکو

وان تتولوا كما توليتم من قبل يعذبكم عذابا اليما

و اگر اعراض کنید شما چنانچه اعراض کردید از پیش عذاب کند او شما را عذابی دردناک

ليس على الاعمى حرج ولا على الاعرج حرج ولا على

نیست بر کور بزه و نه بر لنگ بزه و نه بر

المريض حرج ومن يطع الله ورسوله يدخله جنات

بیمار بزه و هر که اطاعت میکند خدا را و پیغمبر او را درمی آورد خدا او را در بوستانهای

تجري من تحتها الانهار ومن يتول يعذبه عذابا

که میرود از فرود اشجار آن جویها و هر که اعراض میکند از فرموده عذاب میکند عذابی

اليما لقد رضي الله عن المؤمنين اذ يبايعونك تحت

دردناک بتحقیق خشنود گشت خدا از گروندگان چون بیعت کردند با تو در زیر

الشجرة فعلم ما في قلوبهم فانزل السكينة عليهم و

درخت پس دانست خدا آنچه در دلهای ایشان است پس فرستاد خدا ایمنی را بر ایشان و

اثابهم

اثابهم فتحا قريبا ومغانم كثيرة يأخذونها وكان الله

و داد ایشان را فتحی نزدیک و غنیمتهای بسیار که فرا میگیرند ایشان آنرا و هست

عزيزا حكيما وعدكم الله مغانم كثيرة تأخذونها

خدا غالب دانای محکم کار وعده کرد شما را خدا غنیمتهای بسیار که فرا میگیرید آنرا

فعجل لكم هذه وكف ايدي الناس عنكم ولتكون آية

پس شتاب نمود او برای شما این فتح را یعنی خیبر را و باز داشت دستهای مردم را از شما و تا باشد آیتی

للمؤمنين ويهديكم صراطا مستقيما واخرى لم تقدروا

گروندگان را و نماید او شما را راه راست و فتحی دیگر که توانا نبودید شما

عليها قد احاط الله بها وكان الله على كل شيء قديرا

بر آن بحقیقت فرا گرفت خدا آنرا و هست خدا بر همه چیزی توانا

ولو قاتلكم الذين كفروا لولوا الادبار ثم لا يجدون

و اگر کارزار کردندی با شما آنکه کافر شدند هر آینه پشت دادندی پس نیافتندی

وليا ولا نصيرا سنة الله التي قد خلت من قبل ولن

دوستی و نه یاری کننده حکم خدا است که او بحقیقت گذشت از پیش و هرگز نیابی

تجد لسنة الله تبديلا وهو الذي كف ايديهم عنكم و

تو مر طریق و زمان خدا را تبدیلی و او است که باز داشت دستهای کافران را

أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ
دستهای شما را از ایشان در اندرون مکه از پس آنکه مظفر کرد شما

عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ
بر ایشان و هست خدا بآنچه میکنید شما بینا ایشان آنانند که کافر شدند و باز داشتند شما را

عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ
از مسجد الحرام و از قربانی که حبس کرده شده از آنکه برسد بجایگاه خود

وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ 17
و اگر نه مردان گرونده و زنان ... بودی

تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي
برسد شما را از ایشان مضرتی بی دانستنی تا که در آورد خدا در

رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ
رحمت خود آنرا که خواهد هر آینه عذاب کردیمی آنان را که کافر شدند از ایشان

عَذَابًا أَلِيمًا إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ
عذابی دردناک چون بنهاد کردند آنانکه کافر شدند در دلهای خویش ننگ

حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى
ننگ جاهلیت پس فرستاد خدای سکون خود را بر پیغمبر خود و بر

الْمُؤْمِنِينَ

18 الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا
گروندگان و لازم کرد بر ایشان کلمهٔ توحید را و بودند سزاوارتر بآن و اهل آن

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا
و هست خدای همه چیزی دانا بحقیقت راست کرد خدا با فرستادهٔ خود خوابی

بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ
که دیده بود بحکمت که هر آینه در آیید شما در مسجد الحرام اگر خواهد خدای ایمن

رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ
در حالیکه حلق کنندهٔ سرها و کوتاه کنندهٔ ... نترسید پس دانست خدا آنچه ندانستید شما پس کرد

مِنْ دُونِ ذَٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
از دون فتح مکه فتحی نزدیک خیبر اوست که فرو فرستاد رسول خود را

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ
بهدایت و دین بصواب تا غالب کرداند دین اسلام را بر دینهای همه و بس خدا

شَهِيدًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى
گواه که محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست و آنانکه با او یند سخت دشمن اند

الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ
بر کافران شفیق و مهربانند بر یکدیگر بعینی تو ایشان را رکوع کنندگان سجود کنندگان میجویند

فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ

عطائی از جانب خدا و بخشش او علامت ایشان در رویهای ایشان است از اثر سجود

ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ

اینچه گفتیم داستان ایشان در توریة موسی و مانند آن در انجیل عیسی کو کشت است که زراعت

أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ

که بیرون آورده سبزه خود را پس درشت بایستد بر ساقه خود بشگفت می آورد آن کشت حاجب

پس سطبر گردانند خشم خود را

الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا 19

خود را وعده خدا است آنانرا که ایمان آوردند و کردند

الصَّالِحَاتِ مِنْهُم سورة الرحمن ثمان سبعون آية مكية مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

کارهای نیکو از برای ایشانست آمرزش و مزدی بزرگ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمٰنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ الشَّمْسُ

اوست خدای بخشنده آموزنده آفرید و آدمی را آموزانید او را این نطق فصیح و آفتاب

رسول قرآن

وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا

و ماه مقدر رند بحساب علوم و ستارکان و اشجار سجده کنند او را و آسمان برافراشت

وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ

خدا او را و نهاد بهر راستی آلت وزن که گفت انکار ازحد عدل در مگذرید و بپای دارید سنجش ترازو را

در کار ترازو

بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ

براستی و کم مکنید ترازو را زمین را جای قرار کرد برای مردم

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ وَالْحَبُّ ذُو

و در زمین هست میوه بسیار و خرمابان و خداوند شکوفه و دانه خداوند کاه

20 الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

و روزی و بوی خوش پس بکدام نعمتهای پروردگار تکذیب می نمائید

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ وَخَلَقَ الْجَانَّ

آفرید او آدمی را از گل خشک چون گل کوزه و آفرید او دیو را از

مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ رَبُّ

دود آن آتش پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب می نمائید پروردگار

الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

مکان برآمدن آفتاب و پروردگار مکان نشستن

تُكَذِّبَانِ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ

مرج فرمود این دو دریا را با هم میرسند درمیان این دو ست مانع حاجز

میشوند

ممزوج نمیشوند

فبأيّ آلاء ربكما تكذبان ۝ يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان

پس بکدام نعمتهای پروردگار تان تکذیب

فبأيّ آلاء ربكما تكذبان ۝ وله الجوار المنشآت في

و مر او راست کشتیهای بادبان برداشته در

البحر كالاعلام ۝ فبأيّ آلاء ربكما تكذبان ۝ كل

دریا همچو کوهها هر چه

من عليها فان ۝ ويبقى وجه ربك ذو الجلال والاكرام

بر پشت زمین است فانی است و باقی میماند ذات پروردگار تو خداوند عظمت و کرامت

فبأيّ آلاء ربكما تكذبان ۝ يسئله من في السموات

میخواهند از وی آنچه در آسمانها و

والارض كل يوم هو في شان ۝ فبأيّ آلاء ربكما تكذبان

زمین است همه روزی او در کار دیگر است

سنفرغ لكم ايه الثقلان ۝ فبأيّ آلاء ربكما تكذبان ۝

زود باشد که بپردازیم ما بر شما ... ای

يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار

ای گروه پری و آدمی اگر توانید شما آنکه بیرون روید از کنارهای آسمانها

السموات

السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان ۝

آسمانها و زمین پس بر آیید شما نتوانید شد شما مگر بقهر و غلبه

فبأيّ آلاء ربكما تكذبان ۝ يرسل عليكما شواظ

میفرستد بر شما زبانه

من نار ونحاس فلا تنتصران ۝ فبأيّ آلاء ربكما تكذبان

از آتش و مس گداخته پس منع نتوانید کرد هر دو

فاذا انشقت السماء فكانت وردة كالدهان ۝ فبأيّ آلاء

پس چون شکافته شود آسمان پس شد او گلگون همچو روغن زیتون

ربكما تكذبان ۝ فيومئذ لا يسئل عن ذنبه انس ولا جان ۝

پس در آن روز پرسیده نشود از گناه او هیچ آدمی و نه پری

فبأيّ آلاء ربكما تكذبان ۝ يعرف المجرمون بسيماهم فيؤ

شناخته شوند گناهکاران بر سیمای ایشان پس

خذ بالنواصي والاقدام ۝ فبأيّ آلاء ربكما تكذبان ۝ هذه جهنم

واگرفته شود بموی پیشانی و قدمها ... این دوزخ

التي يكذب بها المجرمون ۝ يطوفون بينها وبين حميم

که تکذیب میکردند آن گناهکاران میگردند گناهکاران در میان آن و میان آب گرم

انِ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ ۰ ولمن خاف مقام

ومر آنکس را است که بترسید از موقف حساب

ربّه جنّتانِ ۰ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ ۰ ذواتا

پرور دگار خود دو بهشت خداوند دو

افنانٍ ۰ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ ۰ فیهما عینانِ

شاخ درخت در آن دو بهشت

تجریانِ ۰ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ ۰ فیهما من

آب روان دران دو بهشت است

کلّ فاکهةٍ زوجانِ ۰ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ ۰ متّکئین

از هر میوه دو صنف تکیه زده بر

علی فُرُشٍ بطائنها من استبرقٍ وجنا الجنّتین دانٍ ۰

فرشهای که آستر های آن از دیبای ستبر است و میوه ان دو جنت نزدیک است

فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ ۰ فیهنّ قاصرات الطرف

در آن بهشت‌ها زنانند فرو داشته چشمها

لم یطمثهنّ انسٌ قبلهم ولا جانٌّ ۰ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ

که از ان بکارت نکرده باشد انهارا آدمی پیش

شدن انها در بهشت و نه پری

کأنّهن

کأنّهنّ الیاقوت والمرجان ۰ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ ۰

گویی که ایشان از نازکی یاقوت قیمتی و مروارید اند

هل جزاء الاحسان الّا الاحسان ۰ فبایّ آلاءِ ربکما

هیچ جزا نبود نیکویی در دنیا مگر نیکویی در آخرت

تکذّبانِ ۰ ومن دونهما جنّتانِ ۰ فبایّ آلاءِ ربکما

و از فرو د آن دو بهشت دو بهشت دیگر است

تکذّبانِ ۰ مدهامّتانِ ۰ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ ۰

پس بکدام نعمتهای پرور دگار شما تکذیب میکنید

فیهما عینانِ نضّاختانِ ۰ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ ۰

در آن دو جنت دو چشمه جوشنده است

فیهما فاکهةٌ ونخلٌ ورمّانٌ ۰ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ ۰

در آن دو جنت میوه است و خرما و نار

فیهنّ خیراتٌ حسانٌ ۰ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ

در آن جنات زنان نیکو روی نیکو خصلت اند پس بکدام نعمتهای پروردگار تکذیب میکنید

حورٌ مقصوراتٌ فی الخیامِ ۰ فبایّ آلاءِ ربکما تکذّبانِ

زنان نیکو مستورند در خیمه‌ها از نور ساخته

لم يطمثهن انس قبلهم ولا جان ۝ فباي الاء ربكما تكذبان ۝

ازالت بکارت نکرده باشد ایشانرا آدمی پیش از ایشان و پری

متكئين على رفرف خضر وعبقري حسان ۝ فباي الاء

حال آنکه تکیه زده گان بر بساط سبز و جامهای گرانمایه نیکو ۝ پس بکدام نعمتهای

ربكما تكذبان ۝ تبارك اسم ربك ذي الجلال والاكرام ۝

پروردگار شما تکذیب میکنید ۝ با برکتست اسم پروردگار تو خداوند عظمت و تعظیم

سورة الواقعة وهي ست وتسعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

اذا وقعت الواقعة ۝ ليس لوقعتها كاذبة ۝ خافضة

چون بیاید وقت به بیامدن قیامت ۝ نیست مر وقت وقوع او را هیچ دروغی ۝ پست کننده

رافعة ۝ اذا رجت الارض رجا ۝ وبست الجبال بسا ۝

گروهی بر دارنده گروهی ۝ چون تحریک داده شد زمین را تحریک [illegible] ۝ [illegible]

فكانت هباء منبثا ۝ وكنتم ازواجا ثلاثة ۝ فاصحاب

پس گردند کوهها مانند غبار متفرق ۝ و باشید شما اصناف سه گانه ۝ پس اهل [illegible] دست راست

الميمنة ما اصحاب الميمنة ۝ واصحاب المشئمة ۝ ما اصحاب

در نیکبختی اند چه چیزند اصحاب دست راست ۝ و اهل [illegible] دست چپ [illegible] ۝ ای عجب چه چیز

المشامه

المشئمة ۝ والسابقون السابقون ۝ اولئك المقربون ۝

دست چپ چه شومی و بدبختی کسی بندگان بخیرات سابقان بجنات ۝ آنگروه ایشان مقربانند

في جنات النعيم ۝ ثلة من الاولين ۝ وقليل من الاخرين ۝

در بوستانهای پر ناز و نعمت ۝ سابقان گروه بسیار از پیشینیان ۝ و اندک اند از بازپسین

على سرر موضونة ۝ متكئين عليها متقابلين ۝ يطوف

بر تختهای آراسته بافته از زر رشته ان ۝ تکیه زدگان اند بر تختها رو بروی یکدیگر ۝ گرد بر آیند

عليهم ولدان مخلدون ۝ باكواب واباريق وكاس

بر ایشان کودکان خدمتکار باقی گذاشته در حالت کودکی ۝ با کوزهای بی گوشه و ابریقهای [illegible]

من معين ۝ لا يصدعون عنها ولا ينزفون ۝ وفاكهة

مملو از شراب [illegible] ۝ که تصدیع داده نشود ایشان را از آن [illegible] و بیهوش نگردند

مما يتخيرون ۝ ولحم طير مما يشتهون ۝ وحور عين ۝

اختیار کنند ایشان ۝ و گوشت مرغان از آنچه آرزو کنند ایشان ۝ و زنان فراخ چشم

كامثال اللؤلؤ المكنون ۝ جزاء بما كانوا يعملون ۝

همچو مروارید ناسفته که مستور باشد از چشم اغیار ۝ پاداشست بانچه بودند که میکردند

لا يسمعون فيها لغوا ولا تاثيما ۝ الا قيلا سلاما سلاما ۝

نشنوند ایشان در آن بهشت سخنی بی فایده و ۝ مگر گفتاری نیکو سلام [illegible] سلام

نه بزه مندی

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ

و یاران دست راست چه چیزند اهل دست راست

وَطَلْحٍ مَنْضُودٍ وَظِلٍّ مَمْدُودٍ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ وَفَاكِهَةٍ

درخت موز در هم نهاده و سایه مبسوط دایم و آب روان غیر منقطع و میوهای

كَثِيرَةٍ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ إِنَّا أَنْشَأْ

بسیار غیر منقطع و غیر منع خلایق از آن و فرشهای مرتفع کشیده در بدرستی که آفریدیم

نَاهُنَّ إِنْشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا عُرُبًا أَتْرَابًا لِأَصْحَابِ

آن زنان را آفرینش پس گردانیدیم ما آن زنان را دوشیزگان شوهر دوست همزاد یکدیگر

الْيَمِينِ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ وَأَصْحَابُ

راست را گروهی از نخستین و گروهی از امم باز پسین و اهل دست

الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ وَظِلٍّ

چپ ای تکلفا چه اند اصحاب دست چپ در آتش زهرآلود و آب گرم و در سایه

مِنْ يَحْمُومٍ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ

از دود سیاه نه با برودت و نه با راحت بدرستی که ایشان بودند پیش

مُتْرَفِينَ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ

متنعمان با تنعم و بودند که گروهی که اصرار مینمودند بر گناه بزرگ

كانوا

كَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُو ثُونَ

و گروهی میگفتند آیا چون مردیم ما و بودیم ما خاک و استخوانها آیا ما برانگیخته شونده ایم

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ

آیا پدران نخستین ما بگو بدرستی پیشینیان و باز پسینان باز زنده شوند

إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ

بسوی میقات گاهی آن روز معلوم پس بدرستی که ای گمراهان تکذیب کنندگان

لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ فَشَا

هر آینه خورنده‌اید از درختی که نام آن زقوم پس پر کننده‌اید از آن شکمها

رِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ هَذَا نُزُلُهُمْ

نوشنده‌اید بر آن از آب گرم پس آشامنده‌اید آشامیدنی چون شتران تشنه

يَوْمَ الدِّينِ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ أَفَرَأَيْتُمْ

ایشان در روز جزا ما آفریدیم شما را پس چرا تصدیق نمیکنید

مَا تُمْنُونَ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ نَحْنُ قَدَّرْنَا

آنچه میریزید شما از نطفه آیا شما می آفرینید آنرا یا ما آفریننده‌ایم ما تقدیر کردیم

بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ

در میان شما مرگ را و نه ایم ما مقهور شده بر آنکه بدل گردانیم مانند شما

وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا

ومی آفرینیم ما شما را در آنچه نمیدانید ۝ و بحقیقت دانستید شما آفرینش نخستین پس چرا

تَذَكَّرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ ۝ ءَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ

پند نمیگیرید ۝ آیا پس دیدید شما آن را که میکارید ۝ آیا شما میرویانید آنرا یا ما

الزَّارِعُونَ ۝ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ

کمال رسانندهایم ۝ اگر خواستیمی هر آینه کردانیدیمی او را کاه ریزه پس شدید شما تعجب کنندگان

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ۝ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ

بدرستی که ما هر آینه غرامت زدگانیم بلکه ما بی‌بهرگانیم ۝ آیا دیدید شما این آب را که می‌آشامید

ءَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ۝ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ

آیا شما فرستادید آن را از ابر یا ما فرستادگانیم ۝ اگر خواستیمی کردانیدیمی

أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ۝ ءَأَنتُمْ

آنرا آبی شور پس چرا سپاس نمیدارید ۝ آیا پس دیدید شما آتش را که بیرون آرید ۝ آیا شما

أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ۝ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً

آفریدید شجرهٔ آتش را یا ما پدید آرندهایم ۝ ما کردانیدیم ما آن شجره را پند

وَمَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ ۝ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ

و بهره مر مسافران را ۝ پس تسبیح کن بنام پروردگار بزرگ ۝ پس سوگند میخورم بمواقع

النجوم

النُّجُومِ ۝ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ۝ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

ستارگان و بدرستی که او هر آینه سوگندیست اگر بدانید بزرگ ۝ بدرستی که هر آینه قرآن بزرگوار است

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ۝ لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ۝ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ

در کتاب لوح محفوظ ۝ مس نکنند او را مگر پاکان از گناهان ۝ نزول از پروردگار

الْعَالَمِينَ ۝ أَفَبِهَٰذَا الْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ ۝ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ

جهانیانست ۝ آیا پس باین احکام قرآن شما سستی کنندگانید ۝ و میگردانید شما روزی خود را

أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ۝ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ ۝ وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ

از خود با که شما تکذیب میکنید ۝ پس چرا چون رسید جان بحلق ۝ و حال آنکه شما در آن هنگام

تَنظُرُونَ ۝ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُبْصِرُونَ

بر حالت کار خود ۝ و ما بقدرت نزدیکتریم بسوی او از شما و لیکن نمی‌بینید

فَلَوْلَا إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ۝ تَرْجِعُونَهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

پس چرا اگر هستید شما جزا داده کان ۝ باز گردانید شما

فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ

پس اما اگر هست او از نزدیکان ۝ پس مر او راست

وَأَمَّا إِن كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝ فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ

و اما اگر هست از یاران دست راست ۝

الْيَمِينِ ۝ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ۝ فَنُزُلٌ

است و اما اگر باشد از دروغ دارندگان گمراهان پس مهمانی ازو

مِنْ حَمِيمٍ ۝ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ ۝ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ۝

از آب جوشان و در آوردن در دوزخ بدرستی که این مذکور است سوره راست و بیقین است

فَسَبِّحْ بِاسْمِ سورة الجمعة احدى عشر آية مكية رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝

پس پاکی یاد کن بنام پروردگار خود را به تعظیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ

پاکی یاد میکند خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است پادشاه پاک از عیب

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ

خدای غالب محکم کار او ست که بر انگیزانند در میان ناخوانندگان اعراب پیغمبری را از ایشان

يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

که میخواند بر ایشان آیتهای او را و پاک میکرداند از کفر و می آموزد ایشان را کتاب و علم شرایع

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا

و اگر چه بودند آن گروه از پیش هر آینه در گمراهی هویدا و آن دیگران از ایشان که از دنبال در نرسیده اند

بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ

و او ست خدای غالب محکم کار آن تعلیم عطای خدا ست که میدهد آنرا

يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ

باکه خود میخواهد و خدای عطای بزرگست داستان آنانکه قبول نمودند عمل اعتقاد حکم توریه

ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ

پس کار نکردند بآن همچه داستان خریست که بر دارد نامه چند را بد داستان

الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

گروه جهود آنانکه تکذیب نمودند بآیتهای خدا و خدا راه نمینماید آن گروه

الظَّالِمِينَ ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ

ستمکاران را بگو ای آنانکه یهودید اگر یقین میدانید اینکه شما دوستانید

لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝

مر خدای را از جز مردمان پس تمنا کنید شما مرگ را اگر هستید شما راستگویان

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝

اینکه تمنا نکنند مرگ را هرگز بسبب آنچه از پیش فرستاده دستهای ایشان و خدا داناست

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ

بگو بدرستی که این مرگ آنست که میگریزید شما از وی پس بدرستی که مرگ رسنده است

[illegible]

إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا

بسوی دانای نهان و اشکار پس بیاگاند او شمارا بانچه بودید شما اانانکه

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا

ایمان آورده اید چون ندا کرده شود مر نماز را از روز آدینه پس شتابید شما

إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

بسوی فرموده خدا و بگذارید خرید و فروخت را بهتر است مر شمارا اگر هستید که

تَعْلَمُونَ ۝ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَوٰةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا

میدانید آنرا پس چون گذارده شد نماز پس پراکنده شوید در زمین و بجوئید

مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝

افزونی روزی از عطای خدا یاد کنید شما خدا را بسیار تا مگر شما رستگار شوید

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا

وچون بینند اگروه بازرگانی یا بازی کنی توجه بینند شها در منبر ایستاده بگو
بسوی ایشان و باز گذارند ترا

عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

انچه نزد خدا است بهتر است از بازی و از بازرگانی و خدا بهترین روزی دهندگان است

سُورَةُ الْمُنَافِقِينَ إِحْدَىٰ عَشَرَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

بسم الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ

چون آمدند بر تو اانانکه منافقاند گویند گواهی میدهیم ما بدرستی که تو هر آینه پیغمبر خدائی و خدا

يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ۝

میداند او بدرستی که تو هر آینه فرستاده اوئی خدا گواهی میدهد بدرستی اهل نفاق هر آینه دروغ گویانند

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا

واگرفتند ایشان سوگندهای خود را بمنزلت سپری پس باز ایستادند از راه دین خدا بدرستی که ایشان بد انچه بودند

يَعْمَلُونَ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ

میکردند آن کذب بانکه ایشان ایمان آوردند پس کافر شدند پس مهر نهاده شد بر دلهای ایشان

فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ۝ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا

پس ایشان حق را نشنوایند و چون بینی تو ایشان را بشگفت آید تنهای ایشان و اگر بگویند

تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ

تو خاموش باش تو در جواب ایشان گوئی انکه چوبهائی اند بدیوار بازداده آوازی بایست را که بر ایشان پندارند اگر وجه آید

هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۝ وَإِذَا

ایشان دشمن دین حقند پس حذر کن از ایشان که لعنت کرد بر ایشان خدا از انچه که مصروف شدند گرده از حق وچون

قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللّٰهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ

گفته شد مر ایشان را که بیایید تا طلب آمرزش کند شما را فرستادهٔ خدا گردانند سرهای خود را و بینی تو ایشان را

يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۝ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ

که باز می ایستند از فرمان و ایشان متکبرند در کار دین   یکسانست بر ایشان اگر طلب آمرزش کردی برای ایشان

أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

یا طلب آمرزش نکردی برای ایشان هرگز نیامرزد خدا گناه ایشان را بهیچ   که خدا راه ننماید گروه ستمکاران را

الْفَاسِقِينَ ۝ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ

ایشان آنانند که میگویند نفقه مکنید شما بر آنانکه نزد در

رَسُولِ اللّٰهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُّوا وَلِلّٰهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

رسول خدا اند تا زمانی که متفرق شوند   و مر خدا راست خزاین آسمانها و زمین

وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ۝ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى

ولیکن آنانکه اهل نفاقند در نمی یابند آنرا   میگویند ایشان هرآینه اگر باز گردیم ما سوی

الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ

سوی مدینه مراد عبدالله بن سلول هرآینه بیرون کرده شود عزیزترین اهل مدینه را بخوارترین   و مر خدا راست عزت و مر پیغمبر او را

وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

و مر گروندگان را   ولیکن آنانکه اهل نفاقند نمیدانند آنرا   ای آنانکه

آمنوا

آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَ

ایمان داریدباز ندارد شما را مالهای شما و نه فرزندان شما از نماز گزاردن و هر که

مَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ

میکند او ترک نماز پس آن گروه ایشان زیان کارانند   و نفقه کنید از آنچه روزی دادیم شما را

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي

پیش از آنکه آید بهر یکی از شما مرگ پس میگوید او ای پروردگار تا خیر کردی مرا

إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَلَنْ

تا مرگ را وقتی نزدیک پس صدقه میدادم و میبودم من از نیکان   و هرگز

يُؤَخِّرَ اللّٰهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝

تاخیر نکند خدا برای هیچ تنی چون آمد وقت مردن آن   و خدا آگاه است با آنچه میکنید شما

سورة الملك بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ وهي ثلثون آيات مكية

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ الَّذِي

بفیض خیرات تمام است آنکه بدست قدرت اوست پادشاهی و او بر همه چیز تواناست   آنکه

خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ

آفرید او مرگ را و زندگی را تا آنکه آزمایش نماید شما را که کدام یک از شما نیکوترین بکار کنید

هو العزيز الغفور الذي خلق سبع سموات طباقا ما ترى

اوست خدای غالب امرزکار آنکه آفرید او هفت آسمان را طبقه طبقه بر زبر یکدیگر

في خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور

ثم ارجع البصر كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا

وهو حسير ولقد زينا السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها

وبحقیقت آراسته کردانیدیم ما آسمان دنیا را بچراغ ستارگان و بدیدیم آن را

رجوما للشياطين واعتدنا لهم عذاب السعير وللذين

متواتر راننده مر دیوان را و مهیا کردانیدیم ما مر دیوان را عذاب آتش افروخته و مر آنها که

كفروا بربهم عذاب جهنم وبئس المصير اذا القوا فيها

کافر شدند به پروردکار خود عذاب آتش دوزخ و بد است جای بازگشت آتش چون افکنده شوند

سمعوا لها شهيقا وهي تفور تكاد تميز من الغيظ كلما

ایشان در آن بشنوند آوازی و آن دوزخ میجوشد و نزدیک است که از هم جدا شود از غضب

القي فيها فوج سالهم خزنتها الم ياتكم نذير قالوا بلى

افکنده شود در دوزخ گروهی بپرسند از ایشان خازنان هیچ بیم کننده نیامد گویند ایشان آری

قد جاءنا

قد جاءنا نذير فكذبنا وقلنا ما نزل الله من شيء

بحقیقت آمد بر ما بیم کننده پس تکذیب نمودیم ما و گفتیم ما که فرو نفرستاد خدا هیچ چیز

ان انتم الا في ضلال كبير وقالوا لو كنا نسمع او نعقل

نه اید شما مگر در گمراهی بزرگ و گویند کافران اگر بودیم ما شنوا یا تعقل میکردیم

ما كنا في اصحاب السعير فاعترفوا بذنبهم فسحقا

نمی بودیم امروز در میان آتش افروخته پس اعتراف کنند آن گروه بگناه خویش پس

لاصحاب السعير ان الذين يخشون ربهم بالغيب لهم

دوری باد اهل دوزخ را بدرستی آنکه میترسند از پروردکار خویش از عذاب نادیده ایشانراست

مغفرة واجر كبير واسروا قولكم او اجهروا به انه عليم

آمرزش و مزدی بزرگ و اگر پنهان کنید گفتار خود را یا آشکار کنید آن بدرستی که او داناست

بذات الصدور الا يعلم من خلق وهو اللطيف الخبير

بآنچه در سینه‌هاست آیا نمیداند آنرا که آفرید و اوست بعلم باطن و پنهان آگاه

هو الذي جعل لكم الارض ذلولا فامشوا في مناكبها وكلوا

اوست که پدید کرد برای شما زمین را رام کرده پس بروید در جوانب او و بخورید

من رزقه واليه النشور ءامنتم من في السماء ان يخسف

شما از روزی او و بسوی اوست برانگیختن آیا ایمن شدید شما از آنکه در آسمان

ازانکه فرو برد

یا رحیم یا غفور یا علیم یا کریم یا نور یا ظاهر یا قدیر یا جبار

بِكُمُ الْاَرْضَ فَاِذَا هِيَ تَمُوْرُ اَمْ اَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاۤءِ اَنْ يُرْسِلَ

او شمارا بزمين پس آنگهان آن زمين مضطرب شوند آيا ايمن شديد شما از آنكه در آسمان است از آنكه فرستادن

عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُوْنَ كَيْفَ نَذِيْرِ وَلَقَدْ كَذَّبَ

بر شما اوى سخت سنگ ريزه پس زود بود كه بدانيد كه چگونه بود وبحقيقت تكذيب نمودند

الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ اَوَلَمْ يَرَوْا اِلَى الطَّيْرِ

آنانكه پيش از زمان ايشان بودند پس چگونه بود انكار و نگرستند آنگروه بسوى مرغان

فَوْقَهُمْ صَاۤفّٰتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ اِلَّا الرَّحْمٰنُ اِنَّهٗ

كه بر زبر ايشان بال گشاده اند نگاه ميدارد ايشان را مگر خداى بخشنده بدرستى

بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيْرٌ اَمَّنْ هٰذَا الَّذِيْ هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُمْ

كه او بهمه چيزى بيناست يا كيست آنكه او لشكر است مر شمارا نصرت دهد

مِنْ دُوْنِ الرَّحْمٰنِ اِنِ الْكٰفِرُوْنَ اِلَّا فِيْ غُرُوْرٍ اَمَّنْ

از دون خداى بخشنده نيستند كافران مگر در فريب يا كيست

هٰذَا الَّذِيْ يَرْزُقُكُمْ اِنْ اَمْسَكَ رِزْقَهٗ بَلْ لَّجُّوْا فِيْ عُتُوٍّ

كه روزى ميدهد شما را اگر باز گيرد خدا روزى خود را بلكه

وَّنُفُوْرٍ اَفَمَنْ يَّمْشِيْ مُكِبًّا عَلٰى وَجْهِهٖۤ اَهْدٰۤى اَمَّنْ

اى پس آنكه براه ميرود ... يا آنكه

يمشي

يَّمْشِيْ سَوِيًّا عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ قُلْ هُوَ الَّذِيْۤ اَنْشَاَكُمْ

براه راست راه نجات بگو او ست كه آفريد شمارا و پيدا كرد

وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ

براى شما شنوائى و بينائى و دلهارا اندكى آيد آنچه سپاس دارى

قُلْ هُوَ الَّذِيْ ذَرَاَكُمْ فِي الْاَرْضِ وَاِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ

بگو او ست آنكه آفريد او شمارا در زمين و بسوى او باز كرد انند شمارا

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ قُلْ

و ميگويند كافران كدام وقت است اين وعده قيامت اگر هستيد شما راستگويان بگو

اِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللّٰهِ وَاِنَّمَاۤ اَنَا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ فَلَمَّا رَاَوْهُ

بدرستى كه نيست دانش او مگر نزد خدا و بدرستى كه من نيستم مگر بيم كننده پس چون ديدند

زُلْفَةً سِيْٓـَٔتْ وُجُوْهُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَقِيْلَ هٰذَا الَّذِيْ كُنْتُمْ

ايشان وعده عذاب سياه شود رويهاى آنانكه كافر شدند و گفته شود اين

بِهٖ تَدَّعُوْنَ قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَهْلَكَنِيَ اللّٰهُ وَمَنْ مَّعِيَ

بآن خواهان بوديد بگو اى ديديد شما اگر هلاك كرد خدا مرا و آنانكه همراه منند

اَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُّجِيْرُ الْكٰفِرِيْنَ مِنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ قُلْ

يا رحمت كرد مارا پس كيست كه خلاص كند كافران از عذاب دردناك بگو

هُوَ الرَّحْمٰنُ اٰمَنَّا بِهٖ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُوْنَ مَنْ هُوَ فِيْ ضَلٰلٍ

اوست خداوند بخشاینده گرویدیم ما باو و بر او توکل کردیم پس زود بود که بدانید که کیست او در گمراهی

مُبِيْنٍ قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَاۤؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَّاْتِيْكُمْ

هویدا بگو دیدید شما اگر گشت آب شما در زمین فرو شده پس کیست که بیارد برای شما

بِمَاۤءٍ مَّعِيْنٍ

سورة النوح عليه السلام مكية وهي ثمان وعشرون آية

شما آب گوارنده را

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اِنَّاۤ اَرْسَلْنَا نُوْحًا اِلٰى قَوْمِهٖۤ اَنْ اَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ

بدرستی که فرستادیم ما نوح را بسوی گروه او و گفتیم که بیم کن گروه خود را پیش از آنکه

اَنْ يَّاْتِيَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ قَالَ يٰقَوْمِ اِنِّيْ لَكُمْ نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ

آید بر ایشان عذابی دردناک گفت ای گروه بدرستی که من شما را بیم کننده هویدا ام

اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاتَّقُوْهُ وَاَطِيْعُوْنِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ

آنکه بپرستید خدا را و بترسید از وی و فرمان برید مرا تا آنکه بیامرزد او برای شما گناهان شما

وَيُؤَخِّرْكُمْ اِلٰۤى اَجَلٍ مُّسَمًّى اِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ اِذَا جَاۤءَ لَا يُؤَخَّرُ

و مهلت دهد شما را تا وقتی نام برده شده بدرستی که وقت خدا چون آید پس داشته نشود

لو كنتم

لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ قَالَ رَبِّ اِنِّيْ دَعَوْتُ قَوْمِيْ لَيْلًا وَّ

اگر هستید شما که بدانید گفت نوح ای پروردگار من بدرستی که من خواندم گروه خود را شب و

نَهَارًا فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَاۤءِيْۤ اِلَّا فِرَارًا وَاِنِّيْ كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ

روز پس نیفزود ایشان را خواندن من مگر گریز و بدرستی که من هرگاه خواندم ایشان را

لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوْۤا اَصَابِعَهُمْ فِيْۤ اٰذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ

تا بیامرزی ایشان را کردند انگشتان خود در گوشهای خود و بر سر کشیدند جامه‌های خود را

وَاَصَرُّوْا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ثُمَّ اِنِّيْ دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا

و اصرار کردند و بزرگی نمودند بزرگی نمودنی پس بدرستی که من خواندم ایشان را آشکارا

ثُمَّ اِنِّيْۤ اَعْلَنْتُ لَهُمْ وَاَسْرَرْتُ لَهُمْ اِسْرَارًا فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوْا

پس بدرستی که من آشکارا گفتم ایشان را و پنهان گفتم ایشان را پنهان گفتنی پس گفتم آمرزش خواهید از

رَبَّكُمْ اِنَّهٗ كَانَ غَفَّارًا يُّرْسِلِ السَّمَاۤءَ عَلَيْكُمْ مِّدْرَارًا

پروردگار خود بدرستی که او هست آمرزگار میفرستد ابر آسمان برای شما باران را

وَّيُمْدِدْكُمْ بِاَمْوَالٍ وَّبَنِيْنَ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ جَنّٰتٍ

و مدد میکند او شما را بمالها و پسران و پدید میکند او برای شما بوستانها

وَّيَجْعَلْ لَّكُمْ اَنْهٰرًا مَا لَكُمْ لَا تَرْجُوْنَ لِلّٰهِ وَقَارًا وَّ

و پدید میکند برای شما جویها را چیست مر شما را که امید نمیدارید عظمت خدا را

قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ۝ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ

بتحقيق آفريد شما را اطوار مختلفه در مرحه و حالت آيا نكريستيد و نديد كه چگونه آفريد خدا هفت آسمان را

طِبَاقًا ۝ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا ۝ وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ۝

طبقه طبقه و پديد كرد او ماه را در آسمان ديا براى روشنى و پديد كرد آفتاب را همچو چراغ

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ۝ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَ

و خدا هميرويانيد براى شما از زمين نبات را پس باز ميكرداند او شما را در زمين

يُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ۝ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ۝ لِتَسْلُكُوا

بيرون مى آورد او شما را بيرون آوردن و خداى پديد كرد او براى شما زمين را زير افكنى تا اكه رويد شما بر زمين

مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ۝ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَ

شما بر راهها دور و نزديك آن جا گفت نوح اى پروردگار من بدرستى كه ايشان نافرمانى كردند

اتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ۝ وَمَكَرُوا مَكْرًا

مرا و تابع شدند آنرا كه نيفزايد او را مال و نه فرزندان مكر زيان و حيلت كردند و مكر كردند

كُبَّارًا ۝ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا

و گفتند ايشان كه مگذاريد شما البته عبادت خدايان خود را و مگذاريد شما عبادت ود را

وَلَا سُوَاعًا ۝ وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ۝ وَقَدْ أَضَلُّوا

و سواع را و نه عبادت يغوث و يعوق و نسر را و بتحقيق گمراه كردند

كَثِيرًا

كَثِيرًا ۝ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ۝ مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا

بسيارى را و نيفزود ستمكاران را مگر گمراهى و از جهت گناهان ايشان غرق كرده شدند و هلاك كرده

فَأُدْخِلُوا نَارًا ۝ فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ۝

پس در آورده شد ايشان در آتش پس نيافتند ايشان مر ياران را از دون لطف خدا هيچ يارى كردن

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ۝

و گفت نوح اى پروردگار من مگذار تو بر روى زمين از كافران و مشركان هيچ كس را

إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا

بدرستى كه تو اگر باز گذرى ايشان را گمراه گردانند ايشان بندگان ترا و نيز ايشان نزايند مگر فاسق

كَفَّارًا ۝ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَ

اى پروردگار من بيامرز تو مرا و مر پدر و مادر مرا و مر آن را كه در آمد در خانه من حال آنكه گرويده باشد

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۝ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ۝

و مر مردان با ايمان و زنان همچنان را و نيفزا تو ستمكاران را مگر هلاكت و خسارت

سورة المزمل بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ عشرون آية وهي مكية

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ ۝ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ

اى جامه بخود در كشنده برخيز تو در شب مگر اندكى از نيمه او يا كمتر از نيمه او

الا قليلا ○ او زد عليه ورتل القرآن ترتيلا ○ انا سنلقي عليك

اندکی یا بیفزا تو بر وانچه گفته شد و به ترتیل خوان قرآن را ترتیل خواندنی بدرستی که ما زود بیفگنیم

قولا ثقيلا ○ ان ناشئة الليل هي اشد وطأ واقوم قيلا ○

گفتاری مشتمل بر احکامی بدرستی که ساعات شب آن سخت ترست و قوی تر با صواب گفتار

ان لك في النهار سبحا طويلا ○ واذكر اسم ربك وتبتل اليه

بدرستی که مر تو راست در روز تردد و اشتغال دور و دراز بکار دین و یاد کن تو نام پروردگار خود را و متوجه شو با او

تبتيلا ○ رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا ○

متوجه شدنی تام پروردگار مکان برآمدن آفتاب و مکان فرو شدن نیست خدای مگر او پس فرا گیر تو او را کارساز

واصبر على ما يقولون واهجرهم هجرا جميلا ○ وذرني

و شکیبایی کن تو بر آنچه مشرکان میگویند و دوری کن از ایشان دوری کردنی تمام و بگذار تو مرا

والمكذبين اولي النعمة ومهلهم قليلا ○ ان لدينا انكالا

و آنانکه تکذیب کنند روز شمار را خداوندان نعمت مهلت ده تو ایشان را اندکی بدرستی که نزد ما ست

وجحيما وطعاما ذا غصة وعذابا اليما ○ يوم ترجف

غلها و عقوبتها و خورشها خداوندان اندوه و عذاب دردناک روزی که بلرزد

الارض والجبال وكانت الجبال كثيبا مهيلا ○ انا

زمین و کوهها و باشند کوهها ریگ توده ریزان بدرستی

ارسلنا اليكم رسولا شاهدا عليكم كما ارسلنا الى فرعون

که فرستادیم بسوی شما فرستاده را گواه بر احوال شما همچنانکه فرستادیم ما بسوی فرعون

رسولا ○ فعصى فرعون الرسول فاخذناه اخذا وبيلا ○

موسی را عاصی شد فرعون برسالت موسی پس فرا گرفتیم ما او را فرا گرفتنی بعذاب

فكيف تتقون ان كفرتم يوما يجعل الولدان شيبا ○

پس چگونه متقی شوید شما که کافر شدید روزی را که میگرداند خدا فرزندان را پیر

السماء منفطر به كان وعده مفعولا ○ ان هذه تذكرة

و این آسمان شکافنده بود از هیبت و عده خدا با آمدن آن روز بدرستی این

فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا ○ ان ربك يعلم انك تقوم

پس هر که میخواهد گو فرا گیرد راه بسوی پروردگار بدرستی که پروردگار تو میداند

ادنى من ثلثي الليل ونصفه وثلثه وطائفة من الذين

برای نماز کمتر از چهار دانگ شب و نیمه شب و دو دانگ شب و گروهی

معك والله يقدر الليل والنهار علم ان لن تحصوه

با تو اند و خدا باندازه میدارد شب را و روز را داناست او که هرگز نتوانید ضبط

فتاب عليكم فاقرءوا ما تيسر من القرآن علم ان سيكون

اوقات شب کردن پس فرض کرد او بر شما پس بخوانید آنچه آسان است از قرآن داناست او که زود بود

مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ

از شما بیمار شود و آن دیگران که میروند ایشان در زمین برای تجارت که میجویند از فزونی

فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ

روزی را از عطای خدا و آن دیگران که کارزار میکنند در راه دین خدا پس بخوانید شما آنرا که آسان است

مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا

از قرآن و نماز و بپای دارید نماز را و بدهید شما حقوق مال را و معامله کنید شما با خدا

حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ

وام خالص نیکو و آنچه از پیش میفرستید شما مر تنهای خود را از نیکوئی بیابید شما آنرا در نزد خدا

هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

حال آنکه بهتر است و نیکوتر بطریق مزد طلب آمرزش کنید شما از خدا بدرستی که خدا آمرزگار

سورة القيمة بسم الله الرحمن الرحيم اربعون آيات وهي مكية

ابتدا بنام خداوند بخشاینده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ

نه قسم یاد میکنیم من بآمدن روز قیامت و نه قسم یاد میکنیم من بر تن ملامت کننده آیا میپندارد آدمی

أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ

که هرگز فراهم نیاوریم ما استخوانهای او را آری توانائیم بر آنکه تالیف کنیم ما دوباره انگشتان او را

بل يريد

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ

بلکه میخواهد آدمی تا آنکه بی باک ماند ... میپرسد که کی باشد روز قیامت

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ وَخَسَفَ الْقَمَرُ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ يَقُولُ

بگو هرگاه که متحیر شود دیده و بی نور شود کواکب و فراهم آیند آفتاب و ماه بیک ... میگوید

الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ كَلَّا لَا وَزَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ

میگوید آدمی در آن روز که مکان گریز کجاست حقا که نیست پناهگاهی بسوی پروردگار تو در آن روز

الْمُسْتَقَرُّ يُنَبَّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ بَلِ الْإِنْسَانُ

قرارگاه ... آگاهانیده میشود آدمی در آن روز بآنچه از پیش فرستاده ... بلکه آدمی

عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ

برای عمل کردن بر تن خود بیناست و اگرچه پیش آرد آدمی عذر خود را ... مجنبان تو بآن زبان خود را

لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ

تا آنکه شتاب نمائی بدرستی بر ماست فراهم آوردن ... پس چون خواهیم ما قرآن را تو پس تابع شو تو

قُرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

حکم او را پس بدرستی بر ماست بیان ... حقا بلکه دوست میدارید شما سرای گذرنده را

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا

و میگذارید شما سرای باقی را رویهای نیکوان در آن روز تازه‌اند بسوی پروردگار خود

ناظرة • ووجوه يومئذ باسرة • تظن ان يفعل بها

نگرستن نیکو • و روهای بدکاران در انروز ترش باشند • بیقین دانند او اگر کرده شود بدیشان

فاقرة • كلا اذا بلغت التراقي • وقيل من راق • وظن

کمرشکننده • حقا که چون برسد جان بچنبره گردن او و گفته شود کیست فسون کننده • و بیقین داند او

انه الفراق • والتفت الساق بالساق • الى ربك يومئذ المساق

که آن روز جدایست • و بپیچد ساق پای او بساق پای او • تا به پروردگار تو در آن روز حکم کردن است

فلا صدق ولا صلى • ولكن كذب وتولى • ثم ذهب

پس کس نه داد زکوة و نگزارد نماز فرض و لیکن تکذیب قیامت کرد و اعراض از حکم قرآن نمود پس برفت

الى اهله يتمطى • اولى لك فاولى • ثم اولى لك فاولى •

بر اهل خود متبخترانه • وای بر تو پس وای بر تو • پس وای بر تو پس وای بر تو

ايحسب الانسان ان يترك سدى • الم يك نطفة من مني

آیا می پندارد آدمی که گذاشته شود بیهوده و معطل • آیا نبود او قطره از آب منی که ریزند

يمنى • ثم كان علقة فخلق فسوى • فجعل منه الزوجين

پس گشت او بعد از آن گروهی خون بسته پس بیافرید و درست کرد • پس بیافرید از او دو صنف

الذكر والانثى • اليس ذلك بقادر على ان يحيي الموتى

نر و ماده • آیا نیست آن خدای توانا بر آنکه زنده گرداند مردگان را

سورة

سورة الدهر بسم الله الرحمن الرحيم احدى وثلثون آية مكية

هل اتى على الانسان حين من الدهر لم يكن شيئا مذكورا

آیا آمد بر آدمی هنگامی از روزگار که نبود او چیزی یاد کرده شده

انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتليه فجعلناه سميعا

بدرستی که ما بیافریدیم ما آدمی را از قطره آب منی که آمیخته شده بود تا امتحان نمودیم او را پس گردانیدیم او را شنوا

بصيرا • انا هديناه السبيل اما شاكرا واما كفورا • انا

بینا • بدرستی که ما نمودیم ما آدمی را راه هدایت و ضلالت تا باشد شاکر نعمت یا کافر نعمت • بدرستی

اعتدنا للكافرين سلاسل واغلالا وسعيرا • ان الابرار يشر

که ساخته ایم ما مر کافران را زنجیرها و غلهای گران و آتش افروخته • بدرستی نیکوکاران

بون من كاس كان مزاجها كافورا • عينا يشرب بها

شراب خورند از کاسهای زرین هست آمیزش و مزه آن از کافور • چشمه که می آشامند از آن

عباد الله يفجرونها تفجيرا • يوفون بالنذر ويخافون يوما

بندگان خدا روان میکردانند آن را هر جا که میخواهند • وفا میکنند نذر را و میترسند از روزی

كان شره مستطيرا • ويطعمون الطعام على حبه مسكينا و

هست بدی آن منتشر گشته تمام منتشر گشته • و میدهند آن گروه طعام با وجود احتیاج طعام بر دوستی خدا درویشان را

يتيما واسيرا ۝ انما نطعمكم لوجه الله لا نريد منكم جزاء

و بی پدران را و بردگان را میگویند بهشتی که طعام میدهیم شما را مگر برضای خدا نمیخواهیم از شما هیچ پاداشی

ولا شكورا ۝ انا نخاف من ربنا يوما عبوسا قمطريرا ۝ فوقىهم

و سپاسی داری بهشتی که میترسیم ما از پروردگار خود روزی را که ترش روی است پس نگاه داشت ایشان را باهول بسیار و کثیر در اخبار

الله شر ذلك اليوم ولقىهم نضرة وسرورا ۝ وجزىهم بما

خدا از بدی آن روز یعنی قیامت و در آورد ایشان را در ... تازگی تمام و پاداش دهد ایشان را

صبروا جنة وحريرا ۝ متكـٔين فيها على الارائك لا يرون

بانچه صبر کرده بهشت و جامهای حریر تکیه کنندگان بوده بر آن تختهای آراسته که نمی بینند اگر کرده

فيها شمسا ولا زمهريرا ۝ ودانية عليهم ظللها وذللت قطو

در آنجا گرمی آفتاب و نه سردی سرما را بر ایشان سایها و رام کرده شده میوهای آن

فها تذليلا ۝ ويطاف عليهم بانية من فضة واكواب

رام کردنی و گردانیده میباشد بر ایشان کاسهای از نقره خام و کوزهای بی گوشه

كانت قواريرا ۝ قواريرا من فضة قدروها تقديرا ۝ و

که باشند آن ظروف بپاکی همچه آبگینه از نقره خام که اندازه کرده اند اهل بهشت بر حسب عادت خود

يسقون فيها كاسا كان مزاجها زنجبيلا ۝ عينا فيها تسمى

می نوشانند اهل بهشت شراب بهشت بکاسهای که هست طعم آن مزه آن همچه زنجبیل در بهشت چشمه را که در بهشت است او نام نهاده شد

سلسبيلا

سلسبيلا ۝ ويطوف عليهم ولدان مخلدون اذا رايتهم

سلسبیل و گرد بر می آیند بر ایشان کودکان خدمتکاران همیشه در حالت کودکی اگر ببینی ایشان را پنداری ایشان را

حسبتهم لؤلؤا منثورا ۝ واذا رايت ثم رايت نعيما و

که ایشان مروارید افشانده اند و چون بینی تو بهشت را پس بینی تو نعمت بی زوال را و

ملكا كبيرا ۝ عاليهم ثياب سندس خضر واستبرق

پادشاهی بزرگ را که از آن انتقال نیست بر بالای ایشان رختهای جامهای دیبای تنک سبز و دیبای ستبر

وحلوا اساور من فضة وسقىهم ربهم شرابا طهورا ۝

و زیور کرده ایشان را به دستوار و ربجها از نقره خام و سیراب ایشان را پروردگار ایشان شراب پاک

ان هذا كان لكم جزاء وكان سعيكم مشكورا ۝ انا

بهشتی که این مذکور است مر شما را پاداشتی و هست سعی شما که تحصیل خیر بود ستوده

نحن نزلنا عليك القران تنزيلا ۝ فاصبر لحكم ربك ولا

فرو فرستادیم بر تو این قرآن را فرو فرستادنی پس شکیبایی نما تو مر حکم پروردگار خود را

تطع منهم اثما او كفورا ۝ واذكر اسم ربك بكرة و

و ذکر کن بپاکی پروردگار خود را در

اصيلا ۝ ومن الليل فاسجد له وسبحه ليلا طويلا ۝ ان

بامداد و آخر روز و بعضی از شب پس سجده کن مر خدا را و نماز تهجد کن تو ورا در شبهای دراز بر پیش

هؤلاء يحبون العاجلة ويذرون وراءهم يوما ثقيلا

بدرستی اینان که کافرند دوست میدارند سرای گذرنده را و میگذارند آنرا که در پیش ایشان است روزی گران

نحن خلقناهم وشددنا أسرهم وإذا شئنا بدلنا أمثالهم

ما آفریدیم ما ایشانرا و با قوت کردانیدیم ترکیب ایشانرا و چون خواهیم ما که بدل آریم مانند ایشانرا

تبديلا إن هذه تذكرة فمن شاء اتخذ إلى ربه سبيلا

ایشانرا هلاک کردنی بدرستی که این قرآن پندیست پس هر که خواهد او کو فرا گیرد بسوی پروردگار خود راهی را

وما تشاءون إلا أن يشاء الله إن الله كان عليما حكيما

و فرا نمیگیرید از شما راه مگر آنکه میخواهد خدا بدرستی که خدا هست دانای محکم کار

يدخل من يشاء في رحمته والظالمين أعد لهم عذابا أليما

در آورد خدا آنرا که میخواهد او در سایه رحمت خود و آنانکه ستمکارانند آماده کرد ایشانرا عذابی دردناک

سورة النبأ بسم الله الرحمن الرحيم اربعون ايات مكية

الجزء الثلثون كلام الله

عم يتساءلون عن النبإ العظيم الذي هم فيه مختلفون

از چه میپرسند کروه تو را از خبر قیامت در غایت عظیم و هیبت آنکه ایشان در وقوع آن مختلف اند

كلا سيعلمون ثم كلا سيعلمون ألم نجعل الأرض مهادا

حقا زود بود که بدانند آن کروه پس حقا زود بود که بدانند آیا بدید نکردیم ما زمین را برای آرامگاه

والجبال

والجبال أوتادا وخلقناكم أزواجا وجعلنا نومكم سباتا

و کوهها را برای میخها و آفریدیم ما شمارا صنف صنف و بدید کردیم ما خواب شما را برای آرامش

وجعلنا الليل لباسا وجعلنا النهار معاشا وبنينا فوقكم

و بدید کردیم ما شب را پوشش و بدید کردیم ما روز را سبب روزی و بنا نهادیم ما زبر شما

سبعا شدادا وجعلنا سراجا وهاجا وأنزلنا من المعصرات

هفت طبقه آسمان استوار و بدید کردیم ما در آن چراغی افروخته و فرو فرستادیم ما از ابرهای گران بار

ماء ثجاجا لنخرج به حبا ونباتا وجنات ألفافا إن يوم

آب شیرین ریزان تا بیرون آریم به سبب آن آب دانه را و چراگاه مواشی و بوستانهای درختان

الفصل كان ميقاتا يوم ينفخ في الصور فتأتون أفواجا

جدایی هست او را وقت معین روزی که دمیده شود در صور پس می آیید شما گروه گروه

وفتحت السماء فكانت أبوابا وسيرت الجبال فكانت

و گشاده شود در آسمان پس باشد آسمان درها و روان کردانیده شده کوهها پس

سرابا إن جهنم كانت مرصادا للطاغين مآبا لابثين

همچو آب بی آب بدرستی که دوزخ هست جای رصد ستمکارانرا جای بازگشت درنگ کنندگان

فيها أحقابا لا يذوقون فيها بردا ولا شرابا إلا حميما

در آن دوزخ روزگارها نچشند در آن سردی و نه آشامیدنی مگر آب گرم

وَغَسَّاقًا ۝ جَزَآءً وِفَاقًا ۝ اِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ۝ وَ

وحال آنکه جزای کردار بدرستی که ایشان هستند که نمی امید داشتند از حساب کردار او

كَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَا كِذَّابًا ۝ وَكُلَّ شَيْءٍ اَحْصَيْنٰهُ كِتٰبًا ۝

تکذیب نمودند دلایل قدرت ما را تکذیب نمودنی و همه چیزی بر شمردیم ما آنرا در لوح محفوظ

فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ اِلَّا عَذَابًا ۝ اِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ۝

پس کوئیم بچشید شما عذاب را پس هرگز زیاده نکردانیم ما برای شما مگر عذاب بدرستی که پرهیزکاران راست رستگاری

حَدَآئِقَ وَاَعْنَابًا ۝ وَكَوَاعِبَ اَتْرَابًا ۝ وَكَاْسًا دِهَاقًا ۝

بوستانهای پر از خرما و انگور و زنان نارپستان همسران و ظرفهای پر کرده از شراب طهور

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذّٰبًا ۝ جَزَآءً مِنْ رَبِّكَ عَطَآءً

و نشنوند آن گروه در بهشت سخن بیفایده و نه دروغی آن پاداشتیست از پروردگار تو فضلیت

حِسَابًا ۝ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمٰنِ لَا

کافی تمام بگو پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان هر دو خداوند بخشنده

يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ۝ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلٰٓئِكَةُ صَفًّا

مالک نشوند خلایق در آنروز هیچ سخنی را روزی جبرئیل و فرشتگان صف صف ایستاده

لَا يَتَكَلَّمُونَ اِلَّا مَنْ اَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ۝ ذٰلِكَ

سخن نمیگویند هیچ کس مگر کسی که دستوری دهد مر او را خدای بخشاینده و گفت آنکه گوید کلمه توحید

الیوم

اَلْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهِ مَاٰبًا ۝ اِنَّآ اَنْذَرْنٰكُمْ

آن خلق آن روز یقین آمدنیست پس هر که میخواهد فرا گیرد بسوی پروردگار خود بازگشت بدرستی که بیم کردیم ما شما را

عَذَابًا قَرِيبًا ۝ يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ

بعذابی نزدیک روزی که می بیند مرد آنرا از پیش فرستاده است دو دست او و میگوید کافر

يٰلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ۝

ای کاشکی من بودمی خاک

سورة الاعلى تسع عشر آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلَى ۝ الَّذِي خَلَقَ فَسَوّٰى ۝ وَالَّذِي قَدَّرَ

بپاکی یاد کن تو نام پروردگار خود برتر آنکه آفرید و تراپس راست کرد و آنکه باندازه کرد

فَهَدٰى ۝ وَالَّذِي اَخْرَجَ الْمَرْعٰى ۝ فَجَعَلَهُ غُثَآءً اَحْوٰى ۝ سَنُقْرِئُكَ

موجودات را و نبوت و آنکه بیرون آورد او گیاه پس گردانید آنرا خشک سیاه زود بود که خوانیم ما بر تو

فَلَا تَنْسٰى ۝ اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ اِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفٰى ۝ وَ

پس فراموش نکنی تو مگر آنرا که خواست خدا بدرستی که میداند او آشکار را و آنچه نهانست و

نُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرٰى ۝ فَذَكِّرْ اِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرٰى ۝ سَيَذَّكَّرُ

آسان گردانیدیم ما برای خواندن قرآن پس پند ده تو امت را اگر سود کند پند زود بود که پند گیرد

مَنْ يَخْشٰى ۝ وَيَتَجَنَّبُهَا الْاَشْقَى ۝ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرٰى ۝

آنکه میترسد او و دور بود که دوری جوید از پند بدبخت ترین مردمان آنکه در آید بآتش بزرگتر که دوزخست

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ وَذَكَرَ اسْمَ

پس نه میرد او در آن آتش و نه زنده ماند بتحقیق رستگاری یافت کسی که پاک شد از گناه و یاد کرد نام

رَبِّهِ فَصَلَّىٰ ۝ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا ۝ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ

پروردگار خود را پس نماز کرد بلکه اختیار میکنید شما زندگانی این جهان را و آن جهان بهتر است

أَبْقَىٰ ۝ إِنَّ هَٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ۝ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ

باقی تر بدرستی که این احکام هر آینه در نامهای پیشینیان نخستین است در نامهای ابراهیم

مُوسَىٰ

و موسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۝ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ۝

بحق آفتاب و روشنی چاشتگاه و بحق ماه چون در پی آن آید و بحق روز چون تجلی نماید طلوع آفتاب

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ۝ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ۝ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ۝

و بحق شب چون برابر آید او آفتاب را و بحق آسمان و آن خالقی که بنا نهاد او را و بحق زمین

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۝ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۝ قَدْ

و بحق تنها و آنچنان حکیمی که کامل کرد او را پس الهام داد او بدکاران و پرهیزگاران را بحقیقت

أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۝ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۝ كَذَّبَتْ

رستگاری یافت کسی که نگاه داشت نفس را از گناه کردن و بتحقیق نومید شد آنکه گذاشت نفس را بگناه کردن تکذیب نمود قبیله

ثَمُودُ

ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ۝ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۝ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ

ثمود انبیا را بسبب طغیان نفس چون عزم کشتن ناقه کرد بدبخت ترین آن قبیله پس گفت مر ایشان را صالح

اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۝ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا ۝ فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ

که این شتر خدا است حذر کنید از کشتن و منع آب پس تکذیب نمودند او را پس کشتند شتر را پس عقاب کرد بر ایشان

رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۝ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۝

پروردگار ایشان بسبب گناهان ایشان پس یکسان بود و نمی ترسد از عذاب آخرت ملوکان دنیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ۝ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ

و بحق شب چون فرو پوشد ظلمت او را و بحق روز چون منور سازد طلعت و بحق آنچه آفرید نر

وَالْأُنْثَىٰ ۝ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ۝ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۝

و ماده بدرستی که کوشش شما هر آینه در کردار مختلف است پس اما آنکه داد او حقوق مال را و پرهیزگاری نمود

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ۝ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ

و تصدیق نمود بخصلت نیکوتر پس زود بود که آسان کردانیم او را و اما آنکه بخیل شد

وَاسْتَغْنَىٰ ۝ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ۝

بی نیازی نمود و تکذیب نمود بخصلت نیکوتر پس زود باشد که آسان کنیم بروی شدت عذاب

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ۝ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ۝ وَإِنَّ لَنَا

و باز ندارد او را عذاب مال های او هرگاه که بمیرد بدرستی که بر حکم ماست هر آینه راه نمودن بدرستی که مر ماراست

لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ۝ فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ۝ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا

هر آینه آن جهان و این جهان نیز پس بیم میکنیم من شما را با آتشی که زبانه کشنده است

الْأَشْقَى ۝ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ۝ الَّذِي

مگر بدبخت ترین مردمان آنکه دروغ داشت و زود بود که بجانب یابد از آتش پرهیزکارتر مردم آنکه

يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ۝ وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰ ۝

میدهد حق مال خود را از گناه پاکی میکند

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ۝ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ۝

سورة الضحى بسم الله الرحمن الرحيم احدى عشر آية

وَالضُّحَىٰ ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ۝ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ۝

بحق چاشتگاه و بحق شب چون تاریک شد وداع نکرد ترا پروردگار تو و دشمن نگرفت

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ۝ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ

و هر آینه آن جهان بهتر است مر ترا از این جهان و هر آینه زود بود که عطا کند تو

رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ۝ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ۝ وَوَجَدَكَ ضَالًّا

پروردگار تو پس خشنود شوی تو از وی آیا نیافت ترا یتیم پس جای داد ترا و یافت ترا راه گم کرده

فَهَدَىٰ ۝ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ۝ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۝

پس راه نمود ترا و یافت ترا درویش پس توانگر کرد ترا پس اما یتیم را پس خشم مکن تو بر ایشان

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۝ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۝

و اما خواهنده خیر را پس بانگ درشت مزن تو بر ایشان و اما بنعمت پروردگار تو پس خبر ده

بسم الله الرحمن الرحيم

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۝ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ۝ الَّذِي أَنقَضَ

آیا نه گشاده کردیم ما برای تو سینه ترا و برداشتیم ما از دوش تو ثقل بار گران

ظَهْرَكَ ۝ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۝ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ إِنَّ

بود پشت ترا و بلند کرده ایم برای تو نام ترا که با هر دشواری آسانی است

مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۝ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝

با هر دشواری آسانی است چون فارغ شدی تو از طاعت پس رنجه شو بعبادت و بسوی پروردگار تو پس رغبت نمای

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ۝ وَطُورِ سِينِينَ ۝ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ۝

بحق انجیر و بحق درخت زیتون و بحق طور سینا و بحق این شهر مکه

لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ۝ ثم رددناه اسفل

بحقیقت آفریدیم ما آدمی را در نکوترین صورتی و قامت   پس باز گردانیدیم ما او را

سافلین ۝ الا الذین امنوا وعملوا الصالحات فلهم

که طبقه زیر   مگر آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای نیکو   پس مر ایشان راست

اجر غیر ممنون ۝ فما یکذبک بعد بالدین ۝ الیس الله

مزدی جز منت   پس چه چیز کاذب میگرداند ترا ازین برهان بروز جزا   ای نیست خدا

باحکم الحاکمین

غالب ترین حکم کنندگان

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا بنام خداوند بخشاینده مهربان

انا انزلناه فی لیلة القدر ۝ وما ادریک ما لیلة القدر ۝

بدرستی که ما فرستادیم ما قرآن را در شب قدر   و چه دانی تو که چه عزت و شرف شب قدر است

لیلة القدر خیر من الف شهر ۝ تنزل الملائکة والروح

طاعت شب قدر بهتر از هزار ماه که در او شب قدر نباشد   نزول مینمایند ملایکه و جبرئیل

فیها باذن ربهم من کل امر ۝ سلام هی حتی مطلع الفجر ۝

در آن شب بفرمان پروردگار خویش از برای هر فرمانی   تا تمام شب   تا هنگام برآمدن صبح

بسم الله الرحمن الرحیم

اذا زلزلت الارض زلزالها ۝ واخرجت الارض اثقالها ۝ و

چون مضطرب و متحرک گرداند زمین متحرک شدنی   و بیرون افکند زمین هر گرانی که در درون است

قال الانسان ما لها ۝ یومئذ تحدث اخبارها ۝ بان

و گفت آدمی چیست مر زمین را که متحرک شده   در آن روز سخن میگوید زمین

ربک اوحی لها ۝ یومئذ یصدر الناس اشتاتا لیروا اعما

پروردگار تو الهام فرمود مر او را   در آن روز   تا آنکه ببینند خلایق جزای کردار

لهم ۝ فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره ۝ ومن یعمل مثقال ذرة

خود را   پس هر که بکند   و هر که بکند

شرا یره ۝

بسم الله الرحمن الرحیم

والعادیات ضبحا ۝ فالموریات قدحا ۝ فالمغیرات صبحا ۝

فاثرن به نقعا ۝ فوسطن به جمعا ۝ ان الانسان لربه

لَكَنُودٌ وَإِنَّهُ عَلَى ذَلِكَ لَشَهِيدٌ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

وبدرستی که خدا بر آدمی ناسپاس است ... وبدرستی که آدمی در دوستی مال بخیلست

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ إِنَّ

آیا نمیداند آدمی که چون بر انگیخته شود آنچه در گورهاست و پدید آورده شد آنچه در سینهاست بدرستیکه

رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ

پروردگار ایشان بکار ایشان ... آگاهست

بسم الله الرحمن الرحيم

الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ يَوْمَ يَكُونُ

قیامت قیامت تو چه دانی که چیست قیامت روزی که میباشد

النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

آدمی همچو ملخ خورد ... پراگنده و باشد کوهها همچو پشم رنگین

الْمَنْفُوشِ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

زده شده پس اما هر که گران کرد موازین نیکوی او پس او در زیستنی ... پسندیده

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ

واما هر که سبک آمد موازین نیکوی او پس جای بگاه او دوزخست و چه دانی تو چه ...

نَارٌ حَامِيَةٌ

آتش بغایت سوزانست

بسم الله

بسم الله الرحمن الرحيم

أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ كَلَّا سَوْفَ

تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ

يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

بنام خدا ... مهربان ...

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

بسم الله الرحمن الرحيم

ويل لكل همزة لمزة الذي جمع مالا وعدده يحسب ان

ماله اخلده كلا لينبذن في الحطمة وما ادراك ما الحطمة

عذاب دوزخ

نار الله الموقدة التي تطلع على الافئدة انها عليهم موصدة

آتش افروخته یعنی

في عمد ممددة سورة الفيل وهي خمس آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

الم تر كيف فعل ربك باصحاب الفيل الم يجعل كيدهم

في تضليل وارسل عليهم طيرا ابابيل ترميهم بحجارة من

سجيل فجعلهم كعصف ماكول سورة قريش وهي اربع آيات

بسم الله

بسم الله الرحمن الرحيم

لايلاف قريش ايلافهم رحلة الشتاء والصيف فليعبدوا

رب هذا البيت الذي اطعمهم من جوع وامنهم من خوف

بسم الله الرحمن الرحيم

ارايت الذي يكذب بالدين فذلك الذي يدع اليتيم

ولا يحض على طعام المسكين فويل للمصلين الذين هم

عن صلاتهم ساهون الذين هم يراءون ويمنعون الماعون

بسم الله الرحمن الرحيم

انا اعطيناك الكوثر فصل لربك وانحر ان شانئك هو الابتر

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ

مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ

مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ

بسم الله الرحمن الرحيم

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي

دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ

تَوَّابًا

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا نام خداوند بخشاینده مهربان در دنیا و آخرت بی مونثا

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ

سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِيدِهَا

حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ

لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ

غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ سُورَةُ النَّاسِ وَهِيَ سِتُّ آيَاتٍ

و از بدی حسد برنده چون حسد برد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده و مهربان در دنیا و آخرت

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ مَلِكِ النَّاسِ ۝ اِلٰهِ النَّاسِ ۝

بگو پناه میگیرم من بپروردگار آدمیان و پادشاه آدمیان و خدای آدمیان

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ ۝ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِيْ يُوَسْوِسُ فِيْ

از بدی هر دیو دمنده و سوسه کننده باز پس شونده نزد ذکر خدا که حدیث نهانی میگوید در

صُدُوْرِ النَّاسِ ۝ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝ هذا شرح دعاء آیة الکرسی

سینهای آدمیان از پری و آدمیان

منقولست که هر که بعد از هر نماز فریضه آیة الکرسی بخواند او را از
دخول بهشت هیچ مانع نباشد زیرا که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که حق تعالی امر فرمود باین آیات مبارکات بفرود آمدن بزمین که سوره
الحمد و آیة الکرسی و شهد الله و قل اللهم بود این آیات مبارکات بعرش عظیم
تعلق گرفت گفتند بار خدایا ما را بر گناه کاران در سرای ذلت و معاصی
خواهی فرستاد و ما از عرش پاکیزه او بخته بودیم حق تعالی وحی برایشان
نمود که فرود آئید بحق خود که چندین هزار عاصی بسبب شما مستوجب بهشت خواهند
شد زیرا که هر که تلاوت شما کند در عقب هر نمازی هر روز هفتاد نوبت

نظر عنایت

نظر عنایت بروی اندازم در هر نظری هفتاد حاجت برآورم و گناه او را
بیامرزم و او را در حظیره قدس جای دهم هذه الآیات المبارکات

اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ لَا تَأْخُذُهٗ سِنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ

[illegible]

لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِيْ يَشْفَعُ

[illegible]

عِنْدَهٗٓ اِلَّا بِاِذْنِهٖ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا

[illegible]

يُحِيْطُوْنَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖٓ اِلَّا بِمَا شَآءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

[illegible]

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَلَا يَـُٔوْدُهٗ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ

[illegible]

الْعَظِيْمُ ۝ لَآ اِكْرَاهَ فِي الدِّيْنِ قَدْ تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ

[illegible]

الْغَيِّ فَمَنْ يَّكْفُرْ بِالطَّاغُوْتِ وَيُؤْمِنْ بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ

[illegible]

بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم الله ولي

الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور والذين كفروا

اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات

اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون لله ما في السموات

وما في الارض وان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحا

سبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء

والله على كل شيء قدير امن الرسول بما انزل اليه

من ربه والمؤمنون كل امن بالله وملائكته وكتبه

ورسله لا نفرق بين احد من رسله وقالوا سمعنا و

اطعنا غفرانك ربنا واليك المصير لا يكلف الله

نفسا الا وسعها لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت ربنا لا

تواخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا ولا تحمل علينا اصرا

كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا

ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت

مولنا فانصرنا على القوم الكافرين الذين يقولون

ربنا اننا امنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار

الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين والمستغفرين

بالاسحار شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة و

اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان

الدين عند الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب

الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر

بايات الله سريع الحساب قل اللهم مالك الملك تؤتي

الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز

من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل

شئ

شئ قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في

الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي

وترزق من تشاء بغير حساب ربنا لا تزغ قلوبنا

اي پروردگار ما کژ مگردان دلهاي ما

بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك

بعد از آنکه راه نمودي ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتي بدرستيکه

انت الوهاب ربنا انك جامع الناس ليوم لا ريب

توئي بخشنده بکمال اي پروردگار ما بدرستيکه تو جمع کننده مردماني از براي روزي که نيست شکي

فيه ان الله لا يخلف الميعاد ما كان محمد ابا احد

در وي بدرستيکه خدا خلاف نکند وعده را نبود محمد صلي الله عليه وسلم پدر هيچ يکي

من رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين

از مردان شما وليکن فرستاده خدا است و ختم پيغمبران است

وكان الله بكل شئ عليما هو الاول والاخر و

و هست خدا بهمه چيزي دانا

الظاهر والباطن وهو على كل شيء عليم لقد جاءكم

رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم

فرستاده از جنس شما ... حریص است بر گروید شما

بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله

الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم والهكم اله

واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم قل لو كان البحر مدادا

لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي و

لو جئنا بمثله مددا قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما

الهكم اله واحد فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل

... پس هر که هست که امید دارد جزای پروردگار خود باید

عملا

عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا وسيق الذين

که کار کند کاری نیکو و باید که شریک نگرداند به پرستش پروردگار خود هیچ کس را و رانده شوند آنانکه

اتقوا ربهم الى الجنة زمرا حتى اذا جاؤها وفتحت ابوابها

اگر ترسیدند از پروردگار خود به سوی بهشت گروه گروه تا چون آمدند آن گروه به بهشت و گشاده شد درهای بهشت

وقال لهم خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين

و گفت مر ایشان را خازنان بهشت سلام باد بر شما شاد آمدید و شما پس درآیید در بهشت جاوید

وقالوا الحمد لله الذي صدقنا وعده واورثنا الارض

و گویند ستایش مطلق مر خدای را که راست کرد بر ما وعده خود و میراث داد ما را زمین بهشت

نتبوأ من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العاملين وترى

که جای میگیریم ما از بهشت هر جا که خواهیم پس نیکا مزد کارکنان و بینی

الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد

تو فرشتگان را گرد بر گرد از سر امون عرش پاکی یاد میکنند به حمد و ستایش

ربهم وقضي بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين

پروردگار خود را و حکم کرده شد در میان ایشان به راستی و گفته شد ستایش مر خدای را پروردگار عالمیان

لا يستوي اصحاب النار واصحاب الجنة اصحاب الجنة

یکسان نباشند ملازمان آتش و ملازمان جنت ...

هم الفائزون لو انزلنا هذا القران على جبل لرايته خاشعا

ایشان فیروزی یافتگانند اگر فرستادیمی این قران را بر کوهی هر اینه بینی تو او را متواضع

متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس

و شکافته شده از ترس عذاب خدا و این داستانها که بر میزنیم ما برای آدمیان

لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و

تا مگر ایشان اندیشه کنند او ست خدائی که نیست خدائی مگر او دانای نهان و آشکار

الشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك

او ست خدای بخشاینده مهربان او ست خدائی که نیست خدائی مگر او پادشاه

القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر

از معایب ایمن از آفات ایمن کننده اهل ایمان نگهبان اشیا غالب بر همه توانای گردن کش عظمت بزرگ

سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور

پاکا خدا از آنچه مشرکان میگویند او ست خدا آفریدگار آفریننده صورت

له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو

و نامهای نیکوتر پاکی میکند او را آنچه در آسمانها و زمین است و او

العزيز الحكيم الله نور السموات والارض مثل نوره

غالب محکم کار خدای روشن کننده آسمانها و زمین است داستان نور او همچو

كمشكوة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كانها كوكب

مشکوة است که در آن چراغی بود که آن چراغ در آبگینه بود و آن آبگینه گویا ستاره

دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية

نهایت روشن که افروخته باشد از درختی بسیار نافع که درخت زیتون است نه مشرق

ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار نور على

و نه جهت مغرب نزدیک بود روغن او که روشن شود و اگر چه نرسد بر آن روغن آتش روشنی

نور يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس

روشنی راه مینماید خدا بنور معرفت خود هر کرا میخواهد و بیان میکند خدا داستانها برای مردم

والله بكل شيء عليم ان في خلق السموات والارض و

و خدا بهمه چیزی دانا است بدرستی که در آفرینش آسمانها و زمین و آمد

اختلاف الليل والنهار لايات لاولي الالباب الذين

و شد شب و روز هر آینه عبرتهاست مر خداوندان خرد را آنکه یاد

يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون

میکنند ایشان خدا را در حالت ایستادن و نشستن و بر پهلو خسپیده و اندیشه میکنند

في خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا

در آفرینش آسمانها و زمین و میگویند ای پروردگار ما نیافریدی این را بی فایده

سبحانك فقنا عذاب النار ۝ ربنا انك من تدخل النار

پاکا پس دور دار تو ما را از عذاب آتش ای پروردگار ما بدرستی که تو هر که در [illegible]

فقد اخزيته وما للظالمين من انصار ۝ ربنا اننا سمعنا

پس بحقیقت دور گردانیدی او را از رحمت و نیست مر ستمکاران را [illegible] ای پروردگار ما بدرستی که ما شنیدیم

مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر

آواز دهنده را که میخواند ما را بایمان میگفت که ایمان آورید بپروردگار خود پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز

لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ۝ ربنا

از ما گناهان ما را و بپوشان تو از ما گناهان ما را و بمیران تو ما را [illegible] ای پروردگار

وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك

ما بده تو آنچه ما را وعده کرده برای ما بر زبان پیغمبران و مکن [illegible] در روز [illegible] بدرستی

لا تخلف الميعاد ۝ فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون

که تو خلاف نکنی وعده خود را پس پاکی خدای راست [illegible] هنگامی که شب [illegible] میشوید و هنگامی که روز [illegible] میشوید

وله الحمد في السموات والارض وعشيا وحين تظهرون

و مر او راست ستایش در آسمانها و زمین و [illegible] هنگامی که [illegible]

يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ويحيي الارض

بیرون می آورد آن زنده را از مرده و بیرون می آرد مرده را از زنده و زنده میکند [illegible]

بعد

بعد موتها وكذلك تخرجون ۝ سبحان ربك رب

از پس مردن زمین و همچنین بیرون آورده شوید شما پاکا پروردگار تو [illegible] مطلق

العزة عما يصفون ۝ وسلام على المرسلين ۝ والحمد لله

که او راست عزت از آنچه صفت میکنند کفار و سلام بر پیغمبران و ستایش مطلق مر خدای را

رب العالمين بعد از تلاوت قرآن این دعا بخواند

که پروردگار جهانیانست

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا بنام خداوند بخشاینده مهربان

اللهم اجعل القرآن لنا في الدنيا راحة وفي القبر مشفقا

وفي القيمة صاحبا وعلى الصراط هاديا ودليلا ونورا

وفي الميزان امانا وثقيلا وفي الجنة اماما ورفيقا ومن

النار سترا وحجابا ومن عقوبات الدنيا والآخرة بابا

دليل المتحيرين يا جار المستجيرين يا امان الخائفين ولا
تؤاخذنا بالذلل والخطاء والسهو والنسيان برحمتك
يا ارحم الراحمين اللهم انفعنا بالقرآن وعافنا بحرمة
القرآن وان لا تعذبنا بعد تلاوة القرآن ونجنا
على الصراط ببركة القرآن واحشرنا يوم القيمة اهل
القرآن يا ذا الفضل والاحسان انك انت الملك الديان
يا رحيم يا رحمن اللهم ارزقنا ببركة القرآن خير
الدنيا وثواب الآخرة واصرف عنا يا ربنا بشرف القرآن

شر الدنيا وعذاب الآخرة اعطنا الهنا وسيدنا ومولانا بكل
حرف قرأناه من قرآنك الكريم الف الف درجة عالية
في جنانك النعيم يا ملك يا كريم اغفر لنا يوم الدين يا
خالق السموات والارضين والحقنا بمحمد وآله اجمعين
اللهم اهدنا بالقرآن وسددنا بالقرآن واكرمنا بالقرآن
وعافنا ببركة القرآن واعف عنا بحرمة القرآن ولا تعذ
بنا بعد تلاوة القرآن ثبت اقدامنا على الصراط
بكرامة القرآن انك انت العزيز الكريم المنان لمنا

اللهم صل على محمد وال محمد اللهم بلغ واوصل ثواب
هذا القران الى روح نبيك محمد صلى الله عليه واله
وسلم ثم الى ارواح ابائنا وامهاتنا واستادينا ومشايخنا
واقاربنا والى جميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين و
المسلمات اللهم برحمتك في عبادك الصالحين برحمتك
يا ارحم الراحمين نعم المولى ونعم النصير اللهم اجعل
القران لنا في الدنيا قرينا وفي القبر مونسا وانيسا وضامنا
وفي القيامة شفيعا وعلى الصراط نورا وفي الجنة رفيقا

ومن

ومن النار حجابا والى الخيرات كلها دليلا واماما اللهم
اغفر لنا جميعا وارحمنا جميعا ونجنا من النار جميعا و
ادخلنا الجنة جميعا برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم
ارحمنا بالقران العظيم واجعله اماما ونورا ورحمة
اللهم احينا بالقران واحشرنا بالقران وادخلنا الجنة
بالقران وارزقنا لقاءك بالقران وحق القران بحق
محمد واله اجمعين اللهم اعني على ذكرك وشكرك
وحسن عبادتك وتلاوة كلامك وتوفيقك وطاعتك

اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات

الاحياء منهم والاموات عاقبتنا محمودا اللهم صل على

سيدنا ونبينا محمد وال محمد اللهم بلغ بركت ثواب

قراءة ما تلوناه من القران هدية وامانة ورحمة

نازلة الى روضة نبينا محمد صلى الله عليه واله وسلم

ومن روضته الى ارواح اولاد نبينا واصحاب نبينا

ومن روضتهم الى روضات جميع الانبياء والاو

لياء والاصفياء والشهداء والعلماء والفقراء و

القراء والزهاد والعباد والحفاظ ومن روضتهم الى

ارواح اباءنا وامهاتنا واخواننا واخواتنا وجدنا وجدا

تنا وعمنا وعماتنا وخالنا وخالاتنا واقرباءنا وقراباتنا

وجيراننا ومعارفنا واحبابنا واهالينا واهل ملتنا و

الاستادينا ولمشايخنا ولمتعلمينا ولمن وصانا بالدعاء و

بجماعتنا وبجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين و

المسلمات عامة ولاباءنا خاصة واغفر لنا ما ضيعنا من

حقوقهم واغفر لهم ما ضيعوا من حقك وصلى الله على

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
زِيَادَةً فِي الْعِلْمِ وَبَرَكَةً فِي الرِّزْقِ وَصِحَّةً فِي الْجِسْمِ
وَرَاحَةً عِنْدَ الْمَوْتِ وَمَغْفِرَةً بَعْدَ الْمَوْتِ وَتَوْبَةً
قَبْلَ الْمَوْتِ وَنَجَاتًا مِنَ النَّارِ وَدُخُولًا فِي الْجَنَّةِ وَعَافِيَةً
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اِلٰهِي
هٰذِهِ صَلٰوةٌ صَلَّيْتُهَا لَكَ لَا حَاجَةَ اِلَيْهَا وَلَا رَغْبَةَ لَكَ
فِيهَا اِلَّا تَعْظِيمًا وَاِجْلَالًا وَاِجَابَةً وَاطَاعَةً اِلٰى مَا اَمَرْتَنِي بِهِ
اِلٰهِي لَوْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ اَوْ نَقْصٌ فِي رُكُوعِهَا اَوْ فِي سُجُودِهَا

اَوْ فِي طَهَارَتِهَا اَوْ فِي شَيْءٍ مِنْهَا فَلَا تُؤَاخِذْنِي يَا سَيِّدِي وَ
تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ وَالْغُفْرَانِ اَللّٰهُمَّ لَوْ كَانَ مِنَّا مِنْ
تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ اَوْ سَهْوًا اَوْ خَطَاءً اَوْ تَقْصِيرِ حَرْفٍ اَوْ نُقْصَانًا
اَوْ تَرْكِ مَدٍّ اَوْ تَرْكِ جَزْمٍ اَوْ تَشْدِيدٍ عَلٰى غَيْرِهَا وَاعْفُ
عَنَّا يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ مُتَجَاوِزًا بِكَ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الفاتحة اين دعا را بر كفن ميت نويسند خاك پاك
اول مى بايد كه ميت را باسم مادرش بخوانيد تا آمرزيده شود دعاى ميت
يَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَيَشْهَدُ اَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَيَشْهَدُ اَنَّ عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ
اِمَامٌ حَقٌّ نَصَّ عِصْمَتَهُ مِنْ قِبَلِ اللّٰهِ وَقِبَلِ رَسُولِهِ وَبَعْدَ

اولاده الحسن والحسين وعلى بن الحسين ومحمد بن على
وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى ابن موسى و
محمد ابن على وعلى ابن محمد والحسن ابن على والمهدى
ابن الحسن صاحب الزمان صلوات عليهم اجمعين هم
ائمتى وسادتى وقادتى وكبرائى وشفعائى بهم اتولاه
ومن اعدائهم اتبرء فى الدنيا والآخرة دعاء حضرت
امام حسين ع بنويسيد زيرا كه دفع عذاب ميكند نوعى
ديگر در حديث واقعه كه اين دعا را نيز بر كفن ميت نويسند

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انى اسئلك بعزتك يا عزيز وبقدرتك يا قدير وبعظمتك
يا عظيم وبرحمتك يا رحمن وبسبحك يا منان ان تحفظنى
بالايمان قائما وراكعا وساجدا او حيا او ميتا وعلى
كل حال وسلام على رسول الله محمد صلى الله عليه و
آله يا ارحم ولها ايضا نوعى ديگر بكفن وجريدتين نويسد الراحمين

يشهد

يشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له ويشهد ان
محمدا عبده ورسوله وان امير المؤمنين عليا عليه
السلام ولى الله ووصى رسوله وبعده اولاده الحسن و
الحسين وعلى ابن الحسين ومحمد ابن على وجعفر بن
محمد وموسى بن جعفر وعلى ابن موسى ومحمد بن
على وعلى بن محمد والحسن بن على ومحمد ابن الحسن
صاحب الزمان صلوات الله عليه وعليهم اجمعين

فصل در بيان اغسال ميت على الكفايه اول ميبايد كه
ميت را از نجاست عينيه پاك نمايند بعد از آن او را سه غسل دهند
اول بآب سدر دويم بآب كافور سيم بآب خالص اما غسل را بآب سدر
چنين دهند كه اغسل هذه الميتة بماء السدر لوجو
بها قربة الى الله وبفارسى بگويد كه غسل ميدهم اين ميت را بآب
سدر واجب تقرب بخدا ودر غسل كافور چنين گويد كه اغسل
هذه الميتة بماء الكافور لوجوبه قربة الى الله
فارسى بگويد غسل ميدهم اين ميت را بآب كافور واجب تقرب بخدا

ودر غسل آب خالص چنین بگوید که اُغَسِّلُ هٰذِهِ المَیِّتَة بِمَاءِ القَرَاحِ
لِوُجُوبِهٖ قُربَةً اِلَی اللّٰهِ ۝ بفارسی گوید که غسل میدهم این میت را آب خالص واجب
تقرب بخدا واگر هرگاه سدر و کافور نباشد بدل از سدر و کافور آب خالص
غسل دهند و نیت چنین کنند که اُغَسِّلُ هٰذِهِ المَیِّتَه بِمَاءِ القَرَاحِ
بَدَلًا عَن مَاءِ السِّدرِ لِوُجُوبِهٖ قُربَةً اِلَی اللّٰهِ ۝ و درباره کافور آب خالص
نیز چنین گوید ۝ و بفارسی بگوید که غسل میدهم این میت را آب پاک
بدل از سدر و کافور واجب قربةً بخدا واگر میت آبله زده یا سوخته باشد
وبیم آن باشد که از شستن جدا و از هم بپاشد تیمم دهد او را بطریق
که مرد عاجز بدست را تیمم میدهند و نیت چنین کند که اُیَمِّمُ
هٰذِهِ المَیِّتَه بَدَلًا مِن غُسلِ السِّدرِ لِوُجُوبِهٖ قُربَةً اِلَی اللّٰهِ
و درباره کافور و آب پاک نیز چنین گوید ۝ و بفارسی بگوید که تیمم میدهم این میت را
بدل از آب سدر و آب کافور و آب خالص واجب قربةً بخدا و کیفیت این تیمم
چون تیمم زندگانیست تا واضح باشد **فصل دربیان نماز میت**
واین واجبست بر همه مؤمنین و مؤمنات و کسی در حکم مسلمان باشند و چون میت را
غسل داده و تکفین کرده باشند نیت بعربی چنین گویند که

اُصَلِّی عَلٰی هٰذِهِ المَیِّتِ الحَاضِرِ اَدَاءً لِوُجُوبِهٖ قُربَةً
اِلَی اللّٰهِ اَللّٰهُ اَکبَرُ اَشهَدُ اَن لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحدَهٗ
گواهی میدهم اینکه نیست پروردگاری مگر خدا یکیست
لَا شَرِیکَ لَهٗ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا فَردًا وِترًا حَیًّا
و نیست شریکی مر او را پروردگار فرد و یگانه و بی نیاز و تنها و طاق و زنده
قَیُّومًا دَائِمًا اَبَدًا لَم یَتَّخِذ فِی عِزِّ جَلَالِهٖ وَکَمَالِ کِبرِیَائِهٖ
و پاینده و دایم و همیشه و فرا نگرفته
صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ۝ وَاَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبدُهٗ وَ
زن و نه فرزند و گواهی میدهم اینکه حضرت محمد بنده او
رَسُولُهٗ وَنَبِیُّهٗ وَاَمِینُهٗ وَحَبِیبُهٗ وَخَلِیلُهٗ وَنَجِیُّهٗ وَصَفِیُّهٗ
و فرستاده او
وَبَعِیثُهٗ وَخَاصَّتُهٗ وَصَفوَتُهٗ وَخِیَرَتُهٗ مِن خَلقِهٖ اَرسَلَهٗ
و فرستاده خدا
بِالهُدٰی وَدِینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهٗ عَلَی الدِّینِ کُلِّهٖ وَلَو کَرِهَ
و او را براه نمایی و دین حق تا اینکه او ظاهر سازد دین را بر دین همه و اگرچه
ناخوش باشد

المشركون الله اكبر اللهم صل على محمد وال محمد

مشرکان را — خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد

وبارك على محمد وال محمد وارحم على محمد وال محمد

وبرکت ده بر محمد وآل محمد

وترحم على محمد وال محمد وسلم على محمد وال محمد

ورحم کن بر محمد وال محمد . ودرود فرست بر محمد وال محمد

وتسلم على محمد وال محمد وتفضل على محمد وال محمد

كافضل ما صليت وباركت وسلمت وارحمت وترحمت

مثل بهتر از آنچه رحمت وبرکت ودرود ... نموده

وتفضلت وتسلمت وتحننت على ابراهيم وال ابراهيم

بر حضرت ابراهيم وال ابراهيم

وعلى جميع الانبياء والمرسلين انك حميد مجيد

بدرستی که تو ستوده وبزرگی

الله اكبر اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين و

خداوندا بیامرز مر مومنین و مومنات ومسلمین و

المسلمات الاحياء منهم والاموات تابع بيننا وبينهم

مسلمات را زندگان از ایشان ومردگان تابع ساز میانه ما ومیانه ایشان

بالخيرات انك مجيب الدعوة انك ولي الحسنات انك غافر

بنیکوییها بدرستی که اجابت کننده دعائی ...

الذنب والخطيئات وانك غافر السيئات يا قاضي الحاجات

ای برآورنده حاجات

انك على كل شيء قدير الله اكبر اللهم ان هذا عبدك

بدرستی که تو بر همه چیز توانایی — خداوندا بدرستی که این میت بنده

وابن عبدك وابن امتك نزل بك وانت خير منزول

و پسر بنده تست و پسر کنیز تست نازل شد بتو — وتو بهترین نازل کرده

به اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا وانت اعلم به منا

شدگانی خداوندا بدرستی که نمیدانیم ما از و مگر نیکی وتو داناتری از ما باحوال

اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان

خداوندا اگر بوده باشد این مرد نیکوکار پس زیاد کن در احسان او واگر بوده باشد

مسيئا فتجاوز عنه سيئاته واغفر له واحشره مع من كان

این مرد بدکار پس درگذر از گناه او وبیامرز او را وحشر کن او را با کسی که ...

[illegible]

بتولاه من الائمة الطاهرين ۝ اللهم اجعله عندك في

دوستی او را از پیشوایان پاکان

اعلا علیین واخلفه على اهله في الغابرين وارحمه

وايانا برحمتك يا ارحم الراحمين بعد ازان دستها بر

دارد واین دعا بخواند ۝ اللهم ارفع درجته من درجات

الجنة والراحة وادخله بمغفرتك ورضوانك واسقه

من ماء الكوثر واخلصه من عذاب القبر وشافعه

الاحمد والمحمود اللهم عفوك عفوك يا كريم ۝

و اگر میت طفل باشد که بحد بلوغ نرسیده باشد بعوض تکبیر چهارم این دعا بخواند که

اللهم ان هذا الطفل كما خلقته قادرا وقبضته طا

هرا واجعله ولابويه فرطا ونورا و تکبیر بگوید فصل در بیان

تلقین کردن میت چون میت را در لحد داخل سازند و بعد ازان که خشت چیده باشند

خطاب کنند بمیت آواز بلند باین طریق که تلقین اینست

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا بنام خداوند بخشاینده مهربان

دو بار

اسمع افهم عليك سلام الله ثم عليك سلام الله

يا عبد الله وابن عبد الله سبحان من بعث به الاشياء

واليه المصير الامور وبيده جزع كل جازع وصبر كل

صبور كل نفس ذائقة الموت وانما توفون اجوركم

يوم القيمة فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد

فاز وما الحيوة الدنيا الا متاع الغرور الحمد لله الذي

سپاس مر خدای را که

لا يبقى الا وجهه ولا يدوم الا ملكه كل شيء هالك

باقی نماند مگر ذات او و دایم نمیباشد مگر ملک و پادشاهی او همه چیز هلاک شود

الا وجهه له الحكم واليه ترجعون يا عبد الله ابن

مگر ذات او مر او راست حکم و بسوی اوست بازگشت همه ای بنده خدا و پسر

عبد الله هذا اول يوم من ايام العقبى واخر يوم

بنده خدا این روز اول است از ایامهای آخرت روز آخرست از

من ايام الدنيا اذكر العهد الذي خرجت من دار

روزهای دنیا یاد آور پیمانی را که بیرون رفتی بر او از خانه

الدنيا الى دار الاخرة وهي شهادة ان لا اله الا الله

دنیا سوی خانه آخرت و آن پیمان گواهی دادن اینکه نیست پروردگار

وحده لا شريك له الها واحدا احدا صمدا فردا

مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را

وترا حيا قيوما دائما ابدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا

ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل

وكبره تكبيرا واشهد ان محمدا عبده ورسوله

و گواهی میدهم اینکه حضرت محمد صلی بنده خداست و فرستاده

ونبيه وامينه وحبيبه ونجيه وخليله وصفيه و

بغيته وخاصته وصفوته وخيرته من خلقه ارسله

بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله و

لو كره المشركون وان مولانا ومقتدانا امير

اینکه

المؤمنين وامام المتقين علي بن ابي طالب عليه

علی بن ابی طالب دوست خداست

السلام ولیه ووصی رسوله بلا فصل والحسن بن

وولی ووصی وجانشین فرستاده او وحسن

علی المجتبی والحسین بن علی الشهید بکربلا وعلی

وحسین وعلی

بن الحسین زین العابدین ومحمد بن علی الباقر علم

پسر حسین ومحمد پسر علی

النبیین وجعفر بن محمد الصادق الامین و

وجعفر پسر محمد

موسی بن جعفر الکاظم الحلیم وعلی بن موسی الرضا

وموسی پسر جعفر وعلی پسر موسی

العلیم ومحمد بن علی التقی الجواد وعلی بن محمد

ومحمد پسر علی وعلی پسر محمد

النقی الهادی والحسن بن علی العسکری والحجة

وحسن پسر علی

الله القائم الدائم المنتظر المظفر لاعلاء کلمة

الله

الله المهدی الهادی علیه وعلیهم السلام وان الائمة

الائمة الاثنا عشر وائمتک ائمة هدی الابرار وامناء

پیشوایان تواند پیشوایان هدایت نمایند

الله یا عبد الله ابن عبد الله اذا جاءک الان یاتیانک

ونیکو باید ای بنده خدا وپسر بنده خدا چون که آمد دو فرشته

الملکان المقربان الرسولان الکریمان الموکلان لما

که مقرب اند وفرستاده شده اند وبزرگند

موران النازلان من عند الله تعالی بامر الله الملک الکبیر

وفرود آمده اند از نزد خدای

الرحمن الحنان المنان المسمیان بمنکر ونکیر فیسألانک

وسوال کنند

عن ربک وعن نبیک وعن امامک وعن دینک

ترا واز پروردگار تو واز پیغمبر تو واز پیشوای تو واز دین تو

وعن کتابک وعن قبلتک وعن صلوتک فلا تخف

واز کتاب تو واز قبله تو واز نماز تو نترسی

وکذلک ما اعتقدنا انه امنت عند الله

ولا تحزنى وقل في جوابهما الملكين بتوفيق الله

واندوهگين مشو و بگو در جواب آن دو فرشته

تعالى بلفظ فصيح ونطق صريح الله جلّ جلاله

که خدا

ربي ومحمد نبيي والاسلام ديني والقرآن كتابي

پروردگار منست ومحمد نبي پیغمبر منست واسلام دين منست وقرآن كتاب منست

والكعبة قبلتي والصلوة فريضتي والمؤمنون اخواني

وكعبه معظمه قبله منست

والمؤمنات خواتي وان امير المؤمنين علي بن ابي

وعلي ابن ابي طالب

طالب [redacted] رسول الله بلا فصل

امام منست

والحسن ابن علي المجتبى امامي والحسين بن

وحسن وحسين

علي الشهيد بكربلاء امامي وعلي بن الحسين زين العا

امام منست وعلي پسر حسين امام

بدين

بدين امامي ومحمد بن علي باقر علوم الاولين

امام منست ومحمد پسر علي

والاخرين امامي وجعفر بن محمد الصادق الامين

امام منست وجعفر پسر محمد

امامي وموسى بن جعفر الكاظم الحليم امامي و

امام منست وموسى پسر جعفر امام منست

علي بن موسى الرضا العليم امامي ومحمد بن علي

وعلي پسر موسى امام منست ومحمد پسر علي

التقي الجواد امامي وعلي بن محمد النقي الهادي

امام منست وعلي پسر محمد

امامي والحسن بن علي العسكري امامي والحجة

امام منست وحسن پسر علي امام منست

القائم الدائم المنتظر المظفر لاعلاء كلمة الله المهدي

الهادي امامي اللهم ان هؤلاء ائمتي وسادتي وقادتي

همه پیشوایان منند وآقایان منند وکشندگان منند

[illegible] امامي
[illegible] صلوات الله عليهم اجمعين
[illegible] ايشان

وكبرائي وشفعائي بهم اتولى ومن اعدائهم اتبرء

وكبراى بزرگان من وشفيعان من از ايشان دوستى ميدارم و از دشمنان ايشان بيزارم

في الدنيا والآخرة ثم اعلم يا عبد الله بان الله تعالى

پس بدان اى بنده خدا بدرستى كه خداى تبارك و تعالى

نعم الرب وان محمدا نعم الرسول وان مولانا

نيك پروردگار است و اينكه حضرت محمد خوب پيغمبر است و اينكه على خوب

ومقتدانا وهادينا امير المؤمنين عليه السلام و

اولاده الائمة الاحد عشر صلوات الله عليه وعليهم

اجمعين نعم الامام ونعم الوكيل ونعم الوصي وان

امامت اينكه

الموت حق والقبر حق ومسائلة منكر ونكير في القبر

مردن حقست وقبر حقست وسوال منكر ونكير در قبر

حق وان البعث حق والنشور حق والصراط حق والثواب

حقست و اينكه برانگيختن حقست وپراكنده شدن حقست وپل صراط حقست

حق

حق والعقاب حق والجنة حق والنار حق والحساب

عذاب حقست وبهشت حقست ودوزخ حقست وحساب

حق والكتاب حق والميزان حق والشفاعة حق

حقست ونامه اعمال حقست وترازوى عمل حقست وشفاعت پيغمبران حقست

والجواز على الصراط بجواز علي بن ابي طالب عليه السلم

حق وان زنة الاعمال بالميزان حق وتطاير

الكتب يمينا وشمالا حق وانطاق الجوارح حق وان

جميع ما انزل الله على سيدنا ونبينا محمد صلى الله عليه

واله وسلم حق وكل ما جاء محمد بن عبد الله وجميع

النبيون من عند الله تعالى حق وان الساعة آتية

و اينكه قيامت آينده

لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور هذا ما

اين نيست شكي دروغ آن وانكه خداي تعالى زنده ميكرداند انكسانى راكه در قبر ماندند

وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادنا

اينست آنچه وعده داده مارا خداي و پيغمبر او و راست گفته است خدا و پيغمبر او و نيفزود در ما گروندگان مگر

الا ايمانا وتسليما يا ايتها النفس المطمئنة ارجعي الى

باور داشتن و گردن نهادن اي نفس آرام گرفته بياد و باز گرد بسوى

ربك راضية مرضية فادخلي في عبادي وادخلي جنتي

كه راضى خشنود — در ميان بهشت من

پروردگار خود در حالى كه خوشنود باشد از تو پس در آى در ميان بندگان من و در آى

پس دستها برداشته اين دعا را بخوانند كه

اللهم صل وحدته وآنس وحشته وارحم غربته و

سكن روعته وامن خوفه وبرد عليه مضجعه و

احشره مع من كان يتولاه من الائمة الطاهرين

والحقه بنبيه الصالحين

اللهم

اللهم اجعل قبره روضة من رياض الجنة ولا تجعل

قبره حفرة من حفرات النيران برحمتك يا ارحم

در باب تلقين ميت در سر قبر الراحمين واقع شده از حضرت امام جعفر

صادق عليه السلام منقولست كه آنحضرت فرمود كه چه ميشود

كه سؤال منكر و نكير را از ميت خود باز داريد و بخوانيد اين تلقين را

بعد از آنكه همه خلق رفته باشند و آن تنها ماند و اين تلقين را

با آواز بلند در سر قبر ميت بخوانند كه اي فلان پسر فلان و اگر زن باشد

بگويد اي فلانه دختر فلان هل انت على العهد الذي

فارقتنا عليه من شهادة ان لا اله الا الله وحده

لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله سيد

النبيين وان عليا امير المؤمنين وسيد الوصيين

وان ما جاء به محمد صلى الله عليه وآله حق

وان الموت حق والبعث حق وان الساعة آتية لا

ريب فيها وان الله يبعث من في القبور يا ارحم

الراحمين

فصل در بیان نماز هدیه میت در شب اول قبر دو رکعت نماز هدیه بجهة میت
سنت است چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرموده که بر مرده هیچ ساعت
سخت تر از شب اول قبر نیست پس رحم کنید بر مردگان خود بصدقه دادن
و دعای خیر در آن شب که در قبر داخل شده و سنت است که دو رکعت
نماز هدیه جهت او بگذارند بدین طریق که دو رکعت نماز هدیه بجهة فلان
میگذارم سنت تقرب بخدا و در رکعت اول الحمد یکبار و آیة الکرسی یکبار
و سه مرتبه قل هو الله بخواند و در رکعت دویم الحمد یکبار و ده بار الهیکم
التکاثر بخواند و بعد از سلام دادن چون از نماز فارغ شود این دعا
بخواند که اللهم ابعث ثوابها الی قبر ذلک المیت فلان بن
فلان و اگر عربی نداند بگوید که خداوندا بفرست ثواب این نماز را در قبر
فلان بن فلان که من بدو قربت کردم و همچنین این عبارت گفته شد بگوید
بفرستد خدای تعالی در آن ساعت بقبر او هزار فرشته که با هر کدام جامه
و حله از بهشت باشد و فراخ گردانند قبر او را تا وقتی که صور دردمد و کسی که
این نماز کرده او را حسنات بسیار دهد خدا که بعدد هر چیز که آفتاب بر و میتابد
و دیگر شیخ بن فهد فرموده که در رکعت اول یک الحمد یک آیة الکرسی

بخواند و در رکعت دویم یک الحمد و ده انا انزلناه بخواند و چون از
نماز فارغ شود این عبارت که گفته شد بگوید و اگر خواهد هر دو قول کار
کند بهتر باشد و قول سیم آنست که در رکعت اول یک الحمد سه بار
کند هو آیة الکرسی بخواند و سه بار قل هو الله احد و در رکعت دویم یک
الحمد و ده انا انزلناه و ده بار الهیکم التکاثر بخواند و چون سلام دهد
همان کلمات را بگوید خدای تعالی ثواب بطریقی که مذکور شد عطا فرماید
پس هیچ جا از حال مردگان غافل مباشید و در هر امری از امور میت که
باعث اجر هذا الدعاء الجوشن الکبیر ماند فضله عظیم میگردد

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا بنام خداوند بخشاینده مهربان بهم در دنیا و هم در آخرت

اللهم انی اسئلک باسمک یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم
یا مقیم یا عظیم یا قدیم یا علیم یا حلیم یا حکیم سبحانک
یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

فصل دویم جهته قوت یافتن و درد زبان

يا سيد السادات يا مجيب الدعوات يا رافع الدرجات
يا ولي الحسنات يا غافر الخطيات يا معطي المسؤلات يا
قابل التوبات يا سامع الاصوات يا عالم الخفيات يا دافع
البليات سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث
خلصنا من النار يا رب فصل سیم جهته عزت یافتن و درد زبان
يا خير الغافرين يا خير الفاتحين يا خير الناصرين يا
خير الحاكمين يا خير الرازقين يا خير الوارثين يا
خير الحامدين يا خير المنزلين يا خير المحسنين فصل چهارم جهته دفع

يا من له العزة والجمال يا من له القدرة والكمال
يا من له الملك والجلال يا من هو الكبير المتعال يا
منشئ السحاب الثقال يا من هو شديد العقاب
يا من هو عنده حسن الثواب يا من هو شديد المحال
يا من هو سريع الحساب يا من هو عنده ام الكتاب
فصل پنجم جهته دفع بلا و درد اللهم اني اسألك باسمك
يا حنان يا منان يا ديان يا برهان يا سلطان يا رضوان
يا غفران يا سبحان يا مستعان يا ذا المن والبيان

فصل ششم جهت بزرگی یافتن یا من تواضع کل شیء لعظمته یا من

استسلم کل شیء لقدرته یا من ذل کل شیء لعزته یا من

خضع کل شیء لهیبته یا من انقاد کل شیء من خشیته یا من

تشققت الجبال من مخافته یا من قامت السموات بامره یا

من استقرت الارضون باذنه یا من یسبح الرعد بحمده یا

من لا یعتدی علی اهل مملکته فصل هفتم جهت افزونی نعمتها

یا غافر الخطایا یا کاشف البلایا یا منتهی الرجایا یا مجزل العطایا

یا واهب الهدایا یا رازق البرایا یا قاضی المنایا یا سامع الشکایا

یا باعث

یا باعث البرایا یا مطلق الاساری فصل هشتم جهت روا شدن حاجات

یا ذا الحمد و الثناء یا ذا الفخر و البهاء یا ذا المجد و السناء

یا ذا العهد و الوفاء یا ذا العفو و الرضا یا ذا المن و العطاء

یا ذا الفضل و القضاء یا ذا العز و البقاء یا ذا الجود و السخاء

یا ذا الآلاء و النعماء فصل نهم جهت برکت یافتن

اللهم انی اسئلک باسمک یا مانع یا دافع یا رافع یا صانع یا

نافع یا سامع یا جامع یا شافع یا واسع یا موسع فصل دهم

جهت دفع رنجوری یا صانع کل مصنوع یا خالق کل

مخلوقٍ يا رازق كلّ مرزوقٍ يا مالك كلّ مملوكٍ يا

كاشف كلّ مكروبٍ يا فارج كلّ مهمومٍ يا راحم كلّ مرحومٍ

يا ناصر كلّ مخذولٍ يا ساتر كلّ معيوبٍ يا ملجا كلّ

مطرودٍ **فصل یازدهم جهت بستگی کارها** يا عدّتي

عند شدّتي يا رجائي عند مصيبتي يا مونسي عند وحشتي

يا صاحبي عند غربتي يا وليّي عند نعمتي يا غياثي عند

كربتي يا دليلي عند حيرتي يا غنائي عند افتقاري يا

ملجائي عند اضطراري يا معيني عند مفزعي **فصل دوازدهم**

جهت مشغولی کارها يا علّام الغيوب يا غفّار الذنوب يا ستّار

العيوب

العيوب يا كاشف الكروب يا مقلّب القلوب يا طبيب

القلوب يا منوّر القلوب يا انيس القلوب يا مفرّج الهموم

يا منفّس الغموم **فصل سیزدهم جهت امر رسش کارها**

اللّهمّ انّي اسئلك باسمك يا جليل يا جميل يا وكيل يا كفيل

يا دليل يا قبيل يا مديل يا مقيل يا منيل يا محيل **فصل چهاردهم**

جهت بختی کارها يا دليل المتحيّرين يا غياث المستغيثين يا صريخ

المستصرخين يا جار المستجيرين يا امان الخائفين يا عون

الْمُؤْمِنِينَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ يَا مَلْجَأَ الْعَاصِينَ يَا غَافِرَ الْمُذْنِبِينَ

يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

فصل پانزدهم جهته ایمن شدن از هول منکر و نکیر

يَا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْامْتِنَانِ يَا ذَا الْأَمْنِ

وَالْأَمَانِ يَا ذَا الْقُدْسِ وَالسُّبْحَانِ يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ يَا

ذَا الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ يَا ذَا الْعَظَمَةِ وَالسُّلْطَانِ يَا ذَا الرَّأْفَةِ وَ

الْمُسْتَعَانِ يَا ذَا الْعَفْوِ وَالْغُفْرَانِ

يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ

فصل شانزدهم جهته نجات یافتن

يَا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ إِلٰهُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ

خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَبْلَ

آفریدگار همه چیز ای خداوندی که ...

كُلِّ شَيْءٍ

كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ

يَا مَنْ هُوَ عَالِمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

يَا مَنْ هُوَ يَبْقَى وَيَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ

فصل هفدهم جهته بر آمدن التماس

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ يَا مُلَقِّنُ يَا

مُكَوِّنُ يَا مُبَيِّنُ يَا مُهَوِّنُ يَا مُمَكِّنُ يَا مُزَيِّنُ يَا مُعْلِنُ يَا

مُقَسِّمُ

فصل هجدهم جهته گذشتن از صراط

يَا مَنْ هُوَ فِي مُلْكِهِ

مُقِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي جَلَالِهِ

عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى عِبَادِهِ رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

يا من هو بمن عصاه حليم يا من هو بمن رجاه كريم يا من هو

في صنعه حكيم يا من هو في حكمته لطيف يا من هو في لطفه

قديم فصل نوزدهم جهت يا من لا يرجى الا فضله

يا من لا يسئل الا عفوه يا من لا ينظر الا بره يا من لا يخاف

الا عدله يا من لا يدوم الا ملكه يا من لا سلطان الا

سلطانه يا من وسعت كل شيء رحمته يا من سبقت رحمته

غضبه يا من احاط بكل شيء علمه يا من ليس احد مثله

فصل بيستم جهت دفع غم وهم يا فارج الهم يا كاشف الغم يا

غافر الذنب يا قابل التوب يا خالق الخلق يا صادق الوعد يا

موفي العهد يا عالم السر يا فالق الحب يا رازق الانام فصل

بيست و يكم جهت اللهم اني اسئلك باسمك يا علي يا وفي يا غني

يا ملي يا حفي يا رضي يا زكي يا بدي يا قوي يا ولي

فصل بيست و دوم جهت يا من اظهر الجميل يا من ستر القبيح

يا من لم يؤاخذ بالجريرة

يا من لم يهتك الستر يا عظيم العفو

يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة

يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى

يا ذا النعمة السابغة يا ذا الرحمة الواسعة يا

ذا المنة — اى خداوند نعمتهاى تمام اى خداوند رحمتهاى تمام اى

السابقة يا ذا الحكمة البالغة يا ذا القدرة الكاملة

يا ذا الحجة القاطعة يا ذا الكرامة الظاهرة يا ذا العزة الدا

ئمة يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة — فصل بيست و چهارم

يا بديع السموات يا جاعل الظلمات يا

راحم العبرات يا مقيل العثرات يا ساتر العورات يا

محيي الاموات يا منزل الآيات يا مضعف الحسنات يا

ماحي السيئات يا شديد النقمات — فصل بيست و پنجم

اللهم انى

اللهم اني اسألك باسمك يا مصور يا مقدر يا مدبر يا مطهر

يا منور يا ميسر يا مبشر يا منذر يا مقدم يا مؤخر

4 يا رب الشهر الحرام يا رب البيت الحرام يا رب

البلد الحرام يا رب الركن والمقام يا رب المشعر

الحرام يا رب المسجد الحرام يا رب الحل والحرام يا رب

النور والظلام يا رب التحية والسلام يا رب القدرة

في الانام — فصل بيست و ششم — يا احكم الحاكمين يا

اعدل العادلين يا اصدق الصادقين يا اطهر الطاهرين

يا احسن الخالقين يا اسرع الحاسبين يا اسمع السامعين

يا ابصر الناظرين يا اشفع الشافعين يا اكرم الاكرمين

فصل بیست ششم جهت گذشتن يا عماد من لا عماد له يا سند من

لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز له يا غياث

من لا غياث له يا فخر من لا فخر له يا عز من لا عز له

يا معين من لا معين له يا انيس من لا انيس له يا امان

من لا امان له فصل بیست وهفتم جهت گمان کشیدن اللهم

اني اسألك باسمك يا عاصم يا قائم يا دائم يا راحم يا حاكم

يا عالم يا قابض يا باسط يا سالم يا قاسم فصل سی ام جهت

يا عاصم من استعصمه يا راحم من استرحمه

يا غافر من استغفره يا ناصر من استنصره يا حافظ من استحفظه

يا مكرم من استكرمه يا مرشد من استرشده يا صريخ

من استصرخه يا معين من استعانه يا مغيث من استغا

ثه يا عزيزا لا يضام فصل سی یکم جهت دفع درد چشم وغیره

يا عزيزا لا يضام يا لطيفا لا يرام يا قيوما لا ينام يا دائما لا يفوت

يا حيا لا يموت يا ملكا لا يزول يا باقيا لا يفنى يا عالما

لا يجهل يا صمداً لا يطعم يا قوياً لا يضعف فصل سی دوم جهت [illegible]

القاء اعدا اللهم اني اسئلك باسمك يا احد يا واحد يا شاهد

وظفر یافتن بر دشمن

يا ماجد يا حامد يا راشد يا باعث يا وارث يا ضار يا نافع

فصل سی سیم [illegible] يا اعظم من كل عظيم يا اكرم

و درد پیشانی

من كل كريم يا ارحم من كل رحيم يا اعلم من كل

عليم يا احكم من كل حكيم يا اقدم من كل قديم

يا اكبر من كل كبير يا الطف من كل لطيف يا اجل

من كل جليل يا اعز من كل عزيز فصل سی چهارم [illegible]

و درد گوش

يا كريم

يا كريم الصفح يا عظيم المن يا كثير الخير يا قديم

الفضل يا دائم اللطف يا لطيف الصنع يا منفس الكرب

يا كاشف الضر يا مالك الملك يا قاضي الحق فصل سی [illegible]

جهت درد [illegible] يا من هو في عهده وفي يا من هو في و

فائه قوي يا من هو في قوته علي يا من هو في علوه

قريب يا من هو في قربه لطيف يا من هو في لطفه

شريف يا من هو في شرفه عزيز يا من هو في عزه عظيم

يا من هو في عظمته مجيد يا من هو في مجده حميد

فصل سی و ششم جهت به سلامت بودن از دشمن اللهم انی اسئلک باسمک یا
کافی یا وافی یا معافی یا هادی یا داعی یا قاضی یا راضی
یا عالی یا باقی فصل سی و هفتم در حاجت ظفر یافتن
یا من کل شیء خاضع له یا من کل شیء خاشع له یا من کل
شیء کائن له یا من کل شیء موجود به یا من کل شیء
منیب الیه یا من کل شیء خائف منه یا من کل شیء قائم
به یا من کل شیء صائر الیه یا من کل شیء یسبح بحمده
یا من کل شیء هالک الا وجهه فصل سی و هشتم جهت امان یافتن از [illegible]

یا من لا مفر الا الیه یا من لا مفزع الا الیه یا من لا مقصد
الا الیه یا من لا منجا منه الا الیه یا من لا یرغب الا الیه
یا من لا حول ولا قوة الا به یا من لا یستعان الا به یا
من لا یتوکل الا علیه یا من لا یرجی الا هو یا من لا
یعبد الا ایاه فصل سی و نهم جهت [illegible] یافتن از بلیات
یا خیر المرهوبین یا خیر المرغوبین یا خیر المطلوبین یا
خیر المسئولین یا خیر المقصودین یا خیر المذکورین
یا خیر المشکورین یا خیر المحبوبین یا خیر المدعوین یا

خير المستأنسين **فصل چهلم جهت ايمنى از بلاها و ترس**

اللهم اني اسئلك باسمك يا غافر يا ساتر يا قادر يا قاهر يا فاطر

يا كاسر يا جابر يا ذاكر يا ناظر يا ناصر **فصل چهل و نهم جهت دفع سموم**

يا من خلق فسوى يا من قدر فهدى يا من يكشف البلوى

يا من يسمع النجوى يا من ينقذ الغرقى يا من ينجي الهلكى

يا من يشفي المرضى يا من اضحك وابكى يا من امات

واحيا يا من خلق الزوجين الذكر والانثى **فصل چهل دوم**

دفع ترس دزد يا من في البر والبحر سبيله يا من في الآفاق

آياته يا من في الآيات برهانه يا من في الممات قدرته

يا من في القبور عبرته يا من في القيمة ملكه يا من في

الحساب هيبته يا من في الميزان قضاؤه يا من في الجنة

ثوابه يا من في النار عقابه **فصل چهل سيم جهت ترس ...**

يا من اليه يهرب الخائفون يا من اليه يفزع المذنبون

يا من اليه يقصد المنيبون يا من اليه يرغب الزاهدون

يا من اليه يلجأ المتحيرون يا من به يستأنس المريدون

يا من به يفتخر المحبون يا من في عفوه يطمع الخاطئون

يا من اليه يسكن الموقنون يا من عليه يتوكل المتوكلون

فصل چهل و چهارم جهت دفع ... اللهم انى اسئلك باسمك يا حبيب

يا طبيب يا قريب يا حسيب يا منيب يا مثيب يا رقيب يا مجيب

يا خبير يا بصير فصل چهل و پنجم دفع ... يا اقرب من كل قريب

يا احب من كل حبيب يا ابصر من كل بصير يا اخبر من كل

خبير يا اشرف من كل شريف يا ارفع من كل رفيع يا

اقوى من كل قوى يا اغنى من كل غنى يا اجود من كل

جواد يا ارأف من كل رؤف فصل چهل و ششم دفع ام الصبيان

يا غالبا غير مغلوب يا صانعا غير مصنوع يا خالقا غير

مخلوق يا مالكا غير مملوك يا قاهرا غير مقهور يا رافعا

غير مرفوع يا حافظا غير محفوظ يا ناصرا غير منصور

يا شاهدا غير غائب يا قريبا غير بعيد فصل چهل و هفتم جهت

يا نور النور يا منور النور يا خالق النور يا دفع صرع ...

مدبر النور يا مقدر النور يا نور كل نور يا نورا

قبل كل نور يا نورا بعد كل نور يا نورا فوق كل

نور يا نورا ليس كمثله نور فصل چهل و هشتم جهت ...

يا من عطاؤه شريف يا من فعله لطيف يا

من لطفه مقيم يا من احسانه قديم يا من قوله حق يا من

وعده صدق يا من عفوه فضل يا من عذابه عدل يا

من ذكره حلو يا من فضله عميم فصل چهل ونهم جهت دفع قولنج

اللهم اني اسئلك باسمك يا مسهل يا مفصل يا مبدل يا

مذلل يا منزل يا منول يا مفضل يا مجزل يا ممهل يا

مجمل فصل پنجاهم جهت دفع خفقان يا من يرى

ولا يرى يا من يخلق ولا يخلق يا من يهدي ولا

يهدى

يهدى يا من يحيي ولا يحيى يا من يسئل ولا يسئل يا من يطعم

ولا يطعم يا من يجير ولا يجار عليه يا من يقضي ولا يقضى

عليه يا من يحكم ولا يحكم عليه يا من لم يلد ولم يولد

ولم يكن له كفوا احد فصل پنجاه ویکم دفع درد سر

درد سر

يا نعم الحسيب يا نعم الطبيب يا نعم الرقيب يا نعم القريب

يا نعم المجيب يا نعم الحبيب يا نعم الوكيل يا نعم الكفيل

يا نعم المولى يا نعم النصير فصل پنجاه و دویم جهت زبان بند خلایق

يا سرور العارفين يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب

التوابين يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين يا قرة عين
العابدين يا منفس عن المكروبين يا مفرج عن المغمو
مين يا اله الاولين والآخرين فصل پنجاه وسیم دفع [illegible]
اللهم اني اسئلك باسمك يا ربنا يا الهنا يا سيدنا يا مولنا
يا ناصرنا يا حافظنا يا دليلنا يا معيننا يا حبيبنا يا طبيبنا
فصل پنجاه چهارم جهت [illegible] يا رب النبيين والابرار يا رب
الصديقين والاخيار يا رب الجنة والنار يا رب الصغا
والكبار يا رب الحبوب والثمار يا رب الانهار و
الاشجار

الاشجار يا رب الصحاري والقفار يا رب البراري
والبحار يا رب الليل والنهار يا رب الاعلان والاسرار
فصل پنجاه و پنجم جهت دفع [illegible] يا من نفذ في كل شيء امره يا
من لحق بكل شيء علمه يا من بلغت الى كل شيء قد
رته يا من لا تحصي العباد نعمه يا من لا تبلغ الخلا
يق شكره يا من لا تدرك الافهام جلاله يا من لا
تنال الاوهام كنهه يا من العظمة والكبرياء رداؤه
يا من لا ترد العباد قضاءه يا من لا ملك الا ملكه يا

مَنْ لا عطاءَ إلّا عطاؤهُ فصل پنجاه وششم جهت دفع بادها ودرد جميع استخوانها

يا مَنْ لهُ المَثَلُ الأعلى يا مَنْ لهُ الصِّفاتُ العُليا يا مَنْ لهُ

الآخرةُ والأولى يا مَنْ لهُ الجنّةُ المأوى يا مَنْ لهُ الآياتُ

الكبرى يا مَنْ لهُ الأسماءُ الحُسنى يا مَنْ لهُ الحُكمُ والقضاءُ

يا مَنْ لهُ الهواءُ والفضاءُ يا مَنْ لهُ العرشُ والثَّرى يا مَنْ

لهُ السَّمواتُ العُلى فصل پنجاه وهفتم جهت دفع با فالج

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ باسمِكَ يا عَفُوُّ يا غَفورُ يا صَبورُ يا شَكورُ

يا رَؤوفُ يا عَطوفُ يا مَسؤولُ يا وَدودُ يا سُبّوحُ يا قُدّوسُ

الصفات

فصل پنجاه وهشتم دفع جميع بادها يا مَنْ في السَّماءِ عَظَمَتُهُ

يا مَنْ في الأرضِ آياتُهُ يا مَنْ في كُلِّ شَيءٍ دلائلُهُ يا مَنْ في

البِحارِ عَجائبُهُ يا مَنْ في الجِبالِ خَزائنُهُ يا مَنْ يَبدَأُ الخَلقَ

ثُمَّ يُعيدُهُ يا مَنْ إليهِ يَرجِعُ الأمرُ كُلُّهُ يا مَنْ أظهَرَ

في كُلِّ شَيءٍ لُطفَهُ يا مَنْ أحسَنَ كُلَّ شَيءٍ خَلقَهُ يا مَنْ تَصَرَّفَ

في الخلائقِ قُدرَتُهُ فصل پنجاه ونهم جهت دفع درد شکم

يا حَبيبَ مَنْ لا حَبيبَ لهُ يا طَبيبَ مَنْ لا طَبيبَ لهُ يا مُجيبَ

مَنْ لا مُجيبَ لهُ يا شَفيقَ مَنْ لا شَفيقَ لهُ يا رَفيقَ مَنْ لا

تصرف

رفيق له يا مغيث من لا مغيث له يا دليل من لا دليل له

يا انيس من لا انيس له يا راحم من لا راحم له يا صاحب

من لا صاحب له فصل شصتم جهت دوستى كردن

يا كافي من استكفاه يا كالي من استكلاه يا راعي من استرعاه

يا شافي من استشفاه يا قاضي من استقضاه يا مغني من

استغناه يا موفي من استوفاه يا مقوي من استقواه يا

ولي من استولاه فصل شصت و يكم جهت دفع درد دست

اللهم اني اسئلك باسمك يا خالق يا رازق يا ناطق يا صادق

يا فالق يا فارق يا فاتق يا راتق يا سابق يا سامق

فصل شصت و دويم جهت دفع درد پس يا من يقلب الليل و

النهار يا من جعل الظلمات و الانوار يا من جعل

الظل و الحرور يا من سخر الشمس و القمر يا من قدر

الخير و الشر يا من خلق الموت و الحيوة يا من له الخلق

و الامر يا من لم يتخذ ولدا يا من ليس له شريك في

الملك يا من لم يكن له ولي من الذل فصل شصت سيم

جهت نجات دفن يا من يعلم مراد المريدين يا من يعلم

بلغ

ضمیر الصامتین یا من یسمع انین الواهنین یا من یری
بکاء الخائفین یا من یملک حوائج السائلین یا من یقبل
عذر التائبین یا من لا یصلح اعمال المفسدین یا من
لا یضیع اجر المحسنین یا من لا یبعد عن قلوب العارفین
یا اجود الاجودین فصل شصت چهارم جهة دفع درد سر و شقیقه
یا دائم البقاء یا سامع الدعاء یا واسع العطاء یا
غافر الخطاء یا بدیع السماء یا حسن البلاء یا جمیل
الثناء یا قدیم السناء یا کثیر الوفاء یا شریف الجزاء

فصل شصت پنجم دفع درد چشم اللهم انی اسئلک باسمک یا ستار
یا غفار یا قهار یا جبار یا صبار یا بار یا مختار یا فتاح
یا نفاح یا مرتاح فصل شصت و ششم جهة طلب فرزند
یا من خلقنی فسوانی یا من رزقنی وربانی یا من
اطعمنی وسقانی یا من قربنی وادنانی یا من عصمنی
وکفانی یا من حفظنی وکلانی یا من اعزنی واغنانی
یا من وفقنی وهدانی یا من آنسنی وآوانی یا من
اماتنی واحیانی فصل شصت و هفتم جهة دفع چشم زخم

يا من يحق الحق بكلماته يا من يقبل التوبة عن عباده
يا من يحول بين المرء وقلبه يا من لا تنفع الشفاعة
الا باذنه يا من هو اعلم بمن ضل عن سبيله يا من لا
معقب لحكمه يا من لا رادّ لقضائه يا من انقاد كل
شيء لامره يا من السموات مطويات بيمينه يا من يرسل
الرياح بشرا بين يدي رحمته فصل نود و هشتم جهة
روشنی چشم
يا من جعل الارض مهادا يا من جعل الجبال اوتادا
يا من جعل الشمس سراجا يا من جعل القمر نورا يا من

جعل

جعل الليل لباسا يا من جعل النهار معاشا يا من
جعل النوم سباتا يا من جعل السماء بناء يا من جعل
الاشياء ازواجا يا من جعل النار مرصادا فصل نود
و نهم جهة دفع شکوه اللهم اني اسالك باسمك يا سميع يا
شفيع يا منيع يا رفيع يا سريع يا بديع يا كبير يا قدير
يا خبير يا مجير فصل صدم جهة دفع قولنج
يا حيا قبل كل حي يا حيا بعد كل حي يا حي الذي
ليس كمثله حي يا حي الذي لا يشاركه حي يا حي

الذی لا یحتاج الی حیّ یا حیّ الذی یمیت کلّ حیّ یا حیّ
الذی یرزق کلّ حیّ یا حیّاً لم یرث الحیوة من حیّ
یا حیّ الذی یحیی الموتی یا حیّ یا قیّوم لا تأخذه سنة
و لا نوم فصل هفتاد و یکم جهت دفع درد دست یا من له
ذکر لا ینسی یا من له نور لا یطفی یا من له نعم لا تعدّ
یا من له ملک لا یزول یا من له ثناء لا یحصی یا من له
جلال لا یکیّف یا من له کمال لا یدرک یا من له
قضاء لا یردّ یا من له صفات لا تبدّل یا من له نعوت
لا تغیّر

لا تغیّر فصل هفتاد و دویم جهت دفع درد حلقوم یا ربّ العالمین
یا مالک یوم الدین یا غایة الطالبین یا ظهر اللاجین یا
مدرک الهاربین یا من یحبّ الصابرین یا من یحبّ
التوابین یا من یحبّ المتطهرین یا من یحبّ المحسنین
یا من هو اعلم بالمهتدین فصل هفتاد و سیم جهت دفع درد گوش و غیره
اللهم انی اسئلک باسمک یا شفیق یا رفیق یا حفیظ یا
محیط یا مقیت یا مغیث یا معزّ یا مذلّ یا مبدئ یا
معید فصل هفتاد و چهارم جهت دفع درد گلوی یا من هو

أَحَدٌ بِلا ضِدٍّ يا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلا نِدٍّ يا مَنْ هُوَ صَمَدٌ
بِلا عَيْبٍ يا مَنْ هُوَ وِتْرٌ بِلا كَيْفٍ يا مَنْ هُوَ قاضٍ بِلا
حَيْفٍ يا مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلا وَزيرٍ يا مَنْ هُوَ عَزيزٌ بِلا ذُلٍّ
يا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بِلا فَقْرٍ يا مَنْ هُوَ مَلِكٌ بِلا عَزْلٍ يا مَنْ
هُوَ مَوْصُوفٌ بِلا شَبيهٍ

فصل هفتاد و پنجم دفع درد کردن

يا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذّاكِرينَ يا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشّا
كِرينَ يا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ لِلْحامِدينَ يا مَنْ طاعَتُهُ نَجاةٌ
لِلْمُطيعينَ يا مَنْ بابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطّالِبينَ يا مَنْ سَبيلُهُ

واضح

واضِحٌ لِلْمُنيبينَ يا مَنْ آياتُهُ بُرْهانٌ لِلنّاظِرينَ يا مَنْ
كِتابُهُ تَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقينَ يا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِلطّائِعينَ
وَالْعاصينَ يا مَنْ رَحْمَتُهُ قَريبٌ مِنَ الْمُحْسِنينَ

فصل هفتاد و ششم جهت دفع درد پیشانی

يا مَنْ تَبارَكَ اسْمُهُ يا مَنْ تَعالى جَدُّهُ
يا مَنْ لا اِلٰهَ غَيْرُهُ يا مَنْ جَلَّ ثَناؤُهُ يا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُهُ
يا مَنْ يَدُومُ بَقاؤُهُ يا مَنِ الْعَظَمَةُ بَهاؤُهُ يا مَنِ الْكِبْرِياءُ
رِداؤُهُ يا مَنْ لا تُحْصى آلاؤُهُ يا مَنْ لا تُعَدُّ نَعْماؤُهُ

فصل هفتاد و هفتم جهت درد شقیقه

اَللّٰهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يا مُعينُ

يا أمين يا مبين يا متين يا مكين يا رشيد يا حميد يا مجيد
يا شديد يا شهيد **فصل هشتاد و هشتم جهت دفع درد...**
يا ذا العرش المجيد يا ذا القول السديد يا ذا الفعل الرشيد
يا ذا البطش الشديد يا ذا الوعد والوعيد يا من هو الو
لي الحميد يا من هو فعال لما يريد يا من هو قريب
غير بعيد يا من هو على كل شيء شهيد يا من هو
ليس بظلام للعبيد **فصل هشتاد و نهم جهت دفع درد دل**
يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له ولا نظير يا

خالق

خالق الشمس والقمر المنير يا مغني البائس الفقير يا رازق
الطفل الصغير يا راحم الشيخ الكبير يا جابر العظم
الكسير يا عصمة الخائف المستجير يا من هو بعباده خبير
بصير يا من هو على كل شيء قدير **فصل نودم**
جهت دفع سیل... يا ذا الجود والنعم يا ذا الفضل والكرم
يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر والنسم يا ذا البأس
والنقم يا ملهم العرب والعجم يا كاشف الضر والألم
يا عالم السر والهمم يا رب البيت والحرم يا من خلق

الاشياء من العدم فصل شصت و یکم جهت دفع سیل بول

از عدم

اللهم انی اسئلك باسمك یا فاعل یا جاعل یا قابل یا کامل یا

فاضل یا فاصل یا عادل یا غالب یا واهب فصل شصت و

دویم دفع دزد یا من انعم بطوله یا من اکرم بجوده یا من

جاد بلطفه یا من تعزز بقدرته یا من قدر بحکمته

یا من حکم بتدبیره یا من دبر بعلمه یا من تجاوز بحلمه

یا من دنا فی علوه یا من علا فی دنوه فصل شصت و سیم

جهت کشادن یا من یخلق ما یشاء یا من یفعل ما یشاء یا من

یهدی

یهدی من یشاء یا من یضل من یشاء یا من یعذب

من یشاء یا من یغفر لمن یشاء یا من یعز من یشاء یا

من یذل من یشاء یا من یصور فی الارحام ما یشاء

یا من یختص برحمته من یشاء فصل شصت و چهارم جهت

دفع تمام بلاها

یا من لم یتخذ صاحبة ولا ولدا یا من جعل لکل شیء

قدرا یا من لا یشرك فی حکمه احدا یا من جعل الملئکة

رسلا یا من جعل فی السماء بروجا یا من جعل الارض

قرارا یا من خلق من الماء بشرا یا من جعل لکل شیء

امداً یا من احاط بکل شیء علماً یا من احصی کل شیء عدداً

فصل هشتاد و پنجم جهة دفع درد کمر اللهم انی اسئلک باسمک

یا اول یا آخر یا باطن یا ظاهر یا بر یا حق یا فرد یا

وتر یا صمد یا سرمد فصل هشتاد و ششم جهة دفع سرز

یا خیر معروف عرف یا افضل معبود عبد یا اجل

مشکور شکر یا اعز مذکور ذکر یا اعلی محمود

حمد یا اقدم موجود طلب یا ارفع موصوف وصف

یا اکبر مقصود قصد یا اکرم مسئول سئل یا اشرف

فصل هشتاد و پنجم جهة دفع ضرر

اللهم انی اسئلک باسمک یا اول یا آخر یا باطن یا ظاهر یا حق یا فرد یا وتر یا صمد یا

محبوب علم فصل هشتاد و هفتم جهة درد زانوها

یا حبیب الباکین یا سید المتوکلین یا هادی المضلین

یا ولی المؤمنین یا انیس الذاکرین یا مفزع الملهوفین

یا منجی الصادقین یا اقدر القادرین یا اعلم العالمین

یا اله الخلق اجمعین فصل هشتاد و هشتم جهة دفع جمیع بلاها

یا من علا فقهر یا من ملک فقدر یا من بطن فخبر

یا من عبد فشکر یا من عصی فغفر یا من لا تحویه

الفکر یا من لا یدرکه بصر یا من لا یخفی علیه اثر

رازق البشر يا مقدر كل قدر **فصل هشتاد و نهم دفع سلس البول**

اللهم اني اسئلك باسمك يا حافظ يا بارئ يا ذارئ يا

باذخ يا فارج يا فاتح يا كاشف يا ضامن يا آمر يا ناهي

فصل نودم جهت دفع دردها يا من لا يعلم الغيب الا هو

يا من لا يصرف السوء الا هو يا من لا يخلق الخلق

الا هو يا من لا يغفر الذنب الا هو يا من لا يتم النعمة

الا هو يا من لا يقلب القلوب الا هو يا من لا يدبر

الامر الا هو يا من لا ينزل الغيث الا هو يا من لا يبسط

الرزق

الرزق الا هو يا من لا يحيي الموتى الا هو **فصل نود و يكم**

نزد بزرگان رفتن يا معين الضعفاء يا صاحب الغرباء

يا ناصر الاولياء يا قاهر الاعداء يا رافع السماء يا

انيس الاصفياء يا حبيب الاتقياء يا كنز الفقراء يا

اله الاغنياء يا اكرم الكرماء **فصل نود و دويم**

جهت دفع تب يا كافيا من كل شيء يا قائما على كل شيء

يا من لا يشبهه شيء يا من لا يزيد في ملكه شيء

يا من لا يخفى عليه شيء يا من لا ينقص من خزائنه

شيءٍ يا مَن هو خبيرٌ بكلّ شيءٍ يا مَن ليس كمثله شيءٌ

اي آنكه او آگاه است بهر چيزي اي آنكه نيست مثل او چيزي

يا مَن لا يعزب عن علمه شيءٌ يا مَن وسعت رحمته كلّ

اي آنكه غايب نمي شود از علم او چيزي اي آنكه فرا گرفته است رحمت او

شيءٍ فصل نود وسيم جهت دفع ناصور اللّهمّ إنّي

چيزي را

أسألك باسمك يا مُكرِم يا مُطعِم يا مُنعِم يا مُعطي يا

اي گرامي كننده اي طعام دهنده اي نعمت دهنده اي عطا دهنده

مُغني يا مُقني يا مُحيي يا مُرضي يا مُنجي فصل

نود وچهارم دفع قرض يا أوّل كلّ شيءٍ وآخره يا إله كلّ شيءٍ

اي اول هر چيزي وآخر او اي معبود هر چيزي

ومليكه يا ربّ كلّ شيءٍ وصانعه يا بارئ كلّ شيءٍ

وخالقه يا قابض كلّ شيءٍ وباسطه يا مبدئ كلّ

شيءٍ

شيءٍ ومعيده يا منشئ كلّ شيءٍ ومقدّره يا مكوّن كلّ

چيزي وبازگرداننده او اي ايجاد كننده هر چيزي وتقدير كننده او اي موجود كننده هر

شيءٍ ومحوّله يا محيي كلّ شيءٍ ومميته يا خالق كلّ

چيزي وتغيير دهنده او اي زنده كننده هر چيزي وميراننده او اي آفريدگار هر

شيءٍ ووارثه ده نام جهت دفع قبض شكم وغيره يا خير

چيزي و وارث او — فصل نود وچهارم — اي بهترين

ذاكرٍ ومذكورٍ يا خير شاكرٍ ومشكورٍ يا خير حامدٍ

ذاكران ومذكوران اي بهترين شكر كنندگان وشكر كرده شدگان اي بهترين حمد كنندگان

ومحمودٍ يا خير شاهدٍ ومشهودٍ يا خير داعٍ ومدعوٍّ

وحمد كرده شدگان اي بهترين حاضران وحاضر شدگان اي بهترين خوانندگان وخوانده

يا خير مجيبٍ ومجابٍ يا خير مؤنسٍ وأنيسٍ يا خير

شدگان اي بهترين اجابت كنندگان واجابت كرده شدگان اي بهترين مونسان وانيسان اي بهترين

صاحبٍ وجليسٍ يا خير مقصودٍ ومطلوبٍ يا خير حبيبٍ

مصاحب وهمنشين اي بهترين مقصود ومطلوب اي بهترين دوستان

ومحبوبٍ ده نام جهت دفع درد دندان يا مَن هو لمن

ودوستداشتگان فصل نود وپنجم اي خداوندي كه دوست

دفع درد ق یا من علمه سابق یا من وعده صادق یا

ای خداوندی که علم او سابقست ای انکه وعده او راستست ای

من لطفه ظاهر یا من امره غالب یا من کتابه محکم

انکه لطف او ظاهرست ای انکه امر او غالبست ای خداوندی که کتاب او محکم است

یا من قضاؤه کائن یا من قرآنه مجید یا من ملکه

ای خداوندی که حکم او شدنی است ای انکه قران او بزرگست ای انکه پادشاهی

طص قدیم یا من فضله عمیم یا من عرشه عظیم فصل نود

او همیشه است ای خداوندی که فضل او عامست ای انکه عرش او عظیمست

و نهم در نزد باد ... یا من لا یشغله سمع عن سمع یا من لا

رفتن — ای خداوندی که مشغول نمیکند او را شنیدن سخنی از شنیدن دیگر

یمنعه فعل عن فعل یا من لا یلهیه قول عن قول

باز نمیدارد او را کاری از کار دیگر ای خداوندی که غافل نمی‌سازد او را سخنی از سخن دیگر

یا من لا یغلطه سؤال عن سؤال یا من لا یحجبه شیء

ای انکه غلط نمی‌اندازد او را سوالی از سوال دیگر ای انکه محجوب نمی‌سازد او را حضرتی

عن شیء یا من لا یبرمه الحاح الملحین یا من هو غایة

از چیز دیگر ای خداوندی که دلگیر نمیکند او را الحاح الحاح کنندگان ای انکه اوست

دعاه مجیب یا من هو لمن اطاعه حبیب یا من هو

دعا را اجابت کننده ای خداوندی که اوست دوست ان کسانی که طاعت کنند او را ای خداوندی

الی من احبه قریب یا من هو بمن استحفظه رقیب

که اوست نزدیک دوستان ای خداوندی که اوست نگهدارنده کسی که طلب حفظ کند

یا من هو بمن رجاه کریم یا من هو بمن عصاه حلیم

ای خداوندی که اوست با امیدواران خود کریم ای خداوندی که اوست با عاصیان بردبار

یا من هو فی عظمته رحیم یا من هو فی حکمته عظیم

ای خداوندی که اوست در عظمت خود رحم کننده ای خداوندی که اوست در حکمت خود بزرگوار

یا من هو فی احسانه قدیم یا من هو بمن اراده علیم

ای خداوندی که اوست در احسان خود همیشه ای خداوندی که اوست بانکه اراده کند دانا

فصل نود و دوم ختم دفع درد اللهم انی اسئلک باسمک یا

و بلا ها

مسبب یا مرغب یا مقلب یا معقب یا مرتب یا مخوف

ای سبب سازنده ای ترغیب کننده ای گرداننده دلها ای ... ای ترتیب دهنده

یا محذر یا مذکر یا مسخر یا مغیر فصل نود و سیم

ای ترساننده از عذاب ای پند دهنده ای مسخر کننده ای تغییر دهنده اشیا

یا من

مُرادُ المُریدین یا مَن هُوَ مُنتَهیٰ هِمَمِ العارِفین

مراد اراده کنندگان ای خداوندی که اوست منتهای همت عارفان

یا مَن هُوَ مُنتَهیٰ طَلَبِ الطّالِبین یا مَن لا یَخفیٰ عَلَیهِ

ای خداوندی که اوست منتهای طلب طالبان ای خداوندی که مخفی نیست برو

ذَرَّةٌ فِی العالَمین فصل صدم جهت اجابت دعاها

ذرهٔ در عالمیان

یا حَلیماً لا یَعجَلُ یا جَواداً لا یَبخَلُ یا صادِقاً لا یُخلِفُ یا

ای بردباری که او تعجیل نمیکند ای بخشنده که بخل نمیکند ای راستگوئی که خلاف نمیکند ای

وَهّاباً لا یَمَلُّ یا قاهِراً لا یُغلَبُ یا عَظیماً لا یوصَفُ یا عَدلاً

بخشنده که ملال نمیگیرد ای قهاری که مغلوب نمیشود ای بزرگواری که وصف کرده نمیشود ای عادلی که

لا یَحیفُ یا غَنیّاً لا یَفتَقِرُ یا کَبیراً لا یَصغُرُ یا حافِظاً

ستم نمیکند ای غنی که محتاج نیست ای بزرگواری که کوچک نمیشود ای نگاه دارنده

لا یَغفَلُ سُبحانَکَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ الغَوثَ الغَوثَ

که غافل نمیشود پاک و منزهی ای خداوندی که نیست خدائی مگر تو فریادرس مرا دریاب

خَلِّصنا مِنَ النّارِ شرح سوره زبور که عبدالله عباس از آنجا یا رَبِّ

و خلاص گردان از آتش دوزخ

ای پروردگار من

آورده

آورده هر که جهت طمانینه قلب دایم بخواند اطمینان قلب حاصل شود

بدانکه این آیات از زبور داود پیغمبر علی نبینا و علیه السلام است

که برای کفایت مهمات میخواند و از ابن عباس رضی الله عنه مرویست که

گفت فقیر بودم و ترسنده از خواندن این سوره توانگر شدم و ایمن

و مالک آنچه خدا داد مرا و گفت این فاضلترین سوره است از کتاب زبور

هر که این سوره را بخواند مرتبه وی بلند گردد و اگر در بند باشد خلاص شود

و اگر گنه کار باشد آمرزیده شود و اگر تهمت زده باشد نجات یابد و اگر مایل

بچیزی باشد حق تعالی حاجت او را روا کند و حضرت داود نبی علیه السلام

چون مکروهی بوی رسیدی این سوره بخواندی و از آن شدت رهائی

یافتی و این سوره بعبارت سریانی بود عبدالله عباس بعربی آورد و این

سوره در زبور مثل سوره الرحمن است در قران و ترجمه هر آیتی در تحت

آن نوشته و خواص این آیات در حاشیه نگاشته شده والله اعلم

هذا سوره بسم الله الرحمن الرحیم موصوفه

أنا الموجودُ فاطلُبنی تَجِدنی   فإن تَطلُبْ سِوایَ لَم تَجِدنی

منم موجود بحق پس طلب کن بیابی مرا   پس اگر طلب کنی غیر مرا نیابی مرا

أنا المقصود لا تقصد سوائي
كثير الخير فاطلبني تجدني

أنا الرب الذي يخشى عذابي
جميع الخلق فاطلبني تجدني

أنا الملك المهيمن جل قدري
عظيم الملك فاطلبني تجدني

أنا المعبود لا تعبد سوائي
أنا الجبار فاطلبني تجدني

ومن نام الليل فاطلبني تجدني
عبيدي في سواد الليل عبدي

عبيدي في سجود في ركوع
وحين تقوم فاطلبني تجدني

عبيدي الرحمن بر رؤوفا
بكل الخلق فاطلبني تجدني

ومن نادى فاطلبني تجدني
عبيدي واحد أحد صمد عظيما

كثير البر فاطلبني تجدني
أنا العفو الرحيم من آخر

عبيدي واسعا بالخلق عبدي
أنا المذكور فاطلبني تجدني

تجدني مستغنيا لي مغيثا
أنا القهار فاطلبني تجدني

هلم إلي لا تقصد سوائي
أنا المنان فاطلبني تجدني

إذا الملهوف نادى لي ظليما
أقول لبيك فاطلبني تجدني

أنا الذاكر ليلة نادى يتيما
أنا السميع فاطلبني تجدني

إذا المضطر قال أو توالى
تعالى ربنا إليه فاطلبني تجدني

فلا تعبد يا عبدي سوائي
من النيران فاطلبني تجدني

إذا عبدي عصاني لا عبدي
سريع الأحد فاطلبني تجدني

ومن يدخل في الفردوس غدا
أنا الغفران فاطلبني تجدني

فليس يكون فاطلبني تجدني
ومن يسكن فإن يكون عبدي

أنا التواب فاطلبني تجدني
فإني هو يتب علي

١١٢

وقل في الخلق من يعطي جزاك
سوائي أليس فاطلبني عبدي
أتعرف غافرا للذنب غيري
أنا الغفار فاطلبني عبدي
منم بخشنده گناهان
تا غفر العباد ولا أبالي
غدا في الحشر فاطلبني عبدي
وأكرم من أريد بلا حساب
أنا القهار فاطلبني عبدي
لي الآلاء والنعماء عبدي
لي الخيرات فاطلبني عبدي

وأسكن من يحب بلا في جنانا
لي الأفلاك فاطلبني عبدي
لي الأكوان فاطلبني عبدي
لي الأشياء فافهم جميعا

أتعرف ساتر العيب غيري
أنا الستار فاطلبني عبدي
تعززني ولم توقظ مثلي
ولست تراه فاطلبني عبدي
أتعرف من له اسم كاسمي
أنا الرحمن فاطلبني عبدي
أتعرف من يغيث الخلق غيري
من النيران فاطلبني عبدي
أتعرف من يقول الشيء غيري
يكن فيكون فاطلبني عبدي

أتعرف منقذ الخلق غيري
من الهلكات فاطلبني عبدي
أنا الله الذي لا شيء غيري
أنا الديان فاطلبني عبدي

لي الميراث فاطلبني عبدي
أنا ملك الملوك وكل مالك

أنا أوفى العهود وقيل قبل
وتعبد العبد فاطلبني عبدي
أنا الوهاب يا عبدي سريعا
وأوفي العهد فاطلبني عبدي

أنا الفرد المدبر فوق عرشي
بلا تكييف فاطلبني عبدي
منم همتا و بی مثال و تدبیر کننده و ... بی کم و کیف ...

روایتست از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم که فرمود که من روزی در
مسجد نشسته بودم که جمعی کافران در آمدند چون حضرت رسول را دیدند
بر ایشان کار کرد بازگشتند و در تفکر شدند که چه گونه علاج پیغمبر
کنیم بعد از آن ابوجهل گفت من فکر این کار کرده ام مشرکان گفتند
چگونه گفت در میان عرب شخصی هست کبود چشم و دو ... نام او را

بیاوریم و شتر بسیار بوی دهیم تا محمد صلی الله علیه وسلم را چشم زخم رساند
شنیدم که حفصه کس را از مهتران عرب را چشم زخم رسانیده
که یکی جان نبردند مشرکان گفتند که اگر مراد بر آید ما هفتاد شتر
بوی دهیم پس قاصدی فرستادند چون بیامد او را بالا دست خود
نشاندند و هفت شتر بکشتند و دعوت ساختند چون از دعوت
فارغ گشتند گفتند که ما را بتو یک حاجت است میخواهیم که محمد صلی الله علیه وسلم را
چشم زخم رسانی و اگر چنان نمایی که او خسته گردد ما تو را هفتاد
شتر بدهیم گفت چنان کنم روز دیگر برخواست و در مسجد سید کاینات
رفت رسول صلی الله علیه وسلم نشسته بود و با یاران نصیحت میکرد که آن شخص
از در درآمد و بر حضرت رسالت پناه محمد صلی الله علیه وسلم نگریست پس حضرت
رسول صلی الله علیه وسلم همان زمان برخواست و بخانه رفت خدیجه خاتون گفت
یا محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم رنگ مبارک شما سرخ بر آمده فرمود در مسجد
نشسته بودم که یکی از در درآمد و در من نگریست هنوز از مسجد
بیرون نیامده بودم که در من اثر کرد خدیجه گریان شد رسول علیه السلام
نگریست که کافران شادمان شدند و مؤمنان غمگین گشتند مشرکان

گفتند که میباید که یکبار دیگر چشم زخم رسانی گفت چنان کنم
برخاست و با هفت کس بدر سرای حضرت رسول صلی الله علیه وسلم آمدند ناگاه
حضرت جبرئیل علیه السلام در آمد و گفت یا رسول الله حق تعالی تو را سلام علیک الصلوة والسلام
میرساند و دعا فرستاده که بخوانی و آنکس که تو را چشم زخم زده با هفت
کس بر سر راست رسول صلی الله علیه و آله وسلم گفت ای جبرئیل این دعا
چه خاصیت دارد گفت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم این دعا را اگر بر سنگ خوانی
نرم شود و اگر بر آتش خوانی سرد شود و اگر بر بیمار خوانی شفا یابد رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که کافران در آیند چون چشم حضرت رسول بر دهان ملعون
افتاد دعا را بخواند و بر روی دمید هر دو چشم آن ملعون ترکید
گوشهای او کر شد و پایهای او شل شد و باقی کافران را در چشم
سپید شد منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم که هر که این
دعا را با خود دارد عذاب قبر نکشد و هر که بخواند گناه بر وی ننویسند و
هر که بخواند و ثواب او را باهل قبرستان بخشد اگر از اهل عذاب باشند
دیگر عذاب ایشان نکنند رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که یا علی هر که این دعا
بر سه کلوخ خواند یا بر سه سنگ و یکی بر بالای سر مرده نهد و یکی بر

پائین پا و یکی در میان شکم حق تعالی آمرزده را عذاب نکند
وجهة برآمدن حاجات بعد از نماز صبح خواندن مخیرست و اگر جهت
مهمی بخواند مهم او برآید و اگر هفت بار بخواند روزی بروی
فراخ شود و اگر با خود دارد از جمله بلاها محفوظ باشد و از زحمت
دیو و پری و از عذاب گور سالم باشد و اگر بر سه پاره پنیر بنویسند
و کسی را که سگ دیوانه گزیده باشد بدهند تا بخورد شفا یابد و
اگر بر طشت بنویسد بمشک و زعفران و بشوید و آن آب را بهر
جا که علتی داشته بمالد آن علت برطرف شود و اگر بر روی خود
مالد هر که او را ببیند مهربان گردد و اگر زمینی را که آفتی یا ملخی پیدا
شود این دعا را بمشک و زعفران خواند و در آب بیندازد و آب را
بر ایشان افشاند همه باز گردند و اگر این دعا را در آهن گیرند
و بزراعت برد یکی صد من حاصل شود و اگر بر تخم مرغ بنویسد
و در زمین دفن کند موران و ماران از آن زمین بگریزند و اگر
بر دست راست بندد دیو و پری از و بگریزند و اگر بر بازوی
چپ بندد جادوی بر او کار نکند و اگر بر موم گیرد و در آب اندازد

و آب را بخورد و صلوات دهد بخت بسته او گشاده گردد و اگر از
آن آب وضو سازد قرض او گذارده شود و اگر بر گهواره بندد بچه
خوشخوی شود و درد سر و درد گوش و درد دندان و درد چشم نبیند
و اگر در کاسه چینی اندازد زنی که حامله باشد از آن آب بخورد
زحمت زاییدن بروی آسان گردد و اگر کسی را بسته باشند این
دعا را با خود دارد گشاده گردد و در خانه که این دعا باشد
هیچ بلا و آفت در آن خانه نرسد و اگر کسی را فرزند نشود این
دعا را با خود دارد خدای تعالی او را فرزند کرامت کند و اگر
این دعا را بر بالین سر خود نهد و چند نوبت صلوات بفرستد
مهم او ساخته شود و اگر با خود دارد هیچ طرفی بد و کار نکند
و دارنده این دعا را از جمیع بلاها محفوظ باشد و هزار نیکی
در دیوان اعمال او بنویسد و هزار بدی محو کند و روز قیامت
از پل صراط آسان بگذرد و شرح این دعا بسیارست و برین قدر
مختصر شد هذه الدعاء الموصوفه بزرگ والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله عدد اللیالی والدهور لا اله الا الله
عدد الامواج والبحور لا اله الا الله خیر مما
یجمعون لا اله الا الله عدد کل ثمر وشجر
لا اله الا الله واللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس
لا اله الا الله مالک یوم الدین لا اله الا الله یوم ینفخ
فی الصور لا اله الا الله محمد رسول الله مای
دای الله لا اله الا الله الحلیم الکریم سبحان الله
رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین
اسئلک موجبات رحمتک وعزائم مغفرتک من
کل ذنب والسلامة واسم لا تدع لی ذنبا الا
هما الا فرجه ولا حاجة رضی الا قضیتها بسم الله
یا هادی الضلالة وزاد الضلالة علی ضالة بعزتک
فیما عطائک وفضلک اللهم انی اسئلک منتهی
الرحمة من کتابک واسمک الاعظم وجدک
الاعلی وکما لنبیک لکرم وجهه اللهم اکفنی بحلالک

عن حرامک واغننی بفضلک عمن سواک اللهم
بان لک الحمد لا اله الا انت الحنان المنان
بدیع السموات والارض یا ذا الجلال و
الاکرام وصلی الله علی محمد وآله اجمعین

فصل در باب قلم تراشیدن وکتابت کردن

نقلست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر کاتب که اول
سه بار صلوات فرستد بر محمد وال محمد و پنج بار نادعلی بخواند
وبعد از آن کارد بر قلم زده قطع کند ودر محل قطع کردن
قلم بگوید یا مستعان واقض حاجتی بعد از آن قطع زند
چون تمام کند بر پشت ناخن ابهام یا کف دست آیه قریب
مجیب بنویسد وشروع در مطلب نماید در کتابت آنچه بدان قلم
تحریر یابد نتیجه آن بظهور رسد انشاء الله تعالی **فصل در دانستن**
احوال غایب که مرده است یا زنده است چون خواهند که احوال غایب
دانند باید که نام او ونام مادر او بحساب ابجد صغیر حساب کنند وهفت
هفت طرح کند اگر یکی باند طالع قمر است وزنده است کار او نیکست

ونیت آمدن دارد و زن خاسته است و اگر دو بماند زحل است
بسیار دور است و کسی از و خبر ندارد و اگر سه بماند مریخ است
آنکس مرده است یا کشته باشد و خبر نخواهد آمد و اگر چهار بماند مشتری
باشد آنکس زنده و سلامت باشد و اگر پنج بماند آنکس زنده بود و
بمرگ خود بمیرد و اگر شش بماند زهره است آنکس زنده است و
زن کرده است و دل آمدن دارد و مکتوبات خواهد فرستاد
و اگر هفت بماند عطارد است زنده باشد بسلامت و سعادت
باز آید ان شاء الله تعالی دعای هیکل است بنویسد و در گردن اسب
بندد محفوظ باشد

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله وبالله والله اکبر رب الملائکة والروح رب
العرش العظیم رب الانبیاء والمرسلین اللهم احفظ
من شر البلاء الفاحش وجمیع البطن وجمیع الاعضاء
من الجلد واللحم والشحم والعروق والعظام بسم الله
الرحمن الرحیم اعیذ هذا الفرس الواکیل بالله العزیز الوهاب
وسابق الاسباق ورازق الارزاق ان ربی علی صراط مستقیم
[redacted]

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی النبی الامی العربی الهاشمی المکی المدنی
الابطحی التهامی السید البهی السراج المضی صاحب الوقار والسکینة
المدفون بارض المدینة العبد المؤید الرسول المسدد المصطفی
الامجد الحامد المحمود الاحمد حبیب اله العالمین ابی القاسم
محمد ۰ اللهم صل علی السید الامام المظفر الشجاع الغضنفر
قاسم طوبی وسقر الانزع البطین الاشرف المکین الاشجع
المتین العارف المبین الناصر المعین الولی الدین الوالی المهدی
السید الرضی المخلص الصفی المدفون بالغری لیث بنی غالب مظهر
العجائب ومفرق الکتائب والشهاب الثاقب والهزبر الغالب
ونقطة دائرة المطالب اسد الله الغالب غالب کل غالب مطلوب
کل طالب امام اهل المشارق والمغارب ابی الحسین وابی الریحا
نتین امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ۰ اللهم صل علی
السیدة الجلیلة الکریمة النبیلة المکروبة العلیلة ذات الاحزان
الطویلة فی المدة القلیلة المدفونة سرا المغصوبة حقها

المجهولة قدراً وقبراً سيدة النساء الانسية الحوراء ام الائمة
النقباء النجباء فاطمة الزهراء اللهم صل على السيد المجتبى
والامام المرتجى سبط المصطفى وابن المرتضى عالم العلم الرفيع
ذي الحسب المنيع المدفون بارض البقيع العالم بالفرائض و
السنن صاحب الجود والمنن دافع المحن والفتن الذي عجز
عن مدايحه لسان اللسن الامام بالحق ابي محمد الحسن
اللهم صل على السيد الزاهد الامام العابد الراكع الساجد
زين المنابر والمساجد ولي الملك الماجد وقتيل الكافر
الجاحد صاحب المحنة والكرب والبلاء المدفون بارض
كربلا سبط رسول الثقلين ونور العينين مولانا ومولى
الكونين الامام الشهيد المظلوم ابي عبد الله الحسين
اللهم صل على اب الائمة وسراج الامة وكاشف الغمة
ومحيي السنة وسخي الهمة ورفيع الرتبة وانيس الكربة
وصاحب الندبة المدفون بارض طيبة المبرا من كل شين
عين الانسان وانسان العين الامام بالحق زين العابدين

ابي محمد علي بن الحسين ۝ اللهم صل على قمر الاقمار
ونور الانوار وسيد الابرار وقائد الاخيار الطهر الطاهر
والبدر الباهر والبحر الزاخر والدر الفاخر والنجم الزاهر
السيد الوجيه الامام النبيه المدفون عند جده والبحر الحبر
المكي عند العدو والولي الامام بالحق ابي جعفر الباقر
محمد بن علي ۝ اللهم صل على الصادق الصديق
العالم الوثيق الحليم الشفيق الهادي الى الطريق ساقي شيعته
من الرحيق ومبلغ اعدائه الى الحريق صاحب الشرف الرفيع
ذي الحسب المنيع المدفون بارض البقيع المهذب المؤيد
الامام بالحق ابي عبد الله جعفر بن محمد ۝ اللهم صل
على السيد الكريم الامام الحليم السخي الكليم الصابر الكظيم
صاحب العسكر والجيش المدفون بمقابر القريش ذي الشرف
الانور والمجد الاظهر الامام بالحق ابي ابراهيم موسى بن
جعفر ۝ اللهم صل على السيد المعصوم الامام المظلوم
الشهيد المسموم الغريب المغموم عالم علم المكتوم بدر

النجوم شمس الشموس انيس النفوس المدفون بارض طوس الرضا
المرتضى المرتجى المنتجى عالم علم القضا السيف المنضى نور
حديقه المصطفى ونور حدقه المرتضى الامام الشهيد المعصوم
ابي الحسن علي بن موسى الرضا ه اللهم صل على السيد
العالم العامل الفاضل الكامل الباذل العادل الاجود الجواد
الهادي باسرار المبدء والمعاد ولكل قوم هاد مناص المحبين [المؤمنين]
يوم ينادي المناد المدفون بارض بغداد السيد العربي الامام
الاحمدي النور المحمدي الملقب بالتقي المكنى بابي جعفر
محمد بن علي ه اللهم صل على الامامين الهمامين
السيدين السندين العالمين العاملين الفاضلين الكاملين
الباذلين العادلين الاورعين الاطهرين النورين
النيرين الشمسين القمرين وارثي المشعرين واهلي
الحرمين كهفي التقى غوثي الورى بدري الدجى طودي
النهى علمي الهدى المدفونين بسر من رآى كاشفي
البلوى والمحن الامامين بالحق ابي محمد الحسن ه

اللهم صل على صاحب الدعوة النبوية والصولة الحيد
رية والعصمة الفاطمية والحلم الحسنية والصلابة الحسينية
والعبادة السجادية والمآثر الباقرية والآثار الجعفرية
والعلوم الكاظمية والحجج الرضوية والجود التقوية و
النقاوة النقوية والهيبة العسكرية والغيبة المهدية [الالهية]
القائم بالحق الداعي الى الصدق المطلق كلمات
الله وامان الله وحجة الله الذاب عن حرمة الله القسط
لدين الله القائم بامر الله الحافظ لحدود الله خليفة
الرحمن وقاطع البرهان واماط الدين وانجان الامام
في السر والعلن الامام بالحق ابي القاسم محمد بن الحسن
[illegible] [رضی] الله وسلامه عليه وعليهم اجمعين الطيبين
[illegible]
الطاهرين
روايت است از حضرت ابا عبد الله [illegible] [رضی الله عنه] الحضرت فرمود که هر که
خواهد در ميان مردم عزيز و مكرم و محترم و سرفراز باشد بايد كه اين آيه را با خود
دارد مجرب است هذه الدعا بسم الله الرحمن الرحيم صلى الله

انْ يجعلَ بينكم وبينَ الّذين عاديتم منهم مودّةً واللهُ قديرٌ
واللهُ غفورٌ رحيمٌ مناجات نامه [illegible]

بسم الله الرّحمن الرّحيم

ابتدا امام

لكَ الحمدُ يا ذا الجودِ والمجدِ والعلى ٥ تباركتَ تعطي من تشاءُ وتمنعُ
الهي وخلّاقي وحرزي وموئلي ٥ اليكَ لدى الاعسارِ واليسرِ افزعُ

[illegible]

الهي لئن جلّت وجمّت خطيئتي ٥ فعفوكَ عن ذنبي اجلُّ واوسعُ
الهی اگرچه گناهم بسی شدست بزرگ ٥ بزرگتر ز گناهم کمال عفو تو است

الهي لئن اعطيتُ نفسي سؤلها ٥ فها انا في روضِ النّدامةِ ارتعُ

[illegible]

الهي ترى حالي وفقري وفاقتي ٥ وانتَ مناجاتي الخفيّةَ تسمعُ
مهیمنا همه حال بنده آگاهی ٥ که فقر و فاقه نهان [illegible]
نیاز من شنوی زانکه بر تو پیداست ٥ اگر بلند کنم عرض یا بگویم پست

الهي فلا تقطع رجائي ولا تزغ ٥ فؤادي فلي في سيبِ جودكَ مطمعُ
ز فضل خویش خدایا مکن مرا نومید ٥ که من به رحمت تو [illegible] طمع دارم
ز راه رحمت مگردان دلم اگرچه بسی ٥ اسیر نفس سراسیمه گنهکارم

الهي لئن خيّبتني او طردتني ٥ فمن ذا الّذي ارجو ومن ذا اشفّعُ
کرم بعجز مرا [illegible] یارب ٥ چه حیله سازم ای کردگار بی همتا

الهي اجرني من عذابكَ انّني ٥ اسيرٌ ذليلٌ خائفٌ لكَ اخضعُ
خدای من برهان از عذاب آخرتم ٥ فروتنی من از خوف و خشیت تو چنانست
که من اسیرم و ترسان و خوار بازاری ٥ که هیچکس نبود در جهان بسان خواری

الهي فانسني بتلقينِ حجّتي ٥ اذا كانَ لي في القبرِ مثوىً ومضجعُ

[illegible]

الهي لئن عذّبتني الفَ حجّةٍ ٥ فحبلُ رجائي منكَ لا يتقطّعُ

[illegible]

الهي اذقني طعمَ عفوكَ يومَ لا ٥ بنونَ ولا مالٌ هنالكَ ينفعُ

[illegible]

الهي اذا لم ترعني كنتُ ضائعاً ٥ وانْ كنتَ ترعاني فلستُ اضيعُ

[illegible]

الهي اذا لم تعفُ عن غيرِ محسنٍ ٥ فمن لمسيءٍ بالهوى يتمتّعُ

[illegible]

الهی لئن فرّطت فی طلب التقی ... فها انا اثر العفو اقفو واتّبع

الهی لئن اخطأت جهلا فطالما ... رجوتک حتی قیل ما هو یجزع

الهی لئن بذّت الطود واعتلت ... وصفحک عن ذنبی اجلّ وارفع

الهی ینجی ذکر طولک لوعتی ... وذکر خطایا العین منی یدمع

الهی اقلنی عثرتی وامح حوبتی ... فانّی مقرّ خائف متضرّع

الهی انلنی منک روحا ورحمة ... فلست سوی ابواب فضلک اقرع

الهی لئن اقصیتنی او اهنتنی ... فما حیلتی یا ربّ ام کیف اصنع

الهی حلیف الحب باللیل ساهر ... ینادی ویدعو والمغفل یهجع

وکلّهم یرجو نوالک راجیا ... لرحمتک العظمی وفی الخلد یطمع

الهی یمنّینی رجائی سلامة ... وقبح خطیئاتی علیّ یشنّع

الهی

الهی فان تعفو فعفوک منقذی ... والّا فبالذنب المدمّر اصرع

الهی بحق الهاشمی وآله ... وحرمة ابرار هم لک خشّع

الهی فانشرنی علی دین احمد ... منیبا تقیّا قانتا لک اخضع

ولا تحرمنّی یا الهی وسیّدی ... شفاعته الکبری فذاک المشفّع

وصلّ علیه ما دعاک موحّد ... وناجاک اخیار ببابک رکّع

درود گوی بر او تا ترا الهی خوانند ... ز زمره شرف و سابری آدم

گزیدگان در حضرت تو راز گویند

در رحمت و غفران بسید عالم

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که این دعا بود در هر صبح و شام
بخواند از صد هزار هول قیامت ایمن گردد و تلخی جان کندن بر وی آسان
شود از برکت این دعای بزرگوار هذه الدعاء المذکور والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم

اعددت لکل هول لا اله الا الله ولکل هم وغم ما شاء
الله ولکل نعمة الحمد لله ولکل رخاء وشدة الشکر لله
ولکل اعجوبة سبحان الله ولکل اعجوبة سبحان الله ولکل ذنب
استغفر الله ولکل مصیبة انا لله وانا الیه راجعون ولکل
ضیق حسبی الله ولکل قضاء وقدر توکلت علی الله ولکل
عدو اعتصمت بالله ولکل طاعة ومعصیة لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم

حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه روایت کرد از حضرت رسول صلی الله علیه
وآله وسلم که هر که بعد از نماز صبح هفت بار این دعا بخواند خدای تعالی صد حاجت
او را روا کند و کمترین حاجت آن باشد که بلای بد و قضای بد از وی بگرداند
و اگر بعدد قطرات باران و ریگ بیابان و برگ درختان گناه داشته باشد

که حق تع

که حق تعالی همه را بیامرزد و اگر دشمنی دارد یا در زندانی محبوس باشد چون
این دعا بخواند یا با خود دارد خلاص شود والله اعلم هذه الدعا

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم افتح لنا ابواب خیرک وفضلک ورافتک ورحمتک
ورزقک بفضلک وکرمک یا ارحم الراحمین واذا لقوا
الذین امنوا قالوا امنا واذا خلا بعضهم الی بعض قالوا اتحد
ثونهم بما فتح الله علیکم فعسی الله ان یاتی بالفتح الذین
یتربصون بکم فان کان لکم فتح من الله فلما نسوا ما ذکروا
به فتحنا ابواب کل شیء وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا
هو واستکبروا عنها لا تفتح لهم ابواب السماء علی الله
توکلنا ربنا افتح بیننا وبین قومنا بالحق وانت خیر
الفاتحین ولو ان اهل القری امنوا واتقوا لفتحنا علیهم
برکات من السماء والارض ان تستفتحوا فقد جاءکم
الفتح وان تنتهوا فهو خیر لکم ولما فتحوا متاعهم
وجدوا بضاعتهم ولو فتحنا علیهم بابا من السماء

قضاوتيه

[illegible] يرجعون حتى اذا فتحت ياجوج وماجوج و
هم من كل حدب ينسلون فافتح بيني وبينهم فتحا ونجني
ومن معي من المؤمنين ويقولون متى هذا الفتح ان كنتم
صادقين قل يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا ايمانهم ولا هم
ينظرون قل يجمع بيننا ربنا ثم يفتح بيننا بالحق
وهو الفتاح العليم ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك
لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم
وسيق الذين كفروا الى جهنم زمرا حتى اذا جاؤها فتحت
ابوابها وقال لهم خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها
خالدين بسم الله الرحمن الرحيم انا فتحنا لك فتحا مبينا
ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تاخر ويتم نعمته عليك
ويهديك صراطا مستقيما وينصرك الله نصرا عزيزا
فجعل من دون ذلك فتحا قريبا ففتحنا ابواب السماء
بماء منهمر ولله ميراث السموات والارض لا يستوي
منكم من انفق من قبل الفتح نصر من الله وفتح قريب

وبشر المؤمنين وفتحت السماء فكانت ابوابا بسم الله الر
حمن الرحيم اذا جاء نصر الله والفتح ورايت الناس
يدخلون في دين الله افواجا فسبح بحمد ربك واستغفره
انه كان توابا اللهم اني اسئلك باسمك يا حي يا قيوم يا ذا
الجلال والاكرام اسئلك باسمك المعروف المقدس
الميمون المبارك ان تغفر لي ذنوبي وتقضي لي حاجتي
وتنصرني على الاعداء وتفتح لي ابواب خيرك وتفرجني
من كل هم وغم يا ارحم الراحمين
وتمت كلمة ربك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماته وهو
السميع العليم ١١١٥ آمين برحمتك يا ارحم
الراحمين

شرح دعاء مهر نبوت حضرت محمد مصطفى صلى الله عليه وسلم نقلست از حضرت امير المؤمنين علی

واز حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که هر آن بندهٔ مومنی که این مهر نبوت
بنویسد و با خود دارد چون روی بهر کار نهد آن کار ساخته شود و هر که
بیماری داشته باشد این مهر نبوت را بنویسد و در موم گیرد و در آب اندازد
و بخورد بیمار دهد تا شفا یابد و اگر کسی خونی کرده باشد و آن شخص را کشتن

بر زند چون این مهر نبوت حضرت پیغمبر را ببوید و بر بازوی راست خود
بندد و در حال خلاصی یابد و از دست ظالم رهائی یابد از برکت این مهر
مبارک و هر کس که بدین مهر شریف شک آورد کافر باشد اگر کسی در اول
صبح بدین مهر نگاه کند تا صبح دیگر بهیچ بلائی گرفتار نشود و اگر کسی بعد از
نماز صبح بدین مهر نگاه کند همانست که با ابراهیم خلیل الله پنجاه حج کرده باشد
و اگر کسی بعد از نماز پیشین و پسین بدین مهر نگاه کند همانست که همه
اولیا و انبیا را زیارت کرده باشد و صد حج کرده باشد و هر که بعد از نماز شام
و خفتن نگاه کند همانست که با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هزار بار ختم
قران کرده باشد و هزار برهنه را پوشیده باشد و هزار دینار در راه
خدا صدقه داده باشد نقلست از امام ناطق و برهان خلایق امام جعفر
صادق که هر آن بندهٔ مؤمن که مشکلی پیش آید که قابل صلاح نباشد این
مهر را شفیع آورد و بگوید که خدایا بحرمت این مهر مبارک که مشکل مرا بگشا
در ساعت مراد حاصل شود ببرکت این مهر نبوت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم و اگر کسی در این مهر مبارک که شک آورد کافر باشد
و هر که بعد از هر ماهی که این مهر نگاه کند تا ماه دیگر بهیچ دردی

گرفتار نشود و هر که بدست ظالم بگریبان آن نرسد یا علی بدان و آگاه
باش که این مهر نبوت بر کتف حضرت ایستاده است تا همه خلق عالم بدانند
و اعتقاد کنند که مهر بسیار است اما این مهر را خاصیتی دیگر دارد با بندگان
خدای تعالی و امت محمد مصطفی ظاهر باشد و این مهر را عزیز و محترم
و مکرم داشته باشند و در چشم دل بندگان و پادشاهان و اکابران
و اهالیان و جمیع خلقان عزیز باشد ببرکت این مهر شریف و هر کس که
بدین مهر شک آورد کافر باشد و نشانه مهر نبوت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم هذه الدعاء ناد علی معجزات والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم
ناد علیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل
هم و غم سینجلی بنبوتک یا محمد بولایتک یا علی یا علی یا علی





شرح درود حضرت محمد صلعم و حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی
طالب علیه السلام که هر بنده از بندگان خدای تعالی این درود
را بصدق بخواند خدای تعالی او را از دنیا نبرد تا جای خود در
بدو بنماید و چون آن بنده این درود را خوانده باشد حق تعالی
ملایکه را بفرماید تا بر سر روضه رسول روند و گویند یا رسول الله فلان بنده
از بندگان خدای تعالی و امت تو بتو چندین درود فرستاده است
و رسول شاد شود و گوید خدایا آن بنده را بیامرز ندا آید که ای رسول
تو رسول منی و آمرزش میخواهی من که خداوندم هفتاد پشت او را
آمرزیدم و اگر خواهد که جمال مبارک رسول را بخواب ببیند باید که
جمعه یا پنجشنبه با طهارت باشد و بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز

بگذارد و با تضرع بسیار و بعد از آن این درود را بخواند و اگر نتواند
خواندن بنویسد و بر بالین نهد و دیدار مبارک رسول را بخواب ببیند
چنانکه با او سخن گوید و پیغمبر او را بشارت دهد آنچه خدای در قیامت با او
خواهد کرد از نیکوییهای منازل وی در بهشت باو نمایند و چون این بنده
از دار البقا رحلت نماید جمیع فرشتگان در پیش جنازه او بروند تا او را
دفن کنند و جبرئیل حلهای بهشت در وی پوشانند و فرشتگان بر سر
قبر وی ایستاده باشند و آمرزش خواهند و هر بنده که این درود را
در قبر با خود ببرد کرامت آن بنده بر خلقان ظاهر شود و چون
قبر او را باز کنند روشنائی در قبر او پدید شود که جمله بندگان
ببینند که در تختی نشسته چنانکه مشهور که پیری بود در شهر بغداد
خوب صورت و مادر آن پسر بهر و عاشق بود روزی با پسر خمر خورده بود
و در خانه مست افتاده بود مادر فرصت یافت در کنار او نشست
پسر با وی مباشرت کرد و حامله شد و از وی دختری متولد شد
آن عورت از شرم خلق براه حج روانه شد و چون بکعبه رسید حج
گذارد و آن دختر را بمجاور داد و گفت این دختر را چرا من دادی

گفت پدر او میخواهد که او را بکشد مجاور دختر را قبول کرد و دختر را پرورد
تا بزرگ شد و بعد از چند مدت در سالی دیگر آن پسر را اتفاق حج افتاد
حج گزارد و مجاور را دید جوانی بغایت خوب صورت آن دختر را بزنی بدو داد
و او روی بخانهٔ خود نهاد مادر او را چون بدید بشناخت از پسر پرسید که
این دختر را از کجا آوردی گفت این دختر را مجاور کعبه صورتی داده بود
او را پرورده بمن داد مادر او را دانست برکاهید و بر خود بلرزید و هم
در آن وقت از دنیا برفت و آن پسر در مصیبت مادر بگریست اما عورتی
بود همسایهٔ او بعد از فوت مادر او خبر داشت پیش پسر آمد و گفت مادر
تو کاری کرده است که هیچ مسلمان نکرده باشد ترا معلوم هست یا نه پسر گفت
گفت چیست گفت مادر تو بر تو عاشق بود و تو روزی مست بودی در صحبت
با فتنه در کنار تو نشست و تو با وی مباشرت کردی و حامله شد و از
وی دختری متولد شد و مادر تو بحج رفت و دختر را آنجا در داد اکنون
آن دختر زن تست پسر از حال مادر خبر یافت نعره زد و کلنگی برگرفت
و به گور مادر رفت تا مادر را از گور بیرون آورد چون بگور مادر رسید
بشکافت از گور مادر روشنی پدید آمد و نوری پدید شد و بوی خوش

بمشام او رسید مادر را دید بر تختی نشسته پرسید که ای مادر تو گناه
عظیمی کرده بودی چگونه خلاص شدی گفت ای پسر در شبهای پنجشنبه
جمعه این درود را میخواندم و استغفار میکردم و هر چه در اثنای این
درود شنیدم معاینه کردم و هر که این درود را بخواند و بر پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرستد از دنیا نرود تا جای خود را در بهشت نبیند و عذاب
گور بر وی نباشد و کرامت من ازین درود است که خوانده ام و این اجر یافته ام
اکنون تو بستان و هر پنجشنبه و جمعه استغفار کن تا خدای تعالی این گناه را از
تو بردارد و این درجه ترا نیز کرامت کند پسر درود را گرفت و گور مادر را باز
پوشید و درود را پیش علمای بغداد و کوفه و بلخ برد و همگنان مطالعه کردند
و هر جا نسخها بر داشتند و هر که این درود را بخواند او را در گور ننهند از هم
بریزد و بفرمان خدای تعالی تا روز قیامت و هر کس حاجتی و مهمی داشته باشد
یا بیماری غالب شده باشد یا بعذابی و رویشی در افتاده باشد چنانکه گفته
شد دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن این درود را بخواند و در زیر سر نهد
از جمله رنجها و اندوه خلاص شود و خبر دهند که کار او از کجا بالا گرفت و هر حاجت
از خدای تعالی خواهد بر آید و هر نمازی که قضا کرده باشد یا هر لفظی که ساقط

شده باشد ببرکت این درود کارا درست شود و نیز مذکورست که هر که شک
آورد کافر باشد نعوذ بالله و هر که این درود را حرمت ندارد و خواندن
و نگاه داشتن جهد نکند از جمله منافقان باشد و بدبخت باشد و فردای
قیامت روی او سیاه باشد و خلق گویند این کدام بنده است ندا آید که دشمن
پیغمبرست که در دنیا درود نخوانده است و تعظیم نکرده و در طلب مال دنیا بوده
و مرگ را فراموش کرده ندا آید که ای بنده را پیش دوزخ برید و سخت عذاب
کنند رسول صلی الله علیه وآله وسلم گوید بعضی از امتان گنهکار خواهند بود که چنین
باشد ای عزیزان در طاعت کوشید و از معصیت پرهیز کنید تا در بهشت روید
استاد این دعا بسیارست اگر دریاها مداد گردد و اشجارها قلم شود و زمین
و آسمان کاغذ گردد و خلق جن و انس همه نویسنده گردد و از هزار یکی
ثواب را نتوانند نوشت اما مختصر کردیم تا خواننده و نویسنده را ملال
نگیرد والله اعلم بالصواب

هذه صلوات کبیر محمد مصطفی

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد سید المرسلین ۞ اللهم صل علی محمد سید
المسلمین ۞ اللهم صل علی محمد سید المؤمنین ۞ اللهم صل علی

محمد

اللهم صل علی محمد سید التابعین اللهم صل علی محمد سید مع الشمس
اذا اصبحت اللهم صل علی محمد سید مع الشمس اذا طلعت اللهم صل
علی محمد سید مع الشمس اذا نصفت اللهم صل علی محمد سید
مع الشمس اذا کورت اللهم صل علی محمد سید مع الشمس اذا
ادبرت اللهم صل علی محمد سید مع الشمس اذا فجرت اللهم صل
علی محمد سید مع الشمس اذا نشرت اللهم صل علی محمد
سید مع الشمس بعدد ملائکة تحملها اللهم صل علی محمد
سید بعدد احجار الصحراها اللهم صل علی محمد سید بعدد
انعامها اللهم صل علی محمد سید بعدد کواکب و منازلها
اللهم صل علی محمد سید بعدد اشجارها اللهم صل علی محمد
سید بعدد لم یروا علیه من خلقک اللهم صل علی محمد
سید و بارک و سلم علیه و صل علی جمیع الانبیاء والمر
سلین اللهم صل علی محمد سید ملائکتک المقربین
اللهم صل علی محمد و علی اهل طاعتک اجمعین من اهل
السموات والارض و سلم تسلیما کثیرا کثیرا برحمتک

یا ارحم الراحمین اللهم صل علی محمد سید وآل محمد ما دامت
الصلوة اللهم صل علی محمد وآل محمد ما دامت رحمة اللهم
صل علی محمد فی الارواح محمد وصل علی محمد فی الصور
محمد تراب محمد فی التراب محمد وصل علی محمد و
علی نور محمد وآل محمد فی النهار واذا تجلی وصل
علی محمد وآل محمد فی الاولی وصل علی محمد فی الملاء
الاعلی وصل علی جمیع الانبیاء والمرسلین والحمد لله رب
العالمین روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که هر که در عمر خود
یکبار بخواند این دعا را با خود دارد خدای تعالی او را بهیچ علتی گرفتار
نگرداند و در نظر سلطان و امرا عزیز و مکرم باشد و در آن خانه که این
دعا باشد جن و انس شیاطین در آن منزل نیایند و باتش دوزخ نسوزد
و مرگ مفاجات بروی کار نکند و بدست ظالم گرفتار نشود و در سفر
در پناه حق تعالی باشد و هیچ دزدی دران خانه راه نیابد و در راه مانده
نشود و از عذاب گرسنگی و تشنگی ایمن شود و از شر دیو و پری و سحر و آفت
گرم و سرد و ... متعلقان خواننده و دارنده این دعا در پناه حق تعالی

محمد سید المجاهدین — اللهم صل علی محمد سید الشاهدین
اللهم صل علی محمد سید المساکین — اللهم صل علی محمد سید المواضعین
اللهم صل علی محمد سید العابدین — اللهم صل علی محمد سید المعصومین
اللهم صل علی محمد سید الزاهدین — اللهم صل علی محمد سید الطاهرین
اللهم صل علی محمد سید الاورعین — اللهم صل علی محمد سید الاجمعین
اللهم صل علی محمد سید الصابرین — اللهم صل علی محمد سید الافضلین
اللهم صل علی محمد سید المتقین — اللهم صل علی محمد سید الامراء والسلاطین
اللهم صل علی محمد سید المحمودین — اللهم صل علی محمد سید الخائفین
اللهم صل علی محمد سید الفائقین — اللهم صل علی محمد سید القائمین
اللهم صل علی محمد سید الحافظین — اللهم صل علی محمد سید العالمین
اللهم صل علی محمد سید الناظرین — اللهم صل علی محمد سید الناصرین
اللهم صل علی محمد سید الکاملین — اللهم صل علی محمد سید الواجدین
اللهم صل علی محمد سید المصلحین — اللهم صل علی محمد سید العارفین
اللهم صل علی محمد سید التائبین — اللهم صل علی محمد سید الموافقین
اللهم صل علی محمد سید المخلوقین — اللهم صل علی محمد سید ولد آدم

اللهم صل على محمد سيد البشير النذير | اللهم صل على محمد سيد النبي المكي
اللهم صل على محمد سيد النبي المصطفى | اللهم صل على محمد سيد النبي التهامي
اللهم صل على محمد سيد النبي الحجازي | اللهم صل على محمد سيد النبي العربي
اللهم صل على محمد سيد النبي الحرمين | اللهم صل على محمد سيد النبي الابطحي
اللهم صل على محمد سيد النبي الزكي | اللهم صل على محمد سيد النبي القرشي
اللهم صل على محمد سيد النبي التقي | اللهم صل على محمد سيد النبي الصفي
اللهم صل على محمد سيد رب العالمين | اللهم صل على محمد سيد الانورين
اللهم صل على محمد سيد الاطهرين | اللهم صل على محمد سيد النبي الهاشمي
اللهم صل على محمد سيد الاولين | اللهم صل على محمد سيد النبي الاخرين
اللهم صل على محمد سيد النبي الامين | اللهم صل على محمد سيد النبي المتقين
اللهم صل على محمد سيد النبي المحسنين | اللهم صل على محمد سيد الراكعين
اللهم صل على محمد سيد الصابرين | اللهم صل على محمد سيد الذاكرين
اللهم صل على محمد سيد المطهرين | اللهم صل على محمد سيد المتصدقين
اللهم صل على محمد سيد الصائمين | اللهم صل على محمد سيد الشاكرين
اللهم صل على محمد سيد الطاهرين | اللهم صل على محمد سيد الوارثين

اللهم

الله وقدرته وعظمته رحمته العظيم

باب فی که شیر پستان کم باشد بنویسد در میان
دو پستان گذارد که شفا یابد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
واذ استسقى موسى لقومه فقلنا اضرب بعصاك الحجر فا
نفجرت منه اثنتا عشرة عينا قد علم كل اناس
مشربهم كلوا واشربوا من رزق الله في بيان يا ارحم الرا

شرح دعاء بزرگوار حمین نقلست که روزی حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
فرمود که هر که این دعا را روزی یکبار بخواند و یا هر هفته یکبار و
یا هر ماهی یکبار بخواند و یا در هر سالی یکبار بخواند و اگر نتواند خواند
بنویسد و با خود نگاه دارد حق تعالی آن بنده را بیامرزد و از جمله بلاها
و دردها و علتها و آفتها و رنجها و محنتها نگاه دارد و در سفر و در حضر
و هر جا که باشد در امان رب العزت بوده باشد و از تیغ بران و
از آتش سوزان و از آب روان و از سنگ غلطان و از سهم سلطان
و از ظلم ظالمان و از جنگ نامردان ایمن باشد اگر در میان دشمن
در آید مظفر و منصور باز گردد و هیچکس بر وی ظفر نیابد و در خانه که این

دعا باشد و زود در نیابد و آتش نکیرد و از قحط ایمن باشد و تلخی جان کندن
و عذاب قبر و سوال منکر و نکیر بر اهل آن خانه سهل و آسان کردد و در بهشت روند

هذه الدعا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الموصوفه

بِسْمِ اللّٰهِ وَالشُّكْرُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَالْمِنَّةُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَالْمُلْكُ
لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَالْقُدْرَةُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَالْعِزَّةُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَ
الْعَظَمَةُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَالْمَجْدُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَالْعِزَّةُ لِلّٰهِ بِسْمِ
اللّٰهِ وَالْعَطَاءُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَالسُّلْطَانُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَالْبُرْهَانُ
لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَالسَّمَاءُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَالْبَقَاءُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَ
النِّعَمُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَالنَّعْمَاءُ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

شرح دعاء بزرکوار هر که این دعا را با خود دارد هر دردی که بر تن او باشد
از برکت این اسم اعظم خدای تعالی او را شفای خیر بدهد و دیکر هر آن
جنده که این دعا را بعلت که داشته باشد بهاله شفا یابد و از جهت مهر و محبت
و هر کس را انچه مراد باشد این دعا را شفاعت آورد و بخواند جمیع
مراد او حاصل شود هذه الدعاء بزرکوار والله اعلم بالصواب

بسم الله

باشد و از جهت دفع ملخ بنویسد و بر درخت بندند تا برود و اکر بر صرع
خوانی صحت یابد هذه الدعا بزرکوار ان شاء الله تعالی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا صُحْبَةَ الْأَبْرَارِ وَصُحْبَةَ الْأَخْيَارِ وَادْفَعْ عَنَّا
شَرَّ الْأَشْرَارِ وَشَرَّ الْأَقْدَارِ وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ وَاجْعَلْنَا مِنَ
الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ وَالْعَابِدِينَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاعْتِقْ
رِقَابَنَا وَرِقَابَ آبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

هذه الشرح دعای الکبیر نقلست از حضرت امیر المومنین علی علیه السلام
و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که در روزی و در هر ماهی هفتاد
هزار بلا از آسمان فرود می آید نقلست که هر آن بندهٔ مومن که این دعا
را با خود دارد خدای تعالی آنکس را از آن بلاها در پناه خود نکاهدارد و
هر کس که در اول ماه صفر هر روز ده نوبت بخواند و اکر نتواند خواندن
بنویسد و با خود دارد خدای تعالی آنکس را از بلای ناکهان نکاهدارد
و از فتنهٔ آخر زمان و از طاعون و از مرک مفاجات و از قحطی
و تنکی و از شر دیوان و پریان و از جور سلطان و از زبان بدکویان

ومنافقان در امان حق تعالی باشد و هرگز بدست ظالم گرفتار نشود
ببرکت این دعای بزرگوار و هر کس که بدین دعا شک آورد کافر باشد
و این دعا بسیار فایدها دارد و بر جمیع خلقان و بندگان خدای تعالی
یا محمد این دعا را بر ساق عرش نوشته اند باید که بدانند والله اعلم بالصواب

هذه الدعا بسم الله الرحمن الرحیم الموصوفه

اللهم یا شدید القوی و یا شدید المحال یا عزیز یا عزیز
ذلت بعزتک جمیع خلقک فاکفنی شر خلقک یا منعم
یا مفضل یا مجمل یا لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک
ننجی المؤمنین یا محسن یا مجمل یا منعم یا مکرم اسألک
ان تحیی قلبی بنور معرفتک یا ارحم الراحمین و
صلی الله علی محمد اگر کسی را در زادن سختی باشد این دعا را بنویسد و آله اجمعین
در بازو بندد از درد حمل خلاص شود و اگر بچه در شکم مرده باشد تخم
جزر در زیر دامن او دود کنند تا بچه او بآسانی بار نهد و بیرون
آید دعا این است اللهم خلص النفس من النفس سریعا باذنک

بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله الملک الجبار لا اله الا الله الواحد القهار
لا اله الا الله العزیز الغفار لا اله الا الله الکریم الستار
لا اله الا الله الجلیل الجبار لا اله الا الله الملک المبین
لا اله الا الله الملک الحق الیقین لا اله الا الله محمد
رسول الله علی ولی الله [illegible] صادق الصدیق الامین
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا
احدا احمدا فردا وترا حیا قیوما لم یلد ولم یولد ولم
یکن له کفوا احد ای جلیل و ای جبار ای کریم و ای ستار
جرم داریم بسیار بکبریمی درگذار الله [illegible] لمن الملک [illegible]
یا ارحم الراحمین روایت نامه حضرت رسالت پناه محمد صلی الله علیه و سلم
که هر آن بندهٔ مومن که این دعا را با خود دارد همه خلایق او را عزیز
و گرامی دارند و از چشم سلاطین و پادشاهان گرامی گردد و از هول
منکر و نکیر و روز قیامت ایمن باشد یا علی زنهار و الف زنهار که این دعا
به هیچ نااهلان و بدگویان میاموزید و این دعا را عزیز و گرامی دار

که این دعا را در شب معراج از جهت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
عطا داده اند از برای آنکه یا مهتان بهدیه دهد یا علی هر آن بندهٔ مؤمنی
که در همه عمر خویش یکبار بخواند حق تعالی هیچ بدی در نامهٔ اعمال آن بنده
ننویسند و از گناه صغیره و کبیره او را عفو کنند زیرا که این دعا را بر
دیوار بهشت نوشته اند و فرشتگان عرش مجید بقوت این دعا
داشته اند و منکر جبرئیل بقوت این دعا به نزد خدای تعالی می آیم و
میروم و عزرائیل بقوت این دعا جان بندگان میستاند یا علی هر
آن بنده که پیش از نماز بامداد بخواند یکبار این دعا را چنان باشد
که هزار دینار در راه خدا داده باشد و هزار ختم قران در راه خدا
کرده باشد و هزار بار بر رسول صلی الله علیه و آله و سلم صلوات فرستاده
باشد یا علی هر آن بندهٔ مؤمنی که در اول ماه این دعا را بخواند یا با خود
دارد خدای تعالی آن بنده را از شر شیطان و از جور سلطان و از
چشم زخم خلقان و از زبان بدگویان و حاسدان و از تیغ ببران
و از دیوان و درگاه در امان خدای تعالی باشد و هرگز بدست ظالمان
گرفتار نشود ببرکت این دعای عظیم و هرگز به بهتان عظیم گرفتار نشود

بم کن

ببرکت این دعای بزرگوار و هر کس که بدین دعا شک آورد کافر باشد
بالصواب **الموصوفه** بسم الله الرحمن الرحیم **هذه الدعا** والله اعلم
لا اله الا الله الجلیل الجبار لا اله الا الله الواحد القهار
لا اله الا الله العزیز الغفار لا اله الا الله الکریم الستار
لا اله الا الله الهاً واحداً ونحن له عابدون لا اله الا الله
الهاً واحداً ونحن له مخلصون لا اله الا الله ونحن له
مفلحون لا اله الا الله الهاً واحداً ونحن له مسلمون
لا اله الا الله وحده لا شریک له الهاً واحداً احداً صمداً
وصلی الله علی سیدنا و نبینا و حبیبنا و شفیع ذنوبنا
و شفاء صدورنا محمد و آله اجمعین الطیبین الطا
هرین المعصومین و من آل طه و یس برحمتک یا
روایت از امام جعفر ارحم الراحمین **صادق علیه التحیة والثنا**
که هر گاه آن بندهٔ مؤمن که کار عظیم پیش آید که قابل صلاحی نباشد
نماز بامداد بگذارد و با کس سخن نگفته باشد صد و یک نوبت این دعا
بخواند و باد بر خود دمد آن کار و آن مهم ساخته شود و هر کس

بدین دعا شکست آورد هذه الدعاء الموصوفه کافر کرد و الله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله الکریم المتعال لا اله الا الله واحد

القهار لا اله الا الله شفیع الدرجات لا اله الا الله صانع

البرکات لا اله الا الله دافع البلیات لا اله الا الله مجیب

الدعوات لا اله الا الله محمد رسول الله علیه السلام

الله حقا حقا وصلی الله علی محمد واله الطیبین الطاهرین

شرح طلسم اسکندری که بدست هرمس از شیخ عبد الصمد بن شیخ شمس الدین

علیه الرحمة که هر که این طلسم را با خود دارد از زخم تیر و شمشیر و کارد

ایمن بود و دارنده این طلسم در نظر جمیع خلایق از بزرگ و کوچک

عزیز و با حرمت باشد و دارنده این طلسم هرگز به بهتان عظیم

گرفتار نشود و هر کرا مهمی عظیم پیش آید یا بدست ظالمی گرفتار شود

این طلسم را مشک و زعفران بنویسد و بر بازوی راست ببندد

البته از آن محنت و غم نجات یابد بامر خدای تعالی و اگر زنی حامله شود

باید این طلسم را بر کوزه سفال آب ندیده بنویسد و در زیر پای حب

وی نهند زود کند تا بشکند فی الحال بار با سانی نهد و اگر میان

زن و شوهر ناسازگاری باشد این طلسم را بمشک و زعفران و

گلاب بنویسند و در زیر بالین نهد چنان شود که یوسف و زلیخا و

هر که این طلسم را با خود دارد از مرگ مفاجات و از بیماری گران

ایمن باشد و اگر کسی خواهد که یکی را عاشق و مهربان خود کرداند بنویسد این

طلسم را بر کاغذ بنویسد و در موم عروسی گذارد و در جامه پاره مطلوب

بپیچد و در نزدیک آتش دفن کند چنان شود که یکساعت بی او قرار

و آرام نگیرد و اگر کار از دست رود البته بیرون آورند که گناه

عظیم است و حلال نکند که عذاب باشد و طلسم اینست والله اعلم

۲ اله ط ۱۱ ۹ و ۵ ۳ ۱۱ ۲ ۴۴ ۸ ۱ ۳ ۱ ۳ ... ص ط

دعای درد سر و نیم سر دشقیقه

بسم الله الرحمن الرحیم ● الهی بثبوت الوهیة

بینة ... الصمدانیه وبسقات الالهیة وبقدم

الجبروت وبقدرته الواحدانیة وبفردانیة ان

لیقننی من الشفقه عاجلا ... من کل مومنین

۱۰۴

الموٴمنة برحمتك دعاء درد پیشانی منت یا ارحم الراحمین

فلما ان جاء البشیر القیه علی وجهه فارتد بصیرا بفضل الله

دعای درد چشم یا من یری ولا یری وهو المنعم الاعلی رب

الاخرة والاولی یا من جعل اللیل سکنا والنهار مبصرا یا

ملك یا قدوس ونتنزل من القران الی اخره شرح دعای مار

وعقرب هر که این دعارا با خود دارد مار وعقرب وی را نکزد واگر بکزند بنده

را تواند کرفت با مر خدای تعالی هذه الدعاء بسم الله الرحمن الرحیم

قل اعوذ برب السهیة من کل عقرب وحیة شج شج قرنیه

نج نج شج شج سج قرنیه ببتم دم مار ونیش عقرب بحق ایاك

نعبد وایاك نستعین وبحق سلام قولا من رب الرحیم

وامتازوا الیوم ایها المجرمون وسلام علی نوح فی العالمین

الهی بسته باد دم مار وجمیع کزندها بر دارنده این دعا بحق

انه من سلیمان وانه امین یا رب العالمین دعای دفع

درد دندان بستن درد دندان این حرفهارا بر زمین بنویسد یا بر

دیواری وانکس که دندانش درد کند انکشت خودرا بدان حرفها نهد

که درد میکند وکارد بر سر حرفها فرو نشاند وسوره فاتحه واکر درد ساکن

شود خوب الا کارد بر حرف دویم فرو نشاند اکر درد ساکن شود فبها

والا تا باخر حرف سیم بدین قیاس است اول یتخم دوم یتخم سیم

یتخم نوعی دیکر از برای تب ولرز اکر بادام باشد بنویسد وتا شام

بخورد واکر نباشد بچوب بید بنویسد وهر روز یکی را باتش بسوزاند ودر زیر

خاك کند اول التر هما دویم طیسوا او سیم بر سها نوعی دیکر

تب سه روزه را بر سه پاره چوب بنویسد اول حمعو دویم حمعو سیم

حمعو از برای تب شب بنویسد در ... بسم الله الرحمن الرحیم

حبذا تا الله الوریح البحر یا مورجانی جنیب الشیطان ان

عوامن اخرین مغرس فی الاسعاد الهکم الوصیع الرضیع

عنت وامن دعای دفع تیغ در روایتست که در بغداد امیر صفی

بن امیر احمد همدانی را خلیفه کرفت وخواست که وی را بکشد که از وی کناه

عجبی صادر شده بود واین دعارا با خود داشت وی را بر دار کشیدند

کشیدند ووی را با زخلاص دیدند که در پای دار ایستاده چون این خبر

بخلیفه بغداد رسانیدند فرمود که وی را در پای دار تیغ باران کنند

پس چندین ملازم خلیفه بیکبار حمله آوردند و بروی هر چند تیغ زدند
بهیچ وجه خللی و آزاری بوی نرسید بامر خدای تعالی پس دیگر باره خبر بخلیفه
بغداد بردند فرمود که وی را بنزد من بیاورید تا از وی سوال کنم ویرا
آوردند بخدمت خلیفه ویرا نظر بر خلیفه افتاد زبان باسم اعظم پروردگار
جاری کرد پس خلیفه ویرا قسم داد که بدان خدای که ترا از غضب من رهانید
بگو از اثر چیست که ترا هیچ طرفی نرسید فرمود که از برکت اسم اعظم
خدای تبارک تعالی بود که من از غضب تو رستم گفت که ام اسمست مرا بیاموز
پس امیر صفی بن امیر المحمد همدانی گفت از برکت این طلسم اعظم پروردگار
بود که نجات یافتم پس خلیفه بغداد اسم اعظم را گرفت و بعضی خلیفان حضور
ازو بتکلیف گرفتند و این طلسم مشهورست و در پیش بزرگان مجرب
و آزموده است پس هر کس با خود دارد از شر تیغ و تیر و نیزه و شمشیر
کارد و خنجر ایمن بود و هر که دارنده این طلسم در بند و بلا گرفتار نشود
بامر خدای تعالی و هر کس از بزرگی و فضیلت این طلسم اعظم شک آورده
کافر باشد و نعوذ بالله کسی را گشتن برند این طلسم اعظم بدان [illegible]
هر کاغذ و در مسجد جامع دفن کنند فی الحال ویرا نجات ز بند و بلا نیک

عیسی یا رب سهّل علیّ وامنع عنّی شرّ کلّ ظالم وحاسد
وآفة وعاهة ومرض وشدّة وبلاء ووباء وبلیّة و
زلزلة وسقم وقحط وکلّ البلیّة اجمعین یا سبّوح یا قدّوس
یا ربّ الملائکة والرّوح وصلّی الله علی محمّد وآله اجمعین

نقل عن بعض الائمة من قرأ فی حالة الشدّة والرخاء
فی الصباح المساء لاجل القضاء الحاجات وحصول المرادات قضی الله
تعالی حاجته روایت کرده اند باسناد درست از معتمدان که ایشان از حضرت
امام جعفر صادق علیه روایت کرده اند که ای قوم دوستان و موالیان ایشان
دلالت کنم بر ذخیرهٔ گنج باقی که اعتقاد ائمه علیهم السلام بر آن بوده
و در مهم صعب که پیش آمده بود در جمیع امور و هر بلای عظیم سپر
ایشان بوده و سوگند یاد کرده اند که هر که بصدق پاک و درست و اعتقاد
این دعا را تمام بخواند هر مراد از دینی و دنیوی که داشته باشد بیابد
ان شاء الله تعالی و فرمود بشرط آنکه از محبان ما باشد و فرمود از ما نیست
هر که این دعا را بدشمنان ما آموزد و حضرت امام جعفر علیه السلام از پدر
خود و نسل بنسل تا بامام علی المرتضی علیه السلام روایت کرده اند و این دعا در

دیوان آنحضرت مسطورست بر حروف تهجی مرتب کننده واین دعا معروف ومشهور

بدعای بسم الله الرحمن الرحيم مخمس است

يا سامع الدعاء ويا رافع السماء ويا دائم البقاء
ويا واسع العطاء لذي الفاقة العديم ويا عالم الغيوب
ويا ساتر العيوب ويا غافر الذنوب ويا كاشف الكروب
عن المرهق الكظيم ويا فالق الصفات ويا مخرج النبات
ويا جامع الشتات ويا باعث الممات من الاعظم الرميم
ويا منزل الغيات من الثج الحثاث على الحزن والدماث
الى الجوع والغراث من الهتن الرذوم ويا خالق البروج
سماء بلا فروج مع الليل ذي الولوج على الضوء ذي البلوج
المغشي سنا النجوم ويا فالق الاصباح ويا مرسل الرياح
بكورا مع الرواح يجولن في النواح فينشأن بالغيوم
ويا مرسي الرواسخ اوتادها الشوامخ في ارضها السواخ
الطوادها البوازخ من صنعة القديم ويا هادي الرشاد
ويا ملهم السداد ويا رازق العباد ويا محيي البلاد

ويا فارج الهموم ويا من به اعوذ ويا من به الوذ
ومن حكمه نفوذ فما عنه لي شذوذ تعاليت من عليم
ويا مطلق الاسير ويا جابر الكبير ويا مغني الفقير
ويا غاذي الصغير ويا شافي السقيم ويا من به اعتزازي
ويا من به احترازي من الذل والمخازي والآفات والمرازي
اعذني من الغموم ومن جنة وانسي لذكر المعاد منسي
والقلب عنه مقسي ومن شر عين نفسي وشيطانها الرجيم
ويا منزل المعاش على الناس والمواش والافراخ في العشاش
من الطعم والرياش تقدست من رحيم ويا مالك النواصي
من طائع وعاصي فما عنك من مناص لعبد ولا خلاص
لماض ولا مقيم ويا خير مستعاض لمحض اليقين راض
لما هو عليه قاض من احكامه المواضي تحننت من رحيم
ويا من بنا محيط وعنا الاذى يميط ومن حكمه البسيط
ومن عدله القسيط على البر والاثيم ويا رائي اللحوظ
ويا سامع اللفوظ باحصائه الحفيظ ويا قاسم الحظوظ

بِعَدلٍ مِنَ القِسُومِ وَيا مَن هُوَ السَّميعُ وَمَن عَرشُهُ الرَّفيعُ
وَمَن خَلقُهُ البَديعُ وَمَن جارُهُ المَنيعُ مِنَ الظّالِمِ الغَشُومِ
وَيا مَن حَيا فَاَسبَغَ بِما قَد هُوىٰ وَسَوَّغَ وَيا مَن كَفىٰ فَبَلَّغَ
بِما قَد صَفىٰ وَفَرَّغَ مِن مِنَّتِهِ العَظيمِ وَيا مَلجَا الضَّعيفِ
وَيا مَفزَعَ اللَّهيفِ تَبارَكتَ مِن لَطيفٍ رَحيمٍ بِنا رَؤُفٍ
خَبيرٍ بِنا كَريمٍ وَيا مَن قَضىٰ بِحَقٍّ عَلىٰ نَفسِ كُلِّ خَلقٍ
وَوافٍ بِكُلِّ اُفقٍ فَما يَنفَعُ التَّوَقّي مِنَ المَوتِ وَالحُتُومِ
تَوَلَّني وَلا اَرىٰ لَكَ وَلا رَبَّ لي سِواكَ فَقُدني اِلىٰ هُداكَ
وَلا تُغشِني رَداكَ بِتَوفيقِكَ العُصُومِ وَيا مَعدَنَ الجَلالِ
وَذِي العِزِّ وَالجَمالِ وَذَا الكِبرِ وَالمِحالِ وَذَا المَجدِ وَالفِعالِ
تَعالَيتَ مِن حَكيمٍ اَجِرني مِنَ الجَحيمِ وَمِن هَولِهَا العَظيمِ
وَمِن عَيشِهَا الذَّميمِ وَمِن حَرِّهَا الاَليمِ وَمِن مائِهَا الحَميمِ
وَاَصحِبنِي القُرانَ وَاَسكِنِّي الجِنانَ وَزَوِّجنِي الحِسانَ
وَناوِلنِي الاَمانَ اِلَى الجَنَّةِ النَّعيمِ اِلىٰ نِعمَةٍ وَلَهوٍ
بِغَيرِ اِستِماعِ لَغوٍ وَلا بِادِّكارِ شَجوٍ وَلا بِاعتِداءِ شَكوٍ

سَقيمٍ وَلا كَليمٍ • اِلَى المَنظَرِ النَّزيهِ • الَّذي لا لُغُوبَ فيهِ •
هَنيئاً لِساكِنيهِ • وَطوبىٰ لِعامِريهِ • دَوىٰ لِلمُدخَلِ الكَريمِ •
اِلىٰ مَنزِلٍ تَعالىٰ • بِالحُسنِ قَد تَوالىٰ • بِالنّورِ قَد تَلالا •
تَلَقّىٰ بِهِ الجَلالا • مِنَ السَّيِّدِ الرَّحيمِ • اِلَى المَفرَشِ الوَطِيِّ •
اِلَى المَلبَسِ البَهِيِّ • اِلَى المَطعَمِ الشَّهِيِّ • اِلَى المَشرَبِ الهَنِيِّ •
مِنَ السَّلسَلِ الخَتيمِ • فَيا مَن اَجَلَّ مِمّا وَصَفتُ اَسئَلُكَ اَن
تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن لا تَحرِمَنا شَيئاً مِمّا
سَاَلناكَ وَزِدنا مِن فَضلِكَ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ

مرویست از حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم
اجمعین که هر که این دعا را در عقب اوقات صلوة فریضه مداومت
نماید نور بصر او زیاده کرد د بقدرت الله تعالی هذا الدعاء

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تُصَلِّيَ
عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَجعَلَ النّورَ في بَصَري وَ
البَصيرَةَ في ديني وَاليَقينَ في قَلبي وَالاِخلاصَ في
عَمَلي وَالسَّلامَةَ في نَفسي وَالسَّعَةَ في رِزقي وَالشُّكرَ لَكَ

ابدا ما ابقیتنی برحمتک یا ارحم الراحمین الهی بالخصّ صفا
تک وبعز جلالک وباعظم اسمائک وبنور اولیائک و
بدم شهداء آلک اسالک زیادة فی العلم والعمر وبرکة
فی الرزق وصحة فی الجسم وتوبة قبل الموت وراحة
عند الموت ومغفرة بعد الموت ونجاة من النار و
دخولا فی الجنة وعافیة فی الدین والدنیا والاخرة بر
حمتک یا ارحم الراحمین منقولست از حضرت امیر المومنین علی کرم الله وجهه یکبار
این صلوات را بر حضرت پیغمبر فرستد چنان باشد که سی هزار بار صلوات
بر پیغمبر صلعم فرستاده باشد هذه الدعاء الموفّقه والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی النبی محمد الف الف مرة بکل نبی و
آل محمد وسلم برحمتک یا ارحم الراحمین دیگر هر کس این صلوات
را ورد خود سازد هرگز دلگیر نشود و از صد مصیبت و چهار هزار پیغمبر صلوات الله
وسلامه علیه منّه باشد و از عذاب گور ایمن بود دعای ... بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم صل علی محمد وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین وآل محمد

قال امام حسین علیه السلام فی مناجاته الهی عبدک العاصی
اتاک مقرا بالذنوب وقد دعاک فان تغفر فانت لذلک
اهل وان تطرد فمن یرحم سواک دعای یوم الجمعه
اللهم ان الیوم عید المسلمین ابواب سمواتک مفتوحة و
الدعوات مستجابة ولک عتقاء من النار فی هذه الیوم
اسالک یا مجیب دعوة المضطرین ان لا تخیّب رجائی وتعطینی
خیر ما عندک وتصلی علی محمد وآل محمد وتبلغ الیه وتجعلنی
سعیدا وترزقنی دنیا واسلاما وهب لی من لدنک رحمة یا
وهاب دعای حضرت صاحب الزمان در هر عصر جمعه یکهزار نوبت باید خواند
یا خفی الالطاف نجنا مما نخاف دعای حضرت پیغمبر که بعد از
هر نماز مداومت باید نمود اللهم انی اشهدک واشهد
ملائکتک وانبیائک ورسلک وحملة عرشک وجمیع خلقک
انک انت الله لا اله الا انت الملک القدوس السلام المؤمن
المهیمن العزیز الجبار المتکبر وان محمدا عبدک ورسولک
وان علیا ولیک ووصی رسولک اللهم انی احییتنی فی

هذه اليوم فاحيني عزت وصحة وسلامة وعافية
ان توفيتني فتوفني اليك مسلما غير مفتون والحقني با
لصالحين برحمتك يا ارحم الراحمين اگر چيزی که بيم است بد بهند
يا بجائی دفن کند يا در صندوقی گذارد و قفل کند اين آيه بخواند در حفظ حضرت
حق تعالی باشد ٥ قل ارايتم ان جعل الله عليكم الليل سرمدا
الی يوم القيمة من اله غير الله ياتيكم بضياء افلا تسمعون
في كتاب الارشاد المفيد دعاء يدعى به على الظالم فانه
ينتقم منه روی عن امام موسى الكاظم عليه السلام يا
عدتي عند شدتي يا غوثي عند كربتي فاحرسني بعينك التي
لا تنام واكفني بركنك الذي لا يرام يا ذا القوة القوية ويا
ذا المحال الشديد ويا ذا العزة الذي كل خلقك لها ذليل
صل على محمد واله واكفني هذه الطاغية وانتقم لي منه
دعاء امام حسين عليه السلم يدعو كل فريضة اللهم اني اسالك
بكلماتك ومعاقد عرشك وسكان سمواتك وارضك
وانبيائك ورسلك ان تستجيب لي فقد رهقني من امري

عسرا فاسالك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل
لي من عسري يسرا برحمتك يا ارحم الراحمين جهت ديدن
ماه نو چنانكه از حضرت امير المومنين عليه السلام منقولست كه چون ماه
نو ببيني از جای خود فراتر مشو وبگو ٥ اللهم اني اسالك خير
هذا الشهر وفتحه ونوره ونصره وبركته وطهوره
ورزقه واسئلك خير ما فيه وخير ما بعده واعوذ بك
من شر ما فيه وشر ما بعده اللهم ادخله علينا بالامن
والايمان والسلامة والاسلام والبركة والتقوى
لما تحب هر كه در هر صبح وشام اين دعا را بخواند حق تعالی ورا
مخزن علم گرداند در هر روز صد مرتبه اين دعا را بخواند تا بسی در
رجب تمام شود ٥ سبحان الله الاله الجليل سبحان من لا ينبغي
التسبيح الا له سبحان الاعز الاكرم سبحان من لبس العز
وهو له اهل هر كه اين دعا را هر بامداد يكبار بخواند در حالتی كه بمير
نداند كه مرده است بهذه الدعاء بزرگوار يا بخواند ...
بسم الله الرحمن الرحيم ٥ اللهم يا مالك الملك ...

واصلحنی قبل الموت وارحمنی عند الموت وهون علی
سکرات الموت ولا تعذبنی بعد الموت وارضنی ملک
الموت فاطر السموات والارض انت ولیی فی الدنیا و
الاخرة توفنی مسلما والحقنی بالصالحین برحمتک یا ار
حم الراحمین دیگر پیش از طلوع آفتاب بعد از غروب این دعا بخواند
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی
ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل
شیء قدیر دیگر در وقت خوابیدن این دعا بخواند هزار سال عبادت
براو نوشته شود یفعل الله ما یشاء بقدرته ویحکم ما یرید
بعزته نوعی دیگر بعد از آن این دعا بخواند برابر ثواب عبادت
شب قدر است اللهم انک عفو تحب العفو فاعف
عنی در وقت خوابیدن دست راست را بزیر
روی طرف راست گذارد و این دعا بخواند لا اله الا
الله احدا صمدا ولا قوة الا بالله هر که هر روز
ماه شعبان هفتاد بار بگوید که استغفر الله الذی لا اله الا

هو

هو الحی القیوم الرحمن الرحیم واتوب الیه او را در
افق مبین ببینند و آن جائیست پیش عرش خدای تعالی
و هر که درین ماه هزار بار بگوید لا اله الا الله ولا نعبد
الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره المشرکون بنویسد
خدای تعالی برای او عبادت هزار ساله هر رکعت الحمد یکبار و قل هو الله
و قل یا ایها الکافرون هر یک سه بار بعد از آن این دعا بخواند که لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت و
هو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم
لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا راد لما قضیت
ولا ینفع ذا الجد منک الجد بعد از نماز فریضه بخواند که ثواب
بسیار دارد دعا اللهم اهدنی من عندک وافض علی
من فضلک وانشر علی من رحمتک وانزل علی من برکا
تک برحمتک یا ارحم الراحمین زیارت نامه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
بسم الله الرحمن الرحیم
السلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته

السلام عليك يا محمد بن عبد الله السلام عليك يا
خيرة الله السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك يا حبيب
الله اشهد انك رسول الله صلى الله عليه وآله واشهد
انك محمد بن عبد الله واشهد انك قد نصحت لامتك
وجاهدت في سبيل الله ربك وعبدته حتى اتاك اليقين
فجزاك الله يا رسول الله افضل ما جزا نبيا عن امته اللهم
صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم افضل ما
صليت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد السلام
عليك يا رسول الله وعلى اهل بيتك الطاهرين واولادك
المعصومين ورحمة الله وبركاته

روى ثقة الاسلام محمد بن يعقوب الكليني
عليه الرحمة في كتاب فروع الكافي وابن بابويه
عليه الرحمة في كتاب ثواب الاعمال وكتاب الامالي
عن الصادق عم ان من قال يوم الجمعة بعد صلوة
العصر هذه الصلوة كتب الله تعالى له مائة حسنة و

محى عنه مائة الف سيئة وقضى له مائة الف حاجة و
رفع له مائة الف درجة اللهم صل على محمد وآل محمد
الاوصياء المرضيين بافضل صلواتك وبارك عليهم بافضل
بركاتك والسلام عليهم وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة
الله وبركاته وروى محمد ابن يعقوب في الكتاب المذكور
ان من قالها سبع مرات رد الله عليه من كل عبد حسنة
وكان عمله في ذلك اليوم مقبولا وجاء يوم القيمة وبين
عينيه نور

يوم السبت لا اله الا الله	يوم الاحد يا حي يا قيوم	
يوم الاثنين اللهم صل على محمد وآل محمد	يوم الثلثا لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم	يوم الاربعا استغفر الله ربي واتوب اليه
يوم الجمعة سبحان الله		

اشهد انك قد اقمت الصلوة واقمت
الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت
في سبيل الله وعبدت الله حتى اتاك اليقين برحمتك يا ارحم
الراحمين الخجسته سلامتى نفر بحق ارض اللهم انت الصاحب في السفر
والخليفة في الاهل والمال والولد اللهم احفظني و

احفظ ما معي وسلمني وسلم ما معي وبلغني وبلغ ما معي ابلاغا
الحسن الجميل واگر در وقت کوچ از منزلی یا داخل شدن خانه
بخواند بهتر باشد استغفر الله الذي لا اله الا هو واسئله التوبة اللهم
اغنني بحلالك عن حرامك وبفضلك عمن سواك اللهم
لا تكلني الى نفسي ٥ اللهم صل على محمد وآل محمد واعتقني
من النار وادخلني الجنة وزوجني من الحور العين ٥
لا اله الا الله والله اكبر سبحان الله والحمد لله واستغفر الله ولا
حول ولا قوة الا بالله هو الاول والاخر والظاهر والباطن
له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير
اللهم اهدني من عندك وافض علي من فضلك وانشر علي
من رحمتك وانزل علي من بركاتك دعاست بسم الله الرحمن الرحيم
سبحان القاضي الاكبر سبحان الخالق الباري سبحان القادر
المقتدر سبحان الله العظيم وبحمده ٥ اللهم صل على محمد و
آل محمد هر که بعد از نماز عید قربان وبعد از هر نماز سه مرتبه بخواند الله اكبر
الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله والله اكبر الحمد لله على ما

هدينا وله الشكر على ما اولانا ورزقنا من بهيمة الانعام ٥
استغفر الله الذي لا اله الا هو واسئله التوبه دفع قولنج منقولست
که هر که این آیه را بر ظرف نویسد وبشوید وبخورد از درد قولنج شفا یابد دعاست
ولو نشاء لمسخناهم على مكانتهم فما استطاعوا مضيا ولا يرجعون
ومن نعمره ننكسه في الخلق افلا يعقلون منقولست از حضرت امام جعفر
علیه السلام که هر که در شب هر جمعه این دعا بخواند تا جمعه دیگر از جمیع بلاها
ایمن باشد وخدای تعالی گناهان او را بیامرزد اگر چه بسیار باشد والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحيم

يا دائم الفضل على البرية يا باسط اليدين بالرحمة بالعطية يا صاحب
المواهب السنية صل على محمد وآل محمد خير الورى بالسجية
فاغفر لنا يا ذا العلى في هذه العشية دعای دفع ام الصبیان

بسم الله الرحمن الرحيم ٥

الحمد لله الذي لا ينسى من ذكره ولا يخيب من دعاه والحمد
لله الذي من توكل عليه كفاه والحمد لله يجزي بالاحسان
احسانا وبالسيئات غفرانا وبالصبر نجاتا والحمد لله الذي هو رجاؤنا

عملیات

دعای دفع ام ا

حین ینقطع الامل منا والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن
له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا
الله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم امنت بالله وحده لا شریک له و
کفرت بالجبت والطاغوت وتوکلت علی الحی الذی لا یموت ومن یتوکل
علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا
سیجعل الله بعد عسر یسرا وتحصنت بشهادة ان لا اله الا الله
ومحمدا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم وعلیا ولی الله و
وصی رسوله بلا فصل علیه السلام اعیذ نفسی بالذی خلق الارض
والسموات العلی الرحمن علی العرش استوی له مقالید السموات
والارض وما بینهما وما تحت الثری وان تجهر بالقول
فانه یعلم السر واخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی
من سحر الساحر ومن مکر کل ماکر ومن شر کل متکبر فاجر
جرها اعیذ حاملها من شر الاشرار وکید الفجار ومختلف علیه
اللیل والنهار وبعد از آن بنویسد وبقل یا ایها الکافرون

تا آخر و بعد از آن بنویسد وبقل هو الله احد تا چهار قل تمام شود
چنانکه قل هو الله احد در آخر چهار قل باشد الواحد القهار وبالاسم
المخزون المکنون الذی تحبه وتهوی وترضی عمن دعاک
به وبالاسم الذی به شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم
ان الدین عند الله الاسلام قل اللهم مالک الملک تؤتی
الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء و
تذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر تولج
اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج الحی من
المیت وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب
وصلی الله علی سیدنا محمد وآله اجمعین اعیذ نفسی بالله
الذی الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم له
تا آخر بنویسد وبعد از آن آمن الرسول بما انزل الیه من ربه
والمؤمنون کل آمن بالله وملائکته وکتبه ورسله لا نفرق
بین احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک

المصير لا يكلف الله نفسا الا وسعها لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت
ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا ولا تحمل علينا اصرا
كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف
عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولنا فانصرنا على القوم الكافرين
واعيذ نفسي بالذي قال للسموات والارض ائتيا طوعا او
كرها قالتا اتينا طائعين اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي
ومن شر كل سلطان شديد ومن شر كل شيطان مريد و
من شر كل جبار عنيد ومن شر قضاء السوء ومن شر كل
دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم وانت
على كل شيء قدير واعوذ بالله من شر كل جني شديد
قائم او قاعد في كل اوشهار وبر واغتسال كانما سمعوا
ذكروا الذكر ايات الله تولوا على اعقابهم هربا افحسبتم انما
خلقناكم عبثا وانكم الينا لا ترجعون فتعالى الله الملك
الحق لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
الكريم فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم ولا حول

ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على خير خلقه محمد وآله
اجمعين واعيذ حامل كتابي هذه الاسماء الثمانية ا
المكتوبات في قلب الشمس وبالاسم الذي اضاء به القمر
وبالاسم الذي اذا كتب على ورق الزيتون والقي النار فلم
يحترق قل كونوا حجارة او حديدا او خلقا مما يكبر
في صدوركم فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطركم
اول مرة وصلى الله على محمد وآله واهل بيته وصحابه وسلم
اعيذ نفسي بالله الذي تجلى للجبل فجعله دكا وخر موسى
صعقا واعوذ بالله من سحر الساحرين ومكر الماكرين
وغدر الغادرين ومن شر كل شيطان لعين ان الذين
قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة تتنزل
الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون
واعوذ بالاسم الذي نزل به الروح الامين جبرئيل عليه السلام
على النبي الصادق الامين وصلى الله عليه وآله وسلم
في يوم الاثنين وبما وراء الحجب من جلال جمالك وبما طاف

به العرش من قدر كمالك ومنتهى الرحمة من كتابك
الف حامل كتابي هذا من آفات الدنيا وعذاب الآخرة انك
اهل التقوى واهل المغفرة وصلى الله على سيدنا محمد
وآله واصحابه اعيذ نفسي بالله الذي لا اله سواه من شر ما يلج
في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج
فيها وهو معكم اينما كنتم والله بما تعملون بصير له
ملك السموات والارض والى الله ترجع الامور يولج الليل
في النهار ويولج النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور
واعوذ مما استعاذ به آدم عليه السلام ابو البشر وشيث و
هابيل وادريس ونوح وهود وصالح وشعيب ولوط و
ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وموسى و
هرون وداود وسليمان وايوب والياس واليسع وذو
الكفل ويونس وزكريا وعيسى ويحيى وخضر ومحمد
خير البشر صلوات الله وسلامه عليه وعليهم اجمعين و
بما استعاذ به علي ابن ابي طالب عليه السلام وفاطمة الزهرى

وخديجة الكبرى والحسن والحسين وزين العابدين ومحمد
الباقر وجعفر الصادق وموسى الكاظم وعلي الرضا
ومحمد التقي وعلي النقي والحسن العسكري والمهدي
الهادي صلوات الله وسلامه عليه وعليهم اجمعين و
بما استعاذ به كل ملك مقرب ونبي مرسل والائمة المعصو
مين الامانا باعدائهم وتفرقتهم عن حامل كتابي هذا وصلى
الله على سيدنا محمد وآله واهل بيته وسلم اعيذ نفسي واهلي
ومالي وعقلي وديني ومالي ووارثي وجيراني وما خو
لني ربي واهل خزانتي ومن اسدى الي برا وعمل معي
معروفا بيده او لسانه بالله الذي لا اله الا هو الملك القدوس
السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان
الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور
له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو
العزيز الحكيم يا نور السموات نور يا مدبر الامور الله
نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح

المصباح في زجاجة الزجاجة كأنها كوكب درّي يوقد
من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد
زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار نور على نور يهدي الله
لنوره من يشاء ويضرب الله الأمثال للناس والله بكل
شيء عليم إن ربكم الله الذي خلق السموات والأرض
في ستة أيام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار
يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بأمره
ألا له الخلق والأمر تبارك الله رب العالمين ادعوا
ربكم تضرعا وخفية إنه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا
في الأرض بعد إصلاحها وادعوه خوفا وطمعا إن
رحمة الله قريب من المحسنين وإن يكاد الذين كفروا
ليزلقونك بأبصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون إنه
لمجنون وما هو إلا ذكر للعالمين ٥ ااا م لا اااا هو ه ه ه
ه ه ـــ ب ا د د د د د د د و ه ص ه يحفظ الله لحاملها من
كل شر وبلاء وسخط فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم

وصلى الله على محمد از جهت کرم بوستان بر درخت چوب فریستند وآله اجمعین
اخرج یا اخی و بحق هذه الاسم العظیم وسنة الا العظیم
زیته سطع باسم بالبلیة البیح سط لا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظیم برحمتك یا ارحم الراحمین دفع درد بیماری
بنویسد و در زیر سر مریض گذارد شفا یابد ببرکت این اسم اعظم
دفع حیل زنان و فرزندی که چله کسی بر او افتاده باشد بستانند ابریشم خام
و سفید سر تا پای او بگیرد و این دعا را چهار بار بر آن بخواند چهار پاره کند در
چهار گوشه خانه دفن کند اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن
الرحيم سبحان الله الملك الجبار سبحان العزيز الغفار سبحان
الله الكبير المتعال بریدم چله فلان بن فلان را از دیو و
پری و آدم و بنات حوا بحق محمد و آله جهت حامله شدن زنان این
طلسم را بنویسد و در بازو بندد که حامله شود و اگر درختی میوه نمی‌دهد میوه
نهد این طلسم را بنویسد و بران درخت بندد باردار شود مجرب آزموده است
ااا ک ٩ اااا ٩٩٩ لا ه ه لا ایضا بر بالای نان بنویسد و زن بخورد
حامله شود بسم الله الرحمن الرحیم اط اا ٨ اا ٥ عدد ا ا ا ا ه ک لا و ر ک

جهت حامله شدن

جهت چله بریدن زنان ابستا ند ابریشم هفت رنگ را بتابد و هفت بار
این دعا را بر ابریشم بخواند و ابریشم را هفت پاره کند و در میان کاسه
آب اندازد و از جام کاسه چهل کلید آن آب بر داشته بر سر ریزد
و تمام اعضا را از آن آب بشوید دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا رب الارباب یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب افتح
افتح افتح یا فتاح یا فتح یا الله بحق پنج فرق و ده گیسوی
دوازده امام بحق صبح و شام مردان و حق قران و طه و یسین کار
بسته بگشای و کشاد آوری بریدم چله فلان بن فلان را از آدمی و
دیو و پری و از هر جانوری که جادو یمی کرده باشند بریده باد بحرمت
محمد و آله اجمعین دفع چله زنان که از شهر ... این اسم را باید نوشت
که در آب اندازد و چهل صباح از آن بخورد و بعد از چهل روز تعوید این را در
گردن بندد طلسم اینست

۱۲۲۹۹۱۴۴۴۳ ۹۱۹۱۹۹۱۱ ک
طحم
۲۱۲۸۱۲۱۴۱۲۱۲۶۹۲۲۴۱۱ ح و م و م ع ۲۲۹۲۸۲۴۲۱۱۱۱۱۲۴۲۹۴
۲۲۹۱۸۹۲۴۲۴۲۱۲۲۲۶۲۳۲۲۲ ۲ ۱۳

شرح دعای ابی عبدالله الحسین علیه السلام فی یوم عاشورا لمن قرأ من بعید
روی محمد بن اسماعیل بن بزیع عن صالح

بن عقبه عن ابیه عن ابی جعفر علیه السلام قال من زار الحسین علیه السلام
یوم العاشورا من المحرم حتی یظل عنده باکیا لقی الله عز و جل
یوم القیامة بثواب الفی حجة و الفی عمرة و الفی غزوة و ثواب
کل حجة و عمرة و غزوة کثواب من حج و اعتمر و غزا مع رسول
الله صلی الله علیه و آله و مع الائمة الراشدین قال قلت جعلت فداک
فما لمن کان فی بعید البلاد و اقاصیه و لم یمکنه المصیر
الیه فی ذلک الیوم قال اذا کان کذلک برز الی الصحرا
او صعد سطحا مرتفعا فی داره و اومی الیه بالسلام و اجتهد
فی الدعاء علی قاتله و صلی من بعد ذلک رکعتین و لیکن
ذلک فی صدر النهار قبل ان تزول الشمس ثم لیندب الحسین
علیه السلام و یبکیه و یامر من فی داره ممن لا یتقیه بالبکاء علیه و
لیعزی فیها بعضهم بعضا بمصابهم بالحسین علیه السلام و انا ضامن لهم
اذا فعلوا ذلک الجنة علی الله فی جمیع ذلک قلت جعلت
فداک انت الضامن لهم ذلک قال بلی انا الضامن
و الزعیم لمن فعل ذلک قلت و کیف تعزی بعضنا بعضا

۱۶۳

قال تقولون اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين ع وجعلنا
واياكم من الطالبين بثاره مع وليه الامام الهادي
المهدي من آل محمد ص ع وآله وان استطعت ان لا تنتشروا
يومك في الحاجة فافعل فانه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة
مؤمن فان قضيت لم يبارك له ولم ير فيها رشدا ولا يد
خرون احدكم لمنزله فيه شيئا لم يبارك له فيما ادخر ولم
يبارك له في اهله فاذا فعلوا ذلك اليوم كتب الله لهم
ثواب الف حجة والف عمرة والف غزوة كلها مع رسول
الله ص ع وآله وكان لهم اجر كثواب مصيبة كل نبي و
رسول ووصي وصديق وشهيد مات او قتل من خلق
الله الدنيا الى ان تقوم الساعة قال صالح بن عقبة و
سيف بن عميرة قال علقمة بن محمد الحضرمي
قلت لابي جعفر ع علمني دعاء ادعو به اذا لم ازره
من قرب واومات اليه من بعد البلاد ومن داري
بالسلام اليه فقال لي ع يا علقمة اذا انت صليت

الركعتين

الركعتين بعد ان تومئ اليه بالسلام فقل عند الايماء اليه
من بعد التكبير هذا القول فانك اذا قلت ذلك فقد دعوت
بما يدعو به زواره من الملائكة وكتب الله لك مائة الف الف
درجة وكنت كمن استشهد مع الحسين ع حتى تشاركهم في
درجاتهم لا يعرف الا في الشهداء الذين استشهدوا معه وكتب
الله لك زيارة كل نبي وكل رسول ومن زار الحسين ع منذ يوم
قتل ع وعلى اهل بيته السلام عليك يا ابا عبد الله السلام
عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين وابن
سيد الوصيين السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء سيدة نساء
العالمين السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور
السلام عليك وعلى الارواح التي حلت بفنائك السلام عليكم
مني جميعا سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار يا ابا
عبد الله لقد عظمت الرزية وجلت وعظمت المصيبة بك
علينا وعلى جميع اهل الاسلام وجلت وعظمت مصيبتك في السموات
على جميع اهل السموات فلعن الله امة اسست اساس الظلم و

لجور عليكم اهل البيت ولعن الله امة دفعتكم عن مقامكم
وازالتكم عن مراتبكم التي رتبكم الله فيها ولعن الله امة قتلتكم
ولعن الله الممهدين لهم من قتالكم برئت الى الله واليكم
منهم ومن اشياعهم واتباعهم واوليائهم يا ابا عبد الله اني
سلم لمن سالمك وحرب لمن حاربك الى يوم القيامة و
لعن الله آل زياد وآل مروان ولعن الله بني امية قاطبة
ولعن الله ابن مرجانة ولعن الله عمر بن سعد ولعن الله
شمرا ولعن الله امة اسرجت والجمت ورضيت لقتالك
بابي انت وامي لقد عظم مصابي بك فاسئل الله الذي اكرم
مقامك واكرمني بك ان يرزقني طلب ثارك مع امام منصور
من اهل بيت محمد صلى الله عليه وآله اللهم اجعلني عندك
وجيها بالحسين في الدنيا والآخرة يا ابا عبد الله اني اتقرب
الى الله والى رسوله والى امير المؤمنين والى الله فاطمة والى
الحسين واليك بالبراءة ممن قاتلك ونصب لك الحرب وبا
لبراءة ممن اسس اساس الظلم والجور وابرء الى الله والى

رسوله ممن اسس عليه وبنى ذلك بنيانه وجرى في ظلمه
وجوره عليكم وعلى اشياعكم تبرئت الى الله واليكم
منهم واتقرب الى الله واليكم بموالاتكم وموالاة وليكم والبراءة
من اعدائكم والناصبين لكم الحرب والبراءة من اشياعهم
واتباعهم اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وولي
لمن والاكم وعدو لمن عاداكم فاسئل الله الذي
اكرمني بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم ورزقني البراءة
من اعدائكم ان يجعلني معكم في الدنيا والآخرة وان يثبت
لي عندكم قدم صدق في الدنيا والآخرة واسئله ان يبلغني
المقام المحمود الذي لكم عند الله وان يرزقني طلب ثاري
مع امام هدى ظاهر ناطق منكم واسئل الله بحقكم وبا
لشان الذي لكم عنده ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما يعطي
مصابا بمصيبة مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام
وفي جميع السموات والارض اللهم اجعلني في مقامي هذا
ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محياي

١٦، ٤

محيا محمد وممات محمد اللهم ان هذا يوم تبركت
به بنو امية وابن آكلة الاكباد اللعين ابن اللعين على لسانك و
لسان نبيك في كل موطن وموقف وقف فيه نبيك اللهم
العن ابا سفيان ومعاوية ويزيد بن معاوية عليهم منك
اللعنة ابد الابدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل مروان
بقتلهم الحسين ع اللهم فضاعف عليهم اللعن منك والعذاب
اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم وفي موقفي هذا وايام
حياتي بالبراءة منهم واللعن وبالموالاة لنبيك وآل نبيك عليهم
السلام ثم يقول اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و
آل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت
الحسين ع ومتابعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا يقول
ذلك مائة مرة ثم يقول السلام عليك يا ابا عبد الله وعلى الارواح
التي حلت بفنائك عليك مني سلام الله ما بقيت وبقي الليل و
النهار ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم السلام على الحسين
وعلى علي الحسين وعلى اولاد الحسين وعلى اصحاب الحسين

يقول ذلك مائة مرة ثم يقول اللهم خص انت اول ظالم
باللعن مني وابدأ به اولا ثم الثاني والثالث والرابع اللهم
العن يزيد خامسا والعن عبيد الله بن زياد وآل مروان الى
يوم القيمة اللهم العن الظالم القاتل لسيدنا ابي عبد الله الحسين
ع ثم يسجد ويقول اللهم لك الحمد حمد الشاكرين على
مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتي اللهم ارزقني شفاعة
الحسين يوم الورود وثبت لي قدم صدق عندك مع الحسين
واصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين ع
قال علقمة قال ابو جعفر ع وان استطعت ان تزوره في كل
يوم بهذه الزيارة من دارك فافعل ذلك فلك ثواب جميع ذلك
وقد اوردنا جميع الزيارت والدعاء المختص هذا اليوم في
المصباح فيما ذكرناه هاهنا كفاية ان شاء الله تعالى وتقدس

مجربست

نقلت که هر کس صداع داشته باشد دست راست را بر شقیقه گذارد
هفت و پنج نوبت بگوید سبحان الله و بحمده و اگر درد دل داشته باشد
نیز دست بر شکم گذارد و این عدد بخواند شفا یابد بامر الله تعالی

مستحب است که میان هر دو رکعت از نماز شب این دعا بخواند که رزق
وسیع باشد اللهم انی اسألک ولم یسأل مثلک وانت موضع
مسألة السائلین ومنتهی رغبة الراغبین ادعوک ولم یدع
مثلک وارغب الیک ولم یرغب الی مثلک وانت مجیب دعوة
المضطرین وارحم الراحمین وباسمائک الحسنی وامثالک
العلیا ونعمک التی لا تحصی وباکرم اسمائک واحبها الیک
واقربها منک وسیلة واشرفها عندک منزلة واجزلها لدیک
ثوابا واسرعها فی الامور اجابة وباسمک المکنون الاکبر
الاعز الاجل الذی تحبه وتهواه وترضی به
عمن دعاک فاستجبت له دعاءه وحق علیک ان لا تحرم سائلک ولا
ترده وبکل اسم هو لک فی التوریة والانجیل والزبور و
القرآن العظیم وبکل اسم دعاک به حملة عرشک وملائ
کتک وانبیاؤک ورسلک واهل طاعتک من خلقک ان
تصلی علی محمد وآل محمد وتعجل فرج ولیک وابن ولیک
وان تعجل خزی اعدائه بعظمتک یا عظیم وصلی الله علی

محمد وآل محمد وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین **نقلست**
از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود که نجات آخرت در آنست
که طعام دهند محتاجان و سلام کنند هرکس از مومنان و در شب نماز
گذارند که باشند مردمان در خواب گران **دیگر روایت از**
حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود که پنج خصلت است که هر کس
ندارد زندگانی او ناقص است و عقل او زایل است و خاطر او مشغول است
و دل او مغلوبست و آن صحت بدنست و مزاج و انیس موافق یعنی
زن صالحه و فرزند فرمانبردار و مصاحب صالح و رزق حلال با عافیت

جهت فرزندان

انا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح والنبیین من بعده و
اوحینا الی ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب والاسباط
وعیسی وایوب ویونس وهرون وسلیمان وآتینا داود
زبورا ورسلا لم نقصصهم علیک وکلم الله موسی تکلیما
رسلا مبشرین ومنذرین لئلا یکون للناس علی الله حجة
بعد الرسل وکان الله عزیزا حکیما بعد از آن وکیفا

ما اشرکتم را بخوانند تا کلٌّ من الصالحين واسماعيل واليسع
تا الى صراط مستقيم بعد از ان بخوانند ذلك هدى الله
يهدى به من يشاء من عباده ولو اشركوا لحبط عنهم
ما كانوا يعملون اولئك الذين اتيناهم الكتاب والحكم
والنبوة فان يكفر بها بكافرين اولئك الذين هدى الله
فبهديهم اقتده قل لا اسئلكم عليه اجرا بتبليغ رسالت
میرحب ان هو الا ذكرى للعالمين باز بخوانند واذكر
في الكتاب ابرهيم انه كان صديقا نبيا باز بخوانند و
وهبنا له اسحق ويعقوب وكلا جعلنا نبيا ووهبنا
لهم من رحمتنا وجعلنا لهم لسان صدق عليا واذكر
في الكتاب موسى انه كان مخلصا وكان رسولا نبيا
وناديناه من جانب الطور الايمن وقربناه نجيا ووهبنا
له من رحمتنا اخاه هارون نبيا واذكر في الكتاب
اسمعيل انه كان صادق الوعد وكان رسولا نبيا
وكان يأمر اهله بالصلوة والزكوة وكان عند ربه

مرضيا باز واذكر في الكتاب ادريس بخوانند تا اخر
ايه سجده كند

بسم الله الرحمن الرحيم

وبه نستعين يا الله الحمد لله رب العالمين يا حي يا قيوم
اجب يا روقيائيل وسخر لي قلوب جميع المخلوقات الروحانيات
العلويات والسفليات سميعا مطيعا بحق الحمد لله
رب العالمين وبحق يا حي يا قيوم وبحق الملك المو
كل بالقوايم العرشية الرحمن الرحيم يا رحمن يا رحيم
يا عطوف يا رؤف اجب يا جبرائيل وسخر لي قلوب
جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات
سميعا مطيعا بحق الرحمن الرحيم وبحق الرؤف العطوف
وبحق الملك هوزخ الموكل بالقوايم العرشية مالك
يوم الدين يا مقلب القلوب اجب يا ثمثائيل وسخر لي قلوب
جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات
سميعا مطيعا بحق مالك يوم الدين وبحق مقلب القلوب

وبحق الملك طبكل الموكل بالقوايم العرشية اياك
نعبد واياك نستعين يا سريع يا قريب يا معبود يا مستعان
اجب يا ميكائيل وسخر لي قلوب جميع المخلوقات الرو
حانيات من العلويات والسفليات سميعا مطيعا بحق
اياك نعبد واياك نستعين وبحق السريع القريب المعبود
المستعان وبحق الملك مسيع الموكل بالقوايم العرشية
اهدنا الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر اجب يا صرفيائيل
وسخر لي قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات
والسفليات سميعا مطيعا بحق اهدنا الصراط المستقيم
وبحق القادر المقتدر وبحق الملك نصقر الموكل بالقوا
يم العرشية صراط الذين انعمت عليهم يا الله يا حكيم
يا عليم اجب يا عنيائيل وسخر لي قلوب جميع المخلوقات
الروحانيات من العلويات والسفليات سميعا مطيعا
بحق صراط الذين انعمت عليهم وبحق الله الحكيم
العليم وبحق الملك تنتخ الموكل بالقوايم العرشية

غير المغضوب عليهم ولا الضالين يا قايم يا عزيز اجب يا
عزرائيل وسخر لي قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من
العلويات والسفليات سميعا مطيعا بحق غير المغضوب
عليهم ولا الضالين وبحق الملك دضطيع الموكل بالقوا
يم العرشية اللهم انه ليس في السموات دورات ولا في
الارضين غمرات ولا في الابحار قطرات ولا في الجبال
مدرات ولا في الاشجار ورقات ولا في العباد حركات
ولا في العيون لحظات ولا في الانفاس خطرات الا
بربوبيتك عارفات واليك شاهدات وعليك والايات
وفي ملكك مسخرات نافذ القدرة التي سخرت بها
اهل الارض واهل السموات سخر لي طالوبي وسخر لي
قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات
سميعا مطيعا بحق محمد واله اجمعين وصلى الله على محمد
واله وسلم تسليما كثيرا كثيرا

چون نوزادی [illegible] رمضان [illegible]

چون [illegible]

قَالَ امیر المؤمنین علیه السلام بقیة العمر لا قیمة لها وقال
علیه السلام فطرق یترک الذنوب وقال علیه السلام
تدارک فی اخر العمر ما فاتک فی اوله از جهة رزق حلال
هر روز بخواند بسیار نعمت یابد بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله
یا الله یا رب یا رب یا رب یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و
الاکرام اسئلک باسمک العظیم الاعظم ان ترزقنی
رزقا حلالا طیبا برحمتک الواسعة یا ارحم الراحمین هر کس این
طلسم را بر کف دست نوید از برای هر حاجتی که نزد کسی رود حاجت او روا شود
باذن الله م هد لا ولان دعای مستجاب الهی لا رب لی سواک
فادعوه ولا اله غیرک فارجوه وانا العبد والعبد یخطی
والرب یعفو فان کانت دعوتی صادقا فاجبنی و
نفسی لک خالصا فاغثنی یا غیاث المستغیثین برحمتک
یا ارحم الراحمین ونقلست که شخصی را فرزند نبود بخدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام آمد وطلب فرزند مینمود آنحضرت فرمود
که هر صباح و شام هفتاد نوبت سبحان الله وهفتاد نوبت استغفر الله

بکوی و بازده نوبت سبحان الله و یکنوبت استغفر الله بگوی آنشخص
مداومت نمود خدای تعالی ورا فرزند بسیار داد وکسی دیگر نزد
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت که یا امام مرا فرزند نیست
مرا دعائی بیاموز آنحضرت فرمود که چون در سجده شوی این
دعا بخوان که یا رب هب لی من لدنک ذریة طیبة
انک سمیع الدعاء رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین
چون چنین کرد او را دو پسر شد نقلست که شخصی نزد حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت که یا ابن رسول الله هشت دختر
دارم و هیچ پسر ندارم دعائی بمن بیاموز تا چون بخوانم حضرت
عزت جل ذکره مرا پسری بخشد فرمایا آنحضرت فرمود که چون
اراده جماع کنی اول دست راست بر بطن زن نه و هفت نوبت سوره
انا انزلناه بخوان و صلوات بر پیغمبر علیه السلام بفرست بعد از آن جماع
کن و چون حامله شود و فرزندش بخشش آید همان نوع عمل کن چون
آنمرد بدین طریق عمل کرد حق تعالی فرزندش کرامت فرمود
روی عن ابن عباس عن النبی صلی الله علیه وآله انه قال طلبت من ربی

عوذتان التعويذ لاجل الحسن والحسين عليهما السلام لدفع
شر العين فجاء جبرئيل عليه السلام من حضرت الباري جل
جلاله وقال يا محمد من كتب هذه التعويذ وحفظ من
لباسه او علق في جسده وان لم يكن للمراة ولد فليكتب
وتشرب لحصول له وهي هذه الدعاء وهذا بسم الله
الرحمن الرحيم اعوذ بكلمات الله التامات الطيبات من
شر كل شيطان هامة ومن شر كل عين لامة ومن
شر التامة والهامة وان يكاد الذين تا اخر كهيعص ذكر
رحمة ربك عبده زكريا اذ نادى ربه نداء خفيا امنا
شر امنا بعده بسم الله الكافي بسم الله الشافي بسم الله المعافي
بسم الله الرحمن الرحيم ويكتب معوذتين واية الكرسي
كتب بن طاووس هذه التسبيح ثوابه لا يحصى يقرء كل
يوم مرة واحدة بسم الله الرحمن الرحيم سبحان القاضي
الاكبر سبحان الخالق الباري سبحان القادر المقتدر
سبحان العظيم ويجمع في استكشاف الهموم في صحيفة

الكاملة

الكاملة يا فارج الهم وكاشف الغم يا رحمن الدنيا والاخرة
ورحيمهما صل على محمد وال محمد فرج همي واكشف غمي
يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفوا احد اعصمني وطهرني واذهب ببليتي
واقرا اية الكرسي والمعوذتين وقل الله احد وقل اللهم
اني اسألك سؤال من اشتدت فاقته وضعفت قوته
وكثرت ذنوبه سؤال من لم يجد لفاقته مغيثا ولا
لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا غيرك يا ذا الجلال و
الاكرام اسألك عملا تحب به من عمل به ويقينا تنفع
به من استيقن به حق اليقين في نفاذ امرك اللهم
صل على محمد وال محمد واقبض على الصدق
نفسي واقطع من الدنيا حاجتي واجعل فيما عندك
رغبتي شوقا الى لقائك وهب لي صدق التوكل
عليك اسألك من خير كتاب قد خلا واعوذ بك من
شر كتاب قد خلا اسألك خوف العابدين لك و

عبادة الخاشعين لك ويقين المتوكلين عليك وتوكل المؤمنين
بك اللهم اجعل رغبتي في مسئلتي مثل رغبة اوليائك في
مسائلهم ورهبتي مثل رهبة اوليائك واستعملني في مرضاتك
عملا لا اترك معه شيئا من دينك مخافة احد من خلقك
اللهم هذه حاجتي فاعظم فيها رغبتي واظهر فيها عذري
ولقني فيها حجتي وعاف فيها جسدي اللهم من اصبح
له ثقة او رجاء غيرك فقد اصبحت وانت ثقتي ورجائي
في الامور كلها فاقض لي بخيرها عاقبة ونجني من
مضلات الفتن برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على
سيدنا محمد رسول الله المصطفى وعلى آله الطاهرين مما
الحق ببعض نسخ الصحيفة كان من تسبيحه اعني زين
العابدين ع م سبحانك اللهم وحنانيك سبحانك اللهم
وتعاليت سبحانك اللهم والعز ازارك سبحانك اللهم و
العظمة رداؤك سبحانك اللهم والكبرياء سلطانك سبحانك
اللهم من عظيم ما اعظمك سبحانك سبحت في الاعلى تسمع

وترى ما تحت الثرى سبحانك انت شاهد كل نجوى سبحانك
موضع كل شكوى سبحانك حاضر كل ملأ سبحانك عظيم
الرجاء سبحانك ترى ما في قعر الماء سبحانك تسمع انفاس
الحيتان في قعور البحار سبحانك تعلم وزن السموات سبحانك
تعلم وزن الارضين سبحانك تعلم وزن الشمس والقمر
سبحانك تعلم وزن الظلمة والنور سبحانك تعلم وزن الفيء
والهواء سبحانك تعلم وزن الريح كم هي من مثقال ذرة
سبحانك قدوس قدوس قدوس سبحانك عجبا من عرفك
كيف لا يخافك سبحانك اللهم وبحمدك سبحانك العلي العظيم
روي عن الزهري عن سعيد بن مسيب قال كان القوم لا يخرجون
من مكة حتى يخرج علي بن الحسين عليهما السلام فخرج
وخرجت معه فنزل في بعض المنازل فصلى ركعتين و
سبح في سجوده يعني بهذا التسبيح فلم يبق شجر ولا مدر الا
سبح معه ففزعنا فرفع راسه فقال يا سعيد افزعت فقلت
نعم يا ابن رسول الله فقال هذا التسبيح الاعظم حدثني ابي

عن حبيب عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال لا يبقى الذنوب
مع هذا التسبيح وان الله جل جلاله لما خلق جبرئيل الهمه هذا
التسبيح وهو اسم الله الاكبر الاعظم

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي تجلى للقلوب بالعظمة
واحتجب عن الابصار بالعزة واقتدر على الاشياء بالقدرة
فلا الابصار تثبت لرؤيته ولا الاوهام تبلغ كنه عظمته
تجبر بالعظمة والكبرياء وتعطف بالعز والبر والجلال
وتقدس بالحسن والجمال وتمجد بالفخر والبهاء
وتجلل بالمجد والآلاء واستخلص بالنور والضياء خالق
لا نظير له وواحد لا ند له وواحد لا ضد له وصمد لا كفو
له واله لا ثاني له معه وفاطر لا شريك له ورازق لا معين
له والاول بلا زوال والدائم بلا فناء والقائم بلا عناء
والمؤمن بلا نهاية والمبدع بلا امد والصانع بلا احد
والرب بلا شريك والفاطر بلا كلفة والفعال بلا
عجز ليس له حد في مكان ولا غاية في زمان لم يزل ولا

يزول ولن يزال كذلك ابدا هو الاله الحي القيوم
الدائم القديم القادر الحكيم الهي عبدك بفنائك سائلك
بفنائك فقيرك بفنائك الهي اليك يرهب المرهبون واليك
اخلص المبتهلون رهبة لك ورجاء لعفوك يا اله الحق
ارحم دعاء المستصرخين واعف عن جرائم الغافلين
وزدني في احسان المنيبين يوم الوفود عليك يا كريم

شرح نادعلی اگر کسی را مهمی دشوار پیش آید یا دردی و غمی داشته
باشد هزار نوبت نادعلی بخواند به نیت آن مهم کفایت شود و
اگر در روز جمعه چهل و هشت نوبت بخواند و با هر که سخن گوید محبوب گردد
و اگر کسی به تهمتی گرفتار باشد هر صباح چهل نوبت نادعلی بخواند دفع
تهمت او شود و اگر از برای دولت و حشمت و جاه هر روز پانصد نوبت
بخواند محتشم گردد و اگر از جهت تحصیل مرادات هر روز بیست و چهار نوبت
بخواند مراد حاصل شود و اگر کسی از جهت دفع دشمن هشت روز هر روز
هفتاد نوبت بخواند آن دشمن دوست گردد و اگر جهت فتح مهمات هر
روز چهارصد نوبت بخواند مراد حاصل شود و چهل خواهد که شروع در

خواندن ناد علی کند اعتصام باین طریق بخواند و بعد از آن ناد علی بخواند

یا الهی و یا صمدی و من عندك مددی و الیك معتمدی

ایاك نعبد و ایاك نستعین ناد علیا مظهر العجایب تجده

عونا لك فی النوایب کل هم و غم سینجلی بنبوتك یا محمد

بولایتك یا علی یا علی یا علی یا ابا الغیث اغثنی یا علی ادرکنی

انا من اعدائك بری بری بری طریق اوراد هفته هر روز

هر اسم که گفته میشود هزار نوبت بخواند و ثواب آنرا بروح مقدس

حضرت امام محمد باقر [redacted] هدیه کند حضرت عزت جمیع مرادات

و مقصودات او را بر آورده کند روز شنبه یا قاضی الحاجات

روز یکشنبه یا مفتح الابواب روز دوشنبه یا مسبب الاسباب

روز سه‌شنبه یا حی یا قیوم برحمتك استغیث روز چهارشنبه یا بدیع

السموات و الارض روز پنجشنبه یا ذو الجلال و الاکرام

روز جمعه لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین

چون اخر شب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عبادت حضرت ذو الجلال

بر میخواست باواز بلند این دعا میخواند چنانکه اهل سرای ایشان میشنیدند

اللهم اعنی علی اهوال المطلع و وسع علی المضجع و ارزقنی

خیر ما قبل الموت و خیر ما بعد الموت از برای علاج درد چشم

بنویسد این آیه را بر کاسه چینی یا بر کاغذ و آب روان حل کند

بخورد شفا یابد باذن الله تعالی دعا و اجعل لی لسان صدق

فی الاخرین رب طهر لسانی بذکرك و شکرك و حسن

عبادتك و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی برحمتك

یا ارحم الراحمین شرح اسماء عظام نوود و نه اسم حضرت حق تعالی

جل جلاله و عم نواله هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم

الملك تو سعه هر که این اسم بسیار خواند در دل خلق با حرمت و هیبت شود

و در چشم خلایق عزیز و بزرگ قدر باشد و بالا دست مردم گردد پادشاه مطلق

القدوس الاسم هر کس این اسم را هر روز صد نوبت با وضو

بخواند باطن او از غل و غش پاك شود و سر دم بوی محتاج شوند و در پیش

پادشاهان عزیز و محترم گردد و بدیدار او مشتاق شوند السلام بی عیب

هر کس که هر روز صد نوبت بگوید در دنیا بسلامت باشد و اگر هر روز

بجهت شفا بیمار پانزده نوبت بخوانند شفا یابد المؤمن ایمن کننده هر کس این

اسم بسیار بخواند و با خود نگاه دارد شیطان و پری بروی قادر نشوند
و از گرسنگی و محتاجی و دل تنگی ایمن باشد **المهیمن** هر کس هر روز صد بار
بگوید بدرجه کرامات و معاملات برسد **العزیز** هر کس چهل روز هر روز چهل نوبت
بخواند در میان مردم توانگر گردد و به هیچ کس محتاج نشود **الجبار**
هر که بعد از نماز مسبعات عشر سه بار یکنوبت این اسم را بخواند اگر صد خون
کرده باشد هیچ آفریده بروی ظفر نیابد و هیچکس با وی مجادله نکند
المتکبر هر که به نیت فرزند هر روز ده نوبت بگوید حق تعالی او را فرزند
صالح کرامت فرماید و از مشایخ کبار باشد **الخالق** هر کس این اسم
مداومت کند حق تعالی جهت او فرشته بیافریند تا روز قیامت آمرزش
خواهد و دل او را منور بنور هدایت گرداند **الباری** هر کس این اسم
بسیار خواند او را در گور تنها نگذارند آمرزیده شود **المصور** اگر زنی
عقیمه سه روز یا هفت روز روزه بدارد و وقت روزه گشادن بیست
و یکبار این اسم را بخواند و بر کوزهٔ پر آب دمد و بخورد آبستن شود
الغفار هر کس هر روز صد بار بخواند از آمرزیدگان شود **القهار**
هر که این اسم را بسیار خواند محبت دنیا از دل او برود **الوهاب**

هر که بعد از هر نماز دست بردارد و هفت نوبت بخواند توانگر شود
الرزاق هر که در چهار کنج خانه در هر کنجی ده نوبت بخواند اهل آن خانه
هرگز تنگی نکشند و برکت در آن خانه پیدا شود و ملایکه از آن خانه گم نشوند
الفتاح (داور گشاینده) هر کس هر روز هفتاد و هفت نوبت بخواند زنگ غفلت
۱۰۵ از دل او برخیزد و در این اسم گشایش نماز و ایمانست **العلیم** (دانا)
هر کس این اسم بسیار خواند معرفت حق تعالی او را حاصل گردد و این اسمیست
که طفلان از برکت این نام گویا و شنوا میشوند **القابض** (تنگ کننده) هر کس در
یک مجلس هشتاد هزار نوبت بگوید حق تعالی خصمان او را از وی زایل
گرداند و موسی علیه السلام و ابراهیم علیه السلام به برکت این اسم
از دشمنان خلاصی یافتند **الباسط** (فراخ کننده روزی) هر که دست برآورد ده نوبت بخواند
بر روی جود فرو ماند هرگز بسؤال محتاج نشود و این اسمیست که میکائیل
علیه السلام باران را از برکت این اسم میفرستاد **الخافض** (فرو دارنده) هر کس
چهل روز بر چهل پاره نان نویسد و بخورد از عذاب جوع ایمن شود و این
اسمیست که ملک الموت بقوت این اسم قبض ارواح میکند **الرافع** (بردارنده و بلند کننده)
هر کس این اسم را در میانه شب صد نوبت بگوید حق تعالی او را از جمله

خلایق برگزیند و بی نیاز گردد و این اسم ایست که سلاطین این نام
بمملکت رسند **المعز** عزیز کننده هر که در شب جمعه بعد از نماز شام چهل و یکبار
بخواند در نظر خلایق با هیبت باشد و از هیچ کس نترسد **المذل** خوار کننده
هر که از ظالمی یا حاسدی وهم داشته باشد این اسم را هفتاد و پنج نوبت
بخواند نام آن شخص مهربان و رحیم گردد **السمیع** شنونده هر که بعد از نماز چاشت
پانصد نوبت بخواند بعد از آن هر حاجت که از حق تعالی خواهد مستجاب
شود **البصیر** بینا باحوال خلایق هر که این اسم را در میان نماز فریضه و سنت صد نوبت
بخواند بهدایت مخصوص شود و هر حاجت که خواهد حاجت او روا شود
الحکم داور هر که هر شب در محل خواب بسیار بخواند دل او را حق محرم اسرار کند
و قدر و منزلت عالی یابد و نزد خلق عزیز باشد **العدل** داد دهنده هر که هر شب
جمعه بیست لقمه نان بردارد و بهر لقمه این اسم بنویسد بخورد و
جمیع مخلوقات مسخر و منقاد او گردند و بمراد برسد **اللطیف** نیکوکار زود درس
هر که اسباب معیشت متعذر باشد یا بیماری داشته باشد یا دختری
بخت او بسته باشد دو رکعت نماز بگذارد و صد نوبت این اسم
بخواند مقصود حاصل شود **الخبیر** آگاه بحال عالمیان هر که بدست بدخوی ستیزه

کاری

کاری گرفتار باشد این اسم بسیار خواند خلاص شود و آن شخص
نیک خو شود و سلیم طبع و بردبار **الحلیم** برده بار اگر کسی را کشت و زرعی
باشد این اسم را بر کاغذ نویسد و بشوید و بر آن زمین بپاشد
زرع بهره‌مند گردد و برکت در او پدید شود **العظیم** بزرگوار هر که این نام
بسیار خواند بر همه خلق عزیز و بالادست شود و اسم او به بزرگی
مشهور گردد **الغفور** آمرزگار هر که را بیماری یا زحمتی باشد این طریق
بنویسد کالغفور والغفور یا غفور و در شربت بیامیزد
و بخورد شفا یابد و اگر کسی را فقر و فاقه باشد چهل و یکبار بخواند توانگر گردد **الشکور** سپاس دار
اگر کسی را درد چشم باشد چهل بار بر آب خواند و بر چشم مالد شفا یابد
العلی بزرگوار هر که این اسم بسیار خواند و اگر خورد است بزرگ شود
و اگر درویش است توانگر گردد و اگر غریب است بوطن خود برسد
و بهمه حاجت نیکوست **الکبیر** بزرگ این اسمیست که از هیبت این
اسم آسمانها و زمینها و عرش و کرسی بفرمانند و قرار دارند و ثابت
اند از برای هر حاجتی یکهزار نوبت بخواند مقصود حاصل شود
الحفیظ نگاهدارنده هر که را خوفی باشد از ظالمی یا از دیو یا از دشمنان این اسم

بنویسد و ببازو ببندد هیچ گزند بوی نرسد **المغیث** (توانا و قوت دهنده) اگر طفلی بی
خوئی کند این اسم را هفت نوبت بر کوزهٔ آب خواند و بخورد طفل
دهد شکیبا شود و اگر کسی را طاقت روزه داشتن نباشد بر گل
کرب لا خواند و گل را بر آب حل کند و آنکس بخورد قوت عظیم یابد **الحسیب** (پسندیده و شمارکننده)
هر کرا همزاد باشد یا از چشم زخم و بیماری نالد هفتاد و هفت بار
این اسم را بخواند از همه اندوهی فرج یابد **الجلیل** (بزرگ دار) هر کرا عزت
و بزرگی باید این اسم را بمشک و زعفران بر کاسهٔ چینی بنویسد
و شربت کند و بخورد عزیز و محترم گردد و هیبت او در دل خلق عظیم
شود **الکریم** (نیکوکار) هر که هر شب که در جامهٔ خواب رود این اسم بخواند تا
در خواب رود در دنیا و آخرت مکرم و معزز شود و در دل خلق عزیز
نماید **الرقیب** (نگاهبان) هر کرا فرزندی یا مالی باشد هفت نوبت این اسم را
بخواند و بر خود دمد از عاهات و بلیات نجات یابد و از هیچ چیز
گزندی بوی نرسد **المجیب** (پاسخ دهنده) هر که این اسم ورد زبان باشد پیوسته
در امان حق تعالی باشد و مرویست که مادر اسمعیل علیه السلام
این اسم را خواند از غم فرزند خلاصی یافت **الواسع** (فراخ عطا) هر کرا

درویشی و قناعت باشد این اسم را بسیار خواند برکت و فراخی
در خانهٔ او پیدا شود و خرم و سرافراز گردد **الحکیم** (درست کار در شغل و سخن) هر کرا عملی
باشد و طاقت احتمال آن ندارد این اسم را بسیار گوید آن
کار بروی سهل و آسان گردد **الودود** (دوست مطیعان) اگر در میان زن و شوهر
الفت نباشد این اسم صد و یکبار بر شیرینی خوانند و زن و شوهر
از آن بخورند محبت در میان ایشان پیدا شود **المجید** (بزرگوار) هر که در
میان مردمان قدر و منزلت نداشته باشد نود و نه بار این اسم
را بعد از نماز خفتن بخواند و بر خود دمد قبول و عزت یابد و اگر
کسی را مرض برص باشد بسیار خواند نیک شود **الباعث** (فرستنده و برانگیزنده)
هر که خواهد که دل او منیر و زنده باشد وقت خواب دست بر سینه
دل گذارد و صد بار بگوید حق تعالی دل او را مخزن اسرار خود
گرداند و هر حاجت که خواهد روا شود **الشهید** (گواه حاضر دانا) هر که را فرزند
ناخلف باشد هر نیت و یکنوبت بر بینی بر او خواند سلیم و فرمان
بردار شود **الحق** (سزاوار) اگر کسی را چیزی گم شود بر چهار گوشهٔ کاغذ
این اسم را بنویسد در نیم شب و نام گمشده را در میان بنویسد

ودر کف دست نهد و نظر سوی آسمان کند آن چیز زود دیده شود یا
باز آید الوکیل (یار و دوست) هر کرا از آفت کار باشد و نکاه نتواند داشت بعدد
جمل که چهل و شش نوبت است بر آن خواند از جمله عیب پاک شود
الحمید ستوده واکر کسی زبان خود را از فحش کفتن باز نتواند داشت
این اسم را بعدد جمل بر کاسه چینی نویسد و به آب باران باز شوید بخورد
زبان او از بد کفتن باز ایستد و بثواب آخرت مشغول شود المحصی (شمارنده)
هر که از عذاب بی حساب دوزخ ترسان باشد در شب جمعه هزار بار بخواند
آمرزیده شود المبدئ (آفریننده) هر زنی که حامله باشد نود و نه بار این اسم را
بخواند و انکشت بر شکم مالد حمل او بسلامت باشد المعید (باز کرداننده) هر کرا غایبی
باشد در شب نام غایب را بکوید و هفتاد بار این اسم بخواند تا هفت
شب هر شب بخواند غایب بیاید یا خبر آن غایب بیاید المحیی (زنده کننده)
اکر کسی را بیماری صعب یا دردی باشد یا عضوی از او خللی کرفته
باشد هفت روز این اسم را بر هفت اندام خود خواند و اکر نتواند
خواند بنویسد و با خود نکاه دارد یا بنویسد و بشوید و بیمار بخورد
شفا یابد بامر الله تعالی الممیت (میراننده) هر کس را نفس اماره بروی مسلط

باشد

باشد و وسوسه خیالات ورا زحمت دهد هر شب دست بر سینه
نهد و این اسم بسیار خواند تا بخواب رود از شر نفس شیطان دیو
و پری ایمن باشد الحی زنده اکر این اسم را بر بیماری خواند صحت
یابد و این اسم است که ملایکه را بقوت این اسم خورد و خواب نیست (جاویدان)
القیوم (پاینده) هر که این اسم را در سحرکاه بسیار خواند متصرف دلها شود
و مردم او را دوست دارند و توانکر شود الواجد (فرد بی نیاز) هر که در وقت
طعام خوردن هر لقمه یکبار این اسم را بخواند طعام در شکم او
نورانی شود و از صاحبان حور بلا قصور شود و آمرزیده شود
الماجد (بزرکوار) هر که در خلوت خانه این اسم را چندان بکوید که بیهوش کردد
آثار نور در دل او ظاهر کردد و بهمه حاجات برسد الواحد (یکتای بی همتا)
هر کرا از اجل ترس در دل باشد یکهزار بار بخواند خوف و ترس از دل
او برود و از مقربان حضرت الهی شود الصمد هر کرا از
دشمن خوفی در دل باشد صد و یازده نوبت این اسم را بخواند
هیچ دشمن بر او غالب و قادر نشود القادر (توانا) هر که این اسم بسیار
خواند از خواب غفلت بیدار شود و از کناهان پاک شود و آمرزیده

گردد المقتدر هر کرا خصم غالب باشد در وقت وضو ساختن هر
عضوی یکنوبت این اسم را بخواند و بر دشمنان غالب گردد المقدم
هر کرا از ترس و خوف دل ضعیف باشد این اسم را بخواند و بر خود دمد
دلش قوی شود و هیچ خوفی بوی نرسد المؤخر هر که در روز صد بار
این اسم را بگوید دلش از دنیای دون سرد شود و سر باهل دنیا فرو
نیاورد الاول هر که چهل روز هر روز صد نوبت این اسم بخواند جهت
غایب یا فرزند یا زن یا رزق هر حاجت که بخواند مستجاب شود الآخر
هر که پیر شده باشد و از اعمال خیر نتواند که چیزی بجا آورد و عمر را
نیز تباه کرده باشد در جوانی این اسم را ورد خود کند عاقبت و
خاتمه کار او بخیر شود و گناهان او آمرزیده شود الظاهر هر که هر روز
صد نوبت این اسم را بخواند چشم و دل او روشن و نورانی گردد
الباطن هر که هر روز صد نوبت این اسم را بخواند صاحب اسرار الهی
گردد و اسرار غیب بر او منکشف گردد الوالی هر که این اسم را بر کوزه
نو نویسد و آب در آن کوزه کند و بر دیوارهای خانه خود افشاند
هرگز خرابی بدان خانه راه نیابد و از باد و باران و سیل در امان خدا

۱۵۵ باشد و برکت در آن خانه پیدا شود المتعالی اگر کسی باین اسم
مداومت نماید مراتب او عالی گردد و زنی در مدت حیض یا در حالت
حمل یا هر گاه که باشد این اسم را بسیار خواند دانا گردد و فصیح و ملیح
گردد البر هر کرا طفلی باشد هر روز هفت نوبت به نیت الهی این
اسم بخواند به برکت این اسم به بلاغت رسد و نیک بخت گردد التواب
هر که سیصد و شصت نوبت این اسم بخواند توبه اش قبول حق شود
و هر که از جفای دشمن به تنگ باشد سه جمعه این اسم را ورد سازد و
هر روز یکهزار نوبت بخواند دشمنان او منکوب و مقهور شوند المنعم
هر که هر روز دویست عدد این اسم را با وضو بخواند توانگر شود و
صاحب نعمت گردد المنتقم جهت منکوب شدن دشمنان مجربست
[illegible] کسی بنیت مقهور شدن ایشان بخواند دشمنان او فنا گردند
العفو هر [illegible] گناهکار این اسم بسیار خواند حق تعالی گناهان او را عفو
فرماید و [illegible] او را روزی گردد الرؤف اگر مظلومی بدست ظالمی گرفتار
باشد این اسم [illegible] که تواند بخواند [illegible] یابد و بر همه دلها عزیز
و محترم گردد [illegible] ان الله تعالی مالک الملک ذو الجلال والاکرام
خداوند بزرگوار و پادشاه مطلق که [illegible] کنند

هر که پیوسته این اسم را مداومت نماید توانگر شود و دولت فی جاه و حرمت
یابد و هرگز محتاج بخلق نشود **الرب** اگر کسی را عزیزی در میان قومی بکار
افتاده باشد خطی بر گرد خانه خود بکشد و صد نوبت این اسم را بخواند
آن عزیز بسر منزل خود باز آید مجربست **المقسط** هر که هر مرادی که دارد
روز جمعه بعد از ادای نماز صد و چهل و دو بار بخواند ساخته گردد باذن
الله تعالی **الغنی** هر که هر روز هفتاد نوبت بخواند توانگر گردد و برکت
در مالش پیدا شود و هرگز محتاج نشود **المغنی** نیز همین خاصیت
دارد **المانع** جهت انتقام از اعدا و پریشانی خصمان چندان که تواند بخواند
الضار همین خاصیت دارد که گفته شد اما این اسم را تنها خواندن مناسب
نیست **النافع** در بدایت هر کاری چون این اسم را بسیار بخواند
البته با تمام رسد بموجب دلخواه **النور** هر که بسیار بخواند در وقت
صبح دل او بنور هدایت روشن گردد **الهادی** هر که این اسم بسیار
بخواند بر سر جمعی حاکم گردد **البدیع** هر که با وضو تکیه کند در روی بقبله نماید
و چندان بخواند این اسم را که در خواب رود هر چه خواهد در خواب ببیند
الباقی هر که از برای دفع دشمن و انتقام ایشان بسیار بگوید دفع

شود باذن الله **الوارث** هر که هر روز بسیار خواند بر اقران و امثال خود
تفوق یابد **الرشید** هر که باین اسم مداومت نماید مهماتش بی سعی
او ساخته شود بعنایت الله و جهت عقد اللسان خصمان و خشنودی
دشمنان و رضای سلطان بعد از غضب و قبول اهالی مردمان صحبتی
تمام دارد والله اعلم بالصواب **در مهج الدعوات از حضرت امام زین العابدین**
علیه السلام نقلست که این دعا را هیچ غمناکی نخواند الا غم او زایل شود
و هیچ زندانی نخواند الا آنکه از حبس خلاص شود از قید و هیچ قرضداری
نخواند الا آنکه قرض او ادا گردد باذن الله تعالی **دعا اینست**
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا شَامِخاً فِي عُلُوِّهِ يَا قَرِيباً فِي دُنُوِّهِ
يَا مُتَدَانِياً فِي بُعْدِهِ يَا رَؤُوفاً فِي رَحْمَتِهِ يَا دَائِمَ الثَّبَاتِ يَا
مُخْرِجَ النَّبَاتِ يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ يَا ظَهْرَ
اللَّاجِينَ يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ
النَّاظِرِينَ يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا
سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ يَا
عَظِيمَ الرَّجَا يَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى يَا مُنْجِيَ الْهَلْكَى يَا أَمَانَ

الخائفین یا اله العالمین یا صانع کل مصنوع یا کبیر کل کبیر
یا صاحب کل غریب یا مونس کل وحید یا غریبا غیر
بعید یا شاهدا غیر غائب یا غالبا غیر مغلوب یا حی حین
لا حی فی دیمومیة ملکه وبقائه یا حی یا قیوم یا لا اله
انت طریق قرائت سوره تبت از برای ۱۰ اجابت خصم هرگاه که بحسب
شرع ع ۱۳ ۱۲۳ ۱۲ ۱۰ ۱۲ ۱۲ ۳ ع ۲ ع ۲ ۱ ۵ نوبت بخواند قبل از سوره
خواندن ۱۰ نوبت بگوید یا قهار بعد از ان هرچه خواهد صلوات
بر رسول و آل رسول فرستد و بعد از آن مشغول تلاوت بسوره شریفه
گردد چون هرگاه صد نوبت سوره را تلاوت نماید این دعا بگوید
که البته آن خصم فاحاصل شود واحد مرة اللهم اهلک
عدوی بقهرک و فرق جمیع عدوی و فرق عدت
عدوی بقهرک یا قهار اقض حاجتی یا قاضی الحاجات
یا مجیب الدعوة اللهم انک قلت ادعونی استجب لکم
انک لا تخلف المیعاد وبحق سورة تبت وبحق حروف
تبت وبحق کلمات تبت یا قهار اللهم فرج همی و

اکشف

اکشف غمی واهلک عدوی یا قهار یا قابض هو القاهر
فوق عباده وهو الحکیم الخبیر دعا چون بقبور بگذرد این دعا بخواند
اللهم هذه دار البلاء ومحلة الموتی فیسرنا لطاعتک
قبل دخولنا بها واهلنا لرحمتک عند نزولها ولنا فیها واعنا
عمارتها بالافعال الزاکیة والاعمال المرضیة والحسنات
المقبولة والصدقات الموصولة وارحم من سبقنا
الیها رحمة تومنهم یوم الحساب وتوسعهم حسن الثواب
انک لا تخلف المیعاد وانت رؤف بالعباد برحمتک یا
ارحم الراحمین در بعضی ملفوظات شیخ ابو العباس بونی مغربی
قدس سره وارد است که اگر خواهد که دشمن را هلاک کند هفت کلوخ
پاک بردارد و بر هر یک کلوخ یکبار این دعا بخواند به نیت هلاک دشمن
بخواند و بر حوض پر آب اندازد که البته آن ظالم فنا شود و مجرب
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم شتت شمله وفرق جمعه
وخرب بنیانه وقرب اجاله واشغله بنفسه واجعل
بیته قبرا وخذه اخذ عزیز مقتدر اللهم فرق تفریقا

بهلاک دشمن

وَمَزِّقْهُمْ تَمْزِيقًا وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا
اللَّهُمَّ أَهْلِكِ الظَّالِمِينَ وَاشْغَلْ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ وَأَخْرِجْنَا
مِنْ بَيْنِهِمْ سَالِمِينَ بِعَظَمَتِكَ يَا اللهُ

خاصیت آب نیسان

خاصیت آب نیسان

روایت کنند اصحاب حدیث که نافع گوید که من از حضرت علی علیه السلام
شنیدم که حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود و جماعت
اصحاب حاضر بودند آن حضرت فرمود که هر کس خواهد هرگز محتاج طبیب
نباشد آب نیسان بگیرد و هر بارانی که بعد از نوروز سلطانی اول دفعه
بارد نیسان است آن را بگیرد چنانکه بزمین نرسد اول هفتاد نوبت
الحمد بخواند و هفتاد نوبت آیة الکرسی بخواند و سورهای چهار قل را هر یک
هفتاد نوبت بخواند و هفتاد نوبت سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ
لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
بخواند و هفتاد نوبت بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ
و هفتاد نوبت بخواند که اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَسْتَغْفِرُ
اللهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ
إِلَيْهِ و چون آب نیسان را بگیرد در دیگ سنگی کند تا رنگ یا بوی و طعم

او متغیر نشود بعد از آن در ظرف آبگینه کند و چنان کند که همیشه سر آن
بسته باشد و فرمود که هر کس هفت روز پیاپی بامداد و شبانگاه
پنج درم باز خورد هر علتی و رنجی که در بدن او باشد زایل شود و تا سال
دیگر در امان خدا باشد و هر کس را که فرزند نباشد سه بامداد ناشتا
بخورد حق تعالی او را فرزند کرامت کند اگر چه مرد یا زن عقیم باشد و
حکمای فارس گفته اند اگر کسی را تکلف یا برص یا جذام باشد قدری
شیطرج با آب نیسان بساید و در آنجا طلا کند از آن رنج خلاص
یابد و اگر کسی را قولنج باشد هفت بامداد ناشتا پنج درم روغن
کنجد با سه درم آب نیسان بیاشامد تا شفا یابد و اگر کودک
نابالغ قدری از آب نیسان در میان آب روان کنند و بخورد او دهند
خوشخوی شود اگر در میان دو کس عداوت باشد آن آب را در
ظرفی کنند و هر دو بخورند عداوت از میان برخیزد و به جهت هر علتی
که بخورند شفا یابند و اگر کسی هر بامداد روی خود را از آب نیسان
بشوید بچشم همه کس عزیز و محترم گردد و شرح آن بسیار است
اما بدین قدر اختصار شد تا در محل حاجت بفعل آید والسلام

شرح دعاء عظیم امنیت روایت از امام هشتم علی بن موسی الرضا
علیه السلام که گفت شنیدم از پدر خود موسی کاظم علیه و آن از پدر خود امام
محمد باقر و او از پدر خود امام زین العابدین علیه که او گفت من از جد خود
حضرت امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که وی گفت
از حضرت پیغمبر شنیدم و پیغمبر نیز گفت شنیدم از حضرت جبرئیل که
بنزد من آمد و گفت یا محمد حق تعالی سلام میرساند و هدیه بتو فرستاده است
یا محمد هر که این دعا را بخواند اگر بمقدار زمین و آسمان گناه داشته باشد
خدای تعالی او را بیامرزد و اگر بمشک و زعفران بنویسند و بخورد کسی
دهند فهم وی گشاده شود و اگر کسی را بیماری باشد بخورد شفا یابد
و اگر کسی بکفن میت بنویسد و با وی در گور نهد هفتاد هزار فرشته
هر یک با طبقی از نور در گور وی فرود آیند و آن بنده را بشارت دهند
تا روز قیامت و گور وی را فراخ گردانند یا محمد هر که این دعا را در اول
ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و شب قدر و شب عید بخواند خدای
تعالی هفتاد هزار فرشته را بزیر عرش و هفتاد هزار بمکه و هفتاد هزار
بمدینه و هفتاد هزار در مشرق و هفتاد هزار در مغرب بدارد و بر تن

هر فرشته هفت سر بوده باشد و بر هر سری هفت دهان و بهر زبانی
تسبیحی میخوانند و آن ثواب را بخواننده این دعا بخشند و حمله عرش
آن بنده را دوست دارند و خدای تعالی جمیع حاجت آن بنده را
روا کند یا محمد هر که این دعا را بخواند چون از گور برخیزد هفتاد هزار فرشته
باستقبال وی در آیند و هفتاد هزار غلام که هر یک از ایشان ناقه در
دست گرفته باشند و از مشک تاج بر سر نهاده باشند و بخدمت
خواننده این دعا آورند یا محمد صلی الله علیه و سلم هر که این دعا را یکبار بخواند فردای قیامت
هفتاد هزار فرشته آیند و بدست هر فرشته کاسه پر از شراب گوناگون
و بهر کاسه دستارچه افکنده و بمشک و زعفران بر آن نوشته که
لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله فاطمة امة الله والحسن
والحسین سبطا رسول الله و علی محبیهم رحمة الله و علی مبغضیهم
لعنة الله و دیگر بر آن نوشته که این آیه را خدای تعالی بغلامان بنده
فرستاده که این دعا را خوانده است یا محمد هر بندهٔ خدا و امت تو این
دعا را بخواند فردای قیامت مردم متحیر در وی نگرند و گویند که آیا این
چه عمل کرده است که نور او جمله عرصات را گرفته است و غلامان و کنیزان

از حور العين در بهشت جا و قرار گرفته واو را ميبرند تا بزير عرش مجيد
و خداي تعالى آن بنده را بحساب در بهشت عنبر سرشت زرين خشت
فرستد يا محمد هر كه اين دعا را بخواند فرداي قيامت خداي تعالى فرشتگان
را بسم خبان موكل او كرداند كه جميع درهاي بهشت را بر روي وي بگشايند
و درهاي دوزخ را بر روي او بسته گردانند و هزار صف فرشته در نزد
وي فرستند كه هر صف پانصد ساله راه باشد كه بر گرد آن شخص ايستند
و او را از جميع بلاها نگاه دارند اما شرح اين بسيار است و مختصر
كرديم و هر كه شك آورد كافر گردد **دعا اينست** والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحيم

لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله ووصي رسول
الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله بعدد كل تهليل
هلله المهللون الله اكبر الله اكبر الله اكبر بعدد كل تكبير
كبره المكبرون الحمد لله الحمد لله الحمد لله بعدد كل
تحميد حمده الحامدون سبحان الله سبحان الله سبحان الله بعدد
كل تسبيح سبحه المسبحون استغفر الله استغفر الله استغفر الله

بعدد كل استغفار استغفره المستغفرون ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم حسبنا الله ونعم الوكيل ما شاء
الله كان وما لم يشأ لم يكن وان الله قد احاط بكل شيء علما
واحصى كل شيء عددا سبحانه هو الواحد القهار وهو
العزيز الحكيم سبحان من لا يصفه الواصفون ولا يدرك
كنهه وعز عظم شانه وجلاله وجماله سبحان الله الارض
بقوته سبحان الله وبحمده والملائكة من خيفته سبحان
الملك القدوس سبوح قدوس سبحان الله رب الملائكة
والروح سبحان الله من خلق الحيتان في قعر بحارها سبحان
الله من خلق الليل بمواهب ربوبيته وقدرته سبحان
من لا يريد صاحبة ولا ولدا سبحان من خلق آدم فجعله
نسبا وصهرا وكان ربك قديرا سبحان ربك رب العزة
عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب
العالمين سبحان رب العزة عزها والقدرة والكبرياء
والفضل ودبره بالفضل ثم فيه ارادته ومشيته سبحان

من خلق الجان من مارج من نار سبحان من يسبح له ادم
في الوان مناطقها سبحان القائم الدائم سبحان الله
وتعالى عما يصفون يا رب الارباب يا مطلق الاسارى
يا فكاك الرقاب يا ساتر العيوب يا من يعلم خائنة
الاعين وما تخفي الصدور يا من هو كل يوم في شان
يا سريع الحساب يا عظيم المنان يا مالك يا حنان يا
قدوس يا سلام يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا
عليم يا جليل يا حليم يا طاهر يا مطهر يا بارئ يا رازق
يا مولاي يا سيد السادات يا مجيب الدعوات يا منزل
البركات يا رفيع الدرجات يا جبار يا ذخر البر يا كبير
يا سيدي يا ولي يا ملي يا حي يا عليم يا كريم يا قادر
يا عظيم الرجاء يا حسن البلاء اللهم اعف عنا بعفوك
وجد علينا بمجدك يا من لا يزال ولا يزل يا مفضل
بك استغيث يا غني عليك توكلت فاكفني يا كافي
ابراهيم عليه السلام من نار نمرود ويا كافي محمد صلى

الله عليه وآله وسلم من شر الاحزاب يا كافي في جميع
اهمتي من امور الدنيا والآخرة في يسر منك وعافية
فلا تخيبني في جميع ما رجوته وارجوه من فضلك
وسعتك وجودك برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى
الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين الطيبين الطا
هرين والحمد لله رب العالمين

شرح دعاء عهدنامه باری تعالی

منقولست از عبدالله عباس که گفت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم شنیدم که فرمود خدای تعالی در تن آدمی سه هزار بیماری
آفریده که اطبا یکهزار او را شناسند و علاج کنند و باقی دو هزار
دیگر را نمیدانند و هر که این عهدنامه را با خود داشته باشد خدای
تعالی او را از سه هزار بیماری نگاه دارد و هر که در هر جمعه این دعا
بخواند و هر آینه در بهشت برم و هر که این دعا را با خود دارد هرگز
جادوئی بر وی کار نکند و زبان بدگویان از وی دور شود و
هر که ثواب این دعا را بر قبرستان هدیه کند خدای تعالی از برکت
این دعا در قبر هر مومن و مومنه چهل نور برافروزد که هر نور از

مشرق تا مغرب روشنی دهد و قبرهای ایشان را فراخ گرداند و خوانندهٔ
و دارندهٔ این دعا را ثواب شش صد پیغمبر بدهند و هر که این دعا را با خود
دارد و در قبر همراه برد چون نکیر و منکر بیایند بحرمت این دعا
عزت کنند چون گویند من ربک هاتفی آواز دهد که چرا سؤال
می کنید ازین بنده که او این عهدنامه خوانده است و با خود بقبر
آورده و خدای تعالی از او خشنود است از برکت این دعا مقدار
صد بیست کوه عذاب از قبر وی بردارند و قبر او را روضهٔ از بهشت
گردانند و خدای تعالی از نور این عهدنامه صورتی بیافریند که
هیچکس خیال و جمال و ندیده باشد تا و برادر قبر مونس باشد و
چون فردای قیامت سر از قبر بردارد دو فرشته را بیند بر سر خود
ایستاده و بر دست راست حلّه و بر دست چپ براقی تا سوار شود
و چون راکب گردد نظر کند بیند که رضوان پیش آید و باستقبال
و سلام کند و گوید بشارت باد ترا که آوردیم از خدای تعالی نامه
و در نامهٔ او نوشته باشد که ای مومن مرا با تو عهدی بود تو عهد
مرا وفا کردی مارا با تو هیچ حسابی نیست خلعت در پوش و تاج

برسر نه و بر براق سوار شو و در بهشت درآی و شفاعت کن
هر کس را که خواهی و آن بنده همچو ماه شب چهارده در عرصات آید
و اهل عرصات گویند که این کدام پیغمبر است ندا آید که این بنده ایست
از بندگان خدای تعالی و امت محمد صلی الله علیه و اله و سلم که در
دنیا این عهدنامه را خوانده است و در عقبی نیز همراه آورده است گویند
یا رب پس ما در دنیا کجا بودیم که این دعا را نخواندیم ای عزیزان اکنون
که فرصت دارید غنیمت دانید و در خواندن و نگاه داشتن جهد
نمائید تا در دنیا و آخرت رستگار شوید والله اعلم هذه الدعا

بسم الله الرحمن الرحیم

اللّٰهمّ انّی اصبحت بتوفیقک واشهدک وکفی بک
شهیدًا واشهد انبیائک ورسلک واشهد ملائکتک
المقرّبین وحملة عرشک وسکّان سبع سمواتک انّی
اشهد ان لا اله الا انت ربّی وخالقی ورازقی و
مولای ورب کل شیء وحدک لاشریک له تبارکت
وتعالیت عمّا یقول الظالمون علوًّا کبیرًا واشهد

ان محمدا صلواتك عليه وآله عبدك ورسولك ونبيك ار
سلته بالهدى ودين الحق كله ولو كره المشركون واشهد ان
الاسلام ديني والقرآن كتابي والكعبة قبلتي واشهد ان
مولاي وسيدي امير المؤمنين علي ابن ابي طالب عليه السلام
عبدك ووليك ووصي رسولك امامي واشهد ان الحسن
والحسين وعلي ابن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد
وموسى ابن جعفر وعلي ابن موسى ومحمد ابن علي و
علي ابن محمد والحسن علي والمهدي ابن الحسن صاحب
الزمان صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين هم ائمتي و
ساداتي وقادتي وائمة الهدى الابرار الاخيار بهم اتولى
ومن اعدائهم نتبرء في الدنيا والآخرة واشهد ان
الموت حق والقبر حق وسؤال منكر ونكير في القبر حق
والجنة حق والنار حق والصراط حق والميزان حق
والثواب حق والعقاب حق والحساب حق والكتاب
حق وتطاير الكتب فيها الاحق وانطاق الجوارح حق

وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور
على احيا واموت وابعث بتوفيقك يا رب وصلى الله على
محمد وآل محمد واحيني على هذا وامتني على هذا و
ابعثنا على هذا برحمتك يا ارحم الراحمين فسبحان الله حين
تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السموات والارض
وعشيا وحين تظهرون يخرج الحي من الميت ويخرج الميت
من الحي ويحيي الارض بعد موتها وكذلك تخرجون سبحان
ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد
لله رب العالمين

شرح دعاء سدرة المنتهى روايتست كه روزى حضرت

رسول الله عليه وآله وسلم نيمروز نشسته بود در محراب كه حضرت جبرئيل
عليه السلام بيامد و گفت يا رسول الله خداى تعالى ترا سلام ميرساند و بعد
از سلام درود و ثنا رسانيد و ميگويد كه اين دعا را هديه بتو فرستادم
و با امتان تو كه بهيچ پيغمبرى نفرستاده ام رسول صلى الله عليه وآله وسلم
فرمود كه ثواب اين دعا چيست حضرت جبرئيل فرمود كه ثواب اين دعا را
اما بدان خداى كه ترا برسالت بخلق فرستاده كه هيچ مومن باشد كه اين دعا

باخلاص بخواند الا که خدای تعالی ثواب چهار پیغمبر و چهار فرشته بدهد اول
ثواب تو محمدی دویم ثواب ابراهیم سیوم ثواب موسی چهارم ثواب
عیسی علیه السلام و از فرشتگان اول ثواب جبرئیل دویم ثواب میکائیل
سیم ثواب اسرافیل چهارم ثواب عزرائیل علیهم السلام و که هر در عمر خود
یکبار این دعا را بخواند چون روز قیامت سر از گور بر دارد روی او چون
شب چهارده تابان باشد که خلق گویند این کدام پیغمبر است با چنین
کرامت ندا آمد که این بنده ایست که در دنیا خدای تعالی روزی او کرده بود
که این دعا را بخواند اکنون حق سبحانه و تعالی این همه کرامت با او کرده است
و بهشت بر وی ارزانی داشته و فرشتگان بزبان او گویند که در بهشت
را بگشائید تا از هر دری که میخواهد در آید یا محمد صلی الله علیه و سلم هر که این دعا را بخواند منکه
جبرئیل روز قیامت بر سر او سایه کنم و نامهٔ وی بدست راست وی دهند
و چون این دعا را بخواند هیچ بدی نه بیند و شمار بر وی آسان کنند
و ترازوی اعمال وی گران آید و هفتاد کس از اهل بیت او بوی بخشند
و وی را بر صراط آسان بگذرانند یا محمد هر که این دعا را باخلاص بخواند
اگر غمگین باشد فرح یابد و اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر کاهل نماز باشد

حریص گردد و هر که این دعا را بخواند یا با خود دارد و هر نعمت که خواهد
خدای تعالی بدو رساند و از همه بلاها ایمن گردد یا رسول الله هر آن
بنده که این دعا را در وقت خفتن بخواند و چهار رکعت نماز بگذارد و
در هر رکعتی الحمد یکبار و سورهٔ اخلاص سه بار و سه نوبت قل اعوذ دو
گانه و چون بخواند این دعا را در زیر سر نهد تو را که محمدی علیه الصلوة والسلام در خواب
بیند و اگر حاجتی داشته باشد روا گردد و از شر شیطان و از جور سلطان
و ستمکار ایمن گردد و از شر ظالمان و زخم تیر و شمشیر و نیزه نگاه دارد
و دارنده این دعا به پری بگریزد و سحر جادو بر وی کار نکند و بر دشمنان
ظفر یابد و هر کس این دعا را بخواند و روی در صف آرد آن صف بر وی مبارک
گردد و منفعت بسیار یابد و حاجتش روا گردد و اگر این دعا را بامید
زندگانی بخواند عمر وی دراز گردد پس رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که بگفت آید
لم از بسیاری فضیلت و قدر این دعا پس جبرئیل علیه گفت یا محمد علیه الصلوة والسلام اگر دریای
عالم مداد گردد و درختان قلم گردند و برگ اشجار کاغذ و خلایق تمام
نویسنده گردند از نوشتن آن عاجز گردند یا محمد هر که این دعا را بیاموزد
از قوت این دعا خواهد از پیش برد یا محمد علیه الصلوة والسلام هر کس که این دعا را بیقین درست

بخواند اگر بکوه دمد بشکافد یا محمد صلی الله علیه وسلم هر کس این دعا را بخواند یا با خود دارد هرگز
با آب غرق نشود و با آتش نسوزد و در زیر کس نشود و هر که مفاجات نمیرد
و هر کس این دعا را بنویسد و با خود دارد و در گور اندام وی نریزد و کرم
نخورد رسول خدا صلی الله علیه وسلم خوشحال گشت و صحابه همه خوشحال گشتند جبرئیل علیه السلام
گفت یا محمد علیه الصلوة والسلام امروز همه شادی کنید بدین دعا که پیش از تو هیچ پیغمبری
نفرستاده است حضرت رسول صلی الله و جمله صحابه شادی کردند یا امدن
این دعا رسول علیه الصلوة والسلام وصیت کرد که این دعا را بنویسید و در کفن استوار
کنید و هر کس بر کفن میت بنویسد آن میت را عذاب قبر نباشد و فضلت
این دعا بسیار است ما مختصر کردیم تا خواننده و نویسنده را ملال نگیرد والله اعلم

هذه الدعا بسم الله الرحمن الرحیم سدرة المنتهی

یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم
یا الله یا الله یا لا اله الا انت اللهم انی اسئلك بحق هذه الاسماء
یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم
یا الله یا الله یا الله الملك القدوس یا الله السلام المؤمن یا الله
الجبار المتکبر یا الله المهیمن العزیز یا الله الخالق البارئ یا الله

المصور

المصور الغفار یا الله التواب الرزاق یا الله الفتاح العلیم یا الله
القابض الباسط یا الله الخافض الرافع یا الله المعز المذل یا الله
السمیع البصیر یا الله الحکم العدل یا الله اللطیف الخبیر یا
الله الحلیم العظیم یا الله الغفور الشکور یا الله العلی الکبیر
یا الله الحفیظ المقیت یا الله الحسیب الجلیل یا الله الکریم الرقیب
یا الله المجیب الواسع یا الله الحکیم الودود یا الله المجید یا الله
الباعث الوارث یا الله الحی القیوم یا الله السید السادات
یا الله المجیب الدعوات یا الله الرفیع الدرجات یا الله الولی
الحسنات یا الله المعطی المسئولات یا الله یا الله یا الله یا
الله سبحانك لا اله الا انت خلصنا من آفات الدنیا والآخرة
واقض حاجاتنا یا الله یا الله یا الله یا الله خیر المنزلین
یا الله خیر المحسنین یا الله خیر الحاسبین یا الله اشفع الشا
فعین یا الله لا اله الا انت احفظنا من آفات اللیل والنهار
والدنیا والآخرة واقض حوائجنا یا الله یا رب یا رب سبحانك
یا لا اله الا انت یا الله ذو الرحمة الواسعة یا الله ذو الحمد

البالغة يا الله ذو المنة السابقة يا الله ذو القدرة الكاملة
يا الله ذو الحجة الناطقة يا الله ذو الكرامة الظاهرة يا الله
ذو القوة البالغة يا الله ذو القوة الدائمة يا الله ذو القوة
المتينة يا الله يا الله يا الله سبحانك يا لا اله الا انت احفظنا من
آفات الدنيا والآخرة يا الله ضاعف الحسنات يا الله شديد
العقاب يا الله سبحانك يا لا اله الا انت يا الله يا صانع كل
مصنوع يا الله خالق كل مخلوق يا الله رازق كل
مرزوق يا الله مالك كل مملوك يا الله كبير كل مكروب
يا الله يا الله يا الله يا الله يا رجائي يا رجائي يا حي يا قيوم يا
قيوم يا قيوم يا الله يا فارج كل مغموم يا الله يا الله يا
رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا عزيز يا عزيز
يا عزيز الانتقام يا لطيفا لا يرام يا قيوما لا ينام يا دائما لا
يفوت يا حيا لا يموت يا باقيا لا يفنى يا عالما لا يجهل يا
قويا لا يضعف يا رب البيت الحرام يا رب المسجد الحرام
يا رب الركن والمقام يا رب الشهر الحرام يا رب النور

والظلام

والظلام يا رب التحية والسلام يا الله يا احد بلا ضد يا الله
فرد بلا وتر يا الله صمد بلا عيب يا الله هو رب بلا كيف
يا الله موصوف بلا شبه يا رب بلا وزير يا عزيز بلا ذل يا الله
يا واحد يا الله بلا مثل يا الله يا الله يا الله يا لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الظالمين سبحانك اللهم وبحمدك وتبارك
اسمك وتعالى جدك ولا اله غيرك وجل ثناؤك اغفر لي
ذنوبي واغفر لي ذنوب جميع المسلمين واقض حاجتي مع
حوائج المؤمنين اجمعين برحمتك يا ارحم الراحمين و
صلى الله على محمد وآله اجمعين وجعلنا من الذين
لا خوف عليهم ولا هم يحزنون ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم برحمتك يا ارحم الراحمين

شرح دعای گنج العرش

روایتست از حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام که یک
روز با حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در سفر بودیم و در پای کوهی
فرود آمدیم و آنحضرت علیه الصلوات والسلام وعظ میگفت و در آخر فرمود که اول بار که
اخی جبرئیل علیه السلام نزد یک من آمده بود دعائی از بهر من آورد که آنرا

کنج العرش حق سبحانه وتعالی میخوانند و پیش از من هیچ پیغمبری
نیامده پس صحابه گفتند یا رسول الله ثواب و فضیلت این دعا چه باشد
فرمود که من از اخی جبرئیل علیه السلام سوال کردم گفت یا محمد صلی الله علیه وسلم اگر درختان
عالم همه قلم کرده و دریاها همه مداد کرده و آسمانها و زمینها کاغذ کرده
و خلق اولین و آخرین همه نویسنده کرده از دور آدم تا انتهای عالم نویسند
همه قلمها شکسته گردد و دریاها آخر شود و نویسندگان نمانند هنوز
از صد یکی ثواب فضیلت این دعا را نتوانند نوشت یا محمد صلی الله علیه وسلم بدان خدا
که جان من در ید قدرت اوست که ثواب و فضیلت این دعا را کسی نخواهد دانست
مگر خدای تعالی یا محمد صلی الله علیه وسلم اگر کسی در همه عمر خویش یکبار این دعا را بخواند و اگر
نتواند خواندن به نیت پاک با خود دارد و اگر نتواند بخواند بدهند تا بخوانند
و او بشنود و اگر نتواند حرمت و عزت این دعا را بدارد و در سر چشم خود
مال حق سبحانه تعالی ثواب او را چهار پیغمبر مرسل بدهد اول ثواب تو که محمدی صلی الله علیه وسلم
دویم ثواب ابراهیم سیوم ثواب موسی چهارم ثواب عیسی و ثواب
چهار فرشته مقربان بدهد اول ثواب جبرئیل دویم ثواب میکائیل
سیم ثواب اسرافیل چهارم ثواب عزرائیل علیهم السلام و هرگز او را

به هیچ دردی و المی و رنجی گرفتار نکند و همیشه دولت او بر دوام باشد
و در وقت مرگ او را با ایمان و شهادت بمیراند و چون فردای قیامت
سر از گور بیرون آورد روی او چون ماه شب چهارده باشد و هفتاد
هزار فرشته با حلها همراه او باشند و وی را بر براقی سوار کنند و سبحان
بعظمت بعرصات قیامت در آید اهل عرصات گویند که این کدام پیغمبرست
خطاب آید که این پیغمبر نیست بنده ایست از بندگان من و امتان حضرت
محمد صلعم صلی الله علیه وسلم که در دنیا یکبار بصدق تمام این دعا را خوانده است یا به اعتقاد
پاک با خود نگاه داشته امروز این کرامت یافته یا محمد صلی الله علیه وسلم اگر کسی این دعا را
با خود دارد هر چند که راه دور رود مانده نشود و از دریا بسلامت بگذرد و در
سفر از دزد و حرامی ایمن باشد و هر آن سفری که دارند این دعا با خود باشد
در آن سفر برکت بسیار بیند یا محمد صلی الله علیه وسلم اگر کسی این دعا را با خود دارد از زخم
مار و کژدم و سگ دیوانه ایمن گردد و از شتر مست امان یابد یا محمد صلی الله علیه وسلم اگر کسی
را مار و کژدم و سگ دیوانه گزیده باشد این دعا را بر آب خوانند که باز
خورد صحت یابد چنانچه هیچ دردی و المی بوی نرسد و در هر خانه که این
دعا باشد هیچ گزنده و دزد و حرامی مضرت بوی نرساند و همه روز

در آن خانه برکت باشد و جمعیت یابد یا محمد (صلى الله عليه وسلم) در هر خانه که این دعا باشد
از بیماری گران و مرگ مفاجات ایمن باشد و اگر بیماری باشد چنانچه
هیچ طبیب علاج او نتواند کرد این دعا را بر آب خوانند و بدهند تا بخورد
صحت کلی یابد ببرکت این دعا یا محمد (صلى الله عليه وسلم) اگر زنی دشوار زاید این دعا
بر آب خوانند و بدهند تا بخورد بآسانی بزاید یا بر پشت او بدارند بی زحمتی
بار بنهد یا محمد (صلى الله عليه وسلم) اگر کسی این دعا را با خود دارد بر دشمن ظفر یابد یا محمد (صلى الله عليه وسلم)
اگر کسی دشمنان بسیار داشته و همه روز بدی او گویند این دعا را با خود
دارد اگر در میان هزار دشمن بجنگ رود که همچو باران تیغ و تیر
و نیزه از هوا بارد هیچ ظفر بر وی نیابد و او بسلامت از آن میان
بیرون آید و بر دشمن ظفر یابد یا محمد (صلى الله عليه وسلم) اگر کسی این دعا را با خود دارد
و بچشم همه مردمان شیرین زبان باشد یا محمد (صلى الله عليه وسلم) اگر کسی خون ناحق کرده باشد
و خون خواهان او را گرفته باشد و وی را بکشتن برند این دعا را با خود
در برابر سلاطین و بزرگان رود بچشم ایشان عزیز و محترم باشد
و بزرگان مطیع او گردند یا محمد (صلى الله عليه وسلم) دارنده این دعا در حفظ امان خدای
تعالی باشد و دارنده این دعا از درد شکم و باد ملی مخالف ایمن باشد

دهم

و هر مرادی و حاجتی که داشته باشد از حق تعالی بخواهد روا گردد یا محمد (صلى الله عليه وسلم)
زنهار که این دعا را عزیز داری و بدست نااهلان و منافقان ندهی که این
اسم اعظم پروردگار است و بسیار کار و عمل ازین دعا بر آید و در گردن
آنکس باشد که این دعا را بجاهل داده باشد یا محمد (صلى الله عليه وسلم) بدان خدای تعالی
که جان محمد (صلى الله عليه وسلم) در ید قدرت اوست و ترا براستی بخلق فرستاده است که عرش
خدای تعالی ببرکت این دعا ایستاده است بدین قدر مختصر شد والله اعلم

هذه الدعاء اینست بسم الله الرحمن الرحيم عظیم گنج العرش

اللّهمّ إنّك تعلم سرّي وعلانيتي فاقبل معذرتي وتعلم ما
في نفسي فاغفر لي ذنوبي فإنّه لا يغفر الذنوب إلّا أنت يا
أرحم الراحمين اللّهمّ أنت الحنّان المنّان بديع السموات
والأرض يا ذا الجلال والإكرام وأسألك بحقّ وجهك الكريم
عليك يا ربّ وأسألك بحقّ آدم وحوّا عليهم السلام عليك
يا ربّ وأسألك بحقّ العرش والكرسي عليك يا ربّ وأسألك
بحقّ بسم الله الرحمن الرحيم عليك يا ربّ وأسألك بحقّ
الحمد لله ربّ العالمين عليك يا ربّ وأسألك بحقّ الحمد

ذلك الكتاب لا ريب فيه عليك يا رب واسئلك بحق الله لا
اله الا هو الحي القيوم عليك يا رب واسئلك بحق امن الرسول
بما انزل اليه عليك يا رب واسئلك بحق الم الله لا اله الا هو
الحي القيوم عليك يا رب واسئلك بحق يا ايها الناس اتقوا
عليك يا رب واسئلك بحق يا ايها الذين امنوا عليك يا رب
واسئلك بحق الحمد لله الذي خلق السموات والارض
وجعل الظلمات والنور عليك يا رب واسئلك بحق
المص عليك يا رب واسئلك بحق يسئلونك عن الانفال عليك
يا رب واسئلك بحق براءة من الله ورسوله عليك يا رب
واسئلك بحق الر تلك ايات الكتاب الحكيم عليك يا رب
واسئلك بحق الر تلك ايات الكتاب المبين عليك يا رب و
اسئلك بحق الر كتاب انزلناه عليك يا رب واسئلك بحق
المر تلك ايات عليك يا رب واسئلك بحق الر تلك ايات
الكتاب عليك يا رب واسئلك بحق اتى امر الله فلا
تستعجلوه عليك يا رب واسئلك بحق سبحان الذي اسرى

بعبده عليك يا رب واسئلك بحق الحمد لله الذي انزل
عليك يا رب واسئلك بحق كهيعص عليك يا رب واسئلك
بحق طه ما انزلنا عليك يا رب واسئلك بحق اقترب للناس
حسابهم عليك يا رب واسئلك بحق يا ايها الناس اتقوا
عليك يا رب واسئلك بحق قد افلح المؤمنون عليك
يا رب واسئلك بحق سورة انزلناها عليك يا رب واسئلك
بحق تبارك الذي نزل الفرقان عليك يا رب واسئلك بحق
طسم تلك عليك يا رب واسئلك بحق طس تلك ايات عليك
يا رب واسئلك بحق طسم تلك ايات الكتاب المبين
عليك يا رب واسئلك بحق الم احسب الناس عليك يا رب و
اسئلك بحق الم غلبت الروم عليك يا رب واسئلك بحق
الم تلك ايات الكتاب الحكيم عليك يا رب واسئلك
بحق الم تنزيل الكتاب عليك يا رب واسئلك بحق يا ايها
النبي اتق الله عليك يا رب واسئلك بحق الحمد لله الذي
عليك يا رب واسئلك بحق الحمد لله فاطر السموات و

الارض عليك يا رب واسألك بحق يس عليك يا رب
واسألك بحق والصافات صفا عليك يا رب واسألك
بحق ص عليك يا رب واسألك بحق تنزيل الكتاب
عليك يا رب واسألك بحق حم تنزيل من الرحمن الرحيم
عليك يا رب واسألك بحق حمعسق عليك يا رب واسألك
بحق حم والكتاب المبين عليك يا رب واسألك بحق
حم والكتاب عليك يا رب واسألك بحق حم تنزيل
عليك يا رب واسألك بحق الذين كفروا عليك
يا رب واسألك بحق انا فتحنا لك فتحا عليك يا رب و
اسألك بحق يا ايها الذين امنوا عليك يا رب واسألك
بحق ق والقرآن المجيد عليك يا رب واسألك بحق
والذاريات عليك يا رب واسألك بحق والطور و
الكتاب عليك يا رب واسألك بحق والنجم عليك يا رب
واسألك بحق اقتربت الساعة عليك يا رب واسألك
بحق الرحمن عليك يا رب واسألك بحق اذا وقعت

الواقعة

الواقعة عليك يا رب واسألك بحق سبح لله عليك
يا رب واسألك بحق قد سمع الله عليك يا رب واسألك بحق
سبح لله عليك يا رب واسألك بحق يسبح لله عليك يا رب و
اسألك بحق اذا جاءك المنافقون عليك يا رب واسألك
بحق يسبح لله عليك يا رب واسألك بحق يا ايها النبي
لم تحرم عليك يا رب واسألك بحق تبارك الذي بيده الملك
عليك يا رب واسألك بحق ن والقلم عليك يا رب واسألك
بحق الحاقة ما الحاقة عليك يا رب واسألك بحق سأل سائل
عليك يا رب واسألك بحق انا ارسلنا نوحا عليك يا رب و
اسألك بحق قل اوحي عليك يا رب واسألك بحق يا ايها
المزمل عليك يا رب واسألك بحق يا ايها المدثر عليك يا رب
واسألك بحق لا اقسم بيوم القيمة عليك يا رب واسألك بحق
هل اتى على الانسان عليك يا رب واسألك بحق والمرسلات
عرفا عليك يا رب واسألك بحق عم يتساءلون عليك يا رب
واسألك بحق والنازعات غرقا عليك يا رب واسألك بحق

عبس وتولى عليك يارب واسئلك بحق اذا الشمس كورت
عليك يارب واسئلك بحق اذا السماء انفطرت عليك يارب
واسئلك بحق ويل للمطففين عليك يارب واسئلك بحق
اذا السماء انشقت عليك يارب واسئلك بحق والسماء ذات
البروج عليك يارب واسئلك بحق والسماء والطارق عليك
يارب واسئلك بحق سبح اسم ربك عليك يارب واسئلك
بحق هل اتيك حديث الغاشية عليك يارب واسئلك
بحق والفجر وليال عليك يارب واسئلك بحق لا اقسم
بهذا البلد عليك يارب واسئلك بحق والشمس وضحيها
عليك يارب واسئلك بحق والليل اذا يغشى عليك يارب
واسئلك بحق والضحى عليك يارب واسئلك بحق الم
نشرح لك عليك يارب واسئلك بحق والتين والزيتون
عليك يارب واسئلك بحق اقرا باسم ربك عليك يارب و
اسئلك بحق انا انزلناه عليك يارب واسئلك بحق لم يكن
الذين كفروا عليك يارب واسئلك بحق اذا زلزلت الارض

عليك يارب واسئلك بحق والعاديات ضبحا عليك يارب و
اسئلك بحق القارعة ما القارعة عليك يارب واسئلك بحق
الهيكم التكاثر عليك يارب واسئلك بحق والعصر ان
الانسان لفي عليك يارب واسئلك بحق ويل لكل همزة
عليك يارب واسئلك بحق الم تر كيف فعل عليك يارب
واسئلك بحق لايلاف قريش عليك يارب واسئلك بحق
ارايت الذي عليك يارب واسئلك بحق انا اعطيناك الكوثر
عليك يارب واسئلك بحق قل يا ايها الكافرون عليك يارب
واسئلك بحق اذا جاء نصر الله والفتح عليك يارب واسئلك
بحق تبت يدا عليك يارب واسئلك بحق قل هو الله احد
عليك يارب واسئلك بحق قل اعوذ برب الفلق عليك يارب
واسئلك بحق قل اعوذ برب الناس عليك يارب واسئلك
بحق شش هزار وششصد وشصت ايه كلام الله تو اي خدايا
عليك يارب واسئلك بحق صد و بيست و چهار هزار پيغمبر
مرسل و نبي تو عليك يارب واسئلك بحق دعواهاي كه محمد

کرده اند علیک یا رب واسئلک بحق آدم وحواء علیک یا رب
واسئلک بحق جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل علیک
یا رب واسئلک بحق آن نام که فرشتگان آسمان و زمین ترا
بدان نام میخوانند علیک یا رب واسئلک بحق آن نام که
هجده هزار عالم بدان نام بر پای ایستاده است علیک یا رب
واسئلک بحق آفریده های تو علیک یا رب واسئلک بحق
آن نیازمندان که از دل پر درد نیاز عرضه کنند علیک یا رب
واسئلک بحق آن نام که آسمانها و زمینها بدان نام برپاست علیک
یا رب واسئلک بحق آن نام که بر در بهشت نوشته است علیک
یا رب واسئلک بحق آن نام که بر عرش و کرسی نوشته است علیک یا رب
واسئلک بحق آن نام که بر در کعبه نوشته است علیک یا رب واسئلک
بحق لوح محفوظ علیک یا رب واسئلک بحق آن نام که بر حجر الاسود
نوشته است علیک یا رب واسئلک بحق آن نام والرکن والمقام
علیک یا رب واسئلک بحق آن نام که آدم علیه السلام ترا بدان
نام خواند و را جواب باز رسانیدی و توبهٔ وی قبول کردی علیک یا رب

واسئلک

واسئلک بحق آن نام که نوح علیه السلام ترا بدان نام خواند کشتی ورا
باز داشتی علیک یا رب واسئلک بحق آن نام که یونس علیه السلام ترا بدان
نام خواند و را از شکم ماهی خلاصی دادی علیک یا رب واسئلک بحق آن
نام که یعقوب ترا بدان نام خواند یوسف را باز بدو دادی علیک یا رب
واسئلک بحق آن نام که ایوب نبی علیه السلام ترا بدان نام خواند ورا
از هلاکت کرمان راحت دادی علیک یا رب واسئلک بحق آن نام که
سلیمان علیه ترا بدان نام خواند انگشتری مملکت بدو دادی علیک
یا رب واسئلک بحق آن نام که ابراهیم علیه السلام ترا بدان نام خواند
آتش بر وی ریحان کردی علیک یا رب واسئلک بحق آن نام که موسی
علیه السلام ترا بدان نام خواند و را از رود نیل خلاصی دادی و بر فرعون
نصرت دادی علیک یا رب واسئلک بحق آن نام که عیسی علیه السلام
ترا بدان نام خواند مرده زنده گردانیدی علیک یا رب واسئلک بحق آن
نام که حضرت محمد المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم ترا بدان نام خواند و
شفاعت و برات قبول فرمودی علیک یا رب واسئلک بحق آن نام
که بر کف ملک الموت است علیک یا رب واسئلک بحق آن نام که بهشتیان

و دو زخیان تو را بدان نام خوانند تو حاجت ایشان روا کردانی علیک یارب
و اسئلک بحق آن نام که انبیا و اولیا و ابدالان و صدیقان و عابدان
و عارفان و زاهدان و سالکان و عاشقان و مشتاقان درگاه تو را بدان
نام خوانند و تو بار خدایا حاجت ایشان روا کردانی علیک یارب و اسئلک
بحق آن نامهای بزرگوار تو که بر پدران و مادران و استادان و برادران
و نویسنده و خواننده و شنونده بر حاضران و غایبان و جمیع مؤمنین
و مؤمنات و مسلمین و مسلمات بیامرزی و رحمت کنی و همه را ابدالسلام
حاضر کردانی علیک یارب و اسئلک بحق جودك وكرمك يا
ذا المن و فضلك والجود بعزتك يا ارحم الراحمين واعتق
رقابنا و رقاب ابائنا و امهاتنا من النار و اتنا في الدنيا
حسنة و في الاخرة حسنة و قنا عذاب النار وصلى الله على
محمد و اله اجمعين الطيبين الطاهرين وسلم تسليما
كثيرا **هذه الدعاء المبارك فتحيه** كثيرا
بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اني اسئلك باسمك يا قريب الفتح والفرج يا رب الفتح

والفرج يا عجل الفتح والفرج يا سهل الفتح والفرج يا
مفتاح الفتح والفرج يا فتاح الفتح والفرج يا عزة الفتح
والفرج يا دائم الفتح والفرج يا خالق الفتح والفرج يا
رزاق الفتح والفرج يا احد الفتح والفرج يا حميد الفتح
والفرج يا فاتح الفتح والفرج يا فارج الفتح والفرج يا ممد
الفتح والفرج يا صادق الفتح والفرج يا صابر الفتح و
الفرج يا حي يا قيوم يا لا اله الا انت سبحانك اني كنت من
الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي
المؤمنين وزكريا اذ نادى ربه رب لا تذرني فردا و
انت خير الوارثين وصلى الله على محمد واله اجمعين
انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك
وما تاخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما و
ينصرك الله نصرا عزيزا بخواند و بگوید بجلال الله افتح وبقدرة
الله افتح وبعظمة الله افتح کشایش بحرمت نبوتك يا محمد
وبولايتك يا علي يا علي يا علي **شرح دعاي خطبه حضرت بابا آدم عليه السلام**

روایتست از کعب الاحبار رضی الله عنه فرمود که حق تعالی جل جلاله چوا را
با آدم علیه السلام عقد کرد این خطبه بان پیغمبر بانی بخواند و این کلام
حضرت جبار عالمیانست و باز چون ابراهیم علیه السلام ساره را
عقد کرد این خطبه را بخواند و کعب الاحبار فرمود که این خطبه را خوصیت
بسیارست خاصه بجهت حدث و دستی و دفع خصمان قوی و عقد اللسان
و عقد النوم و الغم میان طالب و مطلوب و هر کس بشرایط و تقوی
و طهارت مداومت نماید جمیع مرادات و مقصودات او با حسن وجه
حاصل گردد و اگر کسی این خطبه را با طهارت باشد بر پوست شیر تحریر
کند و با خود دارد همیشه با دولت و سعادت باشد و دولت از خاندان
او بیرون نرود و هر کس این خطبه را با خود دارد کارد و شمشیر بر وی
کار نکند و از آب و آتش و گزنده و موذیات و مکر و عذر دشمنان در حفظ
حمایت حق تعالی بوده باشد و اگر این خطبه را بنویسد و بشوید و بزن
باردار دهند تا بیاشاید باسانی بار حمل بر زمین نهد و هر حاجت
که با اعتقاد درست بخوانند مراد حاصل شود یا بنویسد با خود دارد
مجربست و اگر عقد اللسان کند بنام هر که خواهد بنویسد در خانه تاریک

دفن کند زبان خصمان بسته شود باذن الله تعالی و اگر خواهد که عقد
النوم کند میان نماز شام و خفتن بنویسد و بر دیوار خانه آنکس پنهان کند
عجایب بیند و تا این دعا با کسی باشد سحر بر وی کار نکند و اگر خواهی که کسی
بر تو فریفته گردد روز آدینه وقت چاشت بر چهل و یکدانه فلفل سفید بخوان
و فلفلها را یکان یکان در آتش انداز و عجایبها را مشاهده کن و اگر
خواهی که کسی را از سفر باز داری بیار قدری خاک از زیر قدم او و
آن خاک را گل کن و صورتی بساز و این خطبه را هفت بار بر آن صورت
بخوان و آنکس هیچ جا نرود و این خطبه را بقند یا شکر یا شیرینی بخوان
و بهر که خواهی بده تا بخورد تا زنده باشد از تو جدا نشود و اگر این خطبه را
بر چهل و یکدانه فلفل سفید یا بر سیاه تخمه خواند بنام هر که خواهد و در آتش
انداز و اگر آنکس فرشته باشد تحمل این عمل نکند و آرام نیابد و اگر این خطبه را
بنویسد و بر چرخ نهد هر گاه چرخ را بگردانند آنکس بیقرار گردد و کعب
الاحبار گفت در روی زمین بجهت محبت از این دعا مجرب تر نیست
و خواننده و دارنده این خطبه بهمه دعاها برسد و اگر کسی را دزد برده باشد
خبری
و گمان بر جمعی برد همه را جمع کند و خروس سفید در زیر طشت نماید و این

خطبه را بعث بار بخواند و یکییک را بگوید تا دست بر آن طشت نهند آنکس
که در زدیا شد چون دست بر آن طشت نهند خروس بانگ کند و از بهر همه
حاجات این خطبه مجربست اما اگر از برای الفت محبت و مودت خلق خواهد
که بخواند چون برین آیه برسد که وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ بگوید بحق قل هو الله
احد بار بگوید بشستم رویم بحق لا اله الا الله دهم کرم کن بحق محمد رسول
الله مهر محبت من بر دل فلان زیاده کن بحق لا اله الا الله مهر یوسف ده
بحرمت محمد رسول الله محبت زلیخا ده بعزت لا اله الا الله مهر سلیمان ده
بحرمت محمد رسول الله محبت بلقیس ده بحق لا اله الا الله محمد رسول
الله علیا ولی الله و آیه لقد جاءکم رسول را تا رب العرش العظیم بخواند
و بعد از آن بگوید که لا اله الا الله نصیر الامور و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم اما هر که این خطبه بخواند چون بآیه اعزة علی الکافرین
برسد آیه یُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ را تا واسع علیم بخواند و آیه
اِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ را تا وَهُمْ رَاکِعُوْنَ بخواند و بعد از آن آیه
یحبونهم کحب الله را بخواند و دعا را تمام کند و صلوات دهد تا باجابت مقرون
گردد و شرح این خطبه بسیارست اما بدین قدر مختصر کردیم تا خواننده و نویسنده

رامثال تکبیر دو الله بنداو دعای خطبه بابا آدم علیه السلام اعلم بالصواب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ تَعَالٰی اَللّٰهُ اِسْمِیْ وَاِسْمُ ذَاتِیْ هُوَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ اُلُوْهِیَّتِكَ وَوَحْدَانِیَّتِكَ وَ
بِحَقِّ عَظَمَتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَسَخِّرْ لِیَ الْاِنْسَ وَالْجِنَّ وَالشَّیَا
طِیْنَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ كَمَا سَخَّرْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَ
النُّجُوْمَ مُسَخَّرَاتٍ بِاَمْرِكَ وَالْكِبْرِیَاءُ رِدَائِیْ وَالْعَظَمَةُ
اِزَارِیْ وَالرَّحْمَةُ مِفْتَاحُ تَجَاوُزِیْ عَنِ الْعُصَاةِ وَالْمُذْ
نِبِیْنَ الْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ اعْطِفْ بَیْنِیْ وَبَیْنَ
قُلُوْبِ بَنِیْ اٰدَمَ وَبَنَاتِ حَوَّاءَ بِالْعِشْقِ وَالْمَحَبَّةِ وَالشَّفَقَةِ
وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عَبِیْدِیْ وَاِمَائِیْ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ اَللّٰهُمَّ
سَلِّمْنِیْ مِنْ خَلْقِكَ وَاَمِنِّیْ مِنْ عَذَابِكَ وَغَنِّنِیْ مِنْ شَرِّ اٰ
فَاتِكَ وَبَلَائِكَ وَمِنْ جَمِیْعِ اٰفَاتِكَ وَعَاهَاتِكَ وَقَضَائِكَ وَدَوَا
ئِكَ وَقَحْطِكَ وَمُحَمَّدٌ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ حَبِیْبِیْ
وَرَسُوْلِیْ وَهُوَ نَبِیِّیْ الْعَزِیْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ اَللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ

وبجلالك وسلطانك وجمالك وملكك الذي لا يزول وبعزتك
الذي لا يضام وامرك الغالب عززني في اعين الناس وحببني
في قلوب عبادك واماءك وزيني في بين خلقك وسمواتك
وارضيك التي زوجت الاشياء ليستدلوا بها على وحدانيتك
الخالق البارئ المصور المقتدر اسألك بحق الحق من حقك و
بحق انبياءك ورسلك واولياءك وعبادك الصالحين اللهم الف
بيني وبين قلوب بني آدم وبنات حواء كما الفت بين داود
وصفية وبين سليمان وبلقيس اشهدوا ملائكتي وسكان سمواتي
وحملة عرشي اني قد زوجت امتي حواء من بديع فطرتي
وصنع قدرتي آدم بصداق تسبيحي وتهليلي و
تنزيهي آية الكرسي وهو شهادة ان لا اله الا الله
الغفار القهار الوهاب الرزاق الفتاح العليم القابض
الباسط الخافض الرافع المعز المذل السميع البصير
الحكم العدل اللطيف الخبير اللهم اعطف والف
المودة والالفة والمحبة والشفقة والعشق بيني

وبين

وبين قلوب بني آدم وبنات حواء من صغير او كبير
ذكر او انثى حر او عبد خاص او عام رعية او سلطان يا
آدم ويا حواء ادخلا جنتي وكلا من ثمرتي ولا تقربا هذه
الشجرة السلام عليكما ورحمتي وبركتي الحليم العظيم
الغفور الشكور العلي الكبير الحفيظ المقيت الحسيب
الجليل الكريم الرقيب المجيب الواسع الودود المجيد
الباعث الشهيد الحكيم الحق الوكيل اخذت قلوب
بني آدم وبنات حواء بحق هذه الاسماء الحسنى و
القيت حتى في قلوبهم من العشق والمحبة القوي
المتين الولي الحميد المحصي المبدئ المعيد المحيي
المميت الحي القيوم الواجد الماجد الواحد الاحد
الصمد القادر المقتدر المؤخر الاول الآخر الظاهر
الباطن الوالي المتعالي البر التواب المنتقم العفو
الرؤوف مالك الملك ذو الجلال والاكرام هيجت
واحرقت قلوب بني آدم وبنات حواء في عشقي

ومحبتي وشفقتي بحق هذه الاسماء المقدسات والآيات
المباركات الرب المقسط الجامع الغني المغني المعطي
المانع الضار النافع النور الهادي البديع الباقي الوارث
الرشيد الصبور الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير
يحبهم ويحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين
كحب الله والذين امنوا اشد حبا لله ولو يرى الذين ظلموا اذ
يرون العذاب ان القوة لله جميعا وان الله شديد العقاب
ان القوة لله جميعا وان زين للناس حب الشهوات من النساء
والبنين والقناطير المقنطرة من الذهب والفضة والخيل
المسومة والانعام والحرث ذلك متاع الحيوة الدنيا و
الله عنده حسن المآب قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم
الله ويغفر لكم ذنوبكم ويؤخركم الى اجل مسمى والله
غفور رحيم لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون وما
تنفقوا من شيء فان الله به عليم قد شغفها حبا انا
لنريها في ضلال مبين والقيت عليك محبة مني ولتصنع

يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم

الذين امنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة

على عيني اذ تمشي اختك فتقول هل ادلكم على من يكفله
فرجعناك الى امك كي تقر عينها ولا تحزن وقتلت نفسا
فنجيناك من الغم وفتناك فتونا فقال اني احببت حب
الخير عن ذكر ربي حتى توارت بالحجاب اللهم اني اسألك
باسمك المكنون المخزون على عرشك العظيم وبحق الآيات
الشريفة كلها ان تعطف قلوب جميع خلقك من الذكور و
الاناث والصغير والكبير والوضيع والشريف والحر والمملوك
والسلاطين والامراء والوزراء والحكام والخواقين والخاص
والعام واهل الدين وارباب الدولة اللهم اجعل في اعينهم مني
هيبة ولتجعلني معظما محترما محتشما عندهم وحبنا في
قلوب بني ادم وبنات حواء واجعلهم لي من الطالبين اللهم
اصطفني لي كما اصطفيت الانبياء والمرسلين والاولياء و
الصالحين فان حزب الله هم الغالبون وصلى الله على محمد
واله المعصومين والحمد لله رب العالمين برحمتك يا ارحم
الراحمين شرح دعاي آيت الكرسي نقلست از بزرگان مين كه موضع

در آیة الکرسی وقفست که هر کس در محل خواندن ملاحظه نماید هر وقف که سبعه
بایستد و یک انگشت فراهم آورد و دست بدرگاه قاضی الحاجات
بردارد و چون آیة الکرسی تمام شود دستهای خود بر روی مالد و بر جمیع اعضای
خود تا از امراض و علل در امان خدای تعالی باشد و از آفتها و آشوبها
محفوظ باشد دیگر منقولست که اگر کسی را مهمی باشد و در آن عاجز آید و
معطل ماند و تدارک آن نتواند کردن باید که طهارت کند و به نیت
آن مهم آیة الکرسی بخواند و چون بمیان دو عین رسد که شفیع عنده
مهم را بخاطر آورد البته آن مهم روا گردد و بموجب خاطر او بر آید و اگر کسی
را دشمنی بوده باشد و با او بهیچ وجه مقاومت نتواند کرد و نیت مغلوب
شدن و مقهور شدن آنکس نهاده خواندن کند بمیان دو میم رسد که یعلم
ما بین ایدیهم آنکس را بخاطر آورد البته بفرمان خدای تعالی آنکس مغلوب گردد
و خواننده ظفر یابد و این از جمله مجربات و آزموده هر که بدین شک آرد کافر
گردد نعوذ بالله و اگر پیش از بر آمدن آفتاب بعد از نماز بامداد الحمد بخواند
و هفت بار آیة الکرسی بخواند اول بدست راست دمد و نوبت دویم بدست
چپ و نوبت سیم در پیش روی و نوبت چهارم بر پشت سر و نوبت پنجم بالای

سر و نوبت ششم بر زمین در زیر قدم و نوبت هفتم بر کف دست خود
دمد و بر اعضای خود مالد در نظر سلاطین عزیز و مکرم باشد و همه بروی
مشفق و مهربان باشند و اگر سه بار بخواند و بر کف دست خود دمد و بر روی
خود مالد همین فایده داشته باشد اگر کسی خواهد که میان زن و شوهر محبت
زیاده شود چنانکه یکساعت بی یکدیگر آرام نداشته باشند و در مسجد جمعه شش
رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بیک سلام و در میان هر رکعتی یکبار الحمد
و هفت بار آیة الکرسی بخواند و چون از نماز فارغ شود آیة الکرسی را چهل
یکبار بخواند و بر چهل یکدانه فلفل سفید و یکیک را در آتش اندازد باسم
هر کسی که خواهد مجربست و آزموده دیگر اگر شش نوبت بر ششدانه مویز
بخواند و بخورد آنکس دهد بغایت مجرب و آزموده است اگر کسی آیة الکرسی را
باعتقاد درست در وقت زهره و مشتری بنویسد و با خود دارد
محبوب دلها شود اما باید که آیة الکرسی را از جهت حرام نخوانند که گفته است
هر گاه از برای حلال بعمل آورد بسیار ثوابست و اگر کسی خواهد که کسی را
تیز فهم کند که علم آموزد باید که آیة الکرسی را بمشک و زعفران و گلاب
بنویسد و آب قند بشوید و بخورد که مجرب و آزموده است اگر کسی خواهد که کسی را

از جای دور بیاورد بستاند پاره‌ای کشته زرد و عود خام با هم بیامیزد و چهل
یکبار آیت الکرسی بر او خواند باسم طالب و کاه درش در وقت زوال آفتاب
دود کند آن شخص را بیم آنست که بیقرار شود و دیوانه گردد و در همان روز براق
راه کند و بیاید اگرچه صد سال دور باشد اگر کسی خواهد که زبان کسی را ببندد
آیة الکرسی را بمشک و زعفران بنویسد و بخانهٔ تاریک بیاویزد سرنگون
زبان آنکس بسته گردد بفرمان خدای تعالی و اگر کسی خواهد که دزد را پیدا کند
در آن شب که آن مال را برده اند یا در آن روز هر کس که گمان برد و بخاطر بگذراند
و طشتی بیاورد و خروس سفید در زیر طشت پنهان کند و آیة الکرسی را هفت
بار بخواند و بر طشت دمد و آنکس را بفرماید تا دست بدان طشت نهد هر کس دزد
باشد خروس در زیر طشت فریاد کند بامر خدای و اگر کسی خواهد که میان دو
کس فراق افتد و دوستی ظاهر گردد بستاند پاره‌ای نمک و آیة الکرسی را بر آن
بخواند و در طعام کرده بخورد ایشان دهد چنان شوند که اگر یک لحظه هم را نبینند
دیوانه شوند و اگر یک لحظه خواهد که خصومت باشد و صلح نمایند بستاند یک سیب
بزرگ و آیة الکرسی بر آن بخواند و بخورد ایشان دهد چنان با هم مشفق
و مهربان گردند که یکدم بی هم قرار نداشته باشند و اگر خواهد که در نظر خلایق

وایکل

ایپیدا کند

وایکل کبیره و در پیش آتش یا دود کش حمام دفن کند عجایب ببیند اگر کسی
خواهد که زبان کسی را ببندد بردارد چهل یک دانه مویز و دانه را سوره یس را
هفت بار بر آن خواند و در جایی ببندد و در خانهٔ تاریکی دفن کند که زبان
بدان و بدگویان بر او بسته گردد بعون الله تعالی والله اعلم بالصواب

نقلست که حق تعالی در شب معراج حضرت رسول را صلی الله علیه وسلم فرمود که یا محمد بابت
امت تحفه‌ای بهر حضرت رسول فرمود که یا رب چه تحفه‌ای بهرم فرمود که یا محمد
هر که از امت تو که از عذاب گور بترسد و از تلخی جان کندن بترسد و از ملک
الموت بترسد این دعا را هر روز مداومت کند **هذه الدعا**
سبحان ذی العرش العظیم سبحان ذی الملک القدیم
سبحان العزیز الحکیم **نقلست که هر که هر روز** سبحان الله العظیم وبحمده
سه مرتبه این دعا بخواند با [illegible] دارد از روز موت تا بوقت صور دمیدن [illegible]
گور او را باشد فضای تعالی **هذه الدعاء بزرگوار** و ابر جمعه [illegible] بیامرزد

بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله الملک الجبار لا اله الا الله الواحد القهار لا اله الا الله
الجلیل الجبار لا اله الا الله الکریم الستار لا اله الا الله [illegible]

۲۱۰

ولا يزل لا اله الا الله الكبير المتعال لا اله الا الله عالم السر والا

سرار لا اله الا الله الملك الحق اليقين فادعوه مخلصين له

الدين والحمد لله رب العالمين لا اله الا الله الملك العدل

المبين لا اله الا الله محمد رسول الله صادق الوعد الامين

ربنا ورب آبائنا الاولين **دعای تیغ بند حضرت امیر المؤمنین** برحمتك يا ارحم الراحمين — دعای تیغ بند

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الشافي بسم الله الكافي بسم الله المعافي بسم الله الذي

لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع

العليم بسم الله الذي له ما في السموات وهو العلي العظيم

بسم الله ما شاء الله الملك لله بسم الله ما شاء الله وما بكم من نعمة

فمن الله بسم الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

بسم الله الرحمن الرحيم توكلت على الله وكفى بالله اعوذ بكلمات

الله التامات من شر كل شيطان هامة ومن شر كل

عين لامة ومن شر ما خلق ومن شر النفاثات في العقد

ومن شر حاسد اذا حسد حسبي الله كفى سمع الله لمن دعا ليس

وراء

۲۱۱

وراء الله المنتهى من اعتصم بالله كفى لا اله الا انت سبحانك

اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم و

كذلك ننجي المؤمنين فسيكفيكهم الله وهو السميع

العليم اياك نعبد واياك نستعين وان يكاد الذين تا آخر

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله لا اله الا الله محمد رسول الله

علي ولي الله اللهم اني اسئلك باسمك الحسنى التي يدعو

بها ايانه من افضل الاسماء يحق الحق ويبطل الباطل انه

من افاضل الاسماء سس سل سولسه بحسود و ن

دلله ٩ وهو هو رحمة هو هي دال سحالها العفو لاساسم

سود به هصاو ملي سلح او رحما احماح دار الارحاح حمر

الماس	سلح ص	وح ط	درو ط

از جهت زبان بند بسم الله الرحمن الرحيم **ختمان در كرمانست**

حسبي الله ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير بمهر حضرت

سليمان بن داود بر سر زبان و ميان زبان و سيصد و شصت شش

۱۹۰

رگ و چهار صد و چهل و چهار پاره استخوان و جمله اعضای همه خلقان و حسودان
و غمازان و مشرکان و بدان و بدکاران و بدفعلان و خصمان روز و خصمان شب
و خصم حاضر و خصم غایب و قفل شد قل هو الله احد الله الصمد لم یلد
و لم یولد و لم یکن له کفوا احد بند شد یس و القران الحکیم انک لمن المرسلین
علی صراط مستقیم بستم زبان و دم و نفس جمله بنی آدم و بنات حوا از
مرد و زن و ترک و تاجیک و عرب و عجم و سیاه و سفید و بنده و آزاد و
خویش و بیگانه و تمام خلق عالم را بر دارنده این دعا بر بستم بسته باد بقول
لا اله الا الله محمد رسول الله بسم الله الرحمن الرحیم
دهان و دهان اندر زبان و زبان اندر کام و سر زبان و سفید دندان
از جمله بدان و بدکاران و غمازان از بنی آدم و بنات حوا بستم
زبان و نفس ایشان بنام رب الارباب بر دارنده این دعوت
بحق سلیمان نبی الله و موسی کلیم الله و عیسی روح الله و محمد حبیب الله و علی
ولی الله بستم زبان و دست و پا و چشم و رگ اندام و گوشت و پوست
و استخوان و جمله اعضای خصمان بحق توریت موسی و انجیل عیسی و زبور
داود و صحف ابراهیم و فرقان محمد المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

بحق ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ
ف ق ک ل م ن و ه لا ی بستم بحق ب بسم الله و بحق
رحمن و بحق رحیم و بحق الله الله لا اله الا هو الحی القیوم
لا تاخذه بستم کبسته باد بحق یس و القران الحکیم بستم
بحق فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم بستم بحق
تمام حرفهای کلام الله و بحق تمام بسم الله که در قران است بحق
یکصد چهارده سوره کلام الله و صلی الله علی محمد و آله و صحبه
الطاهرین برحمتک بهذه الدعاء باطل السحر یا ارحم الراحمین

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صاحب هذه الدعاء فی حرز الله و امان الله و جوار الله
و کنف الله و حفظ الله و آله محافظه و حامیه من شر الجن
و الانس و النظر و العین و الریح و السحر و الفالج و اللقوة
و الصرع و السکته و الصفراء و السوداء حامل هذه الدعاء
فی امان الله من الکید و المکر و الظلم و الظالم بحق یا حافظ
یا ناصر یا معین یا اول یا اخر یا متین یا مالک یوم الدین

اياك نعبد واياك نستعين باطل كردم سحري ومكري كه ساحران زمان
ومكان جهان بر سيصد شصت [illegible] چهار صد چهل و چهار پاره استخوان
حامل اين دعوات كرده اند وكنند بحق اذا الشمس كورت و
اذا السحر بطلت واذا النجوم انكدرت واذا السحر بطلت واذا
الجبال سيرت واذا السحر بطلت واذا العشار عطلت واذا السحر
بطلت واذا الوحوش حشرت واذا السحر بطلت واذا البحار
سجرت واذا السحر بطلت واذا النفوس زوجت واذا السحر
بطلت واذا الموؤدة سئلت واذا السحر بطلت باي ذنب
قتلت واذا السحر بطلت واذا الصحف نشرت واذا السحر بطلت
واذا السماء كشطت واذا السحر بطلت واذا الجحيم سعرت
واذا السحر بطلت واذا الجنة ازلفت واذا السحر بطلت علمت
نفس ما احضرت واذا السحر بطلت بحق يا مسهل سهل
ويا ميسر يسر ويا مفرج فرج ويا مفتح فتح ويا مسلم سلم
ويا مسبب سبب فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم صبغة
الله ونحن له عابدون حامل هذا الدعاء في حفظ الله

وامان الله من شر الجن والانس والسحر والمكر والكيد
ومن جميع الآفات والبليات وصلى الله على محمد وآله و
اولاده اجمعين

هذه الدعاء المبارک بغت حصار الحادی

بسم الله الرحمن الرحيم

واذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون با
لآخرة حجابا مستورا وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن
خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون وجعلنا على قلو
بهم اكنة ان يفقهوه وفي آذانهم وقرا فالله خير حافظا
وهو ارحم الراحمين ان ينصركم الله فلا غالب لكم و
ان يخذلكم فمن ذا الذي ينصركم من بعده وعلى الله فليتو
كل المؤمنون وعلى الله فتوكلوا ان كنتم مؤمنين قل كل
متربص فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط السوي
ومن اهتدى يا ايها الذين آمنوا اصبروا وصابروا و
رابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون والحق انزلناه

وبالحق نزل وما ارسلناك الا مبشرا ونذيرا سنلقي في قلوب
الذين كفروا الرعب بما اشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا
اللهم يا ذا المن ولا يمن عليك يا ذا الطول يا لا اله الا انت
اسئلك العفو والعافية والمعافات في الدنيا والاخرة
بفضلك على جميع خلقك اللهم ربنا اتنا في الدنيا حسنة
وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار اللهم يا فارج الهم
ويا كاشف الغم فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي
برحمتك يا ارحم الراحمين العصا الثاني ربنا انك
من تدخل النار فقد اخزيته وما للظالمين من انصار
هنالك تبلوا كل نفس ما اسلفت وردوا الى الله موليهم الحق
وضل عنهم ما كانوا يفترون يكاد البرق يخطف ابصارهم
كلما اضاء لهم مشوا فيه واذا اظلم عليهم قاموا ولو شاء
الله لذهب بسمعهم وابصارهم ان الله على كل شيء
قدير صم بكم عمي فهم لا يرجعون وكان حقا علينا
نصر المؤمنين فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم بل

اذا اخرج يده لم يكد يراها ومن لم يجعل الله له نورا فما له من نور
يا ايها الناس اتقوا ربكم ان زلزلة الساعة شيء عظيم لا
يذوقون فيها بردا ولا شرابا الا حميما وغساقا جزاء وفاقا
في سموم وحميم وظل من يحموم لا بارد ولا كريم كم من
فئة كثيرة باذن الله والله مع الصابرين ربنا افرغ علينا صبرا و
ثبت اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين فهزموهم
باذن الله وقتل داود جالوت واتاه الله الملك والحكمة
وعلمه مما يشاء ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض
لفسدت الارض ولكن الله ذو فضل على العالمين امنت
بالله لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله حسبنا
الله نعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير اللهم ربنا اتنا
في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار اللهم
يا فارج الهم ويا كاشف الغم فرج همي واكشف غمي و
اهلك عدوي برحمتك يا ارحم الراحمين العصا الرابع
قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولانا وعلى الله فليتوكل

نقذف بالحق على الباطل فيدمغه فاذا هو زاهق فتو
كل على الله ان الله يحب المتوكلين ان الله يحب التوابين
ويحب المتطهرين يا الله يا ولي يا رباه يا ملجا يا مستغاثاه
يا غاية رغبتاه اسالك بكرمك بفضلك الي وفضلك و
بجودك الي جودك وباحسانك الي احسانك قل بفضل
الله وبرحمته وبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون يا
رب اني مغلوب فانتصر قال هذا فراق بيني وبينك
سانبئك بتاويل ما لم تستطع عليه صبرا اللهم يا حفيظي يا
بصيري يا معيني في جميع الاحوال والاشغال اللهم ربنا
اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار
اللهم يا فارج الهم ويا كاشف الغم فرج همي واكشف
غمي واهلك عدوي برحمتك يا ارحم الراحمين
للحصار الثاني قل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل
كان زهوقا او كظلمات في بحر لجي يغشه موج من
فوقه موج من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض

المتوكلون ايما تكونوا يدرككم الموت ولو كنتم في بروج
مشيدة وما كان لنفس ان تموت الا باذن الله كتابا مؤجلا
قل كونوا حجارة او حديدا او خلقا مما يكبر في صدوركم
مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان فباي آلاء
ربكما تكذبان اللهم انك تعلم ولا اعلم بقضائك و
تقديرك فاني اسير عملك وانت تعلم باحوال العباد و
اشغالهم وحركاتهم وسكناتهم في الليالي والايام لا اله
الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه
من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فالله خير حافظا و
هو ارحم الراحمين واقرب نصرا واوضح دليلا و
اغثني من الاعداء اللهم ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي
الاخرة حسنة وقنا عذاب النار اللهم يا فارج الهم ويا
كاشف الغم فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي
برحمتك يا ارحم الراحمين الحصار الخامس رب قد
اتيتني من الملك وعلمتني من تاويل الاحاديث فاطر

السموات والارض انت وليي في الدنيا والاخرة توفني مسلما
والحقني بالصالحين قل اللهم مالك الملك من تشاء و
تنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء
بيدك الخير انك على كل شيء قدير لا حول ولا قوة الا
حيلة ولا غالة ولا احتيال ولا ملجا ولا منجا الا بك اصو
اللهم انصرنا ولا تخذلنا ولا تهلكنا وانت رجاؤنا و
مرتجانا بالله اياك نعبد واياك نستعين يا نعم المولى
ونعم النصير اللهم ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة
حسنة وقنا عذاب النار اللهم يا فارج الهم ويا كاشف
الغم فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي برحمتك
يا ارحم الراحمين **الحصار السادس** ان الله بالناس
لرءوف رحيم ولولا فضل الله عليكم ورحمته لكنتم
من الخاسرين ان الله عنده علم الساعة وينزل الغيث
ويعلم ما في الارحام وما تدري نفس ماذا تكسب غدا
وما تدري نفس باي ارض تموت ان الله عليم خبير

ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار
لايات لاولي الالباب الذين يذكرون الله قياما وقعودا
وعلى جنوبهم قل ان الموت الذي تفرون منه فانه ملا
قيكم ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما
كنتم تعملون وهو القاهر فوق عباده وهو الحكيم الخبير
اللهم يا رافع الدرجات ويا كاتب الحسنات ويا مانع
البليات ويا كاشف الكربات ويا مجيب الدعوات و
يا سامع الاصوات اصرف عني وعن جميع المسلمين
من النكبات والبليات واحفظهم وايانا من الحا
دثات والواقعات اللهم ربنا اتنا في الدنيا حسنة و
في الاخرة حسنة وقنا عذاب النار اللهم يا فارج الهم
ويا كاشف الغم فرج همي واكشف غمي واهلك
عدوي برحمتك **الحصار السابع** يا ارحم الراحمين
قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم واردوا
به كيدا فجعلناهم الاخسرين ونجيناه من الغم وكذلك

الغريه التي كانت تعمل الخبائث والله غالب على امره ولكن اكثر
الناس لا يعلمون ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق و
انت خير الفاتحين انهم لهم المنصورون وان جندنا
لهم الغالبون اللهم يا غياث المستغيثين اللهم يا حبيب
التوابين اللهم يا انيس المستوحشين اللهم يا ساتر
المعيوبين يا ناصر المضطرين اللهم يا شاهدا غير
غايب اللهم يا قريبا غير بعيد اللهم يا غالبا غير مغلوب
اجعل لي من امري هذا فرجا ومخرجا في العاقبة اللهم
ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب
النار اللهم يا فارج الهم ويا كاشف الغم فرج همي
واكشف غمي واهلك عدوي برحمتك يا ارحم الرا

بسنده الدعا را كبار چمين چهل اسم پروردكار

بسم الله الرحمن الرحيم

١ سبحانك لا اله الا انت يا رب كل شيء ووارثه و
راحمه ورازقه ٢ يا اله الالهة الرفيع جلاله ٣ يا
الله المحمود في كل فعاله ٤ يا رحمن كل شيء وراحمه ٥
يا حي حين لا حي في ديمومية ملكه وبقائه ٦ يا قيوم
فلا يفوت شيء من علمه ولا يؤوده من حفظه ٧ يا
واحد الباقي اول كل شيء واخره ٨ يا دائم فلا
فناء ولا زوال لملكه ٩ يا صمد من غير شبه ولا شيء
كمثله ١٠ يا بار فلا شيء كفوه يدانيه ولا امكان لوصفه
١١ يا كبير انت الذي لا تهتدي العقول لوصف عظمته
١٢ يا بارئ النفوس بلا مثال من غيره ١٣ يا زاكي
الطاهر من كل افة بقدسه ١٤ يا كافي الموسع لما
خلق من عطايا فضله ١٥ يا نقيا من كل جور لم يرضه
ولم يخالطه فعاله ١٦ يا حنان انت الذي وسعت كل
شيء رحمة وعلمه ١٧ يا منان ذا الاحسان قد عم كل
الخلائق منه ١٨ يا ديان العباد كل يقوم خاضعا
لرهبته ورغبته ١٩ يا خالق من في السموات والارض
كل اليه معاده ٢٠ يا رحيم كل صريخ ومكروب و

غیاثه ومعاذه ۱ب یا تامّ فلا تصف الالسن کلّ کنهِ
جلاله وعزّه ۲ب یا مبدع البدائع لم تبغ فی انشائها عونًا
من خلقه ۳ب یا علّام الغیوب فلا یفوت شیء من حفظه
۴ب یا حلیم ذا الاناة فلا یعادله شیء من خلقه ۵ب
یا معید ما افناه اذا برز الخلائق لدعوته من مخافته ۶ب
یا حمید الفعال ذا المنّ علی جمیع خلقه بلطفه ۷ب یا عزیز
المنیع الغالب فلا شیء یعادله ۸ب یا قاهر البطش الشدید
انت الذی یطاق انتقامه ۹ب یا قریب المتعالی فوق کلّ
شیء علوّ ارتفاعه ب یا مذلّ کلّ جبّار عنید بقهر
عزیز سلطانه ۱ب یا نور کلّ شیء وهداه انت
الذی فلق الظلمات بنوره ۲ب یا عالی الشامخ فوق کلّ
شیء علوّ ارتفاعه ۳ب یا قدّوس الطاهر من کلّ سوء فلا
شیء یعادله من خلقه ۴ب یا مبدع البرایا ومعیدها بعد
فنائها بقدرته ۵ب یا جلیل المتکبّر عن کلّ شیء
فالعدل امره والصدق وعده ۶ب یا محمود فلا

تبلغ الاوهام کلّ کنه ثنائه ومجده وحمده ۷ب یا
کریم العفو ذا العدل انت الذی ملأ کلّ شیء عدله
۸ب یا عظیم الثناء الفاخر وذا العزّ والمجد والکبریاء
فلا یذلّ عزّه ۹ب یا عجیب الصنائع فلا ینطق الالسن
بکلّ کنه آلائه وثنائه ونعمائه وبقائه ب یا قریب
المجیب المدانی دون کلّ شیء قربه وصلّی الله علی
محمّد وآله اجمعین والحمد لله ربّ العالمین زیارت
نامه که شیخ بهاء الدین محمّد رحمة الله علیه تصنیف نموده که
بر جمیع حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم زیارت کنند

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام الله علیکم اهل البیت العصمة ومفاتیح الرحمة و
الاوصیاء بالحقّ والهادون للحقّ سلام الله علیکم
معالم دین الله ومعادن حکم الله ومظاهر لطف الله و
مخازن علم الله ومهابط وحی الله وحملة کتاب الله
وخلفاء رسول الله سلام الله علیکم اعلام الهدایة

واقطاب ولایة وانوار المکنونة واسرار الله هون و
منابع العلوم عن الحی القیوم سلام الله علیکم مصابیح
الظلام وسادات الاسلام وهداة وائمة کل الانام
ورحمة الله بهذه التجوید رسالة المیزان وبرکاته

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی رتل المرسل وافصح السبل واکمل لنا النعمة
والصلوة والسلام علی محمد الذی نزل الیه القرآن و
علمه البیان واله وعترته الطاهرین اما بعد این مختصریست
در معرفت قران خوان و در شناختن قاعده چند که مشتمل بر هشت باب
اتفاق افتاد و آن را رسالة المیزان نام نهاده والله الموفق باب اول
در بیان ادغام بلاغنه باب دویم در بیان ادغام مع الغنه باب سیم
در بیان اظهار باب چهارم در بیان اخفا باب پنجم در بیان قلب
باب ششم در بیان مدات و حروف مد و سببه باب هفتم در بیان وقف
باب هشتم در بیان تفخیم و ترقیق باب اول در بیان ادغام بلاغنه
بدانکه تنوین و نون ساکن که بلام و را رسد ادغام بلاغنه باشد و ادغام

دو معنی دارد از روی لغت داخل شدن شی بشی است کقولهم ادخلت
الکتاب لبیکم یعنی همچون گفتن عرب بادن کتاب را در ستین
و از روی اصطلاح ان یسکن الاول و یدرج الثانی یعنی ادغام
آنست که تنوین ساکن اول بدرج کنی در ثانی مثال تنوین که بلام رسد همچون
خیر لهم مثال نون ساکن که بلام رسد مثل من لدن مثال تنوین
که برا رسد مثل من غفور رحیم مثال نون ساکن که برا رسد مثل من
رحیق باب دویم در بیان ادغام مع الغنه بدانکه هرگاه که تنوین و نون
ساکن بچهار حرف رسد ادغام مع الغنه باشد مثل یومن یک و ادغام مع الغنه
آنرا گویند که در وی غنه باشد و غنه صوت خفی گویند که از خیشوم بیرون
آید و در اصطلاح الغنة صوت خفی یخرج من الخیشوم یعنی غنه صوتی خفی
از دماغ بیرون آید مثال تنوین که بواو رسد مثل اله واحد مثال نون ساکن
که بواو رسد همچون من وال مثال تنوین که بمیم رسد همچون خیر مما مثل
نون ساکن که بمیم رسد همچون من مال مثال تنوین که بنون رسد غفورا
عن مثال نون ساکن که بنون رسد همچون من نشاء و مثال تنوین که
بیا رسد همچون القوم یومنون مثال نون ساکن که بیا رسد همچون من

نشاء **باب سيم** بدانكه هركاه كه تنوين ونون ساكن كه بشش حرف
رسد اظهار بايد كرد مثل همزه وها وعين وحا وغين وخا واظهار دو معنى
دارد واز روى لغت واز روى اصطلاح از روى لغت آشكارا كردن
واز روى اصطلاح الاظهار تبيين الحرفين عند التلفظ في
الكلام مثال تنوين كه بهمزه رسد همچون عذابٌ اليمٌ مثال نون ساكن
كه بهمزه رسد همچون مَنْ آمن مثال نون ساكن كه بها رسد همچون مَنْ
هو مثال تنوين كه بعين رسد مثل خاشعةٌ عاملةٌ مثال نون ساكن كه
بعين رسد مثل مِنْ عنده مثال نون تنوين كه بحا رسد مثل نارٌ حامية
مثال نون ساكن كه بحا رسد مثل مِنْ حرج مثل تنوين كه بغين رسد مثل
حليما غفورا مثال نون ساكن كه بغين رسد مثل مِنْ غفورٍ رحيم
مثال تنوين كه بخا رسد ورحمةً تخشين مثال نون ساكن كه بخا رسد مثل مِنْ
خير وديكر ميم جمع رانيز نزد واو وفا اظهار ميكنند مثل عليهم ولا
هم فاعلون زيرا واو وفا حروف شفويند اكر اظهار نكنند التباس ميشود
پس اظهار بايد كرد **باب چهارم در بيان اخفا بدانكه هركاه كه تنوين ونون ساكنه**
كه به پانزده حرف رسد اخفا بايد كرد **بجمعها** ت ث ج د ذ ز س

ش ص ض ط ظ ف ق ك واخفا دو معنى دارد از روى لغت
اخفا پوشانيدن واز روى اصطلاح الاخفاء حالٌ بين الادغام
والاظهار وهو عارضٌ من التشديد يعنى اخفا حاليست ميان
ادغام واظهار كه او عاريست از تشديد مثال تنوين هركاه كه بتا رسد مثل
طعامٌ ترزقانه مثال نون ساكن كه بتا رسد مثل مِنْ تفاوتٍ مثال
تنوين كه بثا رسد مثل خبيثٌ ثوابا مثل نون ساكن كه بثا رسد مثل منثورا
مثال تنوين كه بجيم رسد مثل معيبا الجن مثال نون ساكن كه بجيم رسد
مثل مِنْ جبالٍ مثال تنوين كه بدال رسد مثل جانبٍ دحورا مثال
نون ساكن كه بدال رسد مثال مِنْ دون الله مثال تنوين كه بذال رسد
مثل عزيزٌ ذو انتقامٍ مثال نون ساكن كه بذال رسد مثل مِنْ ذلك
مثال تنوين كه بزا رسد مثل يومئذٍ زرقا مثل نون ساكن كه بزا رسد مثل
مِنْ زينتهن مثال تنوين كه بسين رسد مثل مِنْ كل شيءٍ سببا مثال
نون ساكن كه بسين رسد مثل مِنْ سبإٍ مثال تنوين كه بشين رسد مثل عذابا
شديدا مثال نون ساكن كه بشين رسد مثل مِنْ شيءٍ مثال نون
تنوين كه بصاد رسد مثل مستقيما صراط الله مثال نون ساكن كه بصاد در

مثل لمن صبّرنا مثال تنوین که بضاد رسد مثل قوماً ضالّین مثال تنوین
که بطا رسد مثل قوماً طاغین مثال نون ساکن که بطا رسد مثل وان
طائفتان مثال تنوین که بظا رسد مثل ظلاً ظلیلاً مثال نون ساکن که
بظا رسد مثل من ظلم مثال تنوین که بفا رسد مثل خالداً فیها مثال
نون ساکن که بفا رسد مثل من فتنکم مثال تنوین که بقاف رسد مثل قوماً
قلیلاً مثال نون ساکن که بقاف رسد مثل من قریة مثال تنوین که
بکاف رسد خیراً کثیراً مثال نون ساکن که بکاف رسد مثل من کان

باب پنجم دربیان قلب بدانکه هرکاه که تنوین ونون ساکن که بباء رسد
قلب باشد وقلب دو معنی دارد از روی لغت گردانیدن واز روی اصطلاح
القلب هو تغیر الحرف الی حرف اخر عند التلفظ مثال تنوین
که بباء رسد مثل سمیع بصیر مثال نون ساکن که بباء رسد مثل انبئهم
اگر پرسند که قلب یا اخفا چون باشد جواب گوییم که همین تنوین ونون
ساکن هرگاه که بباء رسد قلب میکنند بمیم وبعد از آن میم را اخفا میکنند
یا اخفا اگر پرسند چرا قلب بمیم میکنند وقلب بباء نمیکنند جواب گوییم که
اگر قلب بباء کنند غنه از میم ونون ساکن حاصل میشود پس درین دلیل قلب

بباء جایز نباشد اگر پرسند که دلیل قلب و اخفاء میم چیست جواب گوییم که دلیل
واخفا آنست که خلافی نونست در غنه ومشارکت باشد در مخرج باب ششم
دربیان مد وحروف مد وسبب مد بدانکه مد بر سه قسم است لازم و
واجب و جایز ومد دو معنی دارد از روی لغت کشیدن واز روی اصطلاح
المد هو عبارة عن امداد الکلمة عند وجود السبب
عبارتست از کشیدن کلمه نزد وجود سبب مد اما مد بر دو قسمت مدغم است و
اما مظهر آنرا گویند که اولی حرف مد باشد وثانی مدغم مثل فیها صافّات ومد واجب آنرا که حرف مد وسبب مد یک کلمه باشد مثل جاء والسماء
غیره ومد واجب را مد متصل نیز گویند ومد جایز آنرا گویند که سبب مد کلمه
آخر باشد وحروف مد در آخر کلمه اول باشد مثل قالوا امنا بما انزل و
مد جایز منفصل گویند وحروف مد نیز سه است الف و واو و یا زیرا که واو حرف
کافیست که خود ساکن باشد و ماقبلش مضموم ویا ساکن وقبلش مکسور الف
واو ساکن ماقبلش مضموم سوء وقوموا انفسکم مثال یاء ساکن ماقبل
مکسور مثل تأتی وجیء اما سبب دو است همزه وسکون باب هفتم
دربیان وقف بدانکه وقف بر پنج قسمست وقف تامست وکافی وحسن

و وقف قبیح و حرام و وقف در معنی وارد از روی لغت ایستادن و از
روی اصطلاح اَلْوَقْفُ هُوَ عِبَارَةٌ عَنْ قَطْعِ الْحَرَكَةِ مَعَ النَّفَسِ
یعنی وقف عبارتست از بریدن حرکت یا دم زدن اما وقف تام آنرا
گویند که لفظ و معنی را تمام باشد مثل نَسْتَعِینُ و وقف کافی آنرا گویند
که لفظ تمام باشد و معنی تمام باشد مثل وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ
و وقف حسن آنرا گویند که معنی را تمام باشد و لفظ تمام نباشد مثل لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ و وقف قبیح آنرا گویند که از نفس خواندن ضیق شده بغیر
محل و وقف حرام آنرا گویند که خلل در معنی باشد مثل إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي وَمَا مُحَمَّدٌ **باب هشتم در بیان تفخیم در لغت بزرگ داشتنست**
در اصطلاح تفخیم عبارت تعظیم الکلم بسبب الشرط شرط اول آنست
که را ساکن باشد و ما قبل مفتوح باشد قربة دویم آنست که حرکت عارض باشد
مثل اَمِ ارْتَابُوا **سیم** آنست که را مفتوح باشد قرت چهارم آنست که
در جوار حرف استعلا واقع شده باشد مثل قرطاس و ترقیق را نیز چهار
شرطست **اول** آنکه را ساکن باشد و ما قبل مکسور **دویم** حرکت عارض نباشد
آنکه در جوار حروف استعلا نباشد **سیم** آنکه در کلمه واحد مجهول فرعون

وقرّبنا والله اعلم بالصواب **باب در مخارج حروف بدانکه حروف جمیع مخرج حیث**
و مخرج مکانی را گویند که حروف از آن متولد میشود و مراد از حروف
حروف هجایست و حروف هجا در مذهب اصح نزد قرائینست بقول آنانی
که بیست و هشت گفته اند الف و همزه یکی شمرده اند معتبر اینست و مخارج بقول
اصح هفده است قاعده در امتحان مخارج آنست که حرفی که خواهند ساکن
و همزه را بادل او در آورند هر جا که قرار گیرد مخرج انجاست چون این معلوم
شد بدانکه بر اکثر آدمیان سی و دو دندان میباشد و او چهار قسمت **قسم اول**
که جمع ثنایا است چهار است دو از زیر و دو از بالا **قسم دویم** رباعیاتست که جمع
رباعیه باشد و آن چهار است دو از زیر و دو از بالا از چهار جانب ثنایا **قسم**
سیم نواجذ انیاب که جمع نابست که آنرا دندان نیش گویند و آن نیز چهار است
دو از زیر و دو از بالا از چهار جانب رباعیات **قسم چهارم** اضراست که جمع
ضرس است و آن بر سه قسم قسم آخرین شش شش بود بیقین **بیت**
جمله منظوم بشنو از عمی تا جد و ناخن است ضاحک و ناب * بعد از آن
رباعیست هشتن اول ضواحک که جمع ضاحکست و آن چهار است دو از
زیر و دو از بالا از چهار پهلوی انیاب دویم طواحن که جمع طاحن است

وآن دوازده است از هر طرفی شش سه از زیر و سه از بالا و از چهار جانب

سیم نواجد ضواحک که جمیع ناجذ است وآنرا دندان عقل گویند وآن بیست

سالگی یا سی سالگی بیرون می آید وآن چهار است دو از زیر و دو از بالا یک پهلو

طواحن چون این معلوم شد بدانکه مخرج منزلِ میزانیست که تمامی و ناتمامی

حروف ظاهر میکردد مخرج اول ابتداء حلق است وآن همزه و ها مخرج

دویم میان حلق است وآن عین و حاست مخرج سیم آخر حلق است

وآن مخرج غین و خاست معجم است مخرج چهارم اول زبانست وآن مخرج

قاف و آنچه محاذی وست از کام بالا مخرج پنجم بیخ زبانست معجمه بمعنی

شکلی را گویند که صاحب نقطه باشد و مهملین شکلی را گویند که نقطه ندارد

هر گاه مهملین گویند دو شکل بی نقطه میخوانند و لیکن پایین تر است

اندکی از مخرج قاف و آن مخرج کافست یا آنچه برابر اوست از کام بالا

مخرج ششم میان زبانست یا آنچه محاذی اوست از کام بالا وآن مخرج

جیم و شین و یا غیر مدیست مخرج هفتم کنارهٔ زبانست که او را حافه

گویند از جانب چپ یا راست یا آنچه محاذی وی است از دندانهای کرسی است

وآن مخرج ضاد است مخرج هشتم آخر پهلوی زبانست وآن مخرج لام است

یا آنچه برابر اوست از بیخ دندانهای بالا مخرج نهم سر زبانست نزدیک

مخرج لام است و آنچه محاذی اوست از بیخ دندانهای بالا و مخرج نون است

باندک فاصله یا آنچه محاذی او باشد از بیخ دندانهای بالا وآن مخرج

رست مخرج یازدهم سر زبانست با بیخ دو دندان پیش بالا وآن

مخرج طا و دال و تاست مخرج دوازدهم سر زبانست با دو سر دندان پیش بالا و

آن مخرج ذال و ظا و تاست مخرج سیزدهم سر زبانست با دو دندان پیش

زیرین وآن مخرج صاد و سین و زاست مخرج چهاردهم سر دو دندان پیش بالا است

با میان لب زیرین وآن مخرج فا است مخرج پانزدهم میان دو لب

است وآن مخرج واو غیر مدلیست و واو و با و میمست بالاتری لب

خیزد و میم از خشکی آن خیزد و در واو تمام قبض شود مخرج شانزدهم

هوای فضای دهن است که آنرا جوف خوانند وآن الف و واو

الف و ساکن ما قبل مضموم و یای ساکن ما قبل مکسور است مخرج هفدهم

خیشوم است یعنی سوراخ بینی که غنه از آن بیرون می آید وآن مخرج

میم و نون در حالت اخفاء با غنه و ادغام با غنه تمت الکتاب

فی اسماء قراء عشر

گر تو راهست رغبت ای دانا	کردمی علامت قرا
قاری و هر دو راویش بر قوم	در یکی بیت کرده ام منظوم
قاری از مصرع نخست بگیر	راویانش ز مصرع دیگر
میکند نافع از الف تقدیم	باز قالون و ورش دارد جیم
دال باشد نشان ابن کثیر	ها بزی و راز قنبل گیر
هست بو عمرو را علامت حا	طا ز دوری ز سوسی آمد یا
زابن عامر نشانه کاف کریم	لام هشام و ابن ذکوان میم
رقم نون بعاصم افتادست	حفص را عین و بکر را صادست
حمزه را از رموز فا افتاد	وز خلف ضاد و دال و قاف خلاد
رقم رمز را کسائی راست	شین ابو الحارث سین دوری راست
رمز بو جعفر است ث نکتا	ذال جماز و ابن وردان خا
ظای ظاهر نشان یعقوبست	روح سین عین رویس مکتوبست
از خلف ... او را نهاده نشان	رمز ادریس ... راق خود ...

راویان خلف ... راق اند از حروف تهجی نشان اند اسم را ایشان ...

میم ساکن مظهر هست با واو و فا و نزد با   مختلف باشد بدانش تا بیفتی در بلا

ایضا

رفع و ضم اعراب پیش [illegible]

هست فتح و نصب اعراب زبر

کسره و جر باشد همی اعراب زیر

یاد گیر این بیت [illegible] آن [illegible]

وقف غفران ده هست در قران   گر بدانی سنوی ز اهل کلام

ون زاید ه او ل   یسمعون بسورهٔ انعام

[illegible] و کرسیان [illegible]

[illegible] ان قول [illegible] الاثام

دو یمین العباد [illegible]

اعبد وی [illegible]

پنج دیگر بسورهٔ یس

اول ثانی [illegible] بدان تو تمام

فاسقا نیز [illegible] عقب   هر دو در سجده یافته هست مقام

فصل در بیان سورهای سجده

[illegible]

[illegible] نجم [illegible] ان

مریم و حج و بعد از آن فرقان

اول و اوسط [illegible]

[illegible] سجده [illegible]

[illegible] از قران

بقران چهار موضع مال قطعت   نساء و کهف و فرقان و معارج

ایضا

بالغدوة واودان والف   اول انعام و ثانی اندر کهف

ایضا

دو عن من حیث [illegible]

[illegible] در [illegible] سورهٔ نجم

ایضا

بقران [illegible]

بود در شوری و دیم [illegible]

حساب [illegible] درابجد بود [illegible]   و ان هر [illegible] زاج

فصل در دانستن احوال بیماران در کتاب [illegible] نامه

بسم الله الرحمن الرحیم

اگر کسی اراده نماید که احوال بیمار را ببیند و بداند که چگونه هست باید که نام بیمار

و نام مادرش را بحساب ابجد کبیر برآورد و دوازده دوازده طرح نماید و

در دوازده برج نگاه کند و ببیند که در کدام برج هست و دوازده برج اینست

میزان	سنبله	اسد	سرطان	جوزا	ثور	حمل
بادی	خاکی	آتشی	آبی	بادی	خاکی	آتشی

حوت	دلو	جدی	قوس	عقرب
آبی	بادی	خاکی	آتشی	آبی

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض

ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی

برج [illegible] در روز چهارشنبه بود هست

و نصیب از پری [illegible] رسیده و عذابش میکنند از [illegible]

چهار پایان بول کرده هست در وقت بول [illegible]

چنانچه از دست [illegible] چون بگیرد [illegible]

چهار راه [illegible] آمیز [illegible]

باقی که ماند در آب روان بریزد و تعوید با خود دارد تا شفای حق تعالی

نان گرم بصدقه دهد و تعویذ بخون مرغ زرد در کاغذ بنویسد و با خود دارد
چرا که مضرت او از دو دیو هست یکی کافر و یکی مسلمان اگر نه مسلمان بودی
دیو کافر وی را هلاک کردی اکنون دیوان با وی نیستند و باد در عضوهای
در اندام او چون مورچه میدود و علامت آنکه آب از چشم او میرود و اندام
او سست میشود گاهی بهتر و گاهی بتر باشد علاج آنست که بنفشه و گزنگبین
شربت کند و بخورد و قران وی بچهار سالگی و هشت سالگی و نه سالگی و
چهل و یک قرانها بگذرد عمرش و راز گردد و اگر زن باشد قران او بد
سالگی و نه سالگی و چهارده سالگی و سی و پنج سالگی چون ازینها بگذرد عمرش به
سال برسد و داروی وی طباشیر و گل سرخ و کتیرا و هلیله و بلیله جاف
انار شیرین بخورد نافع بود دعا بخون مرغ سیاه بنویسد با خود دارد
شفا یابد تعویذ زن بسم الله الرحمن الرحیم یا حیی یا قیوم
یا دیان یا سبحان یا سلطان یا ستار یا منان یا لا اله الا هو
یا من هو یا من هو تعویذ مرد بسم الله الرحمن الرحیم
یا علی یا عظیم یا حلیم یا کریم یا قدیم یا علیم یا عالم
یا لا اله الا انت یا حیا یا منزل الکتاب و ننزل من القرآن

و بعد از آن نبات و تخم نیلوفر و بنفشه درهم بکوبد و شربت کند و
بخورد که نافع باشد قران مرد در سه سالگی و بیست و شش سالگی و پنجاه سالگی
باشد و چون ازینها بگذرد عمرش بهشتاد سال برسد داروی زن باشد
طباشیر و گل سرخ و کتیرا و هلیله و بلیله با آب انار شیرین بیامیزد و بخورد
نافع باشد قران زن در یکسالگی و دو سالگی و چهار سالگی و بیست و دو سالگی
و چهل سالگی باشد چون ازینها بگذرد عمرش بهشتاد سال برسد
تعویذ مرد بسم الله الرحمن الرحیم شهد الله انه لا اله الا
هو والملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزیز الحکیم و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة
للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا م م م م ح
تعویذ زن بسم الله الرحمن الرحیم
یا حنان یا منان یا رئوف یا حی یا قیوم یا برهان یا دیان
یا سبحان یا سلطان یا حیا یا شراهیا و ننزل من القرآن الی آخره
طالع ثور هر بیماری که طالع او ثور باشد دلیل میکند که روز
یکشنبه در جای ... خفته باشد و این مضرت از دیو یافت باید که قرآن

باب طالع جوزا هرکه بدین طالع باشد بیماری او در روز چهارشنبه
بوده و دختری از جن در آب چیزی کرده و او خورده بهت علاج آنست که
عزایم بخشا بر ظرفی بنویسد و بشوید و بخورد و گوسفندی بصدقه دهد
و داروی وی آنست که زنجبیل و دارچینی با عسل معجون کند و بخورد و قران
مرک او بسالگی هفت سالگی و بیست سالگی و چهل سالگی باشد چون
از اینها بگذرد عمر وی دراز گردد دعا نیت بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بِسْمِ اللهِ الشَّافِی بِسْمِ اللهِ الْکَافِی بِسْمِ اللهِ الْمُعَافِی بِسْمِ اللهِ
الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهٖ شَیْءٌ فِی الْاَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ وَهُوَ
السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ وَشِفَاءٌ مِنْ جَمِیْعِ الْاَمْرَاضِ وَالْاَعْرَاضِ وَاَلَمٍ
وَجَعٍ وَالْعِلَلِ وَالْجُنُوْنِ وَالصَّرْعِ وَهَکَذَا مِنْ عَیْنِ
کُلِّ ... و ننزل الی اخره واکردن باشد قران او بسالگی هشت
سالگی و چهل سالگی باشد چون از اینها بگذرد عمرش بهشتاد سال برسد
و داروی او ... و آمله زنجبیل و دارچینی با عسل معجون کند
... باشد دعا نیت بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یَا نُوْرَ النُّوْرِ
یَا مُنَوِّرَ النُّوْرِ یَا خَالِقَ النُّوْرِ یَا نُوْرَ کُلِّ نُوْرٍ یَا نُوْرَ السَّمٰوٰتِ

وَالْاَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَنُنَزِّلُ اِلَی اٰخِرِهٖ باب
طالع سرطان بدانکه هر بیماری که طالع او سرطان باشد بیماری او در
روز سه شنبه بوده بر رهگذار ... شده و نهیبی از دیو در یافته
بهت و هیبا از رشتی اندام علاج آنست که زنجبیل و دارچینی و قرنفل
و زیره و کرویه با عسل معجون کند و بخورد و قران او در پنج سالگی و یازده سالگی
و بیست و شش سالگی و چهل سالگی باشد چون بگذرد عمر او بهشتاد سال
برسد ان شاء الله تعوید مرد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یَا هَیَا شَرَا
هِیَا اَذْهَبُوْا ... یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ یَا اَنْتَ اَلْ ... یَا حَنَّانُ یَا
مَنَّانُ یَا بَدِیْعَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ
یَا هُوَ یَا مَنْ هُوَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ واکردن باشد قران او ...
و ... سالگی و ... سالگی و بیست و هشت سالگی و چهل سالگی باشد چون
بگذرد عمرش بهشتاد سال برسد و داروی وی آنست که زنجبیل
و آمله با انگبین معجون کند و بخورد که نافع بهت دعا نیت بسم الله
یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ یَا رَازِقُ یَا مُنْعِمُ یَا وَدُوْدُ یَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِیْدِ
فَعَّالٌ لِمَا یُرِیْدُ ... التسبیح ...

بدانکه هر بیماری که طالع او اسد باشد بیماری وی در روز چهارشنبه بوده در
زیر درختی نهیبی از پری بدو رسیده مینالد از سستی اندام باید که تعویذ
بخون مرغ زرد بنویسد و با خود دارد و چیزی بصدقه دهد و داروی وی
آنست که نبات و تخم چیلو فروشا سفرسم بخورد که نافع است و قران
او در چهار سالگی و هفت سالگی و بیست سالگی و سی پنج سالگی چون بگذرد
عمرش بنود سال برسد **دعا اینست** بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
یا بدیع السموات والارض یا غفور یا ودود یا حنان یا منان
یا دیان یا برهان یا سبحان یا سلطان یا مغیث یا دائم یا قائم
یا حی **داکرزن باشد** قران او در پنج سالگی و پانزده سالگی و بیست و
پنج سالگی بن ازین بگذرد عمر او بهشتاد سال برسد و داروی او قسط
بحری و سیاه تخمه و شوبیره و شکر و صندل و گلاب با عسل بخورد نافع است
تعویذ بخون مرغ سیاه بنویسد و با خود دارد که شفا یابد **دعا اینست**
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اسکن ایها الوجع وارتحل ساعة من هذا العبد الضعیف سکنتک وحلتک
بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم

ونتول الی اخرهم **باب طالع سنبله** هر که بدین طالع باشد بیماری
از چشم زخم بدو رسیده و بیشتر بیماری او از تاریکی چشم و درد سر باشد
علاج آنست که چیزی بصدقه دهد و [illegible] زنجبیل و دارچینی با
عسل معجون کند و بخورد که نافع باشد و قران او در سه سالگی و نه سالگی
و سیزده سالگی و بیست سالگی و چهل سالگی باشد چون ازینها بگذرد عمر او
دراز گردد **دعا اینست** بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ یا حنان
یا منان یا دیان یا برهان یا غفران یا سبحان یا سلطان یا
حی یا قیوم یا اهیا شراهیا یا علام الغیوب یا غفار الذنوب
یا کاشف الکروب ه آمین [illegible] ونتول الی اخرهم
داکرزن باشد قران او در [illegible] سالگی و پانزده سالگی و سی [illegible] سالگی [illegible]
ازین بگذرد عمر او بشصت سال برسد و داروی وی آنست که [illegible]
و زنجبیل و دارچینی با عسل معجون کند بخورد که نافع است **دعا اینست**
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ یا مُحْیِیْ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ
وَّلَا نَوْمٌ لَهٗ مَا فِی السَّمٰوٰتِ یا موسطینا [illegible] بِرَبِّ النَّاسِ
بِكُلِّ [illegible] وَلِكُلِّ شَیْءٍ عِلْمًا یا علام یا قیوم یا ستار الذنوب

ونزل تا آخر **باب طالع میزان** خداوندان طالع طبعش گرم وتر
بود و بیماری او از درد قولنج و درد ناف باشد علت آنست که روز آدینه
از آب یا سایه درخت خود را محافظت نکرده و بیرازده اند اکنون مینالد
از درد و سستی اندام و علاج آنست که هلیله و دارچینی و فلفل و کشنیز با عسل
معجون کند بخورد و تعویذ بخون مرغ سفید یا گوسفند یکساله بنویسد
با خود دارد و قران که هشت سالگی و بیست سالگی چون بگذرد عمر او هشت
سال برسد **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و
بالله ولا غالب الا الله محمد بن عبد الله یا عظیم یا ودود یا
حنان یا منان یا هیا شراهیا بحق آصف بن برخیا و بحق
آیه من سلیمان و انه الا تعلوا علی و اتونی مسلمین و تنزل
الرجیم **واگر زن باشد** قران او سه سالگی و هشت سالگی و چهل سالگی باشد
چون بگذرد عمر وی به نود سال برسد داروی وی کرنجبین و بنفشه
شربت کند بخورد و روز دیگر قند و اسفرزه بخورد نافع باشد **دعا اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا عزمت بالمعروف
وعلی صاحب التعویذ بحق لاملکت بحق لا اله الا الله

الخلایق و صاحب الرقاب یا هیا شراهیا اذهبوا منشدی
بهلال آصباوت **باب طالع عقرب** خاکیست و خداوندان طالع
طبعش سرد و تر است بیماری او از حرارت و درد جگر باشد علاج آنست
که قرنفل و کافور و فلفل با عسل معجون کند و بخورد و علت وی در
روز دوشنبه بوده این نهیب زیری بوی رسیده و زحمت وی
از درد شکم باشد و درد سر و درد دست پیدا شود و قران مرگ او بهشت
سالگی و سی سالگی چون ازین بگذرد عمر او به هشتاد سال برسد و دعا
تحفه اینست بروی بندد و گوسفند سیاه موی بصدقه دهد **دعا اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم یا غفور یا ودود یا ودود یا ادولی
العرش المجید فعال لما یرید یا نور رب السموات و
الارض یا ذا الجلال و الاکرام یا مغیث یا حفیظ لا اله
الا انت ... یا هیا شراهیا ... حقیقت الله
تعالی ... لا یرجعون **واگر زن باشد** قران او هشت سالگی و
سی سالگی چون ازین بگذرد عمر او به هشتاد سال برسد و داروی آن
آنست که قرنفل و کافور با عسل معجون کند بخورد **دعا اینست** اللهم یا رحمن یا رحیم

سورة العصر الى اخره بنویسد عسله ه وحه حه
هٮله علا الا ونزل من القران تا اخره ه ه ه ه
بار ععععععه ه صره باب طالع قوس آتشی است خانه مشتری
است وخداوند این طالع طبعش گرم وخشک است بیماری او از صفرا است
علاج آنست که خرما هندی وبنفشه وگل سرخ وتخم کاشنی با آب انار
شیرین بخورد نافع است علت او از چشم زخم رسیده وحیته انکه
در روز چهارشنبه بوده برهنه در آب رفته یا آنکه آب مکروه خورده
وزیان داشته اکنون رنگ او زرد است وسست میشود وقران
او به دو سالگی ونه سالگی وسی و دو سالگی چون ازین بگذرد عمر او به هشتاد
سال برسد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الله قدیم ازلی
قبل العلل وهو قدیم ازلی بالازلیة لا یزال وهو یزال
و... تا اخره ه ه اا ه اااا ه و واگر زن باشد طباشیر وگل سرخ
وکتیره وهلیله با آب انار شیرین بخورد نافع است وقران سر او ده
دو سالگی ونه سالگی وسی و دو سالگی باشد چون بگذرد عمر او دراز
گردد ودعا بمشک وزعفران بنویسد وبا خود دارد که نافع است

دعا...

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا من تجلی
اهو یا من بعدی هو اسجان یا مونس نعیما وو اریهم اهوا
هیلطا اجرا ام الباقی دو تا الحاق تا ساد نج معج یصو
دابه منصوح طوف ر قف بحق هذه الاسماء باب
طالع جدی خانه زحل است خداوند این طالع طبعش گرم وتر باشد
بیماری او از سردی وخشکی ودرد سر باشد داروی وی هلیله وزنجبیل
وحرم دارو وبز بازو و قرنفل وعسل معجون کند وبخورد نافع باشد
بدانکه علت او از چشم زخم رسیده پیشتر آنکه نماز شام سایه پری
بروی افتاده اندامهای او سست میشود باید که تعوید بمشک وزعفران
بنویسد وبا خود دارد وقران او ودرد وسالگی وهفت سالگی و بیست
سالگی وسی و دو سالگی باشد چون بگذرد به هشتاد سال برسد
بسم الله الرحمن الرحیم یا رؤف یا عطوف بحق
آدم صفی الله یا رحیم یا کریم بحق محمد مصطفی نبی
الله یا حنان یا منان یا غفران یا مستعان یا لا اله الا
واگر زن باشد قران او درد وسالگی وچهار سالگی وسی سالگی

وچهل ساله باشد چون بگذرد عمرش بهفتاد سال برسد
ودار وی زن اینست که هلیله و بلیله و آب
انار شیرین بیامیزد و بخورد و دعا بجوزان مرغ سفید
رنگ بنویسد و با خود دارد تا شفا یابد دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ هيم هيم يا هيا شرا هيا سبوح قدوس
ربنا ورب الملائكة والروح علم ظل الهادي حو علم بر
هان یا ودود یا حفیظ باب طالع دلو
ابن است
وخانه زحل است وخداوند این طالع طبعش گرم و تر بود و بیماری
او از سردی و خشکی و صفرا باشد علاج آنست که هلیله و زنجبیل و مرزنجوش
و قرنفل با عسل معجون کند و بخورد علت او روز دوشنبه بود در بخش
... که قرار نگیرد و بیشتر پایهای او درد میکند و رنگش تغیر کرده
... بری بروی افتاده تعویذ بجوزان مرغ رنگین بنویسد
و ... قدری نان گرم بصدقه دهد و قربان مرد ددر چها
ساله ... ساله و ... ساله و سی و دو ساله چون ازین بگذرد
عمر او بهشتاد سال برسد و تعویذ بجوزان مرغ سیاه رنگ بنویسد با

خود دارد دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ
وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ يَا هِيَا شَرَاهِيَا يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ يَا
لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ يَا دَيَّانُ يَا بُرْهَانُ
يَا سُبْحَانُ يَا سُلْطَانُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واگر زن باشد
قربان او ... ساله و پانزده ساله و هجده ساله و سی و دو ساله چون
ازین بگذرد عمرش بنود سال رسد و داروی زن آنست که هلیله و بلیله
و کشنیز در عسل معجون کند و بخورد که نافع باشد و دعا بجوزان مرغ بنویسد و با خود
دارد که شفا یابد دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ شَهِدَ اللّٰهُ
أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلٰهَ
إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ ... مِنَ الْآخِرِ باب طالع حوت
خانه مشتریست خداوند این طالع طبعش سرد و تر باشد و بیماری او ...
باشد باید که کاکیر ترکی و تخم کرویا بسوزد و بخورد و بعد از آن ...
بخورد این علت در روز سه شنبه باشد رنگش ... است ...
بروی ... ایستاده بود ... پشت پهلوی او تیر درد میکند و ... کرم

دنرم باید داو و قران او در ده سالگی و شانزده سالگی و بیست سالگی و سی سالگی
باشد و دعا بخون مرغ یا گوسفند بچاله بنویسد و با خود دارد شفا یابد
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم ط ۱۱۱۱۹ م ص ۱۱۱ ۱۹۹
ط ۱۱۱۱۱ ۹۹ و ننزل من القرآن تا آخر ۵ م ۱۱۱۱ ه ۵ ۵
دار زن باشد داروی وی آنست که گل سرخ و شکر و زنجبیل و قرنفل با انگبین
معجون کند بخورد و قران او چهار سالگی و دوازده سالگی و چهل سالگی باشد
بکند الزین بکند دعمر او هشتاد سال برسد والله اعلم دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم یا ذو الجلال والاکرام
یا هیا شراهیا یا موسطینا یا الله اذونی اصباوت بمیتدی
ملو ردة احفظ حامل الکتاب فصل در ابواب
... بیماران در احوال ایشان طالع حمل هر بیماری که طالع
وی حمل باشد دلیل کند که روز دوشنبه بیمار شده باشد و از پریان
... رسیده و از درد سر و درد دل در زحمت است علاج آنست
... طالع ثور
... که طالع ثور باشد دلیل کند که روز شنبه زحمتی بر وی رسیده

در چشم بد بود رسیده باشد و در جایگاه کار خوابیده یا در جای تاریکی رفته
یا آبی ریخته باشد و این مضرت از دو دیو است یکی کافر و یکی مسلمان اما دیو
او وی نیست و باد ایشان در اندام او چون مورچه میدود و سرش درد
میکند و همه اعضای او درد رنج است و رنج وی بیک قرار نیست گاهی خوب
و گاهی بد باشد و قران او چهارده روز باشد بعد از آن شفا یابد طالع
جوزا هر آن بیماری که طالع وی جوزا باشد دلیل کند که در ... شنبه شخص سرخ
موی سرخ روی میانه بالا بروی نظری زده باشد و از دیو نیز رنجی یافته
باشد و معده وی درد میکند اما پانزده روز قران او باشد و عاقبت بخیر باشد
طالع سرطان هر آن بیماری که طالع او سرطان باشد دلیل کند که روز
... شنبه بیمار شده باشد برهنه بوده و تیر زده اند اکنون رنج او از ...
و او را سینه و شکم و معده ... درد میکند ...
قران وی تا ده روز باشد چون بگذرد شفا یابد انشاء الله طالع اسد
هر آن بیماری که طالع او اسد باشد دلیل کند که روز پنجشنبه ...
باشد و از دیو رنجی یافته و اکنون چشم وی تاریکی میکند و از آفت ...
دارد علاج آنست که خاکی از سر چهار راه بردارد و در آب کند و بگذارد ...

صافشود و آن آب را بخورد و پارهٔ از آن خاک در زیر دامن او دود کند تا
شفا یابد و قران او تا پانزده روز باشد چون این بگذرد شفا یابد **طالع**
سنبله هر بیماری که طالع او سنبله باشد دلیل کند که روز پنجشنبه بیمار شده
باشد و چشم بد بدو رسیده و از دیو نیز رنجی یافته و چشم وی تاریکی
میکند و از همه اعضا در زحمت و رنجش بیقرار نیست قران وی تا
سیزده روز باشد چون بگذرد شفا یابد **طالع میزان** هر بیماری که
طالع او میزان باشد دلیل کند که روز جمعه نزدیک درختی یا نزدیک آب
برهنه شده باشد از دیو رنجی یافته اکنون مینالد از درد اعضا و
[illegible] انده باشد و قران او چهارده روز باشد چون بگذرد
شفا یابد **طالع عقرب** بیماری که طالع او عقرب باشد دلیل کند که روز
سه‌شنبه از پریان دختری یا بروی زحمت سانیده باشد اکنون از درد سر
و زرون در زحمت داشته و زقران او باشد چون بگذرد شفا یابد
طالع قوس هر آن بیماری که طالع او قوس باشد دلیل کند که روز یکشنبه
از دیو رنجی یافته و از درد تمام اعضا در زحمت است و قران او سیزده روز باشد
چون بگذرد شفا یابد **طالع جدی** هر آن بیماری که طالع او جدی باشد دلیل

تا دوازده روز بگذرد باید که یکمن روغن خیر کند و تعویذ بچون مرغ زرد بنویسد
و مورد و اسفند زیر دامن او دود کنند و از ترشی و سفیدی پرهیز کند
تا شفا یابد **روز پنجشنبه** هر که روز پنجشنبه بیمار شود از درد شانه است بر سر
آب گذر کرده یا در زیر درختی یافته و دیو سیاه چرده بروی خیره گشته و
چشم زخم نیز بوی رسیده باید که تعویذ بچون مرغ بنویسد و اسفند و بلیله
در زیر دامنش دود کند و شانزده روز در مخاطره باشد چون بگذرد شفا یابد
روز جمعه هر که روز جمعه بیمار شود پری وی را زده پنج روز یا هشت روز
شدت او باشد علت او از درد شانه و دوش باشد باید که چراغی بر بالین او
برد و از گوشت و ترشی و سفیدی پرهیز کند و بلیله و اسفند در زیر دامنش
دود کند و آب هفت چشمه را بردارد و آن آب را پیش از آفتاب در آن
بعسل معجون کند و بخورد و دعا بچون مرغ بنویسد یا خروس و با خود دارد
و تا شانزده روز در مخاطره باشد چون بگذرد شفا یابد **دفع صرع**
چون کسی را صرع گرفته باشد و این دعا بروی خوانند و نوشته در گردن
بندد که نافع باشد **دعا اینست** عَزَمْتُ عَلَيْكَ يَا رِيحُ بِالعَزِيمَةِ الَّتِي
أَعْزَمَ بِهَا عَلِيُّ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ ع وَرَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

الی علی جن وادی لصبح فاجابوا واطاعوا لما اجبت
واطعت وخرجت عن فلان بن فلان الساعة یعنی اسم
او و پدر او را بگوید **جهت بر طرف کردن عزیمت** چون شخص عزم سفر کرده
باشد و خواهند که آنکس بدان راه نرود و سفر او بر طرف شود این مربع
را بنویسد در کاغذ و درمیان مربع نام آنکس بنویسد و کاغذی را بشکل
مثلث بپیچد و مربع را درمیان آن نهد و جای بگذارد که عزیمت او
باطل شود و باید که در ساعت زحل نوشته شود که مجربست و آزموده است

عقدت الطریق المشرق

د	بدوح	ب
بدوح	بدوح	بدوح
ح	بدوح	و

عقدت الطریق الشمال

علاج سپرز این دعا را بر سپرز گوسفند نویسد و با چهل میخ بر درخت
کوبد تا خشک شود سپرز آدمی بر طرف شود بفرمان خدا **دعا اینست**
ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا
صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا الر الم حم حم حم

حم حم حم حم کهیعص ووضع الکتاب فتری المجرمین
مشفقین مما فیه وننزل من القرآن تا آخر بنویسد **نوعی دیگر**
هر که را سپرز بوده باشد سرکه را با گلاب بجوشاند تا لعاب پیدا کند و در روی
کرباس کبود که آب ندیده باشد بمالد و در بالای سپرز گذارد که سپرز را
دفع کند **جهت گل خوردن اطفال** بر تخم مرغ سیاه نویسد و بپزد و بخوراند و دهد که
ترک گل خوردن کند • قل اعوذ من همزات الشیاطین واعوذ
بک ان یحضرون الیه الشافی **دفع تب لرزه** بر سه پاره چوب بید
نویسد و در زیر دامن مریض دود کند **اول** حس القس بطاعون
جمهور شداد **دوم** انس لقاکاهون بمهرب برود **سیوم**
بلس قتاماهون حمهرات حجون **نوعی دیگر** بر سه پاره کاغذ
نویسد و هر روز یکی ناشتا بخورد یا بر مغز بادام نویسد و ناشتا بخورد
اول لا تخف انک انت الاعلی **دوم** لا تخف نجوت من القوم
الظالمین **سیم** الا له الخلق والامر فتبارک الله رب العالمین
نوعی دیگر دفع کرم فرزند شود این شکل را بنویسد بر نان و ناشتا بخورد که
انشاء الله حامله شود [ماه ماه ماه ماه سالوه ما] **نوعی دیگر**
[illegible]

این دعا بر کاغذ نویسد و در رکوی سرخ بندد و در پای آویزد دعا اینست

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا

فصل در دانستن احوال بیماران

چون کسی بیمار باشد و خواهند که بدانند میمیرد یا زنده میشود باید که نام او با نام مادرش بحساب ابجد صغیر در آورد و سه سه طرح کند آنچه باند حکم او درست آید اما باید که بداند بیماری او در چه روز بوده تا حکمش غلط نشود که این نسخه بسیار آزموده است روز یکشنبه اگر روز یکشنبه بیمار شده باشد یک باند به شود و اگر دو باند بیماری او بطول کشد و اگر سه باند در خطر باشد روز دوشنبه اگر بیمار شده باشد دو باند به شود و اگر سه باند بیماری او دراز کشد و اگر یک باند بمیرد روز سه شنبه اگر سه باند بهتر شود و اگر یک باند بیماری او دراز کشد و اگر دو باند در خطر باشد و بمیرد روز چهارشنبه اگر بیمار شده باشد اگر یک باند بهتر شود و اگر دو باند بیماری او بطول کشد و اگر سه باند بمیرد روز پنجشنبه اگر بیمار شود اگر دو باند صحت یابد و اگر سه باند بطول کشد و اگر یک باند بمیرد روز جمعه اگر بیمار شود سه باند صحت یابد و اگر یک باند بیماری او بطول

کشود

کشد و اگر دو باند بمیرد روز شنبه اگر بیمار شود سه باند صحت یابد و اگر یک باند بیماری او بطول کشد و اگر دو باند بمیرد فصل در بیان حیات و ممات

اگر خواهی که بدانی بیمار شفا می یابد یا نه باید که نام بیمار و مادرش و آن روز که بیمار شده بحساب ابجد کبیر در آورد و سی سی طرح کند آنچه باند ببینند که در کدام لوح است اما باید که حساب را غلط نکند

روز شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
٨	٢٠	١٨	١٢	٢٨	١٥	٢٠

لوح حیات

لوح حیات | لوح ممات

١	٩	٣		٢٢	٢٧
٥	١٩	٨		٣٢	٢٤
١١	٢٣	١٧		٢٩	٢١
٢٥	٣٠	٢٠		٤	١٣
٦	١١	١٠		١٥	٢١
	١٤			٣	٢١

اسامی طالع بهمه مردمان طالع حمل حالینوس حکیم میفرماید که حمل آتشیست هر که بدین طالع باشد طبع او گرم و خشک است و ستاره او مریخ است و بسیار مردی

که بدین طالع در وجود آید نیکو روی و نیکو خوی و شیرین زبان خداوند طعام و حب باشد
و بعد از سی سال کار وی بالا گیرد و از زنان روزی مند باشد و از چهار پایان
او را آمد باشد و مال آسان بدست آورد و بیشتر بیماری او از صفرا و سودا باشد
حکما فرموده اند که چیزی گرم و نرم بخورد و هر صباح تمر هندی با نبات
بخورد یا آب لیمو با شکر بخورد از همه علتها نجات یابد و قران او چهار سالگی
و ده سالگی و بیست سالگی و سی و پنج سالگی باشد چون ازین بگذرد عمرش هشتاد
و دو سال برسد لا یعلم الغیب الا هو اما دشمن بسیار داشته باشد و بر وی ظفر
یابد و از نگینها عقیق و فیروزه بطالع او خوب باشد و چون ماه نو بیند
بر روی پیران نگاه کند تا بروی مبارک باشد و از روزها روز سه شنبه
بطالع او خوب باشد و خداوند این طالع از چشم زخم و از مضرت دیو در بیم باشد
باید که پیوسته این دعا با خود دارد تا ایمن باشد **الدعا** بسم الله الرحمن
الرحیم شمیطون الذی له الاسماء الحسنی والصافات لعلاه
والشهادة والبهجة یا حی یا قیوم یا منان یا دیان یا رؤف یا
سبحان یا غفران احلا لحلاله احفظ هذه صاحب التعوید
طالع ثور بدانکه ثور خانه دوم است جالینوس و جاماس حکیم میفرمایند

که ثور برج خاکیست و ستاره یوسف پیغمبر است سهمان مردی که بدین طالع در
وجود آید سفید روی باشد بازرگانی ورا خوب بود و مردم از و منفعت بینند
و شجاع و دلیر بود آنچه بجوید بیابد و در جوانی طرب دوست باشد و در سفر از دزد
بر خطر باشد و عجب نبود که زن وی دو فرزند یک شکم بیاورد و بر سینه یا گردن
نشانی داشته باشد آن نشان دولت است و فرزندانش بسیار باشند شش
پسر و سه دختر در طالع اوست و بیشتر بیماری او از درد شکم باشد و زرد آب
و بلغم بسیار دارد حکما گفته اند که در فصل بهار چهل و یک غنچه گل سرخ با شیر
گاو بخورد تا از همه علتها شفا یابد و خداوند این طالع چهار زن بکند و جامه سفید
بروی مبارک باشد و از نگینها فیروزه و از روزها روز دوشنبه و از ماهها
ماه صفر و چون نزد یک بزرگی رود بر جانب راست او بایستد تا حاجتش
بر آید و قران او در یک سالگی و شش سالگی و سیزده سالگی و سی و پنج سالگی چون ازینها
بگذرد عمر او هفتاد و شش سال برسد و خداوند این طالع از جادوی در بیم
باشد باید که پیوسته دعای باطل السحر با خود دارد تا از شر جادو دیوان ایمن باشد
و این دعا نیز با خود دارد که اثر تمام کند **الدعا** بسم الله الرحمن الرحیم
یا علیم یا عظیم یا کریم یا رباه یا غالب یا علام الغیوب یا الله

الا انت یا هیا شر اهیا سیطنا یا بادی یا واحد یا احد یا صمد
یا فرد یا وتر فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم ط ۱۱۱ ۱۹ ۱۱ ۹ ۲ ۱۸ ۱ ۲ ۱۸
۱۸۱۲ نعم النصیر ۱۱۱۱۱۱ **طالع جوزا** بدانکه جوزا خداوند عطارد است
جالینوس حکیم میفرماید که ستاره زکریای پیغمبر است هر آن مردی که بدین طالع
در وجود آید سرخ و سفید و پیوسته ابرو و بجسته طالع و مبارک و زیرک و فرزانه
باشد و بهمه کارها صبور باشد هر چند بزرگتر شود کارش بهتر باشد و خویشان
او بروی حسد برند و فرزند بسیار داشته باشد دوازده فرزند در طالع او است
هشت پسر و چهار دختر او پیشتر بیماری او از بادها و درد کتف و درد معده
و قولنج و زحمت باشد و درد سر بسیار کشد باید که روغن بادام و صندل و گلاب
در سر مالد و سداب و اکلیل ترکی و پوست نارنج در صباح ناشتا بخورد تا دفع
مرض باشد دها باید سه زن کند میگویند قران او به سال هفت و بیست و دو
سال و چهل و پنجاه باشد چون بگذرد عمرش به نود سال برسد لا یعلم الغیب
الا هو اما او را سازد و از جامها صوف سفید و آبی و ماهها ربیع الاول و
از روزها روز چهارشنبه و از نگینها یشم و از چهارپایان شتر بنیه و چون ماه
نو بیند بر روی فیروزه نگاه کند تا بروی مبارک باشد و خداوند این طالع

از مکر زنان

از مکر زنان در بیم بود باید که پیوسته این دعا با خود دارد که از مکر زنان ایمن
باشد و از بلاها محفوظ باشد **الدعا** بسم الله الرحمن الرحیم یا نور
النور علی النور السموات والارض الله لا اله الا هو الحی
القیوم فسیکفیکهم الله لا اله الا هو وهو السمیع العلیم
وهو ارحم الراحمین ۱۱۱۰ ۱۱۱۱ ۵ عآم ک ۱۱۱م اطمم رم ۱۱
۲۲۲۱۲۲۲م ۱۲۶ ۱۲۱۲ ۱۲۱۲ ۹ م م ۷ ۱۱۱ ه
طالع سرطان خانه ماه است و آبی است طبع وی سرد و تر است جالینوس و جاماسب
حکیم میفرماید که ستاره ادریس پیغمبر است هر مردی که بدین طالع در وجود آید
نیکو روی نیکو خوی شیرین زبان پاکیزه اندام و فراخ روزی باشد مردمان
از وی نفع برند کاری که تعلق به آب و گل داشته باشد او را سازوار است
گردش در طالع او خوب باشد و در سفر سرگردانی بسیار کشد خطر آب و
آتش او را حذر باید کرد و در بیماری سخن بسیار گوید بیماری او از گرمی و
بلغم باشد باید که تخم خیار و کاشنی و کافور با ترنجبین در صباح بخورد
شفا یابد و فرزندان او بسیار باشد پنج دختر و سه پسر در طالع او باشد و قران
او در پنجسالگی و پانزده سالگی و بیست و شش سالگی و چهل سالگی چون این

۲۵،م

بگذرد عمرش هشتاد سال برسد وخداوند این طالع را سازد از جامها طلا واز
نگینها عقیق واز روزها جمعه از ماهها ربیع الثانی واز چهارپایان ماده شتر
وچون ماه نو ببیند بر روی دختران نگاه کند تا بروی مبارک باشد عبد الله هلال
میفرماید که خداوند این طالع از چشم زخم در بیم بود باید که پیوسته دعای
چشم زخم با خود دارد واین دعا بنویسد در بازوی چپ بندد تا از همه بلاها
در امان خدا باشد الدعا بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یا اهیا شراهیا
اذونی یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا خالِقُ یا نورُ یا وَدُودُ یا ذُو العَرْشِ المَجِیدِ
فَعّالٌ لِما یُرِیدُ یا اسطوس حطوس وهبوس اَنْتَ الَّذِی لا اِلٰهَ
اِلّا اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ یا مجیبی ما سفها
تبیح من الله طالع اسد بدانکه اسد برج آتشی
هست ستاره ذو القرنین هست جالینوس حکیم میفرماید که هر که بدین طالع در
وجود آید مردی سرخ وسفید وگشاده ابرو وپیشانی پهن باشد وسخن خوش
جان فدا کند ودر کوچکی بیماری بسیار کشد ودر بزرگی دایم تن درست
باشد ومال بسیار بدست آورد وفرزندان او بسیار باشد نه فرزند طالع
او هست یکی دختر وهشت پسر وبیماری او از گرمی وخشکی باشد واز شکم

وسینه در زحمت باشد باید که شربت جلاب وسه روزی بخورد ودو روزها
آن صندل وگلاب وآب انار شیرین ناشتا بخورند از همه علتها شفا یابد
ودر طالع او سه زن باشد واز یکی زن مال فراوان بدست آورد وقران
او بچهار سالگی ودر هفت سالگی ودر بیست سالگی ودر سی ویک سالگی باشد چون ازین
بگذرد عمرش نود سال برسد لا یعلم الغیب الا هو وخداوند این طالع را سازد
از جامها سبز وعنابی واز نگینها یاقوت وفیروزه واز روزها دوشنبه واز ماهها
جمادی الآخر وچون ماه نو ببیند بر روی پسران نگاه کند تا بروی مبارک باشد
واز چهارپایان نرینه وچون پیش بزرگی رود بر دست راست وی بایستد تا
کارش بمراد برآید وخداوند این طالع را از چشم زخم بیم بود باید که پیوسته
دعای گنج العرش با خود دارد واین دعا بنویسد ودر بازوی راست بندد تا
از همه بلاها ایمن باشد الدعا بسم اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوذُ بِکَلِماتِ
اللهِ التّامّاتِ مِنْ کُلِّ شَیْطانٍ وهامّةٍ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ عَیْنٍ لامّةٍ
یا نُورُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ یا غَفُورُ یا جَبّارُ یا مَنّانُ یا سُبْحانُ
یا مُغِیثُ یا دائِمُ یا قائِمُ یا باقی اِحْفَظْ صاحِبَ هٰذا التَّعوِیذِ
همه بلیه توجه حَیْثُ شِئْتَ فَلَکَ مَنْصُورٌ عَطُوفٌ الرَّؤُفُ

لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله یا جلیل یا حمید یا

(هه اااا ااا اااا الله) **طالع سنبله** هران مردی که بطالع سنبله باشد

ستاره ایشان عطارد است و خانه عطارد است بلینوس حکیم میفرماید که هر که بدین

طالع در وجود آید نیکو روی و نیکو خوی باشد و مردم از و نفع یابند و بمال جمع

کردن حریص باشد و فرزندانش بیشتر نرینه باشد هشت پسر و دو دختر باشد و ف

در طالع او مینماید و بیماری او بیشتر از درد ناف باشد و حکما فرموده اند

که هر صباح کل قند علی بخورد و چیزی گرم و نرم بخورد تا شفا یابد و سه زنان

بکند اما تجارت در طالع او خوب باشد و قران او بهفت سالگی و نه سالگی و

پانزده سالگی و بیست و شش سالگی و سی سالگی چون از اینها بگذرد عمرش هفتاد

سال برسد لا یعلم الغیب الا هو و خداوند این طالع را باید از روزها روز

چهارشنبه و از چهارپایان اسب شکافته و از جامها رنگین و چون ماه

نو بیند بروی دختران نگاه کند تا بروی مبارک باشد و از ماهها

جمادی الاخر و چون پیش کسی بحاجت رود بر دست چپ او بایستد تا

حاجتش بر آید و عبدالله بن هلال میفرماید که خداوند این طالع را از

همزاد بیم باشد باید که دعای عزایم با خود دارد تا از شر همزاد ایمن باشد.

و این دعای نیز با خود دارد تا از شر که بلاها ایمن باشد **الدعا** بسم الله

الرحمن الرحیم اللهم یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا

غفران یا سبحان یا سلطان یا حی یا قیوم یا اهیا شراهیا ادونی

اصباوت ال شدی یا علیم وهو بکل شیء علیم اللهم احفظ

صاحب التعویذ یا غیاث المستغیثین ه ااا م (ااا هو)

٢١١١١ د د ٢٢٩ اااعع **طالع میزان** بدانکه میزان

خانه زهره است خداوند این طالع طبع وی گرم و تر است و ستاره حضرت

پیغمبر است صلعم هر [illegible] که بدین طالع در وجود آید نیکو رو و جوانمرد و حلیم دل

و لطیف و با قدر و قیمت باشد حرام خوردن و دروغ وی را نشاید بر تکبر [illegible]

کردن نشانی داشته باشد آن نشان دولت او باشد و اغلب پسر در طالع او

باشد و چهار دختر و بیماری او از باد قولنج و بلغم و رطوبت و درد سر باشد

که اکثر ترکی با نبات بخورد از جهت قولنج و از درد سر باید که آب کشنیز [illegible]

و سرکه در سر مالد و از برای دفع بلغم لوی بخار را با آب لیمو بخورد و [illegible]

در طالع او باشد و قران او بچهار سالگی و بیست و پنج سالگی و سی و هشت سالگی

چون بگذرد عمر او شصت سال برسد لا یعلم الغیب الا هو و خداوند این

طالع را بازدار جامها سبز و آبی و از روزها روز جمعه و از ماهها ماه رجب و از
چهارپایان گردسم و از نگینها یاقوت چون پیش کسی بحاجت رود در برابر
او بایستد تا کارش بر آید و چون ماه نو بیند بر روی پسران نابالغ نگاه کند
تا بروی مبارک باشد و عبدالله بن هلال گوید که خداوند این طالع از شر
دشمنان ایمن باشد و این دعا نیز با خود دارد الدعا بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله و من الله و علی الله و بحق محمد بن عبد الله بن عبد
المطلب یا عظیم یا رحیم یا غفور یا ودود یا اهیا شراهیا ادونی
اصباوت حمصعع سماء لهه و عهه عتین لا اله الا انت
عتید یا حی یا قیوم بحق طه ما انزلنا و بحق یس و بحق
حمعسق ٩٩٩٤٥٩٠٠٠٩ صـ ٤ااا٤ اا ح

طالع عقرب

بدانکه عقرب خداوند مریخست جالینوس حکیم میفرماید که عقرب ستاره سلیمان
پیغمبرست هر مردی که بدین طالع در وجود آید نیکو قامت و شیرین زبان باشد
هر چند با مردم نیکی کند نعمت خویش زیاده کند و تا او را از بلندی
و آتش بر حذر باید بود و فرزندان او بسیار باشند و هیجده فرزند در طالع
او مینماید شش دختر و دوازده پسر و دو زن بکند و قران او بده سالگی

وهفده

و هفده سالگی و بیست و پنج سالگی و چهل و شش سالگی باشد چون بگذرد
عمرش بنود و سال برسد لا یعلم الغیب الا هو و خداوند این طالع را از
جامهای رنگین و از نگینها عقیق و از چهارپایان سم شکافته و از ماهها
ماه شعبان و از روزها روز سه شنبه و چون ماه نو بیند بر روی مادینه
نگاه کند تا بروی مبارک باشد و چون پیش کسی رود بر دست راست او بایستد
تا حاجتش بر آید عبدالله بن هلال گوید که خداوند این طالع باید که همیشه
دعای گنج العرش با خود دارد تا از همه بلاها ایمن باشد و این دعا با خود
دارد که محفوظ باشد الدعا بسم الله الرحمن الرحیم یا غفور یا
ودود یا ذو العرش المجید فعال لما یرید یا نور السموات
و الارض و یا مغیث یا لا اله الا انت سمهو علهلا سطور
یا اهیا شراهیا موهیا عطله عنفله ملهلا اذا الخلق
ابو هیم صم بکم عمی فهم لا یبصرون ٩٩٩٩٥٠ااع اا ١٩ اا ١٩٤

طالع قوس

بدانکه قوس خانه مشتریست و ستاره یعقوب پیغمبر است
هر آن مردی که بدین طالع در وجود آید شیرین زبان باشد و از صحبت
بزرگان با روزی باشد بر ساق پای یا بر گردن نشانی داشته باشد و

وبه فرزند در طالع او باشد شش پسر و شش دختر و از ریگ فرزندش خرمی بیند
و بیماری او از دل و شکم باشد باید که طباشیر و آب انار شیرین و آب گشنیز
باهم آمیزد و صباح ناشتا بخورد و در وقت شام قدری گل قند شکری
بخورد تا شفا یابد و چهار زن در طالع او مینماید و قران مرگ او در هفت
سالگی و بیست و پنج سالگی و چهل و دو سالگی باشد چون بگذرد عمر او بهشتاد
و دو سال برسد الله اعلم اما خداوند این طالع را سازد از جامها سفید
و از نگینها عقیق و از روزها پنجشنبه و از چهارپایان نرینه و از ماهها
ماه رمضان المبارک و چون پیش کسی رود بر دست چپ او بایستد
تا کارش برآید و عبدالله بن هلال گوید که خداوند این طالع را از
نظر بد بیم باشد باید که پیوسته دعای ام الصبیان با خود دارد
تا در امان خدا باشد و این دعا نیز نوشته در بازوی خود بندد
الدعا بسم الله الرحمن الرحیم یا حمید یا مجید یا غفور یا
ودود یا ذو العرش المجید فعال لما یرید یا نور السموات
والارض یا ذو الجلال والاکرام یا رحیم یا کریم
[illegible]
طالع جدی [illegible]

بدا

بدانکه جدی خداوند زحل است و ستارهٔ موسی علیه السلام است مر آن
مردی که بدین طالع در وجود آید سبز رنگ و لاغر اندام و نیکو قامت
و چرب زبان سرپا یا بر گردن نشانی داشته باشد آن نشانهٔ دولت
باشد و او را از جادوان و مکر زنان بر حذر باید بود و شش فرزند
در طالع او مینماید چهار پسر و دو دختر و بیشتر بیماری او از سردی و
خشکی باشد باید که هلیله و زرشک و خولنجان و آب انار شیرین با عسل
معجون کند و بخورد تا صحت یابد و چهار زن در طالع او باشد و قران
او بدوازده سالگی و هجده سالگی و سی و پنج سالگی چون بگذرد عمرش
بهفتاد و چهار سال برسد الله یعلم الغیب الا هو اما خداوند این طالع را بسازد
از جامها سبز و از نگینها یاقوت و از چهارپایان مادینه و چون ماه نو بیند
بر روی مادینه نگاه کند تا بر وی مبارک باشد و چون پیش کسی رود بر دست
راست او بایستد تا کارش برآید و خداوند این طالع در خوابش ترسد باید
که پیوسته این دعا با خود دارد تا از همه بلاها در امان خدا باشد الدعا
بسم الله الرحمن الرحیم عج الج اعج الجح عجح یا اهیا شراهیا
یا قدوس یا رب الملائکة والروح علیه طاهلیه علیه [illegible]

عنطوش یا قدوس یا دینوش عزمت علیکم یا عزم انه
من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم کما عزم یا حی یا قیوم یا دیان
یا برهان یا سلطان ـ ۹۵۱۵ ۱۱۱ طالع دلو جالینوس
حکیم میفرماید که دلو خانه زحل است ستاره حضرت امیر المومنین علیه السلام است
هر آن مردی که بدین طالع در وجود آید سبز رنگ و لاغر اندام و بخندان و دراز
عمر و فرزندانش بیشتر پسر باشند پسر و هفت دختر در طالع داشته باشد و
بیماری او بیشتر از درد سر و شقیقه باشد باید که صندل و گلاب در هم آمیزد
و در سر مالد و آب گشنیز و سرکه و گلاب در سر مالد و طبرزد و عرق بید مشک
با شکر شربت کند و نبات تا بخورد تا شفا یابد و در طالع او هیچ زن [illegible]
قران مرگ او چهار ساله و پانزده ساله و بیست ساله و سی و هفت ساله
چون ازین بگذرد عمرش هشتاد سال برسد لا یعلم الغیب الا هو اما خداوند
این طالع را لباس از جامها ازرق و از نگینها فیروزه و از چهارپایان اسب
و از روزها یکشنبه و جمعه و از ماهها ذی قعده چون ماه نو بیند بر روی
پسران نگاه کند تا کارش بر آید و باید که پیوسته این دعا با خود دارد تا از همه
آفات در پناه خدا باشد الدعا بسم الله الرحمن الرحیم

یا نور السموات والارض هیا یا هو یا هو الاول والاخر و
الظاهر والباطن یا برهان یا سبحان یا سلطان یا هیا شرا
هیا یا جبار کلوا اللهم احفظ صاحب التعویذ آمین
عا ۱۹۹ م م ۹۱۱۱ ددادد طالع حوت بدانکه حوت خداوند
مشتری است جالینوس حکیم صاحب گفته اند که حوت طبع وی سرد و تر است
ستاره یوسف پیغمبر است هر که بدین طالع زاده شود باشد نیکو روی و خوش
طبع همه کس او را دوست میدارند گفته اند که خداوند این طالع باید که حضرت
پیغمبر را در خواب ببیند بر گردن نشانی داشته باشد دوازده فرزند
بطالع اوست دو پسر و دو دختر و بیماری او از صفرا و بلغم باشد
باید که تمر هندی و آلوی بخارا و آب انار شیرین باشد تا بخورد تا شفا
یابد و دو زن بکند و از یکی زن خرمی بسیار ببیند و قران او در سر
و هفت ساله و سی و دو ساله چون ازین بگذرد عمرش هفتاد سال [illegible]
لا یعلم الغیب الا هو و صاحب این طالع را ساز از جامها سفید و از نگینها
عقیق و از روزها پنجشنبه و از ماهها ذی حجه و از چهارپایان ماده نیکو باشد
و چون ماه نو بیند بر روی قرآن نگاه کند تا بر وی مبارک گردد [illegible]

بن هلال گوید که صاحب این طالع از شر همزاد در بیم باشد باید که پیوسته
دعای چشم زخم و این دعا با خود دارد تا از همه بلیات محفوظ باشد الدعا
بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله التامات
من شر کل شیطان هامة ومن شر کل عین لامة
ومن شر السامة والهامة بحرمة قطب عالم وامة و
برهانه انت عافی صاحب القران ما هو شفاء ورحمة
للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا وصلی الله علی خیر
محمد وآله فصل در بیان طالع نامه زنان و احوال ایشان طالع حمل اجمعین
هر آن زنی که بطالع حمل در وجود آید زنی باشد نیکوروی و نیکوخوی و
شیرین زبان و بلند بالا و باریک ابرو و فراخ چشم و بدل مهربان
و در میان مردم دانا و زیرک باشد و از چهارپایان روزی مند باشد
زود خشم گیرد و زود آشتی کند و دل و زبانش با هم یکی باشد و شوهر او را
دوست دارد و فرزندانش بسیار باشد پیوسته او را خون ریخته دارد
و در اندامش نشانی باشد او را شوهری سازد که طالع او میزان باشد
تا با وی بسیار کار باشد و از خانه که زاده باشد بجای دیگر افتد و از آن

و آتش زحمتی بیند و اما بخیر بگذرد و بیماری او از زرد آب و غلبه خون باشد
باید که پیوسته نیلوفر در سر مالد که منفعت یابد و خداوند این طالع را سازد
از جامها سفید و از روزها سه شنبه و از نگینها فیروزه و از ماهها ماه محرم
نه فرزند در طالع اوست قران او بیک سالگی چهار سالگی و پانزده سالگی
و بیست و هشت سالگی چون از این بگذرد عمر او به شصت و هفت سال برسد لا یعلم
الغیب الا هو اما حکما بدانش چنین درج کرده اند که چون ماه نو بیند بر
روی سبزینه نگاه کند تا بروی مبارک باشد حمام رفتن روز چهارشنبه و
حاجت خواستن روز پنجشنبه جامه نو پوشیدن روز جمعه عید الدین سلال
میغ باید که خداوند این طالع از جادو و از شر جن در بیم باشد و باید که
پیوسته دعای چشم زخم و این دعا با خود دارد تا از همه بلاها ایمن باشد
الدعا بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم یا حنان یا
منان یا دیان یا برهان یا غفران یا رئوف یا سبحان یا
سلطان یا اهیا شراهیا الرحمن الرحیم یا مسبب الاسباب
اللهم احفظ صاحب الهیکل اصباوث یا تخیشا تخیشا
[illegible] طالع ثور بدانکه ثور خانه زهره ست

جالینوس حکیم و جاماسب گفته‌اند که ثور خانهٔ زهره است و برج ماده است
هر زنی که بدین طالع زاده باشد زنی باشد سفید و گشاده ابرو و عاقل
و زیرک و فربه و بزرگ سر و فراخ رو و خوش‌خو و در طالع او ده فرزند
باشد اما پیوسته از درد شکم در زحمت باشد و شوهر دوست باشد و
شوهر دوست باشد و در کوچکی زحمت بسیار بیند اما بخیر باشد و زود
خشم گیرد و زود آشتی کند خداوند این طالع را بباید از ماهها
محرم و از روزها روز دوشنبه حمام رفتن روز آدینه و حاجت خواستن
روز شنبه اما طبیعت او گرم و خشک است او را چیزی گرم و نرم سازد قران
وی بیک سالگی و پنج سالگی و سی و دو سالگی و چهل و پنج سالگی چون بگذرد
عمر او به هشتاد و دو سال برسد لا یعلم الغیب الا هو اما حکما بدانش چنین
درج کرده‌اند که خداوند این طالع را بباید از جامها سبز و زرد و از نگینها
پیروزه چون ماه نو بیند بر روی مادینه نگاه کند تا بر وی مبارک باشد
و حمام رفتن روز یکشنبه و حاجت خواستن روز دوشنبه جامه نو بریدن
و پوشیدن روز سه‌شنبه عبدالله سلام میفرماید که خداوند این طالع
[illegible] بود و از نظر بدان در بیم بود باید که پیوسته صلوات کبیر و این

دعا با خود دارد تا در امان خدا باشد الدعا بسم الله الرحمن الرحیم
یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا غفران یا سبحان
یا حی یا قیوم یا ذو الجلال و الاکرام یا هیا شراهیا اذونی
اصبا اوت آل شدای بحق ملحا ملحا المابه یا شمعونی یا
رحیم یا ودود طالع جوزا بدانکه جوزا خانهٔ عطارد است هر زنی
که بدین طالع در وجود آید زنی باشد سرخ و سفید فراخ رو و پیوسته
ابرو و فرزندانش بسیار باشند در طالع او شانزده فرزند بیاید نه
پسر و هفت دختر و بر ساق پا یا بر ناف نشانی داشته باشد آن
نشان دولت او باشد و او را در تابستان زحمت بسیار باشد حجامت
کردن و فصد کردن نیک باشد حکما فرموده‌اند که تخم چقندر و تخم
ترب و آب لیمو و عسل معجون کنند بخورد تا از همه علتها شفا یابد و قران
او در پنج سالگی و بیست سالگی یا سی و دو سالگی و چهل سالگی چون بگذرد
عمر او به هفتاد و چهار سال برسد لا یعلم الغیب الا هو و اما خداوند این طالع
بباید از جامها سبز و سرخ و از نگینها یاقوت و از ماهها جمادی الاول
و از روزها یکشنبه حاجت خواستن دوشنبه و حمام رفتن روز جمعه

طالع جوزا

و جامه نو بریدن و پوشیدن چهارشنبه و چون ماه نو بیند بر روی مرد...
نگاه کند تا بروی مبارک باشد و عبدالله بن هلال میفرماید که خداوند
این طالع از نظر همزاد و از جله جن در بیم بود باید که پیوسته عزایم
و این دعا با خود دارد تا از همه آفات ایمن گردد **الدعا** بسم الله الرحمن
الرحیم انا نحن نزلنا علیک القرآن تنزیلا و انا له لحافظون
فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین یا عظیم الرجال یا محسن
یا مجمل یا منعم یا مفضل یا لا اله الا انت یا عالم الغیب و
الشهادة و هو ارحم الراحمین و هو الواحد القهار
یا رب العالمین ۹ااا۲ااا طم ااا ﻪ ط اکا الا ااا ا ع ا ع

طالع سرطان جالینوس حکیم میفرماید که هر زنی که بدین طالع در وجود آید
زنی باشد کم آزار و گندم گون و شیرین زبان و نیکو چشم گشاده ابرو
و فرزندانش کمتر باشند یک پسر و سه دختر در طالع او بینما ید اما باد لغوه
و بیرانحت ... باید که هر صباح قدری سکنجبین با روغن بادام بخورد
شوهر او را دوست دارد و بیشتر بیماری از درد پستان یا بر سینه نشانی
دارد اما فرزند شوهر مبارک باشد و طبع او سرد و خشک است باید که هر صبح

گلاب و نبات بخورد تا از آفات محفوظ باشد و قران بیکسالگی و پنجسالگی
و پانزده سالگی و سی و چهار سالگی چون از این بگذرد عمرش بود سال دیگر
لایعلم الغیب الا هو اما خداوند این طالع را ابار و از جامها آبی و سبز
و از ماهها ربیع الآخر و از چهارپایان سم شکافته و از روزها دوشنبه
و حاجت خواستن پنجشنبه و حمام رفتن یکشنبه و جامه نو بریدن پوشیدن
روز سه شنبه عبدالله بن هلال میگوید که خداوند این طالع را از مکر زنی
بالا بلندی سبز رنگ بر حذر باید بود و چاه سنحراد بروی افتاده باید
که چله او را در روز چهارشنبه ببرند و دعای فرح با این دعا با خود دارد
تا از بلیات ایمن باشد **الدعا** بسم الله الرحمن الرحیم
اعوذ بکلمات الله التامات من شر کل شیطان و هامة
و من شر کل عین لامة و نزل من القرآن یا اخیر یا
کریم یا رحیم ااا اا لا اا ع ا ع ﻪ ااا آمین یا رب العالمین

طالع اسد جالینوس حکیم میفرماید که هر زنی که طالع اسد باشد
زن بود نیکو روی و نیکو خوی بر سینه نشانی داشته باشد آن نشان لعبت
باشد و بطالع او نه فرزند باشد هشت پسر و یک دختر و شوهر مبارک باشد
قد فرش

وبیماری او از باد سرد باشد باید که جلاب بخورد تا رفع آن علت شود اما
خداوند این طالع ساز د از جامها سفید و از نگینها یاقوت و از روزها روز جمعه
و از ماهها جمادی الآخر حمام رفتن روز یکشنبه حاجت خواستن روز چهارشنبه
جامه نو بریدن و پوشیدن روز دوشنبه چون ماه نو بیند بر روی سبزه
نگاه کند تا بروی مبارک باشد و از چهارپایان سم شکافته و قران او در هشت
ماهگی و پنجسالگی و نوزده سالگی و سی و چهار سالگی چون ازین بگذرد عمر او هشتاد
و پنجسال رسد لا یعلم الغیب الا هو و عبد الله بن هلال میفرماید که خداوند این
طالع از شر دیو و رجیم بود باید که بپوشند دعای گنج العرش و این دعا
با خود دارد تا از همه بلاها ایمن باشد الدعا بسم الله الرحمن الرحیم
انا نحن نزلنا علیک القرآن تنزیلا فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین
یا عظیم الرجاء یا محسن یا مجمل یا مفضل یا منعم یا علیم یا لا اله الا انت
عالم الغیب والشهادة وهو الفتاح العلیم القهار یا لا اله الا انت الوکیل
[illegible]

طالع سنبله

جالینوس و جاماسب حکیم گفته اند که هر زنی که بدین طالع زاده باشد زنی باشد
میانه بالا و خوش چشم فرزندان او بسیار باشند ده فرزند در طالع اوست

هشت پسر و دو دختر و هرگز درویشی نه بیند و قدم او بر شوهر مبارک
باشد طبع وی گرم و خشک است باید که آب لیمو با تمر هندی و آب انار شیرین
بخورد در هر صبح تا از همه علتها شفا یابد و قران وی در پنجسالگی و پانزده
سالگی و بیست و هفت سالگی چون بگذرد عمر او هفتاد و شش سال برسد
لا یعلم الغیب الا هو و خداوند این طالع را ساز د از ماهها رجب و از جامها
سبز و از چهارپایان گاو و گوسفند و از روزها شنبه و چون ماه نو بیند
بر روی دختران نگاه کند و حمام رفتن روز یکشنبه و حاجت خواستن
روز دوشنبه و از نگینها عقیق و جامه نو بریدن و پوشیدن روز جمعه عبد الله
بن هلال میفرماید که خداوند این طالع را از مردی سرخ روی ازرق
چشم بر حذر باید بود اما شب در خواب بترسد و چله سر زاد بر روی افتاده
باشد باید که چله او را ببرند و عزایم دیو بستن با خود دارد تا نجات یابد
و این دعا نیز نوشته در بازو بندد که از همه بلاها نجات یابد الدعا
بسم الله الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا
تأخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات یا موسع شیئا بسیط
بین الناس والرحمة الغیوب یا ستار العیوب یا غافر الذنوب

یا مقلب القلوب والابصار یا حی یا قیوم یا ذو الجلال و
الاکرام یا رب العالمین

طالع میزان جالینوس حکیم و جاماسب میفرمایند که هران زنی که بدین طالع
زاده باشد زنی باشد شیرین زبان و دل فریب نزد او ند جاه و نعمت
باشد ولیکن شوریده بود هر چند با مردم نیکی کند قدرش ندانند طبع
وی گرم و نرم باشد باید که زرنباد و عود و دارچینی معجون کند و هر صباح
ناشتا بخورد تا از همه بلاها نجات یابد خداوند این طالع را ساز دار از
جامها سرخ و از چهارپایان شتر کافته و از روزها پنجشنبه و از نگینها فیروزه
چون ماه نو بیند بر روی طلا نگاه کند تا بروی مبارک باشد حمام رفتن
روز یکشنبه حاجت خواستن پنجشنبه نو بریدن و پوشیدن باید که ساعت
اختیار کند تا مبارک باشد و بطالع او شانزده فرزند بیند ماید که پسر و هفت
دختر و قران وی در سه سالگی و هشت سالگی و بیست سالگی و سی و چهار سالگی
و شصت سالگی چون بگذرد عمرش نود سال برسد لا یعلم الغیب الا هو و
خداوند این طالع از زنی میانه بالای سیاه چشم بر حذر باید بود و چله
حیوانات هر دوی افتاده باید که بوسته این اسم را با خود دارد در روز چهارشنبه

چله او را ببرند تا در امان خدا باشد الدعا بسم الله الرحمن الرحیم
عزمت علیکم یا عزم انه المعز وانه صاحب المعجز کلمة
الله بسم الله الذی دابة یا خالقی یا صاحب القرآن یا هیا
شراهیا اذونی اصباؤت ال شدی والشدات همه فی
خذر یا ارحم الراحمین طالع عقرب جالینوس و جاماسب حکیم گفته
اند که هر زنی که بدین طالع در وجود آید زنی باشد سرخ و سفید و فربه میانه
بالا و زیرک و خوش چشم و فراخ سینه فرزندان او بیشتر ماده بینه باشد
و بر رخ نشانی داشته باشد و هشت فرزند در طالع اوست پنج دختر و سه پسر
و خداوند این طالع را ساز دار از جامها آبی و از ماهها شعبان و از نگینها لعل و
چهارپایان نر بینه و از روزها سه شنبه حاجت خواستن روز یکشنبه چون
ماه نو بیند بر نقره نگاه کند تا بروی مبارک باشد و حمام رفتن روز پنجشنبه
و بیماری او بیشتر از سردی باشد باید که قرنفل و روغن بادام بعسل معجون کند
و بخورد تا نجات یابد و قران او چهار سالگی و پانزده سالگی و بیست و شش
سالگی و پنجاه و دو سالگی چون ازین بگذرد عمر او هشتاد و هفت سال
برسد لا یعلم الغیب الا هو اما حکما یدانش چنین درج کرده اند که خداوند این طالع

از جمله مرده در چشم بود باید که حلوا و را ببرند و این دعا نوشته در بازو بندد

الدعا بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله
الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم وننزل
من القرآن الخ

طالع قوس جالینوس و جاماسب حکیم گفته اند که هر زنی که
بدین طالع در وجود آید زنی باشد که گاه گاه سخت خشم گیرد و پاکیزه
اندام بود بطالع او نه فرزند مینماید هفت پسر و دو دختر بر سینه یا شکم
نشانی داشته باشد آن نشانه نیکبختی و سعادت است بر شوهر مبارک باشد
و شوهر او را دوست دارد و طبع او کرم و نرمست باید که چیزهای سرد تناول
کند اما او را سازوار از جامها سبز و سفید و از نگینها فیروزه و چون جامه
نو سپید بر روی پسران نگاه کند تا بر وی مبارک باشد و او را سازوار
از روزها پنجشنبه و از ماهها رمضان المبارک و حمام رفتن روز چهارشنبه
و جامه نو بریدن و پوشیدن روز دوشنبه و حاجت خواستن روز
جمعه قران او در دو سالگی و شش سالگی و نوزده سالگی و سی و پنج سالگی
باشد چون بگذرد عمرش هشتاد و شش سال برسد اما خویشان او بروی

حسد برند و او را از زنی کوتاه بالای سفید رنگ بر حذر باید بود و پیوسته این
دعا با و دعا زبان بند با خود دارد تا از جمیع بلاها در امان خدا باشد

الدعا بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا قطب العالم
دامت برکاته انت عافی صاحب العاهات والآفات
والبلیات بحرمة سید السادات وننزل من القرآن تا آخر
۵۱۱۱ ۱۰ ۹ [illegible] ۱۱۱ ه

طالع جدی جالینوس حکیم میفرماید که هر
زنی که بدین طالع در وجود آید شیرین زبان و بر شوهر خود مهربان باشد و
بیشتر بیماری او از بادها و غلبه کردن خون باشد باید سکنجبین و آب انار
شیرین ناشتا بخورد تا شفا یابد و ده فرزند در طالع او مینماید چهار پسر
و شش دختر قران او در پنج سالگی و دوازده سالگی و بیست و دو سالگی
و سی و هشت سالگی چون بگذرد عمرش نود سال برسد لا یعلم الغیب الا الله
اما خداوند این طالع را بسیار دار از جامها آبی و از ماهها شوال و از روزها
پنجشنبه و از نگینها عقیق و از چهارپایان اسب شکافته و چون جامه نو برید
بر روی پسران نگاه کند تا بر وی مبارک باشد و حمام رفتن روز شنبه
و حاجات خواستن روز یکشنبه و جامه نو بریدن و پوشیدن [illegible] ساعت

اختیار کند اما صاحب این طالع از شر دیو در بیم بود باید که پیوسته این
دعا و دعای زبان بند با خود دارد تا از همه بلاها ایمن باشد الدعا
بسم الله الرحمن الرحیم یا رؤف یا رحیم یا کریم یا
غفور یا حلیم یا حکیم یا عظیم یا حنان یا منان یا دیان
یا برهان یا حی یا قیوم یا ذوالجلال والاکرام و تنزل
الی آخره [illegible] طالع دلو جالینوس حکیم
میفرماید که هر زنی که بدین طالع در وجود آید میانه بالا نیکو روی و دراز عمر
باشد بر سینه نشانی داشته باشد و قدم او بر مادر و پدر و شوهر مبارک
باشد فرزندانش بسیار باشد یازده فرزند در طالع او باشد هفت
پسر و چهار دختر اما خداوند این طالع را از ماهها ذوالحجه
از جامها سفید و از نگینها یشم و از روزها جمعه حمام رفتن روز یکشنبه
حاجت خواستن روز پنجشنبه چون ماه نو بیند بر روی قرآن نگاه کند تا
بر روی مبارک باشد قران او یک سالگی چهار سالگی و بیست و شش سالگی
و چهل و پنج سالگی چون بگذرد عمرش هفتاد و سه سال برسد لا یعلم الغیب الا
هو و خداوند این طالع خوابهای پریشان بیند باید که پیوسته این دعا

باخود دارد تا ایمن باشد الدعا بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان
یا منان یا دیان یا برهان یا غفران یا سبحان یا هیا شرا
هیا ادونی اصباوت عزمت علیکم یا هاهکر یا المون
المعز اخرج باذن الله تعالی ادفع هذا البلا [illegible]
طالع حوت جالینوس و جاماسب حکیم گفته اند که هر زنی که بدین طالع
در وجود آید بلند بالا و خوش صورت و شیرین زبان و با حیا باشد و حمیده
فرزند در طالع او مینماید دوازده پسر و شش دختر و شوهر او را دوست
داشته باشد چون بیمار شود چیز معتدل بخورد در گرمی و سردی تا شفا یابد
و در بیماری بیخودی بسیار گوید اما او را بهار زد از جامها چینی رنگ و
از نگینها فیروزه و زبرجد بحمام شدن روز دوشنبه و حاجت خواستن
روز جمعه و جامه نو بریدن و پوشیدن روز پنجشنبه قران او بیست سالگی
و سی سالگی و بیست و پنج سالگی و شصت و یک سالگی چون بگذرد عمر او بنود و
سال برسد لا یعلم الغیب الا هو و چون ماه نو بیند بر آب روان نگاه
کند تا بر وی مبارک باشد و خداوند این طالع از شر دیوان در بیم
بود باید که این دعا با خود دارد تا از بلاها ایمن باشد الدعا بسم الله

الرحمن الرحیم بسم الله الشاهد بسم الله التامات کلها
لله والحرمات والعیوق والایان والارحام الله لا اله
الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات
وما فی الارض قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرا
هیم انا کذلک نجزی المحسنین وانه لعبادنا المرسلین
١١١٨١٢٩٩ ٦٨١٨٤ ١١١٨٤ ١١١٥ ١١١٥ ١١٠١ ١١٠١

جهت دفع کژدم گزیده اگر کسی را کژدم گزیده باشد [illegible] خانی بخاید و بر انجا مالد درد را بنشاند
جهت آواز گرفته هر که پیچ طرخانی با خایه مرغ نیم برشته بخورد آوازش بگشاید
دفع خون رفتن از قضیب اگر کسی را خون از قضیب رود تخم کاشنی را بریان کند و بخورد خون رفتن را باز دارد
دفع علت جگر هر که را علت در جگر باشد آب کاشنی با شکر بخورد نافع باشد
جهت قوت جماع و دفع [illegible] اگر کسی تخم کرفس وقسی تخم جزر و قدری تخم شبت و قدری عود خام و قدری مصطکی با چندان شکر معجون سازد و هر روز پنج مثقال یا بیشتر بخورد معده را قوی کند و بلغم را ببرد و آب رفتن از دهان باز دارد و سردی بنشاند و طعام بگوارد و شهوت و جماع را قوت دهد چنانکه اگر کسی کنیزکی ازین

معجون

معجون بخورد اگر ده کنیزک داشته باشد همه را در یک شب خشنود کند
دفع سرما زده اگر اعضای کسی را سرما زده باشد شلغم پخته بر او گیرند نافع باشد
دفع خشکی در بدن هر که شلغم پخته در حمام بر بدن مالد خشکی از بدن ببرد و موی پیر سفید شود
دفع تب سه روزه اگر کسی آب ترب را با انگبین بخورد و قی کند معده را از بلغم پاک کند و تب سه روزه را ببرد
دفع سپل اگر کسی آب ترب را با آب پیاز سرخ در بینی مالد [illegible] ببرد
علاج گوش که آب در وی رفته باشد هر که آب ترب با زهره گوسفند بیامیزد و در گوش چکاند که آب رفته باشد در حال آب بیرون آید و درد را بنشاند
علاج سستی قضیب هر که را قضیب سست باشد دو درم تخم ترب را با روغن تازه بجوشاند و در قضیب مالد سخت شود مجرب است
علاج درد ناف و روده هر که را در روزها یا درد ناف باشد تخم ترب را با عسل بخورد درد بنشاند اما هر که بسیار خورد خشکی در بدن پیدا کند و خارش کند
علاج دراز شدن موی و دفع سم اگر کسی برگ چقندر را بجوشاند و بر سر آماس نهد اماس را بنشاند و وسوسه از خاطر ببرد
علاج مار گزیده اگر شخصی را مار گزیده باشد سیر را بکوبد و بر سر زخم نهند زهر بروی کار نکند و زهر را بیرون آرد
علاج سستی قضیب

هر که آب لاله را در سر کند شبکوری و درد شقیقه را ببرد و اگر لاله را
بجوشانند و در موی مالند بغایت سیاه شود **علاج خون رفتن بینی** هر کرا
خون از بینی آید لاله را بکوبد و آبش در پیشانی مالد خون بینی باز ایستد
علاج موش هر که سپر کلنک در جایی دود کند همه موشان آنجا
جمع شوند **علاج درد پشت و کمر** هر که مغز سر کرک با عسل بجوشانند و در حمام
بر بدن مالد درد پشت و میان زایل شود **علاج بواسیر** هر کرا بواسیر
باشد زهرهٔ خرس را با عسل بیامیزد و بخورد نیک شود **علاج مسمی** عبدالله
هلال گوید که اگر کسی خون موش با زاج سیاه بیامیزد و در مسمی طلا کند
آن علت بر طرف شود **علاج پیکان و غیره که در اعضا مانده** علاج آنست که خرگوش را
را ببرد و نیم کنند و بر سر زخم بندند که پیکان را بیرون کشد و
سپز موش نیز همین خاصیت دارد که پیکان را بدر برون میکشد
علاج آب رفتن چشم هر که زهرهٔ خروس در چشم کشد آب رفتن از چشم
باز دارد مجرب و آزموده است **علاج ناسور** هر که سرگین گنجشک و خیو
آدمی با هم مرهم کند و بر سر زخم نهد نیک شود **ایضا** هر زن که
سرگین گنجشک بعسل بیامیزد و بخورد هرگز آبستن نشود **قوت مجامعت**

هر کرا قضیب سست باشد سیر را با روغن بریان کند و بخورد و از آن روغن
بر ذکر مالد بغایت سخت شود **دفع کری گوش** هر که آب سیر با زهرهٔ گوسفند
بجوشاند و در گوش چکاند کری را ببرد **دفع مصروع** بدانکه بقراط
حکیم گوید هر که باول ماه مصروع شود باید که سیر سرخ را با آتش نهد و مصروع
را بدهد و آن ببارند تا آن دود باندام آورد که آن علت از وی زایل
شود **علاج اماس خصیه** هر که را خصیه اماس کرده باشد ریحان را بکوبند و
آب وی را بر خصیه مالند نیک شود و درد بنشاند **علاج سیاه شدن موی** هر که
را موی سفید شده باشد ریحان را بر روغن تازه بریان کند و در
موی مالد سیاه شود **علاج بیرون آمدن مقعد** اگر کسی را مقعد بیرون آمده باشد
ریحان را بکوبد و بجوشاند و مقعد را در آن مالد بجای خود نهد
دیگر بیرون نیاید **علاج بول کودک** اگر کودکی در جامهٔ خواب بول کند یک مثقال
و نیم آب ریحان بگیرد و با آب شبت بخورد کودک دهد دیگر در جامهٔ
خواب بول نکند **دفع خون شکم** هر که تخم ریحان و تخم شبت هر دو با هم
بر روغن بریان کند و بخورد خون رفتن از شکم باز دارد **علاج
شبکوری** هر که آب نرگس در چشم کشد شبکوری را دفع کند **علاج سیاه کردن موی**

هر کرا

هر که دل هدهد با خود نگاه دارد در وقت مجامعت قوت بسیار دهد
و شهوت بر شهوت بیفزاید **دانستن پسر و دختر در شکم** اگر خواهی بدانی که زن بپسر
آبستن است یا دختر قدحی را پر آب کنند و آن زن شیر خود را در آب
دوشد اگر شیر او در زیر آب رود نشان پسر است و اگر در روی آب
ایستد نشان دختر باشد **فصل در پیدا کردن دزد** اگر کسی بدزدی متهم شده
باشد این آیات بر نان نویسند و بدان کس دهند تا بخورد اگر آن کس
دزد باشد در گلوی او بماند **و آیه اینست** قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ
اللّٰهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ
حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَلَمَّا ذَهَبَ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ
وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ **دفع گنجشک از باغات و غیره** این
آیه بنویسد و در میان مزرعه یا باغ بیاویزد که نقصان نکنند
أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ
محبت شدن در شوهر هر زن که این آیات با خود دارد هرگز شوهر
او را نرنجاند و سخن بد نگوید **دعا اینست** أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا **علاج مصروع** هر که را سم خر را مانند نگینه

نرم

نرم شده و در انگشت مصروع کنند به شود البته و اگر پوست خر را در خانه
دود کنند جمله گزندها بگریزند **علاج شبکوری** اگر جگر بز را در آتش اندازند
تا کف کند و فلفل را بکوبد و در وی پاشد آنگاه آب او را در چشم کشد
شبکوری را ببرد **علاج آب سیاه چشم** اگر چشم کسی آب سیاه آورده باشد
بول بز را به بینی بگیرد و در چشم کشد به شود **علاج موضع چوب زده** هر که
پشکل بز را با عسل معجون کند مانند مرهم و بر زخم چوب زدگی نهد
درد را ببرد و جراحت به شود **علاج کسی که علف تلخ خورده باشد** اگر بزغاله را غلیه
کنند و بکسی بدهند که گیاه بد خورده باشد سود کند و به شود **علاج درد پهلو**
اگر کسی را درد پهلو باشد مغز شتر را با عسل معجون کند و بخورد نیک شود
علاج بچه مرده در شکم اگر زنی را بچه در شکم مرده باشد شیر سگ را با عسل آمیخته
و بخورد در حال بچه فرود آید **علاج تب ربع و تب گرم** هر که [illegible] باشد
استخوان خوک را با خود دارد بر طرف شود و اگر از آن خاک که خوک
بر آن غلطیده باشد کسی با خود نگاه دارد تب گرم و تب لرزه را ببرد
علاج بواسیر هر که را بواسیر بوده باشد قدری از خون یا گوشت خوک
بخورد آن علت بر طرف شود **علاج دیوانه** اگر کسی دیوانه شده باشد

شکنبه گربه را بخورد او دهند نیک شود **جهت محبت** عبدالله جلال گوید که
هر که پنج قطره خون از گوش راست گربه بگیرد و با غالیه بیامیزد و بهر کس که
مالد محب او شود و مهربان گردد **علاج مارگزیده** اگر کسی را مار گزیده باشد موش
را بگیرند و دو نیم کنند و گرما گرم بر آنجا بندند نیک شود **علاج بول گرفتن**
اگر کسی را بول گرفته باشد شکنبه و روده خارپشت را بریان کنند و بخورد
او دهند صحت یابد **علاج سفیدی در چشم** اگر زهره خارپشت را خشک کنی و نرم
صلایه کنی و در چشم کشی سفیدی را ببرد **علاج کیک** اگر پوست خارپشت را
خشک کنی و نرم در میان کاسه آب بمال هر چه کیک آن خانه باشد
در آن کاسه جمع شود **ایضا** اگر چربی خفاش را در دست مالد و آتش
در دست گیرد دست او نسوزد و اگر خون چغندر را در چشم کشند مژه
[illegible] بر نیاید و اگر کسی را موی بغل باشد خون چغندر را با سرکه بمالد تنک
شود **علاج سوختن اعضا** هر که استخوان ماکیان بساید و بر سوختگی اعضا
بنهد به شود **جهت محبت** هر که زهره ماکیان را با مردارسنگ بیامیزد
و در ذکر مالد و با هر زنی که جمع شود آن زن غیر او دیگری را نخواهد
علاج شکم رفتن هر که گوشت خروس را با نمک بجوشاند و بخورد کسی دهد که

شکم روش داشته باشد سود کند و به شود **جهت صید کردن غزالان** در ظلمات
گفته اند که هر که گندم را با گوگرد بجوشاند هر جانوری که از آن بخورد بمیرد
یا دیوانه شود **علاج شبکوری** هر که زهره کبک را خشک کند و بساید و در چشم
کشد شبکوری را ببرد **علاج زبان طفل که دیر بسخن در آید** هر طفل که دیر بسخن در آید زبان
او دشوار گردد زبان اسب را بخورد او دهند زبان او گردان شود **علاج
جراحت در بدن** هر که موی اسب بسوزاند و خاکستر او را با روغن زیت بیامیزد
و بر جراحت نهد نیک شود **علاج وضع حمل زنان** چون زنی را وضع حمل دشوار
باشد موی اسب را بسوزاند و خاکستر او را با روغن زیت بیامیزد و کوفته
بر گیرد زود باز نهد و اگر آب بینی اسب را تازه در گوش چکانند کری را
ببرد **علاج درد چشم** هر که را درد چشم باشد مغز سر شتر را بر چشم نهد درد ساکن
شود **علاج باد در اعضا** هر که کوهان شتر را پخته کند و بخورد باد اعضا بشکند
و سود کند **سیاه کردن موی** هر که زهره گوسفند برابر و [illegible]
شود **علاج آب رفتن چشم** هر که مغز استخوان میش را در چشم کشد آب رفتن
از چشم را سود کند **علاج شبکوری** اگر کسی شبکور باشد دار فلفل را بساید

و در چشم کشد شبکوری را ببرد و نیک شود علاج آبستن شدن زنان
هر که شیردان خرگوش را بریان کند و بخورد زن دهد و در حال با او صحبت
کند آبستن شود اگر خرگوش نر باشد پسر آرد و اگر ماده باشد دختر
آرد مجربست نوعی دیگر اگر اسرگین خرگوش را زن بخورد بر کبیر دا آبستن شود
البته علاج بند شدن بول هر که خرچنگ را بسوزاند و خاکستر او را بساید و
در آب کرده بخورد کسی دهد که بول او گرفته باشد گشاده شود و پارهٔ بر ذکر
مالد که سود کند علاج روشنی چشم هر که خرچنگ را در کوزهٔ نو کند و در زیر آتش کند
تا بسوزد آنگاه خورد بساید و در چشم کشد روشنی چشم را زیاده کند
و آب سیاه از چشم ببرد علاج مار گزیده اگر کسی را مار گزیده باشد خروس زرد را
بدو نیمه کنند و در آنجا بندند که مار گزیده باشد نیک شود علاج عقرب گزیده
هر که را عقرب گزیده باشد مغز خروس را بر سر زخم گزدم بندند در حال نیک
شود علاج سپیدی چشم هر که پوست تخم مرغ را بساید و از حریر بیزد و در چشم
کشد سپیدی را ببرد علاج تب لرزه هر که گوشت گنجشک را بریان کند و بخورد
تب را زایل گرداند و باد لقوه را ببرد اسکندر رومی گوید که هیچ گوشت

در تن آدمی بهتر از گوشت گنجشک نیست علاج خون شکم اگر کسی را
خون شکم باشد تخم ریحان و تخم مرو با روغن گل زرد و شمع و نبات
و شیرخشت در هم کند و سه روز بخورد رفع آن علت شود و شیرخشت
را اضافه کند علاج درد پشت هر که را درد پشت باشد نبات را با روغن بزرک
بمالد نافع بود و درد را بنشاند علاج درد سر اگر کسی را درد سر باشد سفند
سیاه و صندل سفید با گلاب در سر مالد به شود و درد سر را ببرد علاج
درد گوش هر که را درد گوش باشد آب گشنیز تر و آب پیاز سفید با زعفران درهم
بیامیزد وقت بله کند و پیاپی در گوش نهد درد را بنشاند البته علاج
گرفتن گوش اگر کسی را گوش گرفته باشد باید که آفتابه کوچک یا ابریقی را پر آب
کند و قدری ملک ازرق و گل سرخ و بادیان در آن آب بیزد و لولهٔ
او را محکم کند و بر سر آتش نهد تا بجوشد بعد از آن لوله او را بگشاید و در گوش
نهد تا بخار او بگوش او رود که بحکم خدا گوش او بگشاید علاج هزار پا که
در گوش رفته باشد اگر کسی را هزارپا در گوش رفته باشد قدری شیر گاو و قدری
پیچ چوب و شکر یا یکدیگر بجوشانند تا حل شود و در کوزه دهن تنگ
کند چنانکه گرم باشد و انگشت گوش در دهن کوزه نهد تا بخار آن بگوش رود

که بقدرت حق تعالی هزار پاره در کوزه افتد علاج درد سر هر که را درد سر باشد زهره
گاو در سر مالد درد را بنشاند علاج درد گوش هر که زهره گاو با آب انار و روغن
بادام در گوش چکاند درد گوش را ببرد علاج آتشک هر که را آتشک در
بدن بسیار باشد زهره گاو در بدن مالد دیگر آتشک نگیرد علاج تیر پیکان
که در اعضا مانده باشد اگر کسی را پیکان در اعضا مانده باشد سرگین گاو را با
روغن بجوشاند و برو بندد بیرون آید علاج خون بینی هر که را خون از
بینی آید خون گاو در بینی چکاند باز ایستد و اگر نه ایستد سمات دراز
گوش و بلغار و نمک طبرزد بر آتش اندازد خون بند شود علاج خون
رفتن از دهان هر که را خون از دهان آید شنبلیله و بادیان و مغز جوز در شکم بکوبد
و سه شب در دهان گیرد خون باز ایستد دفع گریه کودکان چون کودکی
بسیار گریه کند پوست کرگ در گردن او آویزند دیگر گریه نکند علاج استخوان
یا آبگینه یا آهن که در اعضا مانده باشد سرگین گوساله را با روغن گاو در آنجا بندند
بیرون آید البته علاج زنی که بچه از شکم در گردد پشکل گوسفند را با روغن گرم
کند و با پشم بچه ذبح کرده به شود علاج وضع حمل اگر سم اسب را در زیر زن
حامله دود کنی زود بار نهد علاج درد چشم چون کسی را درد چشم باشد

مغز استخوان گوسفند را در چشم کشد به شود علاج درد اعضا اگر کسی را
تمام اعضا درد کند روغن اسب را اندام مالد درد را ببرد و نیک شود
علاج خون بینی هر که را خون از بینی آید سرگین گوره خر را تر کند و در سوراخ
بینی نهد خون بند شود علاج سپرز هر که را سپرز باشد سر گربه را با کلاغ
بجوشاند و ناشتا بخورد آن علت برطرف شود علاج کرم در اعضا
هر که چوب اسفند را بسوزاند و خاکستر او را در جائی که کرم افتاده باشد بریزد
همه بمیرند و اگر برگ درخت انار بکوبند و در جائی که کرم افتاده باشد
بریزد همه بمیرند علاج درد ناف و درد گوش با آنکه طبع سیر گرم و خشک است
و هر که سیر را در آتش پخته کند و بخورد درد ناف را سود کند و اگر سیر را با
زهره گوسفند بجوشاند و در گوش چکاند درد گوش را بنشاند علاج
قی کردن باید که یک درم گل ارمنی و یک درم گشنیز را با هم بکوبند و بخورد و او
دهند که قی را باز دارد و بادهای گرم را سود دارد دفع باد در خصیه
اگر کسی را باد در خصیه افتاده باشد اقدری زعفران بمالد شفا یابد دفع خون
بینی کافور سرد و خشک است اگر با آب غوره در بینی چکاند خون رفتن
از بینی باز دارد علاج درد پشت هارون حکیم گوید که هر که را درد پشت

باشد پارهٔ صمغ عربی و سداب در رحم بجوشاند و با روغن بزرک و زرمیا
در پشت بمالد و درد را بنشاند علاج یرقان بقراط حکیم گوید اگر کسی را یرقان
باشد مازو را بکوبد و در آب بجوشاند و آن آب را بر خود مالد و پارهٔ با پنبه
بر گیرد و در مقعد نهد یرقان را ببرد علاج آب بسیار خوردن هر که از خوردن آب
سیر نشود باید خشت پخته را در آتش اندازد تا سرخ شود و آن خشت
را در میان طاس آب اندازد تا بجوشد بعد از آن آب را بگذارد تا سرد
شود و هر وقت که تشنه شود از آن آب بخورد تشنگی او کمتر شود
علاج کرم در گوش افتاده اگر کسی را در گوش کرم افتاده باشد پنج قطره آب برگ
شفتالو را با قطران بیامیزد و در گوش چکاند کرم را بکشد و درد بنشاند
علاج زیاده شدن شیر زنان اگر زنی را شیر در پستان زیاده شده باشد بیله را
بکوبد و در پستان مالد شیر او کم شود علاج کم شدن شیر زنان اگر زنی را شیر کم
باشد شبید و پنبه دانه را بکوبد و مغز او را گرفته و سه روز ناشتا بخورد شیر
او زیاده شود علاج کلف هر که را کلف باشد دارچینی را بکوبد و با سرکه
ترش بجوشاند و بر کلف مالد آن علت بر طرف شود نوعی دیگر حکیم
پرویز گوید که سرگین گنجشک و آب تره خوان را با سرکه ترش بیامیزد و

بر کلف مالد آن علت بر طرف شود علاج خوک هر که را علت خوک باشد
تخم کتان با سرگین کبوتر و سرکه ترش بهم بیامیزد و بر ریش خوک
نهد شفا یابد علاج درد سر هر که را درد سر باشد مورد را در سر و گوش مالد
شفا یابد و درد بنشاند علاج درد دندان هر که را درد دندان باشد مورد
را در دندان گیرد و درد را بنشاند علاج کودک مرده در شکم جالینوس حکیم گوید اگر زنی
را بچه در شکم مرده باشد شراب بخورد کودک مرده بیفتد علاج زنان که خواهد
بچه بیندازد هر که سداب بخورد و بر دارد بچه از وی جدا شود علاج ریختن موی سر
اگر زنی را موی سست باشد و خواهد که مویش نریزد تخم مورد را بسوزاند
و خاکستر او را با روغن زیتون بیامیزد و در موی مالد بیخ موی را
محکم کند علاج طپیدن دل اگر کسی را طپیدن دل باشد از زحمت خفقان
باشد و معده ضعیف شده باشد باید که سه روز هر روز یک درم مصطکی
را ناشتا بخورد که دل را قوی کند و معده را قوت دهد و آن علت را
دفع کند و بسیار فایده دارد علاج باد سرخ اگر کسی را باد سرخ پدید آمده
باشد پارهٔ آرد باقلا و آرد جو و روغن شتر بهم بیامیزد و بر آنجا
نهد که باد باشد بهتر شود علاج درد سر هر که را درد سر باشد شمامه ...

ترکی و سرکه در سر مالد شفا یابد علاج ناسور در بینی و خراغا اگر کسی را در بینی و غیره ناسور
باشد کافور با زرنیخ سرخ در بینی او دمند به شود علاج سردی و خشکی اگر کسی را
سردی و خشکی باشد مویز طایفی را با روغن بنفشه بریان کند و قرنفل
در میانش افکند و ناشتا بخورد صفرا را ببرد علاج درد شقیقه اگر کسی را درد
شقیقه باشد آب چغندر را بگیرد و در بینی چکاند به شود دفع بادها در
بدن هر که خرچنگ را با آتش پخته کند و بخورد هر بادی که در بدن او باشد
برطرف شود علاج زخم چارپایان اگر استخوان ماده گاو را بسوزند و با خون
سیاوشان و نمک بر زخم چارپا نهند درست شود خصوصا آب
علاج اعضای آدمی که خشک شده باشد اگر مغز استخوان گاو زرد با روغن جوز بگذارد و
بر دست و پای خشک شده مالد سود کند دفع درد زانو و ناخن اگر شکل خرگوش
میشینه با آرد جو بر شنده و بر ورم و آماس سخت بنهند سود کند و
درد زانو را نفع کند و این خود آزموده من که این کتابم مولفم علاج ضیق
النفس اگر زهره گوسفند میشینه با کل یا با عسل بخورد کسی دهند که او را
تنگ نفس باشد سود کند علاج قبض شکم اگر زهره گوسفند بر ناف کسی مالند
که قبض باشد شکم او بر آید و شکم او صاف شود علاج خارش مقعد اگر

مغز

مغز شفتالو با زهره گوسفند بکوبند و شافه کنند خارش مقعد را سود کند
قوی شدن قضیب هر که روغن پنبه بز سرخ را گرفته بر قضیب مالد قوی شود
علاج دندان که خرابی کنند اگر پیه بز و مغز بادام تلخ و مغز زردآلو تلخ همه
باهم بکوبند هر دندانی که ازان بخورد بمیرد و پیه میش نیز چنین است
علاج بول کودک اگر سم بز در زیر کودک دود کنند که در جامه خواب
بول کند سود دارد خواص شیر میش که ازان چیزی نویسند شیر میش چون گرم باشد و ازان
چیزی نویسند هیچ پیدا نباشد و چون در آب افگنند آنچه نوشته باشد
توان خواند علاج سپرز هر که را طحال باشد گوشت پشت میش را در
آتش کباب کند و از آتش برگیرد و در سرکه ترش افکند پس بردارد
بخاید و آب او را فرو برد و سپرز را برطرف کند علاج حامله شدن هر که بول
سگ بر قضیب مالد و با زن مجامعت کند آبستن شود علاج خو
اگر مغز سر سگ بر خوک نهند که در گردن بر آمده باشد سود کند و به شود
علاج بچه که در شکم مرده شده اگر شیر سگ با عسل بخورد زنی دهند که بچه در شکم
او مرده باشد کودک در حال ازو جدا شود علاج طپیدن دل هر که جگر
روباه را خشک کند و خورد و باید با عسل بیامیزد و بخورد طپیدن دل

دل را سود کند علاج درد پهلو هر که گوشت روباه را با دوشاب بپزد و بخورد
پس هر که را درد پیوندهای اعضای باشد بر آن بمالد سود کند علاج بچه
مرده در شکم اگر سرگین کرکس سیاه در زیر زنی دود کنند که بچه در شکم او مرده
باشد کودک بیفتد علاج کرم و جراحت اگر استخوان گوسفند میش را
بسوزانند و با شیر زنان مرهم کنند و در زخمی نهند که در او کرم افتاده
باشد همه را بکشد علاج آب رفتن از دهان هر که تخم اسفند با نمک بخورد آب رفتن
از دهان را سود کند و معده را قوی کند علاج سیاه شدن موی هر که برگ ترب را
بکوبد و بجوشد و در موی مالد سیاه شود علاج خون شکم هر که شاخ گاو کوهی
بکوبد و بخورد کسی دهد که خون شکم بسته باشد در حال برطرف شود
علاج درد پشت و سستی کمر هر که را سستی کمر باشد و پشت درد کند سیر را
بجوشاند و گرماگرم بخورد پشت او قوی شود و سودا ببرد علاج تب
و لرز هر که را تب لرز باشد چون وقت شود لعاب کاه و زبان را با سکنجبین
بهم گرم کند و بخورد که شفا یابد جهت خواب رفتن هر که را خواب نباشد شکر
و خشخاش از هر کدام یک درم جدا جدا بکوبد و با هم آمیزد و هفت روز
بخورد که خواب خوش آرد علاج درد دندان هر که را درد دندان باشد شیر

خر را بگیرد و یک درم در دهان نگاه دارد آن درد برطرف شود علاج
دیوانه اگر کسی دیوانه شده باشد زهره خوک را با بول زنان در هم آمیزد
و در بینی چکاند بهتر شود علاج درد سر و نیم سر هر که تخم کاشنی بکوبد با گلاب
در بینی مالد و درد سر و نیم سر را دفع کند علاج وضع حمل هر که
موی سر آدمی بسوزاند و خاکستر آن را با آب گرم کند و بر سر زن نهد در
حال بار نهد و اگر آن خاکستر بر جراحت کنند به شود علاج روشن کردن
چشم حیوان هر که نوشادر و خون سیاوشان نرم بکوبد و در هم آمیزد
و در چشم چهارپای کشد که سفید باشد روشن شود علاج بیرون آمدن معده
هر که را معده بیرون آید تخم مورد را با پوست انار در کاسه گلین بجوشاند
و در وقتی که معده بیرون آید معده را بر آن آلوده کند و در جای خود
نهد دیگر بیرون نیاید و خون شکم بند شود علاج سرفه کهنه هر که انجیر را بجوشاند
و آبش بخورد سرفه کهنه را ببرد و آواز بگشاید اما باد انگیز باشد
و دهان را سست کند علاج تب لرز هر که را تب لرزه باشد خانه عنکبوت
بخورد برطرف شود علاج درد شکم هر که اسبی درد شکم داشته باشد
یک درم سرگین سگ که خشک باشد با نیم آب بجوشاند و در گلوی آب ریزد

پشود علاج پیچ شکم بدانکه زیل کرم و خشکی و درد دندان و لقوه و مفاصل
و فالج و سرفه کهنه را سود دارد و باد ها بشکند و پیچیدن شکم را سود دارد
و کرم شکم را بکشد علاج اماس گوش هر که را گوش اماس کرده باشد گشنیز و تخم
کاهو را بجا بندند شفا یابد علاج لقوه هر که شونیز بریان کرده در کرباس
بندد و ببوید لقوه را سود کند علاج لقوه هر که شونیز با زعفران و گلاب
بیامیزد و در بینی صاحب لقوه چکاند بهتر شود علاج یرقان هر که پیاز را
بکوبد و بجوشاند و بر یرقان بندد نیک شود و هم زان بشاید کند
و مقعد بند یرقان ببرد علاج ابله چشم هر که آب کاهو در چشم کشد آبله را از
چشم ببرد و نیک شود علاج بواسیر هر که پیه ورم تخم کند ناویت
ورم روغن گل و پیه ورم فاید بخورد همان روز بواسیر را ببرد و
یا خون از شکم باز دارد علاج تب لرزه هر که خر چنگ را بریان کند
و بخورد و تب ربع و تب لرزه را سود کند حبه عجب زنان هر که زهره مرغ خانگی
با مرداسنگ و رهم آمیزد و در ذکر مالد با هر زن که جمع شود از
عشق بیقرار شود دفع دریستیغ هر که آب پیاز سرخ در بینی چکاند درستی
را بر طرف کند علاج ریگ مثانه هر که نرگس را بکوبد و آب او را در پشت زهار

مالد ریگ مثانه پاک شود علاج سر ماده گنده هر که موی خر گوش در زیر
دامن خود دود کند سرما بروی کار نکند آبادانی خانه علاج سر خر کهنه هر که را سرفه
کهنه باشد گشنیز و شکر با شیر میش در هم آمیزد و سه روز ناشتا
بخورد دفع آن مرض شود آبادانی خانه هر که کله خر در میان خانه
در خاک کند هرگز آن خانه خراب نشود علاج باد خصیه هر که نرگس را بکوبد
و با زهره گاو حل کند و با تخم پیاز و روغن بخورد باد خصیه را دفع کند
علاج خواب بردن و بیدار بودن هر که پیه روباه بر پیشانی خود مالد یا بر پیشانی کسی
خوابش ببرد حبه قوت مجامعت هر که در جماع سست باشد تخم مورد و فلفل
از هر کدام پنج درم بکوبد و اندکی عسل اضافه نماید و بخورد و اگر ده زن
داشته باشد همه را خوشنود کند و هر که تخم زردک با دنبه بریان کند
و بخورد قوت او زیاده شود ایضا هر که نیم درم در دهان نگهدارد
تا بوقت خواب در قضیب مالد و با هر زن که مجامعت کند لذت تمام
یابد و زن از وی ناشکیبد علاج تب ربع هر که را تب ربع باشد استخوان
پای خروس را با خود دارد و در بازو بندد بر طرف شود علاج خون شکم
هر که را خون شکم باشد علاج آنست که پستان را بجوشاند و شیره

اوراصاف کنند وبعد از آن بجوشانند تا بقوام آید و روغن بادام بگیرد
و داخل کنند و سه روز پیوسته بخورد نافع باشد علاج درد دست هرکه را
پیچ دست درد کند سیر پخته در طعام بخورد نافع باشد علاج سر کل
هرکه سم استر را بسوزاند خاکسترش با روغن زیبق بسر کچل مالد موی
برآرد علاج هزارپا هرکه را هزارپا در گوش رفته باشد باید که عقرب را
بگیرند و پیش دماغ او بدارند که هزارپا بیرون آید علاج گزیدن سگ
دیوانه و مار و عقرب اگر بول کودک نارسیده بر گزندگی مار و عقرب و سگ دیوانه بمالند
نافع باشد علاج بچه مرده در شکم و ریگ مثانه تخم کندنا کرم و خشک کرده
را بکشد و بچه مرده از شکم فرود آرد و ریگ از مثانه پاک کند علاج
مرد بسته اگر خفاش را خشک کنند و بسایند و با روغن یاسمین بر ذکر مالند
مرد بسته بگشاید و ذکر را بزرگ کند دفع درد دندان هرکه صمغ سماق
در دندان گیرد درد را بنشاند علاج خون شکم و ربع هرکه مرغ سیاه را
بگشاید و شکم او را پر از کاسنی کند و بخورد خون شکم را ساکن کند
و تب ربع را سود داشته باشد جهت مجامعت هرکه زهره خروس را بر ران
بندد چندانکه خواهد جماع تواند کرد علاج قولنج هرکه را قولنج باشد

آیة الکرسی را بمشک و زعفران بر طبق سفید بنویسد و بشوید و بخورد در
حال شفا یابد علاج لقوه بستانند خون سیاوشان و جو شیر با هم بکوبند
و در بینی چکانند و این طلسم در بازو بندد ف ه م م ا ا سبع
والملاء الاهم سامی علاج ثالول در روز آخر ماه این دعا بر سه دانه
جو بخوانند و بر دانها مالد و در زمین نمناک دفن کنند چون دانها گنده
شود بلا برطرف شود ومثل کلمة خبیثة اجتثت من
فوق الارض ما لها من قرار دفع درد چشم بردارد پنبه و تر کند
و در چشم نهد و این دعا بروی خواند درد ساکن شود عین الشمس
فی لجة البحر یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم
جهت محبت خلق حضرت امیر علیه السلام فرموده که هر که این آیه بر طعام
خواند و بخورد دیگری دهد محب او شود الا تعلوا علی و اتونی مسلمین
لولا ان ربطنا علی قلبها لتکون من المومنین دفع
تب لرزه بر هر دو کف دست مریض بنویسد ایضا دفع
تب لرزه این شکل را بر ناخن صاحب تب لرزه بنویسد او با کویا
دفع تب لرزه بنویسد بر کاغذ و هر روز یکی را ناشتا بخورد ا بلم لله

فرت ۲ بسم الله مرت ۳ بسم الله قلت و این دعا با خود
دارد وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم اسکن
ایتها الریح اسکن بالذی سکن ما فی اللیل والنهار و
هو السمیع العلیم دفع قبض شکم طفل دو عدد سوزن کار نکرده در میان
لنگری آب انداز و روغن پاک نیز پاره در آب ریزد و سوره لا اقسم
بیوم القیمة و سوره والسماء والطارق والم ترکیف بر آن بخواند
و با کارد چهار پاره کند و آن روغن را بر دارد با سوزنها و بر شکم مریض
مالد که شفا یابد دفع وضع حمل چون وضع حمل دشوار باشد این دعا را
بنویسد و با گوشت آب بجوشاند و بخورد زن دهد و دیگر باره بنویسد
و بر پشت او بندد بزودی خلاص شود بسم الله الرحمن الرحیم
اذا السماء انشقت یخرج من بین الصلب والترائب امها
جها و یحب لصالحین یا کریم یا غفور یا رحیم

۲	۲	۳
۲	۳	٠

جهت دفع درد چشم این آیه را سه بار بر آب خواند و روی خود را از آن آب
بشوید چشم وی از آفات سالم باشد فکشفنا عنک غطاءک
فبصرک الیوم حدید ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا

الصراط

دفع تب لرز

الصراط فانی یبصرون دفع تب لرز این اشکال را روز یکشنبه
بنویسد و هر روز یکی را بگلاب یا آب بشوید و بخورد که شفاست
[illegible]
دفع درد ساق پا این دعا را بر ساق پا نویسد ولقد خلقنا
السموات والارض وما بینهما فی ستة ایام وما مسنا
من لغوب دفع خشکی که کرک گویند وصله نمک دارد و بر آن موضع
مالد و سه بار آیه لو انزلنا هذا القرآن بر آن بخواند و در تنوری اندازد
که آتش سوزد و علی الفور باز گردد که دفع آن شود علاج قبض شکم
این دعا را بر روغن خواند و بر شکم مالد که نافع است ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی
امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر ففتحنا ابواب
کل شیء باسم فلان بن فلان اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء
حی افلا یؤمنون جهت ترسیدن از برکات سیل طفل چون تخمی از برکه
واهمه داشته باشد در وقتی که در برابر او رود این دعا بخواند اکبر
واهمه دشتم

دفع کرد

۲۸/۲

مهربان و مطیع گردد البته فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ دفع باد سرخ این دعا بخوانند و بر وی
دمند باز گردد ان شاء الله تعالی حمراء الدم صفراء الدم بیضاء
اللبن اسکن بعزة الله تعالی ایها الورم من کل
ضرر و اسم علاج درد سر هر گاه درد سر نزدیک پیشانی باشد غلبه خون
باشد باید که خون کم کند بفصد یا حجامت کردن ایضا اگر درد سر
باشد زیادتی بلغم باشد علاج آنست که سکنجبین قی کند و آب ترب
و آب شبت بر بالای آن موضع نهد تا خلطی که در معده باشد مستفرق شود
و آب ترب و آب شبت را گرم کرده بخورد و پارهٔ هلیله پرورده یا امله پرورده
تناول کند و اگر با ایارج فیقرا غرغره کند در حال شفا یابد ایضا
اگر نیمهٔ سر باشد علاج آنست که پارهٔ خرقهٔ کتان را بروغن گل
و سرکه تر کند و در پیش سر نهد یا خرقه را با شیر دختران بیالاید
با روغن و در سر اندازد یا کف پای را بروغن بنفشه در سر مالد
یا گل نیلوفر ببوید یا مغز خیار را با سرکه تر ساخته بخورد یا
سعتر و ترب را در بیوان بپاشامد جهت حامله شدن هر زن که

سرکین

سرکین انگشت در زیر خود دود کند و خود را بدان دود دارد بهمان لحظه
مرد با وی جمع شود در حال آبستن شود ایضا هر زن که یک مثقال تخم
شبت را بساید و با انگبین شافه کند و بخود بر دارد حامله شود ایضا
هر زن که تخم [illegible] را بساید و با عسل شیاف کند و با خود بر دارد حامله شود
اما وقتی باید که از حیض پاک شده باشد و تا ده روز دیگر مرد با زن نزدیکی
نکند و زن چیز سنگین بر ندارد و از جای بلند فرو نجهد در سفیدی [illegible]
چوه بردارد و از سرب دو قلع هر یک [illegible] داخل وی کند و در کف دست
بهم بمالد تا نیک حل شود و بعد از آن بردارد و در روی مس بمالد تا [illegible]
شود و بعد از آن یک دانه بلادر را بردارد و در روی مس [illegible] کند و روغن
او را در روی مس بمالد تا برنگ نقره شود علاج تب گرم هر یک [illegible]
بنویسد هر روز ناشتا او را صاحب مرض بخورد تا به شود ۱ عقلت
باذن الله ۲ شددت باذن الله ۳ سکنت باذن الله
دفع گل خوردن اطفال بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم لا طیر الا طیرک و لا خیر الا خیرک و لا اله غیرک
لا ملجأ و لا منجا منک الا الیک لا یأتی بالحسنات الا [illegible]

۲۸،۳

وَلَا يَصْرِفُ السَّيِّئَاتِ إِلَّا أَنْتَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ وَلَا
شَيْءَ إِلَّا مَا شِئْتَ حَسْبِيَ أَنْتَ رَبِّي تَمْنَعُ التُّرَابَ لِصَاحِبِهِ فلان
بن فلان دفع تب لرز این طلسم را روز شنبه بر تخم مرغ نویسد
و کهنه پیچد و در زیر آتش کند تا پخته شود و صاحب تب لرز بخورد شفا
یابد و تخم را باید که روز شنبه مرغ کرده باشد دعا... ولي ولي ولي ودمي
ودمي کسهم کسهم ملتا نطفی لباکسهم دفع شفقه و خنج
و آفات محصول این دعا را بنویسد و در سر چوب بندد و در صحرا بزمین فرو کند
آن آفات بر طرف شود ه وَمَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ
أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ
رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكَةً طَيِّبَةً فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ
وَحَبَّ الْحَصِيدِ جهت پیدا کردن دزد باید که آفتابه گلین بستانند که آب
ندیده باشد و اسم کسانی که متهم باشند یک یک بنویسد و در لوله آفتابه
بندد و آفتابه را دو کس از دو جانب به انگشت مهین نگهدارند و سوره
یس تا اجر کریم بخوانند و بر آفتابه دمد باسم هر که بگردد آن کس دزد باشد

دفع درد شکم بنویسد و بر شکم بندد اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ
إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا
دفع درد چشم بنویسد و در بالای چشم بندد نافعست فَارْجِعِ
الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ
إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ دفع شر رسیدن از امرا و سلاطین هر که
خطائی کرده باشد و از پادشاه یا حاکم ترسد این اسما بنویسد و با خود
بندد و چون پیش ایشان رود باوی نوازش کنند و ضرری بوی
نرسانند بطوشیا بطوشیا قهار یا قهار مقدار
حيا قيوما جبارا یکتب علی کفن المیت این من مسائل منکر و نکیر
از عبد الله انصاری منقولست که این بیت را هر که در کفن میت نویسد
عذاب قبر و سؤال نکیر و منکر ایمن باشد ه عودم چه نبود چو ...
آوردم ه روی سیه و موی سفید آوردم ه خود گفته بدی که
کز نا امیدی کفرست ه من کفر نکرد اشتم امید آوردم
علی کفن المیت وَفَدْتُ عَلَى الْكَرِيمِ بِغَيْرِ زَادٍ ه مِنَ الْحَسَنَاتِ
وَالْقَلْبِ السَّلِيمِ ه فَحَمْلُ الزَّادِ أَقْبَحُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ه إِذَا

كان الوقود على الكريم ۞ يا قاهراً بالمنايا كل قهاري ۞ بنور
وجهك اعتقني من النار ۞ اليك اسلمني من كان يعضدني ۞
من اهل وذي واصحاب وانصاري ۞ في قعر مظلمة غبراء مو
حشة ۞ فرداً غريباً وحيداً تحت احجاري ۞ امسيت ضيفك
يا ذا الجود مرتهناً ۞ وانت اكرم منزول به قاري ۞ فاجعل قرى
بفضل منك مغفرة ۞ اغدوا اليك بها يا خير غفاري ۞ در دانستن
قلب و غش زر که از کجا باشد چون خواهد که در قلب و مغشوش را بشناسد این آیه را
بخواند و آن زر را از آن رو بطرف دیگر بگرداند قلب و غش آن برو ظاهر شود
و همچنین هر چیزی را که خواهد بشناسد آن چیز را بدست گیرد و این آیه
بخواند اگر عیبی و شنعه باشد برو ظاهر گردد سورة النمل وقل الحمد لله سيريكم
آياته فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون افسون فرج گفتار
بسم الله الرحمن الرحيم وشمالي وشمالي والاجملي
جمالاً مسمنا يا بدين يا حرجت لله يا شعر البقر يا شعر
الفرس يا شعر الغنم يا شعر الجانوران روی زمین اهيا
شراهيا فل افلح العرف العرف القنم القنم المخ المخ

بحق توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف
ابرهیم و فرقان محمد مصطفی صلعم افسون کردم این فرج گفتار را
از جهت دوستی و محبت فلان بن فلان از جمله خلایق نر
و ماده و خورد و بزرگ از سیاه و سپید و ترک و تاجیک و
عرب و عجم از بنده و آزاد از فرزندان آدم و بنات حوا
بردارنده این کس گفتار افسون کردم این فرج گفتار را
بحق آن دیو که در سر کوه هست و در بن کوه هست و در میان
کوه هست و بحق آن دیو که در سر دریاهاست و در آتشهاست و
در میان آتشهاست و در کنار آتشهاست و آن دیوی که در
میان خانهاست افسون کردم [illegible] فلان بن فلان علی محبت
الخلایق بفرمان خدای عز و جل علاج گوسفندان که شیر آب کنند
این دعا بنویسد و در آب روان اندازد که شفا یابد و بچه بیندازد بعون الله
خدا ۸ ۴۴ اح ح عو اح عاول دا اسار علاج اسپان
که آبستن نشوند این دعا بنویسد و در گردن اسب بندد که آبستن شود بعون الله
خدا بسم الله الرحمن الرحيم والنازعات غرقا والنا

شطات نشطا والسابحات سبحا یا کریم یا نور یا حکیم
اقسمت لا یبقین فیها سمّا ولا نفورا **علاج علت بیماری گوسفندان**
از دمیدن باد و لنگیدن و شیر کم کردن و شیر خون کردن و زهره
بزرگ شدن و دندان بر هم زدن و طبق و طاسه بستاند مشتی تخم
اسفند و آب بجوشاند و تعویذ را با آن آب بر آورد و تعویذ را بیرون
آورد و در میان گله افشاند و تعویذ در گردن گوسفندی بندد که ان شاء
الله دفع شود **الدعا** بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی
الغنم حتی جمل من بطن الغنم ولقد اضل البتیل و
فتحا من بطن الغنم یا هیا شراهیا واشار و تار امنت وقد ع
فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم کم کم کم لم لم لم بحق
محمد المصطفی و بحق سید المرتضی یا رب شفا بخش
بسم الله و الجن و زلزلت بحق توریة موسی و انجیل
عیسی و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان محمد
المصطفی ص اعوذ بقدرة من دابة لعبید فلینب کم

بید زرد خواند و بیاویزد تا خشک شود آن علت بر طرف شود **الدعا**
بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا
یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع
العلیم اخرج اخرج باذن الله تعالی بحق توریة موسی و
انجیل عیسی و زبور داود و صحف ابرهیم و فرقان محمد
مصطفی صلی الله علیه و آله و نزل من القرآن الی آخره **دفع
بند شدن بول** بر هر دو پا بنویسد که ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر
وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر وحملناه
علی ذات الواح ودسر تجری باعیننا جزاء لمن کان کفر
علاج تب و لرز شکلها بر روی نان نویسد و هر روز یکی را ناشتا
بخورد البته احتیاج بروز سیم نمیشود **روز اول** قلصفه **روز دویم**
تفاصفه **روز سیم** قلتصفه **حتبه روشنی چشم** هر که را روشنی چشم کم باشد
بول گاو سرخ را با عسل در چشم کشد روشنی زیاده شود **حتبه کطبت**
هر که این اسم بزرگوار بر نقل یا نبات یا قرص سی نکوبت بخواند و باد
بر و دمد و بدهد تا آن کس بخورد کطبت در دل او جا کند و دست او بر دارد

ا ب ج د ه و ز ح ط ي ك ل م ن س ع ف ص
١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ٢٠ ٣٠ ٤٠ ٥٠ ٦٠ ٧٠ ٨٠ ٩٠

ق ر ش ت
١٠٠ ٢٠٠ ٣٠٠ ٤٠٠
ث خ ذ ض
٥٠٠ ٦٠٠ ٧٠٠ ٨٠٠
ظ غ
٩٠٠ ١٠٠٠

مجرب و آزموده است و اسم شریف میت یا بدوح علاج راعتی شالاززن
و هر که باشد این طلسم را بنویسد و بشوید و آن آب را بخورد روی دهد که
تا قیامت جدا نشوند بسم الله الرحمن الرحیم
للمطبع طسملبهلی سعد کیع کیع باسم فلان بن فلان
علی کطبت فلان بن فلان چون خواهد بداند که میان دو کس راعتی میشود یا نه
نام ایشان و مادر ایشان بحساب ابجد صغیر بر کبیر دو دوازده دوازده طرح کنند
اگر در برج حمل و اسد باشد میشود ∴ و اگر جوزا و میزان باشد میشود ∴ و اگر ثور
و سرطان باشد میشود ∴ و اگر اسد و قوس باشد میشود ∴ و اگر سنبله
و عقرب باشد میشود ∴ و اگر دلو و میزان باشد میشود ∴ و اگر عقرب و جدی
باشد می شود ∴ و اگر قوس و حمل باشد میشود علاج درد دندان چوب چهار پر را
چهار پهلو تراشد و بر یک پهلو بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم و بر دیگر
پهلو ... و بر دیگر پهلو ... و بر دیگری فسیکفیکهم
الله و هو السمیع العلیم و بر سر دندان نهد درد ساکن شود دفع
درد دندان بر کبیر ... زوو ناج سعید ... همه یکسان و با ...
و بگوید و بر دندان نهد درد ساکن شود فصل در بیان جامه نو بریدن

که نیک و بد آن چون است در روزهای هفته یوم السبت نامبارک باشد و بد
ظالم گرفتار شود و بیمار گردد یوم الاحد مبارک باشد تا آن جامه در بر او باشد
غم باو نرسد یوم الاثنین مبارک باشد و شادی بیند و توانگر گردد یوم الثلثا
نامبارک باشد و ماتم شود یا آن جامه بسوزد یوم الاربعا مبارک باشد
و تا آن جامه در بر اوست خوش حالی بیند یوم الخمیس بسیار مبارک باشد
و خداوند علم و فضل گردد فصل در بیان جامه نو پوشیدن روز شنبه مضرت بیند
و نیک باشد روز یکشنبه رود پاره گردد روز دوشنبه بیمار شود و از آن جامه
برخورداری نبیند روز سه شنبه بیمار شود روز چهارشنبه توانگر گردد و دوستداری
بیند روز پنجشنبه بر دشمنان ظفر یابد روز جمعه مبارک باشد دو مرتبه آتش بلند
گردد روشن کردن چشم ... هرکه را چشم اسپی عیدی گرفته باشد زعفران
را باید با انگبین در چشم او کشد برطرف شود جهت زن خواستن اگر کسی
خواهد که زنی که یا دختری را بخواهد و بدو ندهند باید که در شب جمعه ...
در خانه خالی و دعای این آیه بر ورق کاغذ بنویسد و در برابر قبله بر دیوار خانه
ایشان استوار کند و هفتاد بار بخواند که مراد حاصل شود فانکحوا ما
طاب لکم من النساء مثنی و ثلث و رباع فان خفتم الا تعدلوا

فواحدة او ما ملكت ايمانهم **علاج كرم دندان آدمي**
بايد كه پنبه و سنك سيوانه درهم بكوبد يا عنب الثعلب و در آتش اندازد
و دهن را بدود آن بدارد كه هر كرمي كه باشد همه بريزد اما بايد كه
آتش را در ظرفي كند و در ميان لنكري آب نهد تا كرمها در آب در
افتد **دعاى دفع شر از شيطان و شر آدمان و غيره** روايتست كه روزي مامون لعين كس
بطلب حضرت امام رضا عليه السلام فرستاد و ميخواست كه آنحضرت را بقتل رساند
حضرت نزد مامون لعين آمد مامون حضرت امام را بسي اعزاز و اكرام نمود
چون ساعتي بر آمد مامون لعين بفرمود تا هزار دينار زر بملازمان آنحضرت
دادند پس امام متوجه منزل خود شد مردمان از آنحضرت سؤال كردند كه
مامون قصد شما كرده بود چگونه از شر او خلاص شديد آنحضرت فرمود
كه نقلست از حضرت سيد كائنات صلى الله عليه و آله و سلم كه هر كه نزد كسي رود
و آنكس را از و خوف باشد بايد كه اين حرز الجواد را با خود نگاه دارد
كه درين صورت از شر او ايمن باشد و من در حيني كه نزد او ميرفتم اين حرز را
خواندم و با خود نيز داشتم ازين جهة از شر آن لعين ايمن شدم و بالله
الموفق والمعين **هذا الدعاء موصوفه** والله اعلم بالصواب

بسم الله

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اني اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا او غير تقي اخذت
بالله السميع البصير على سمعك وبصرك لا سلطان علي ولا
على سمعي ولا على بصري ولا على شعري ولا على لحمي ولا دمي
ولا مخي ولا عصبي ولا على عظامي ولا على مالي وما رزقني
ربي سترت بيني وبينك بستر النبوة الذي استتر انبياء
الله به من سطوات الجبابرة والفراعنة جبرئيل عن يميني
وميكائيل عن يساري واسرافيل عن ورائي ومحمد صلى الله
عليه وآله امامي والله تعالى مطل علي يمنعك مني ويمنع
الشيطان مني لا يغلب جهله اناتك ان يستفزني ويستخفني
اللهم اليك لجأت اللهم اليك لجأت اللهم اليك لجأت ادم
هر كه در هر صبح و شام بعد از نماز دعاى صباح را بخواند حق سبحانه
ابواب فتح بر او كشاده شود و از جميع بليات محفوظ بوده باشد بعون الله تعالى والله
هذا الدعاء بسم الله الرحمن الرحيم **المذكور**
اللهم اني اسالك خير الصباح وخير المساء وخير القضاء و

خير القدر وخير ما جرى به القلم اللهم اجعل صباحنا صباح
الصالحين ومساءنا مساء الشاكرين وقلوبنا قلوب الخاشعين
والسنتنا السنة الذاكرين وابداننا ابدان المطيعين و
عملنا عمل المقبولين اللهم اغننا بالعلم وزيّنا بالحلم و
اختم لنا منك بالسعادة والشهادة والتوبة والطهارة
والرحمة والرضوان اللهم اجعل آخر كلامنا عند
سكرات الموت لا اله الا الله محمد رسول الله عليا ولي
الله حقا حقا پس سجده رود واین دعا در سجده بخواند که حضرت
داود على نبينا وعليه السلام در سجده میخواند تا خدای تعالی ذلت اورا
عفو کند الهی نعمتنی فلم تجدنی شاکرا وابتلیتنی فلم
تجدنی صابرا وان عذبتنی فانا اهل لذلك وان
تغفر لی فانت اهل لذلك الهی انت بالفضل والكرم
موصوف وبالحلم والعفو معروف وانا العبد والعا...

علاج درد دندان یک برگ سبزی بردارد وبران بنویسد که
الذی جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه

توقدون بعد از آن بر دندان نهد که درد میکند وچند قدمی برود آن
برگ سبز را بر پس سر خود اندازد وباز پس نگاه نکنند درد ساکن شود

هذه الدعا بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم یا ولی الولاء ویا عظیم الرجاء یا کاشف الضر والبلاء
اصرف عنی القحط والفارة والطاعون والوباء بحق
محمد المصطفى وعلی المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن
المجتبى والحسين شهيد بكربلاء وما رميت اذ رميت ولكن الله
رمى وليبلي المؤمنين منه بلاء حسنا برحمتك يا ارحم
الراحمين اللهم اسكنت هيبة صلمة قهرمان الجبروت يا
اللطيفة النازلة الواردة عن فيضان الملكوت حتى
نتثبت باذيال لطفك ونعتصم بك من انزال قهرك يا
ذا القوة الكاملة والقدرة الشاملة برحمتك الواسعة اللهم
يا خفی الالطاف نجنا مما نخشى ونخاف بحق محمد بن
عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم عبد مناف وصلى الله
على محمد و**روایت از حضرت رسول صلى الله**[في الحضرت] آله اجمعین

فرمود که هر که از امت من این آیه را با خود دارد از بلاها و آفتها ایمن باشد
و در دست ظالم گرفتار نشود و همیشه در امان حضرت حق سبحانه و تعالی باشد
و هر که جوال بند شود این آیه را بنویسد با مشک و زعفران و با گلاب بشوید
و بخورد شفا یابد بلا شک و شبهه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که هر که را سگ دیوانه یا گرگ دیوانه گرفته باشد باید که این آیه را بنویسد با
مشک و زعفران و با گلاب بشوید و بخورد شفا یابد و هر که را درد هفت اندام
باشد این آیه را بنویسد و با خود دارد و علت بر طرف شود و آیه اینست والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم

وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ
وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ
جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

روایتست از حضرت امام جعفر صادق ع

وانحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که این آیه را روزی صد نوبت بخواند هرگز
مفلس نشود و هرگز در دست ظالم گرفتار نشود و هر گاه کاهل باشد در نماز
راغب شود و حضرت حق سبحانه و تعالی محو کند هفتاد ساله گناهان مادر
و پدر را نیکیش چنین است هفتاد هزار ختم قرآن کرده باشد و هفتاد هزار

بنده

بنده آزاد کرده باشد و چنین است که هفتاد هزار مسکین را طعام
داده باشد و چهل هزار حج کرده باشد والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم

حَسْبُنَا اللَّهُ نِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ایضا
مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَ
وَلَدًا قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا
إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ
عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْ
حَمَ الرَّاحِمِينَ

روایتست از حضرت امیر المومنین اسد الله الغالب و مطلوب کل طالب
و محبوب الدین علی ابن ابی طالب علیه السلام و آنحضرت فرمود که هر که
خواهد که نقل فرماید جا بجای باید که این آیه بنویسد و در مکان آن شخص
دفن کنند و از آن جا دل بر کنده شود بفرمان خدای تعالی هر که خواهد
در نزد پادشاهان یا حاکم یا سلطان یا سلاطین و یا خان رود باید
این آیه را صد نوبت بخواند و بسیار بسیار نافعست و هر که در ماه صفر هر

روز صد نوبت بخواند و از شر آن ماه ایمن باشد و ابن عباس
رضی الله عنه مرویست که هر که خواهد در میان خلایق عزیز و مکرم محترم
و سرفراز باشد باید که این آیه را بنویسد و با خود نگاه دارد و الله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین فاستجبنا
له ونجیناه من الغم وکذلك ننجی المؤمنین
وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقاه
الله سیئات ما مکروا ۴۲۸۱۳۱۴۱۲۹ هر کس این صلوات
را یک نوبت بگوید چهار هزار نوبت صلوات گفته باشد

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم بلغ روح محمد صلی الله
علیه و آله وسلم منی الف الف تحیة والف الف سلام
یا ارحم الراحمین ربی دائما علی النبی
الهاشمی الف صلوات الله وملائکته وانبیائه و
رسله وجمیع خلقه علی رسوله محمد علیه وعلیهم الصلوة
والسلام ورحمة الله وبرکاته یا ارحم الراحمین

روایتست از حضرت امام رضا علیه السلام و آنحضرت فرمود که هر که
خواهد مشهور و معروف شود باید که این آیه را بنویسد با مشک و زعفران
و با گلاب بشوید و بخورد بسیار بسیار نافعست هذه الدعاء

بسم الله الرحمن الرحیم

جهت محبت زن و شوهر

زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین و
القناطیر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل
المسومة والانعام والحرث ذلك متاع الحیوة الدنیا
۸۱۰۴ والله عنده حسن المآب روایتست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
و آنحضرت فرمود که هر که خواهد در نزد پادشاهان یا خان یا
سلطان یا سلاطین عزیز و مکرم و محترم و سرفراز باشد و از شر
شیطان و از شر دشمنان ایمن باشد و از حضرت امام محمد باقر
رضی الله عنه علیه السلام منقولست که هر که خواهد در میان دو کس دوستی افتد
باید که این آیه را با خود دارد که مجربست هذه الدعاء

بسم الله الرحمن الرحیم

شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم

قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند
الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد
ما جاءهم العلم بغياً بينهم ومن يكفر بآيات الله فان الله
سريع الحساب قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء
وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك
الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار
وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج
الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب يا ارحم الراحمين

براى نماز غفيله ركعت اول بعد الحمد

بسم الله الرحمن الرحيم

وذا النون اذ ذهب مغاضباً فظن ان لن نقدر عليه
فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك
ننجي المؤمنين ودر ركعت دويم بعد از حمد اين دعا بخواند و
عنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر و

والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في
ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين و قنوت
اللهم اني اسألك بمفاتح الغيب التي لا يعلمها الا انت ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تفعل بي ما انت اهله وان
تقضي لي حاجتي

دعاء عید فطر و عید

اللهم انت اهل الكبرياء والعظمة واهل الجود والجبروت
واهل العفو والرحمة واهل التقوى والمغفرة اسألك
بحق هذا اليوم الذي جعلته للمسلمين عيداً ولمحمد صلى
الله عليه وآله ذخراً وشرفاً وكرامة ومزيداً ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تدخلنا في كل خير ادخلت
فيه محمداً وآل محمد وان تخرجنا من كل سوء اخرجت
منه محمداً وآل محمد صلواتك عليه وعليهم اجمعين
اللهم انا نسألك خير ما سألك به عبادك الصالحون و
نعوذ بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون يا ارحم الراحمين

روایت از حضرت رسول صلى الله عليه وآله وسلم

صلی الله علیه وسلم
و آنحضرت فرمود که هر که در صبح و شام این دعا بخواند حضرت حق سبحانه
و تعالی گنج علم و حکمت کرامت کند و هر که این دعا را با خود نگاه دارد
و همیشه در امان حضرت حق سبحانه و تعالی باشد و هر که روزی صد
نوبت این دعا بخواند خدای تعالی محو کند هفتاد ساله گناهان مادر
و پدر را یکسر محو کند هفتاد هزار گناه و بلند کند هفتاد هزار درجه والله اعلم

هذه الدعا بسم الله الرحمن الرحیم الموصوف مذکور

استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم
بدیع السموات والارض من جمیع جرمی وظلمی واسرافی
علی نفسی واتوب الیه برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی
الله علی محمد روایتست از حضرت امیر المومنین علی واله اجمعین
علیه السلام و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که خواهد در میان شریک و در میان
رفیق عزیز و مکرم و محترم باشد این آیه را با خود نگاه دارد و از حضرت بابا
عبدالله علیه السلام منقولست که هر که این دعا را با خود دارد دشمن بر وی
نیاید و هر که این آیه را روز صد نوبت بخواند و همیشه در امان حق سبحانه
و تعالی باشد و چنین باشد که هفتاد هزار ختم قران کرده باشد و

هفتاد

هفتاد هزار بنده آزاد کرده باشد و چنین باشد که هزار رکعت نماز کرده
باشد و ده نوبت زیارت خانه کعبه کرده باشد و حضرت حق سبحانه و
تعالی ببندد از وی هفت در دوزخ و بگشاید هشت در بهشت و
حضرت حق سبحانه و تعالی میفرماید که من شرم دارم که خواننده و دارنده
این آیه را عذاب کنم و حدیث دیگر نقل کردن از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود که هر که خواهد که جمیع خلایق سلاطین یا سلطان و یا خان را مطیع
خود گرداند باید که این هذه الدعا مذکور آیه را با خود دارد

بسم الله الرحمن الرحیم

ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام
ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا
والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق و
الامر تبارک الله روایتست از حضرت جعفر صادق رب العالمین
و آنحضرت فرمود که هر که خواهد که در سفر رود این آیه را با خود دارد و در
آن سفر خطر باشد و خواه در میان دو کس دوستی افتد باید که این آیه را با خود
و با خود دارد الا الی الله تصیر الامور برحمتک یا ارحم الراحمین

از حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه و آنحضرت فرمود که هر که
خواهد جایی از زن لب تا مزد و زن نزهند و این آیه را بنویسد با مشک و زعفران
و با گلاب بشوید و در خواجه آن صاحب زن بریزد و مطیع او شوند و دوست
دیگر نقل کرده اند از حضرت ابا عبدالله علیه السلام و آنحضرت فرمود که از
برای بری شدن از سم و غم و الم و بنویسد و با خود نگاهدارد و
روایت دیگر نقل کرده ابا عبدالله علیه السلام و آنحضرت فرمود که هر کرا
مطلب باشد و این آیه را بنویسد و با خود نگاهدارد تا مطلب او روا گردد

هذه الدعا بسم الله الرحمن الرحیم الموصوفه

قالوا آمنا بالله وما انزل الینا وما انزل الی ابرهیم واسمعیل
واسحق ویعقوب والاسباط وما اوتی موسی وعیسی وما
اوتی النبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم و
نحن له مسلمون فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
صبغة الله ومن احسن من الله صبغة ونحن له عابدون

روایت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و آنحضرت فرمود که هر که
[illegible] را بخواند و هر چه قصد کند باو برسد و حدیث دیگر نقل کرده اند

از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود که هر که را فرزند نشود باید
که این دعا را بنویسد و با خود دارد خدای تعالی فرزند کرامت فرماید و در برکت
رضی الله عنه از حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام و آنحضرت فرمود
که هر کرا فرزند نماند باید که این دعا را بنویسد و با خود نگاهدارد و فرزند
او بماند بفرمان خدای تعالی و روایت دیگر از حضرت امیر فرمود که
هر کرا فرزند سقط شود باید که این دعا را بنویسد و در پشت آن زن ببندد
و فرزند سقط نشود بفرمان خدای تعالی روایت از حضرت ابا عبدالله رضی الله عنه
علیه السلام و آنحضرت فرمود که هر کرا تب ربع و یا تب گرم کند باید این دعا را
بنویسد و بخورد شفا یابد هذه الدعاء والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله المعبود بکل مکان لا اله الا الله الموجود بکل
زمان لا اله الا الله المذکور بکل لسان لا اله الا الله
المعروف بکل احسان لا اله الا الله کل یوم هو فی
شان لا اله الا الله الامان الامان من زوال الایمان
من شر الشیطان و یا قدیم الاحسان یا غفور یا غفران

بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام برحمتك
يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم

لل لل لل لل لل لل لل لل لل لل لل لل

لل لل لل لل لل لل ذو الطول

ذو الطول ذو الطول ذو الطول الوهاب الغفور

والوهاب العفو الوهاب العفو ال د ک ی ال ای و د ی

٩٩٩٩٩٩٩٩

شرح خطبه که رسول صلی الله علیه وآله گفت هر که این دعا بخواند بصدق
دل چنان باشد که هزار حج کرده باشد و هزار دینار بصدقه داده باشد و
هزار سال خدای تعالی را عبادت کرده باشد و از دنیا بیرون نرود
تا جای خود را در بهشت نبیند و محمد مصطفی صلی الله علیه وآله را و جبرئیل
و میکائیل را در خواب ببیند و هر که با خود دارد از همه بلاها در امان حق
باشد والله اعلم هذه الخطبة بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا عالم
کل سر والنجوی و یا کاشف الضر والبلاء واجعلنی من
امری فرجا و مخرجا برحمتک من اللهم بکل جمیل و اکمال المتعال
وانت المستعان برحمتک یا ارحم الراحمین

باب در دیدن ماه نو امید که مبارک باشد انشاء الله تعالی

محرم الحرام — صفر المظفر

در زر نگرد تا ثواب چهل حج داشته باشد — در آیینه تا ثواب هزار قربان یابد

ربیع الاول — ربیع الثانی

در روی آب باید دیدن تا ثواب بنده آزاد کردن یابد — در روی سبزه ببیند تا از گناهان پاک شود

جمادی الاول — جمادی الثانی

در روی پیران باید دید تا دل از کینه روشن شود — در نقره باید دیدن

رجب المرجب — شعبان المعظم

در روی قران باید دید تا از شیطان بگریزد — در سبزه باید دیدن

رمضان المبارک — شوال بالخیر والاقبال

در روی تیغ باید دیدن تا از بلاها ایمن باشد — در روی جامه رنگین ببیند

ذی قعدة الحرام — ذی الحجة الحرام

در نقره باید دیدن که ثواب عظیم باشد — در روی مرد معصوم ببیند

بعد پیدا کردن قوت این دعا را بخواند با تایید مجرب و آزموده است

رضی الله عنه

هذا فال از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

قرعه شش پر تیر باشند و این شش حروف را بر آن قرعه بنویسید و هر حرفی برجی دارد و بر روی دفتر اندازند و به برج نگاه کنند یکبار دیگر قرعه را بیندازد تا چه حرف صادر شود و باز عمل نمایید

واین فال خورشید است

خ	ه	ر	ش	ی	د

قرعه کرخ بر آیدت شاید   مشکلات شود بباعث تو حل

ور اگر آیدت ز قرعه بدیع   حال باید ز مشتری پرسید

تا کند بر تو عرضه حالت را   بنماید یقین فالت را

قرعه کر ه بر آیدت شاید   راز مریخ بر تو بگشاید

رو از و باز پرس احوالت   تا نماید به نیکیی حالت

کر نفوذ قرعه و بر آمد شین   اندرین کار کیز مان هست این

رو بپرس از عطارد احوالت   کو نماینده است این فالت

ی چه بینی بر آید از فالت   رو بنزد یک زهره جو حالت

تا که او راز بر تو بگشاید   بد و نیکت بفال بنماید

قرعه تو اگر بر آمد دال   رو بری ماه تا نماید حال

برج زحل

زحل نامور مرا گو بین   حل هر مشکل ز من جو بین

اگه بزن قرعه را تو بار دگر   تا کنم آگهت ز خیر و ز شر

خ

نزد سیمرغ رو که او داند   قصه خیر و شر مسلم خواند

ه

ننماید بحال جز طغرل   احوال ز و بپرس شاد باش دل

ر

رو بر ریح و بر کش اسرار   گر ره باید به پیش او تکرار

ش

بگیری تو روی راز نقاب   که به پرسش روی بنزد عقاب

رهنماید مدان بجز که همای ... با ازآن نیست مر تورا رهنمای

د

نماید براه جز کرکس ... وانداو حال بهتر از هر کس

برج مشتری

مشتری بعد احترام من ... در همه حال تنگ دام من
پیش من قرعه را بزن بکون ... تا بگویم زحال کارت چون

خ

کرده باید سوال کار از باز ... تا کند بر تو آشکارا راز

د

دل چو ورا مدار غمگینا ... رو به پرسش بنزد شاهینا

ر

صفران را ز بهر تو بکشاید ... کار از و کن که او بفرماید

ش

رو به پرسش بنزد باشق زود ... تا ز گفتار او شوی خشنود

ی

سخن طیش را تو فرمان کن ... هرچه او گوید هر و آن کن

د

اگر کس این فال را مکن سوال ... از شنو مرغ بازدان احوال

برج مریخ

هست مریخ کاردان نامم ... نام دیگر بدان که بهرامم
پیش من قرعه را بزن یکبار ... تا بتو سر نمایم و احوال

خ

چون تو بر خوانده در انجا خط ... رهبری مرغ تا چگوید بط

د

هر کجا جز نگوید انجا رو ... گفت او گوش کن نکو بشنو

ر

هر کجا که کلنگ بگوید رو ... تا بیابی تو بخت نیک [illegible]

ش

رهبری الخلق نکو ماید ... تا چه راحت نماید [illegible]

ی

تخت جمشید و فر کیکاووس ... باشدت که روی بهری [illegible]

د

رو بنزد خروس پرس خبر مکن این کار جز بخیر و بشر

برج عطارد

هست عطارد نامم دانا در همه کارها منم دانا +

گر زنی قرعه پیش من باری باز یابی نشان ز هر کاری

ج

شادمانی و خرمی بینی گر بنزد تذرو بنشینی

د

گفت طوطی ز جان چو گوش شنو هر کجا او فرستد آنجا رو

ر

گر نخواهی تو بر دل خود داغ گوش دار آن سخن که گوید زاغ

س

حال خود را تو با کبوتر گوی غیر از و هیچ رازدار مجوی

ی

تا نپرسی خبر ز قمری باز سخن خویش دار در دل راز

د

رو بنزد کلاغ و پرس خبر آنچه گوید از و تو هم مگذر

برج

برج زهره

زهره ام پر ز دانش و طربم شاد گردی اگر کنی طلبم

تو بزن تا قرعه باز در پیشم قرعه دارم از آنچه از خویشم

ج

هر که او را بفال محتاج است رهنمایش نخست دراج است

د

راز فال تو از کبک دری باز دانی ز پیش او گذری

ر

گر خبر پرسی ز کار خود آهو کار از آن کن که گویدت آهو

س

هست عقعق ز راز فال آگاه پند از و گیر تا نمائید راه

ی

رهنماید بیابه ذات بس مکن آهنگ نزد دیگر کس

و

اندرین کار و بار این گفتار مستمع باش تا چگوید سار

برج قمر

ماه تابان منم بنزد من آی   تا نمایم بهر چه داری رای
اندرین ساعتی ببندی چشم   گر زنی قرعه باز در چشم

خ

گر بخواهی شفا و مرغ قلقل   رو ببین تا چه گویدت بلبل

و

می بباید برفتنت لا بد   از پی آرزو بری مقصد

ر

حال خود را تو با فرطان [illegible]   انکه او را مدان تو هرگز شوم

ش

از نجاکه بخواه حاجت خویش   انچه گوید تو بشنو از کم و بیش

ی

ز پرستوک حال خویش بپرس   هیچ منکر درین حدیث مپرس

د

کار ازو کن که گویدت کنجشک   تا بود خاک در کفت چون مشک

اسامی طایر از اول سیمرغ

تو زکس فال را مجوی دلیل   رو بنزدیک تا چه گوید فیل

طغرل

انچه گوید تو کار کردن او کن   گفت او گوش دار و فرمان کن

رمح

راز مکشای پیش کس بگزاف   تا نپرسی بفال خود زراف

عقاب

سخن اب را بجان مینوش   حلقهٔ ساز کمند زان در گوش

همای

زان این فال را ز خیر و ز شر   نماید تو را بغیر از خر

کرکس

روز استه بپرس پرسنده   باز دان راز فال [illegible]

باز

اشتر بار کش و لیل تو بس   پیش او رو مرو بر هر کس

شاهین

برسیه گوش عرضه کن احوال تا شود خوب مر ترا افعال

طاووس

رهنمایی تو نیست الا یوز کار تدبیر را ازو آموز

خروس

رفته باید ترا بنزد پلنگ جز بنزدیک او مکن آهنگ

تذرو

واشق از راز فال تست آگاه رو به پرسش بنزد او آنگاه

طوطی

راز فال تو از نتیجه کرک نکند آشکار الا کرکس

زاغ

رفته باید ترا بنزد گراز تا به پیش تو بر گشاید راز

کبوتر

رو بنزدیک گرگ درنده باش از آن حال فال جوینده

قمری

رفته باید ترا بر کفتار تا بگوید ترا درین گفتار

کلاغ

کاو کلی نماید احوالت روی او به بپرس احوالت

صقر

جز بنزدیک گوسفند مرو گفت او را بگوش جان بشنو

باشق

رهنمای تو نیز مان گورست زان سبب چشم دشمنت کورست

شترمرغ

گر تو خواهی که بود در آهو سخن خود به پرس از آهو

ویش

مرد هشیار عقل زیرک دز بشنو از آنچه گوید او رابز

حرز

گذرت بر گوزن باید کرد تا نماید رهت زاندک و خورد

بط

روی شیر ژیان بباید دید آنکهی سر حال از و پرسید

کلنک

رفته باید بنزد ببر بیان تا که حالت نماید او به بیان

لغلق

لغلق

حال خود را تو بازدان از خرس   جز از آن راز از کسی تو مپرس

دراج

رفته باید تو را بر روباه   تا کند انچه رازتست آگاه

کبک

نزد خرگوش بایدت رفتن   انچه گوید بجان شنفتن

تیهو

رفته باید ترا بنزد شغال   تا شود خوب از همه احوال

عقعق

هست اسرار فال نزد سمور   گر بپرسی از و شوی بسرور

یمامه

تا قیمت رهنمای فال بود   گر ترا نزد او سوال بود

سار

گفت سنجاب با بجان میبوش   حلقهٔ از بگذران در گوش

بلبل

گر بپرسش روی بنزد دله   او فتد دشمنت بدام وتله

هدهد

بایداز گربه حال پرسیدن   انچه گوید بفال بشنیدن

طوطی

حاجت خود تو بازدان از موش   انچه او گویدت مکن فرموش

چکاوک

هیچگونه تو منکر از هر سو   خود برو زود تا بری راسو

پرستوک

هست کیسی دلیل راست   رو بر او به پرس حالت را

کنجشک

اژدها پند از وبشنو   هر کجا رهنمایدا بجا رو

اسامی حیوانات از اول فیل

رهنمای تو نیست جز آدم   گو ببری او مزن زمانی دم

کرکدن

راز این فال راز شیر بشنو   تو بپرسش کنون بر او رو

زراف

با تو ما پیل گوید احوالت   که تو را گوش بشنود حالت

اسب

نزد ادریس رو که او داند　　شرح این فال پیش تو خواند

استر

زود برخیز و تازه گردان روح　　شرح این فال باز دان از نوح

خر

پند لوط گزیده را بشنو　　جز بگفتار او مکن مگرو

شتر

آنچه اندر دل تو وسواس است　　رهنمایت گزیده الیاس است

گاو

راه تو نزد دانیال بود　　گر ترا رهنمای فال بود

گوسفند

گر ترا رهنمای باشد هود　　زود حاصل کنی همه مقصود

گوره

سخن خویش بشنو از یونس　　تا شود خرمی ترا مونس

آهو

از عزیز گزین بپرس خبر　　تا کند حال خود بیان یکسر

بز

گر پذیری نصیحت ایوب　　کارهای تو جمله گردد خوب

گوزن

رو بپرسش بنزد ابراهیم　　کار از و کن که او کند تعلیم

ببر بیان

رفته باید بنزد اسماعیل　　تا کند کار بسته را تاویل

شیر ژیان

روی اسحاق بایدت دیدن　　آنکهی سر حال پرسیدن

سیه گوش

در همه کارهات گردد خوب　　گر بپرسش روی بر یعقوب

یوز

گر روی نزد یوسف کنعان　　کار بسته گشایدت آسان

پلنگ

نماید تورا ره ابلیس　　گر بگیری نصیحت جرجیس

واشق

رو به نزد شعیب تا گوید　　سخت اندوه از دلت شوید

سگ

خبر از موسی کلیم شنو پرسش از فال رابری او شو

کراز

کر بدیری نصیحت هارون کنج یابی و نعمت قارون

کفتار

رو سلامی بر سلیمان کن کفت او کوش دار و فرمان کن

کرک

فال را رهنمای داود است زو بیابی هر انچه مقصود است

خرس

بر زکریای کار کن آئین هر چه کوید تو را جز او مکزین

دوباه

هست یحیا دلیل بر قالت رواز و پرس جمله احوالت

خرکوش

رهنمایت عیسی مریم رواز و پرس تا شوی خرم

شغال

کار از و کن که کویدت صالح کاندرین فال شد تورا ناصح

سموره

جز بنزدیک خضر دانا شو وانچه کوید تورا بجان بشنو

قاقم

کر روی سوی مصطفی بسلام کار تو بر جهان کند بکلام

سنجاب

رفته باید بنزد لقمانت انچه کوید بکیرد فرمانت

دله

پیش اسباط کر روی بفکر بر تو بدخواه تو نسازد مکر

کربه

نزد یوشع بکن تو زود کذر تا بیابی از ان تو حال خبر

موش

شرح احوال تو ز سود زیان نزد ذو الکهف رو که کشت عیان

راسو

کر بپرسی تو حال خود ز علی کور کرد و عدو ز تنکدلی

کپی

روح تو تازه کرد اندر تن کر به پرسش روی بنزد حسن

اژدها

روبنزد حسین و بپرس خبر   زانکه هست او ز کوهر حیدر

فال حضرت آدم صفی الله علیه السلم

فال نیک آمد از سعادت را   برکشادی در ارادت را
مژده بادیت رسیدن زود   بر فزونی مال و نعمت را
بعد ازین تا تو در جهان باشی   سبز بینی درخت دولت را
دوستان تو شاد کردیدند   برگزیدند جاه و نعمت را
از بزرگان و سروران ملوک   بر نهی کلاه همت را
هرچه خواهی تورا دهد ایزد   چون ببندی میان همت را
سروران سر نهند بخدمت تو   جمله فرمان برند طاعت را
جاودان کامران تو اندر دهر   چونکه کردی ره عمارت را

فال حضرت شیث پیغمبر علیه السلام

خوب و فرخنده باد این فالت   نیک کردد جمیع احوالت
کامرانیت بیشتر کردد   هم زیاده شود زر و مالت
عمر با خرمی شود حاصل   عمر راحت خرمی حالت
دولت بر مزید خواهد شد   برخوری از درخت اعمالت

ورکنی اختیار راه صفر   دال دولت یقین شود دالت
بعد از امروز تا دو ماه دکر   سبز کردد درخت اقبالت
پیش هر مهتری که خواهی شو   بر فرازد کلاه اجلالت
کارت اندر جهان چنان کردد   که بنظم آورند امثالت
عیش را بی و خرمی بینی   زانکه فرخنده آمده فالت

فال حضرت هابیل پیغمبر علیه السلم

اندرین فال کامدت بس   هفته تو مزن بهیچ نفس
تا ز تو هیچ کس نیازارد   نه تو آزرده کردی از هر کس
هوسی کرده بقرعه زدن   مکن این کار را برای هوس
هفته صبر بایدت کردن   تا رهد مرغ دولت از قفس
دشمنان تو هیچه زنبورند   طمع خام کرده بکس
کر دشمن مکر د حاضر باش   تا نکردی خجل ز هر ناکس
سخن فال را بجان مینوش   تا نبینی تو طعنه از هر کس
ور نکردی ز رای خود در حال   خر نخفت شود زبان فرس
بدو ماه دیکر صبوری کن   تا بیابی سعادت و انیس

فال حضرت ادریس پیغمبر علیه السلم

قرعه گوید تورا که جان بردی — گوی دولت ز دشمنان بردی
رهنمون گشت مر تورا ادریس — زانکه طالع ز بهر قران بردی
نیست دشمنت چه تیر و کمان — تیر بشکستی و کمان بردی
تاج دولت چه مغفرت که دید — کله از فرق اختران بردی
کامرانیت گشت مستولی — زانکه سر سوی آسمان بردی
با سعادت نشین تو جاویدان — زانکه اقبال جاودان بردی
گل زبستان دولتت بشکفت — آب زجوی بوستان بردی
در کفت خاک زر شود زین پس — گوی فرصت زانس و جان بردی
در فلک طالع تو مسعود است — مرکب سعد زیر ران بردی
کار تو گشت جملگی بنظام — گوهر بخت راز کان بردی
قرعه باید که بعد از این نزنی — زانکه فخر از ستارگان بردی

فال حضرت نوح پیغمبر علیه السلم

فال نیک آمدت بخیر بگوش — انچه فالت بگوید آن منوش
انچه خواهی خرید خوب بود — انچه خواهی فروخت هم بفروش

کار تو

کار تو بعد ازین بکام تو گشت — شیر را بر نشین و برکش گوش
بعد از امروز تا سه روز دگر — علم دولت شود بر دوش
شاهد دلربای دولت را — جاودانی بگیر در آغوش
کار تو چون بکام میگردد — جامهای مراد را درپوش
ور بگیری تو جام زهر بکف — زهر گردد ز دولتت چون نوش
دوستان تو شاد گردیدند — دشمنان تو در فغان و خروش
بعد ازین فال نیز قرعه مزن — پس ازین قال و قیل ما کن گوش

فال حضرت لوط پیغمبر علیه السلم

طالعت هست در پریشانی — لیکن این کار را که درمانی
گر سفر میکنی نشاید کرد — ور تجارت کنی پشیمانی
در خطر هم نه نیک می آید — نیست در طالع تو آسانی
رو تو پرهیز کن ازین نیت — تا تو جان خصم را زیر کرده سوزانی
کار تو شصت روز در بند است — تا دو ماه دیگر بآسانی
ترک ازین نیت باید کرد — بشنو از من اگر مسلمانی
صبر کن تا دو هفته دیگر — که از آن پس مراد هر خوانی

چرخ گردون بکام تو گردد　　دعوی آنکه کنی سلطانی
پای در دامن صبوری کش　　تا بیابی مراد یزدانی
گر حدیثم نگیری اندر گوش　　من بگفتم ترا و خود دانی

فال حضرت الیاس پیغمبر علیه السلم

فال نیک آمدست از بر تو　　سخن فال را بجان بشنو
مژده کای گر بخت گشتت باز　　بعد ازین بر طریق شاهان شو
گلستان سعادتت بشکفت　　گرد احوال تو چه کیخسرو
بعد امروز گر تو جو کاری　　گندم آید ترا ز خوشهٔ جو
تخم کشتی و آمدست ببر　　رو کنون تخم کشته را بدرو
عالمت را بکام میگردد　　خوش بیاسای شادمان بغنو
آنچه دادست خدای نیکو داد　　بعطای خدای راضی شو
دولتت بر مزید خواهد شد　　تا بود عمر تو بوعده گرو

فال حضرت دانیال پیغمبر علیه السلم

فال تو چونک آمدست سلیم　　هیچگونه مدار ترس و بیم
تو ازین فال شادمان گردی　　دولت آمد از خدای کریم

کار تو جز بکام تو نبود　　نکند مکر بر تو دیو رجیم
از بزرگی تو راحتی بینی　　هم ببینی مقام ابراهیم
گر تو سنگ سیاه بر گیری　　گردد از دولتت چه در یتیم
سعد اکبر بطالعت گردید　　زحلت بنده گشت و زهره ندیم
فوت گشته بدست باز آید　　طاعت خیر کن تو مرد سلیم
هم ز فرزند غایبی خرم　　میشوی ای عزیز بی غم و بیم
سالم از شر دشمنان گردی　　سهل شد بر تو کارهای عظیم
جملهٔ کارها بکام تو شد　　شاد گردی بفضل حی قدیم
هفت اختر ترا طلب کارند　　در چنین کار و در چنین تقسیم
تا که باشی سر تو باشد سبز　　کم نگردد ز تو دگر زر و سیم
بر همین فال ختم باید کرد　　گر ترا هست از خدا تعظیم

فال حضرت هود پیغمبر علیه السلم

ای برادر بصبر کوش کنون　　تا نگردد سعادتت وارون
غایبت میرسد بنعمت و ناز　　خیر طاعت کن و مکن افسون
صبر کن تا دو هفتهٔ دیگر　　تا شود صبح دولتت افزون

کی همت چنان کرده — که بود به زکیهٔ قارون
چند روز هست که حاجتی داری — حاجت تو روا شود اکنون
حاجت تو روا شود آنکه — که قدم در نهی ز خانه بیرون
اگرت گم شده‌ست چیزی هم — میکند دولتت تو را رهنمون
غم مخور که اندرین زودی — میشود خرمی تو را افزون
جمله حال با تو گفتم من — تا بدانی تو حال خود اکنون

فال حضرت یونس پیغمبر علیه السلام

روزگارت خوش است و عمر زیاد — ای جوان عزیز نیک نهاد
همچو خسرو نشین بر تخت — دشمنت کوه کنده چون فرهاد
آن در خرمی که بر تو ببست — ایزد پاک هم بروت گشاد
کار کن چون که بخت باز آمد — خرمن اکنون فشان که آمد باد
حاجتی که تو داشتی اندر دل — هم بزودی شوی از او دلشاد
اگرت فوت گشته چیزی هم — حق تعالی تو را کند آباد
اگر خسته ایست و رنجا نه — همچنان دان که تو ز مادر زاد
شادمان باش و خرمی بگزین — که تو را حق مقام دولت داد

غایت

غایت اسم سلامتی دارد — بوطن میرسد بکام مراد

فال حضرت عزیر پیغمبر علیه السلام

گشت کارت بکام نیت تو — برخوری زود از سعادت تو
طالعت بر فلک چو مسعود است — بر فزود است جاه و نعمت تو
هرچه خواهی تو از خدا میخواه — زانکه حق داده کام نیت تو
گر سفر میکنی بکن شاید — که گشاده است راه همت تو
فوت گشته بدست باز آید — هم ز اقبال زیب و زینت تو
اگر از غایبی همی پرسی — او بزودی رسد بخدمت تو
سال و ماه تو نیک خواهد بود — از قران در گذشت محنت تو
ور تو فرزند از خدا خواهی — میدهد حق مراد نیت تو
از قضای نصیبهٔ بیع [illegible] — هست وابستهٔ ارادت تو
بعد از امروز [illegible] گردد — از در گرد کار رحمت تو

فال حضرت ایوب پیغمبر علیه السلام

اندرین فال مرد دانشمند — من بگویم تو صبر کن یکچند
رو تو خرسند گیر و روز نشین — که بود شاد مردم خورسند

صبر کن تا که او فتد در چاه — انکه دامت نهاد چاهت کند
گر تو پند مرا نداری گوش — زان تبرسم که او فتی در بند
صبر کن تا که همچو ایوبت — حق ببخشد ترا مقام بلند
روزگارت بسی پریشانست — سبب اهل و مال با فرزند
غم مخور صبر کن که از در حق — بر تو اید زجور چرخ بلند
با کسی گفتگو مکن زنهار — در لاحول را بخویش مپسند
انچه بر خود روا همی داری — هر تن و جان هیچکس مپسند
تا ترا کام همچه خور گردد — طالع تو ترا کند خرسند

فال حضرت ابرهیم پیغمبر علیه السلم

اندرین فال هست کاری نیک — اختری نیک و روزگاری نیک
بخت با تو موافقت کنون — کو رفیقت خویش کاری نیک
غایبت با غنیمت بسیار — میرسد زود مایه داری نیک
بسفر بخت غمگسار تو شد — سفری نیک و غمگساری نیک
سال تو چون بهار شد خرم — عیش خوش گشته بهاری نیک
اسم اعظم زخود جدا نکنی — اسم احسنت ترا مکاری نیک

فوت گشته بدست باز آید — رهنمای تو گشت یاری نیک
جمله کارها بکام تو شد — خود بیابی تو در مقامی نیک
گر زهر یکی پریشانی — کو ترا هست دوستاری نیک
سعد اکبر بطالعت آمد — دستگاهت رسد بکاری نیک
هم زفرزند غایبی خرم — قدمش نیک و بخت یاری نیک
از نکاح نصیبه بسپوند — جمله خوبیت هرچه داری نیک
چون مرادت زقرعه حاصل شد — نیز فالت شکاری نیک

فال حضرت اسمعیل پیغمبر علیه السلم

اندرین فال بشنوی خبری — گذری حق رسد ترا ثمری
شادکانی که بخت گشت باز — شاد کردی ز رنج پس معتبری
کار تو نیک گشت در تقویم — از سعادت رسد ترا ثمری
مال کم کرده را نشانی یابی — شاد کردی ز جانب پسری
تو ازین فال خرمی یابی — مژده بادت که نیست خطری
غایبت با غنیمت بسیار — میرسد ای عزیز بی خبری
گر سفر میکنی بسی خوبست — لیک شرکت نمیدهد ثمری

از نکاح نصیبه بیو نند | جمله خوبت نیت هیچ شری
ای برادر تو شاد گردان دل | کز خداوند یافتی نظری

فال حضرت اسحق پیغمبر علیه السلم

مر تو را فال رو بصبر نمود | کرده باید هر آنچه او فرمود
صبر کن تا بر آیدت حاجت | حاجت تو روا کند معبود
صبر تحمیت کی بکاری تو | شادمان گشت هر که پند شنود
کارت از چشم بد زخم دربند است | گر تو کوشش کنی ندارد سود
کار تو تا دو هفته آشفته است | اسم اعظم تو را بود بهبود
گر کنی صبر ایزد بیچون | دهدت هم مراد هم مقصود

فال حضرت یعقوب پیغمبر علیه السلم

توازین فال خوب خندان شو | در و بگذار و سوی درمان شو
دشمنت زیر خاک سیاه | با دل زار نزد جانان شو
غایبت میرسد بفتح تمام | از جمالش لبی تو شادان شو
و گرت هست اختیار سفر | سوی بغداد تا صفاهان شو
مهربانست بخت نیکی تو | بدی بارگاه سلطان شو

جمله

جمله کارها بکام تو شد | هم ز فرزند خوب خندان شو
شکر حق کوی طاعت حق کن | تا تو باشی مطیع فرمان شو

فال حضرت یوسف پیغمبر علیه السلم

این چنین فال را خجسته شمر | همچه ریحان و گل پرستش مر
طاعت مردی در سعادت کرد | خاک بر کرد دباختیارت زر
آفتاب مراد تو از کوه | تا دو هفته دگر بر آرد سر
همه شب محنت تو آخر شد | صبح دولت نمود روی ظفر
هر کرا این چنین بر آید فال | از در خدا امید چنین ببر
گر تو فرزند از خدا خواهی | بدهد حق ترا یکی گوهر
غایبت میرسد غنیمت و مال | خرمی یابی از در داور
نیتی در ضمیر خود داری | کام یابی ز درگه قادر

فال حضرت جرجیس پیغمبر علیه السلم

دل درین کار تو نباید بست | باز باید کشید از وی دست
هوشیاری کزین دو دست مباش | که نباید بکار او دل بست
اندرین کار صبر باید کرد | که صبوری ره بلا بربست

جهد کن تا سوی صفر نروی — که ترا هیچ ناید اندر دست
در همه کار صبر باید کرد — که بصبر آیدت مراد بدست
لیکن اندر جهان ازین واپس — مر ترا صبر کامرانی هست

فال حضرت شعیب پیغمبر علیه السلام

فال نیک از هدایت آوردی — از کواکب سعادت آوردی
شادمانی و خرمی هر دو — از تمنای دولت آوردی
بخت و اقبال و خرمی بهر — از برای بشارت آوردی
عقد تزویج کار خیر ترا — جمله خوبست رایت آوردی
و گرت غایبیست در غربت — زود بیرا بهمت آوردی
اگرت فوت گشته چیزی هم — رو طلب کن که همت آوردی
عدو در خانه مراد نشست — خصم را در خیانت آوردی
کام تو با مراد حاصل شد — که مراد از کفایت آوردی

فال حضرت موسی پیغمبر علیه السلام

اینچنین فال هر که را آید — طالعش از فلک فرود آید
اختران پیش سجود کنند — بخت یاری سر وفا ساید

ای گرامی زمین همت تست — ابر از آسمان گهر زاید
غایبت با غنیمت بسیار — پیشت آید چنانکه میباید
از بزرگان ببی نعمت و ناز — پایهٔ قدر حاجت افزاید
گر سفر میکنی ببی خوبست — در حضر نیز دولت افزاید
ور مریضی درون خانهٔ تست — حق تعالی شفاش فرماید
اسم اعظم مصاحب خود کن — که همه کارهات بگشاید

فال حضرت هارون پیغمبر علیه السلام

اندرین فال مر ترا صبر است — آید از صبر کام دل در دست
صبر کن تا نظام گیرد کار — زانکه تدبیر و قسمت مرد است
چون کنی صبر ایزد بیچون — جمله‌ای حاجتت برآورد است
لیکن از غایبت رسد پیغام — خبرت با برادر آورد است
صبر کن تا سوی سفر نروی — که ترا هیچ ناید اندر دست
بعد ازین کوی بازد رسید آن — که نصیب عدوی تو در دست

فال حضرت داود پیغمبر علیه السلام

از چنین فال هیچ رنج مبین — روشن آسان و شادمان بنشین

بخت خود میرود تو ساکن باش | آن گزین کن که بخت کرده گزین
فلکت بر مراد میگردد | از گلستان بخت گل بر چین
گر سفر میکنی بکن شاید | که ترا بخت گشته است قرین
در حضر نیز نیک می آید | زر شود از سعادتت آئین
هم ز فرزند غایبی خرم | میشوی ای عزیز من بیقین
از نکاح نصیبه پیوند | کام یابی تو با همه آئین
جمله کارها بکام تو شد | تو ازین حال خود مشو غمگین

فال حضرت سلیمان پیغمبر علیه السلام

فال نیک آمدست دستورت | گشت نزدیک منزل دورت
چون گزیدی سعادت اقبال | میتوان بند عمر منشورت
روزگارت کنون خجسته شود | نرسد غم بجان مسرورت
غم مخور گر تو خسته داری | حق شفا میدهد به رنجورت
اگر از غایب سفر پرسی | میرسد با صفا و پر نورت
عقد وصلت بکار خیر ترا | هست شادی بسی درین صورت
باغ اقبال دولتت شکفت | که بار آمدست انگورت

تا تو باشی

تا تو باشی ملامت نبشد | انگبین بی صدای زنبورت

فال حضرت زکریا پیغمبر علیه السلام

فلک و چرخ با تو یاری کرد | راه تو صبر پرده باری کرد
با چنین فال کس شتاب نکرد | هر که دعوی هوشیاری کرد
رو پیاده بگرد روزی چند | که نشاید ترا سواری کرد
پرده باری گزین و صبر بکن | رسته شد هر که پرده باری کرد
طالعت بر فلک قوی گردد | چونکه اقبال کامکاری کرد
خسته را کردگار راحت داد | زانکه بر کردگار زاری کرد
خیمه بخت را بگردون زد | گر چنین فال اختصاری کرد

فال حضرت عیسی پیغمبر علیه السلام

فال نیک آمدست عیشت خوش | خاطرت شاد باش جانت کش
دستگاه تو بر عمر زیاد | بر چنین دستگاه همت کش
فلکت چون بکام میگردد | گر تو خواهی بگیر و خواهی کش
غایبت میرسد بنعمت و ناز | میشوی ای عزیز من دلخوش
سال و مه بعد ازین بکام تو شد | طبع تو شادمان و عیشت خوش

خاطرت اندکی پریشانست　　زانکه شغل تو هست در آتش

از بزرگان تو حمتی یابی　　نعمت اسب و موزه مرکش

گر کسی را چنین بر آید فال　　بکشاید در بلا در حبش

کار تو بعد ازین چنین گردد　　که زرت بر کنند بر سفرش

عمر خود را بخیر می گذران　　تا شب دولتت شود مهوش

فال حضرت یحیی پیغمبر علیه السلم

طالعت را که بخت باشد جفت　　صاحبش با حضور باید خفت

نیک فالیست نیک قرعه بغیر　　اینچنین فال کس نه دید بکفت

آن درختی که خشک بد همه سال　　شر و کانی که این زمان بشکفت

غایبت میرسد بفتح تمام　　در معنی از آن توانی سفت

از نکاح نصیبه پیوند　　جمله خوبست شرح نتوان کفت

سفر و نقل کردن از جای　　کار خوبست سعی کن بنهفت

کار تو بعد ازین نشان گردد　　که بصد ساله شرح نتوان کفت

هر که با محبت قرین باشد　　بختش اندر کنار خود بگرفت

فال تو روی در سعادت کرد　　وز حسودان جمال خود بنهفت

تا تو باش

تا تو باشی بخیر می گذران　　که سعادت گل مراد شکفت

فال حضرت صالح پیغمبر علیه السلم

تو بدین فال هیچ جای مرو　　تا زمانی مساز و خیره مشو

دست در هیچکونه کار مزن　　خاموشی کیر و پند من بشنو

تخم امید باد و هفته مکار　　آنچه از پیش کشته بدرو

بعد ازین هرچه رای تست بکن　　هر کجایت مراد هست برو

چون سعادت بکام تو گردید　　پای بخت نکوید اندر کو

سعد در خانه مراد نشست　　سال و ماه هست بر اختر آمد نو

کار از روی فال حاصل شد　　که بیر دی تو از مراد گرو

هم زفرزند غایبی خرم　　میشوی ای عزیز من بشنو

عقد تزویج و شوکت صفوت　　صبر خوبست محرم باش برو

بعد چند روز کام دل یابی　　شکر حق کوی و پند من بشنو

فال حضرت خضر نبی پیغمبر علیه السلم

فال ازین کو نه مید هد خبرت　　که بر آورد کام دادگرت

که خدای تو مشتری کردید　　طالعت سنبلست در زرم کرت

بعد ازین از مشقت گردون نرسد تیر خصم بر جگرت
عزت بخت خوب می بینم دولت و خرمیست در حضرت
دولتت بعد ازین چنان گردد که بزرگان شوند خاک درت
سبز گردد درخت اقبالت از وجود وفا دهد ثمرت
از قضای نصیبه پیوندد جمله خوبیست و نیست هیچ ضررت
فوت گشته بدست باز آید نشود هیچ نقل سیم و زرت
آب روی تو گشته آب حیات کز غایب همی رسد خبرت
زندگانی بکام تو گردید چون مراد هست خانهٔ ظفرت

فال لقمان حکیم علیه السلام

ای بوسوسه ور گرده پناه کارت از نفس شوم گشته تباه
بخت بهتر بود تو را نبی رهبر هنر از بخت نیک باید بجاه
صبر کن تا که بخت باز آید بر سر تو نهد زعز کلاه
بعد از امروز تا دو ماه دگر چون شهنشاه بر نشین انگاه
غایبت با غنیمت بسیار می رسد ای عزیز من ناگاه
لیک در کارهای دیگر هم صبر باید کزندایه لخواه

اگر

اگرت خورده فلک شکسته است شخصی آید تو را کند آگاه
بخت اقبال کام تو گردید شب تاریک گردد چو ماه
گر بدین فال اختصار کنی بخت آید تو را نبیر در راه

فال حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

هر که را اینچنین بر آید فال فرخش روز و ماه میمون فال
فال شاهان مهتر است این فال در چنین فال نیک گردد حال
اخترت خیمه بر ثریا زد طالعت هست در مقام جلال
روز کارت بخرمی گردید زانکه رزق تو گشت مالامال
حاجتی را که داری اندر دل زود یابی بدولت و اقبال
کار تو بعد ازین چنان گردد که بزرگان کنند از تو سوال
چون تو را فال مصطفی آمد ایمنست آفتاب تو ز زوال
شکر حق گوی مدام از دل و جان که سعادت بیابی و نیک اقبال

فال اسباط پیغمبر علیه السلام

فال خیر آمدست و فیروزی جاودان شاد باش و فیروزی
روی دولت گشاده شد بر تو هم گشاید دری بهروزی

هرچه کام توست بر تو رسید　　نعمت بیشمار اندوزی

عقد پیوند و نیت غایب　　جمله خوبست و عین فیروزی

گر صفر میکنی بسی خوبست　　حضرت هست عین بروزی

روزی از حق بخواه و شکرش کن　　تا تو باشی مخور غم روزی

فال یوشع پیغمبر [illegible] علیه السلام

مینماید بفال قرعه براز　　آیدت روزگار نعمت و ناز

تو ازین فال خرمی بینی　　دولت عیش و کام عمر دراز

چیزی از دست تو بدر رفته　　باز یابی اگر کنی تک و تاز

بخت و دولت بهم قرین گشته　　با سعادت تو گشته انباز

طالعت برج مشتری گردید　　مشتری یمنست از غماز

بعد ازین تا تو در جهان باشی　　اسب اقبال بر نشین و بتاز

هم ز غایب خبر بمیابی　　نیکویی کن بخلق شود ممتاز

اسم اعظم بدفع چشم بدان　　حافظ تست اسم اعظم باز

دشمنان و رقیب بسیارند　　لیک باشند جملگی بگداز

فال ذوالکهف پیغمبر علیه السلم

ازچنین

ازچنین فال چونکه در گذری　　شادمانی ز هر غم شمری

دادگر رحمتی کند مکرت　　زانکه در جور در رحم دادگری

تا توانی بصدق کوش و دعا　　کز دعا گوی هر کرانه بری

صبر کن تا دو هفته دیگر　　تا تو از روزگار بر نخوری

صبر کن صبر کن تا شوی صابر　　گوی دولت ز دشمنان ببری

عقد تزویج جمله اکارت　　صبر کن تا ز جمله بر نخوری

طالعت در حضر نمی سازد　　زانکه تو در تجارت سفری

فال حضرت امیر المؤمنین [illegible] مرتضی علی [illegible] رضی الله عنه

قدر این فال را نمیدانی　　هرچه گوییم هزار چندانی

چون ترا فال حیدر کرار　　آمد رستی از پریشانی

بخت دولت مطیع تو گردید　　حق دهد ملک سلیمانی

مشکلاتی که هست در کارت　　بگشاید خدا باسانی

ای برادر تو شاد گردان دل　　گفت برآر و مراد یزدانی

طالعت مرتضی علی آمد　　شاه مردان شیر یزدانی

دستگیرت بود همی فی الحال　　گر تو جانی بجان فرمانی

هرچه خواهی ز دولت حیدر
بدهد حق ترا باسانی

مال قدر تو بیشتر گردد
کم شود بذلت پریشانی

حق تعالی همه مراد ترا
میدهد بیگمان یقین دانی

عزت و خوب و عقد پیوند هم
جمله خوبست و عیش ها رانی

اسم اعظم بخوان که میدار
که تو باشی بحفظ سبحانی

ایزدت میدهد یکی فرزند
که ندارد درین جهان ثانی

بعد ازین تا تو در جهان باشی
کام عیش و مراد ها رانی

فال حضرت امام حسن [redacted] رضی الله عنه

از چنین فال مالت افزاید
جز به نیکیت راه ننماید

هر دری که به بست بر تو کسی
ایزد پاک بر تو بگشاید

شادمانی خرمی یابد
هر که را این چنین فال آید

بعد از امروز تاج دولت تو
سر رفعت بر آسمان ساید

هرچه کردی و هرچه خواهی کرد
حق تعالی همه ببخشاید

سفرت سخت خوب می بینم
حضرت نیز نیک می آید

از تجارت تو منفعت یابی
ور عمارت کنی بکن شاید

فال حضرت امام حسین [redacted] رضی الله عنه

اندرین فال گر تو هشیاری
صبر پیش آر تا نیازاری

کارت از صبر میشود بمراد
بگذر از جهل گر خرد داری

تا سه ماه دگر تحمل کن
گر تو در دل امید میداری

اندرین کار گر شتاب کنی
لاجرم خویش را بیازاری

از سفر راحتی ترا رسد
در حضر نیز عقبه داری

گر تحمل کنی و نشتابی
کام دل از زمانه برداری

تا بود روز صابری پیش آر
بعد ازین حق و مدد تو را یار

هزاران درود و هزاران سلام
ز ما بر محمد علیه السلام

فصل در بیان ادعیه ماه مبارک رمضان روز اول و هر روز

غسل سنت است و مرویست از حضرت امیر المؤمنین علی [redacted] رضی الله عنه که فرمود هر که در اول سال غسل کند و بر سر خود سی کف آب بریزد ایمن شود از بیماریها و از درد ها که صاحب این سال را باشد یعنی در ان سال نمیرد و زنده باشد تا رمضان دیگر و اول سالی بقول الحضر

ماه مبارک رمضانست و در روایت آمده که هر که درین روز دو
رکعت نماز بگذارد در رکعت اول الحمد یکبار و انا فتحنا یکبار و در رکعت
دویم الحمد و هر سوره که خواهد بخواند در حفظ امان عز و علا باشد تا سال
دیگر و درین روز صدقه دادن سنتست و ثواب بسیار دارد و
هر که درین روز روزه دارد و این دعا را بخواند که اللّٰهمّ اجعل صیامی
فیه صیام الصّائمین و نبّهنی فیه یا اله العالمین یا قیام
القائمین بنویسد خدای تعالی برای او بعدد هر روز این ماه
هزار حسنه و محو کند از نامهٔ اعمال او هزار سیئه و بلند کرداند از برای
او هزار درجه **روز دویم** هر که درین روز روزه دارد و این دعا را بخواند
که اللّٰهمّ قرّبنی فیه الی مرضاتک وجنّبنی فیه من سخطک
ونقماتک ووفّقنی فیه لقرائة آیاتک برحمتک یا ارحم
الرّاحمین بنویسد خدای تعالی برای او بهر کامی که در شعر و بر دارد
ثواب عبادت یکساله که روز روزه بوده باشد و شب نماز گذرانیده باشد
روز سیم هر که درین روز روزه دارد و این دعا بخواند اللّٰهمّ ارزقنی
فیه الذّهن والتّنبیه وابعدنی فیه من السّفاهة

والتمویه

والتّمویه واجعل لی نصیبا فی کلّ خیر ینزل فیه بجودک
یا ارحم الرّاحمین بنا کند خدای تعالی برای او خانهٔ در بهشت
از مروارید تابان و بر بالای او هفتاد غرفه باشد و هم چنین در
زیر و زبر هر غرفه تختی باشد و بر هر تختی حوری باشد درخشنده تر
از آفتاب و هر روز هزار فرشته می آیند بدان خانه و از حضرت
واجب الوجود هر یک با تحفه و هدیهٔ گوناگون بجهة صاحب آن غرفه
روز چهارم هر که درین روز روزه دارد و این دعا را بخواند اللّٰهمّ
وفّقنی فیه علی الاقامة امرک وارزقنی فیه حلاوة
ذکرک واوزعنی فیه لاداء شکرک بکرمک یا خیر
النّاصرین النّاظرین بدهد خدای تعالی او را در بهشت هفتاد
هزار تخت و بر هر تختی هفتاد هزار کنیزک و بر هر کنیزکی مقنعه باشد
که بهتر باشد از دنیا و هر چه در اوست **روز پنجم** هر که درین روز
روزه این دعا را بخواند اللّٰهمّ اجعلنی فیه من المستغفرین
واجعلنی فیه من عبادک الصّالحین واجعلنی فیه
من اولیائک المقرّبین القانتین برأفتک یا ارحم الا

مؤمنی ببخشد خدای تعالی او را در جنت هزار شهر که در
هر شهری هزار ظرف باشد و بر هر ظرف هزار خوان باشد بر هر
خوانی چهل نوع از طعام بتقدیر عزیز علیم **روز ششم** هر که این روز
روزه دارد این دعا بخواند اللّٰهم لا تخذلنی لتعرّض معصیتک
ولا تضربنی بسیاط نقمتک وازحزحنی عن موجبات
سخطک بمنّک وایادیک یا منتهی رغبة الراغبین
عطا کند خدای تعالی باو در دار السلام هشت هزار شهر و در هر
شهری هزار خانه و در هر خانه هزار تخت و در هر تختی هزار حوری
باشد که گیسوان او از مشک باشد و گیسوی هر کدام را هزار کنیز
بر دارند **روز هفتم** هر که درین روز روزه دارد این دعا را بخواند
که اللّٰهم اعنّی علی صیامه وقیامه وجنّبنی فیه من
هفواته واثامه وارزقنی ذکرک وشکرک وبدوام
هدایتک وتوفیقک یا هادی المؤمنین المضلّین
عطا کند خدای تعالی باو در بهشت آنچه بدهد شهدا و اصفیا و
صالحین و بفضل و کرم خود **روز هشتم** هر که درین روز روزه دارد

واین

واین دعا بخواند که اللّٰهم ارزقنی فیه رحمة الایتام واطعام
الطعام وافشاء السلام وارزقنی فیه صحبة الکرام وجنّبنی
فیه صحبة اللئام بطولک یا ملجأ الآملین العاصین ببخشد
خدای تعالی او را ثواب عمل صد هزار صدیق کرامت کند **روز نهم**
قرد ٥١ هر که درین روز روزه دارد و این دعا را بخواند اللّٰهم اجعل لی فیه نصیباً
من رحمتک الواسعة واهدنی فیه ببراهینک الساطعة
وخذ بناصیتی الی مرضاتک الجامعة بمحبتک یا امل المشتا
قین بنویسد خدای تعالی برای او ثواب فرزندان یعقوب پیغمبر از
بنی اسرائیل **روز دهم** هر که درین روز روزه دارد و این دعا بخواند
اللّٰهم اجعلنی من المتوکلین علیک الفائزین لدیک
واجعلنی من المقربین الیک باحسانک یا غایة الطالبین
آمرزش خواهد برای او آفتاب و ماه و ستارگان و کوهها و درختها و جمیع
موجودات **روز یازدهم** هر که درین روز روزه دارد و این دعا را بخواند
اللّٰهم حبّب الیّ فیه الاحسان وکرّه الیّ فیه الفسوق
والعصیان وحرّم علیّ فیه السخط والنیران بعونک

یا غیاث المستغیثین بنویسد خدای تعالی برای او ثواب یک حج مقبول
که با حضرت پیغمبر کرده باشد و هر حج که با پیغمبر کنند برابر هزار حج است
که با غیر او کرده باشند **روز دوازدهم** هر که درین روز روزه بدارد و این دعا را
بخواند اللهم زیّنّی فیه بالستر والعفاف واسترنی فیه
بلباس الصبر والقنوع والکفاف بعصمتک یا عصمة
الخائفین گناهان گذشتهٔ او آمرزیده شود و امر کند خدای تعالی
کرام الکاتبین را که سیئات را از نامهٔ اعمال او محو کنند و بجای حسنات بنویسند
روز سیزدهم هر که درین روز روزه دارد و این دعا را بخواند اللهم
طهّرنی فیه من الدنس والاقذار وصبّرنی علی کائنات
الاقدار ووفّقنی فیه للتقی وصحبة الابرار بقوّتک
یا قوّة المساکین یا قرّة عین المساکین خدای تعالی برای
او بعدد هر سنگ و کلوخی که در روی زمین است حسنه بنویسد **روز چهاردهم**
هر که درین روز روزه بدارد و این دعا را بخواند که اللهم لا تؤا
خذنی بالعثرات واقلنی فیه من الخطایا والهفوات
ولا تجعلنی غرضاً للبلایا والآفات بعزّتک یا عزّ

المسلمین

المسلمین چنان باشد که با انبیا و اولیا و شهدا و اصفیا روزه
داشته باشد **روز پانزدهم** که درین روز امام محمد جواد و امام حسن عسکری صلی الله علیهما
صلوات الله وسلامه علیهما متولد شده و این روز سرور مؤمنان است
و سنت است درین روز صدقه و خیرات بر فقرا بجهت شکرانهٔ این نعمت
هر که درین روز روزه دارد و این دعا را بخواند که اللهم ارزقنی
فیه طاعة الخاشعین العابدین واملأ فیه قلبی من
خشوع الخائفین واشرح فیه صدری بانابة المخبتین
بامانک یا امان الخائفین خدای تعالی صد حاجت او روا کند
هشتاد در دنیا و بیست در آخرت و بنا کند در فردوس بهمسایگی انبیا
هزار شهر از در غلطان و در هر شهری هزار غرفه و حجره که از انواع
لذات هر چه اراده کند در او باشد **روز شانزدهم** هر که درین روز روزه
دارد و این دعا بخواند اللهم وفّقنی فیه لعمل الابرار
وجنّبنی فیه موافقة الاشرار واونی فیه برحمتک فی
دار القرار بالهیتک یا اله الاولین چون روز قیامت سر از
قبر بر دارد بدهد خدای تعالی او را نوری و روشنائی که راه نمای او باشد

و جامه از حلهای بهشت و ناقه که سوار شود از بهشت و آب دهد

روز هفدهم درین روز غزای بدر بود و بدر نام جاییست که در حوالی
آنجنگ واقع شد میان لشکر اسلام و مشرکان واقع شده بود و خدای تعالی
امر فرمود و ملایکه را که نصرت حضرت پیغمبر و مومنان نمودند درین روز
صدقه دادن سنت است هر که درین روز روزه دارد و این دعا
بخواند که اللهم اهدني فيه لصالح الاعمال واقض لي
فيه الحوائج والآمال يا من لا يحتاج الى البيان والتفسير
الى السؤال يا عالما في صدور العالمين خدای تعالی ملایکه
مقربین را میفرماید که گواه باشید که من او را برحمت خود آمرزیدم اگر
چه از جمله حرامیان و قطاع الطریق باشد **روز نوزدهم** هر که درین
روز روزه بدارد و این دعا را بخواند اللهم وفر فيه حظي من بركاته
وسهل سبيلي الى خيراته ولا تحرمني قبول حسناته يا
هاديا الى الحق المبين فرشتهای آسمانها و زمینها دعا کنند
و تسبیح گویند و ثواب او را برای او نویسند با مر حضرت واجب
الوجود و فضل و کرم او **روز بیستم** هر که درین روز روزه

دارد

روز هجدهم هر که درین روز روزه بدارد و این دعا بخواند اللهم نبهني فيه لبركات اسحاره ونور فيه قلبي بضياء انواره وخذ بكل عضو من اعضائي الى اتباع آثاره بنورك يا منور قلوب العارفين ... خدای تعالی عطا ثواب ده هزار ...

دارد و این دعا بخواند اللهم افتح لي فيه ابواب الجنان
واغلق عني فيه ابواب النيران ووفقني فيه لتلاوة
القرآن يا منزل السكينة في قلوب المؤمنين امر کند
خدای تعالی هفتاد هزار فرشته را تا حافظ او باشند از سلطان
و شر شیطان و بنویسد برای او هر روزی که روزه داشته باشد
ثواب روزه یکساله میان او و دوزخ هفت خندق بیافریند
که مابین هر خندق ما بین زمین و آسمان باشد ذلك فضل الله
يؤتيه من يشاء **روز بیست و یکم** هر که درین روز روزه دارد و این دعا را
بخواند اللهم اجعل لي فيه الى مرضاتك دليلا ولا
تجعل للشيطان علي سبيلا واجعل لي في الجنة
منزلا ومقيلا يا قاضي حوائج الطالبين خدای تعالی
عذاب قبر از او دور کند و فراخ گرداند در روز قیامت قبر او را روشن
روز بیست و دویم هر که درین روز روزه دارد و این دعا را بخواند
که اللهم افتح لي فيه ابواب فضلك وانزل علي فيه من
بركاتك ووفقني فيه لموجبات مرضاتك واسكني

بحبوحة جنانك یا مجیب دعوة المضطرین خدای
تعالی آسان کند سختی جان کندن او و سوال منکر و نکیر را و ثابت کرداند
ایمان او را بر او روز بیست سیم هر که درین روز روزه دارد و این دعا را
بخواند اللهم اغسلنی فیه من الذنوب وطهرنی فیه
من العیوب وامتحن قلبی فیه بتقوی القلوب یا
مقیل عثرات المذنبین بگذرد از پل صراط همچون برق با
انبیا و شهدا روز بیست چهارم هر که درین روز روزه دارد و این دعا را
بخواند که اللهم انی اسئلك فیه ما یرضیك واعوذ بك
فیه ما لا یرضیك بان اطیعك ولا اعصیك یا عالم
احوال السائلین بدهد خدای تعالی او را بعدد هر موی که
بر سر و بدن اوست هزار کنیز و هزار غلام که از غایت لطافت
گویا که مثل یاقوت و مرجان باشد روز بیست پنجم هر که درین روز
روزه بدارد و این دعا را بخواند که اللهم اجعلنی فیه محبا
لاولیائك ومعادیا لاعدائك متمسکا ومستنا
بسنة خاتم انبیائك یا عاصم النبیین بنا کند خدای

تعالی برای او در عرش صد برج بر سر هر برج خیمه او را گویند
که ای بندهٔ من ساکن شو در سایه عرش من و بخور و بیاشام
از آنچه پیش فرستاده ام در دنیا نخوردی روز بیست ششم هر که درین
روز روزه دارد و این دعا بخواند اللهم اجعل فیه سعیی
مشکورا وذنبی فیه مغفورا وعیبی فیه مستورا
واعتقنی فیه بجودك یا اسمع السامعین خدای
تعالی در روز قیامت ورا بشرف مکالمه خود مشرف کرداند
و فرماید که ای بندهٔ من اندوهناک مباش که آمرزیدم تو را
روز بیست هفتم هر که درین روز روزه بدارد و این دعا بخواند
اللهم وفر حظی فیه من النوافل واکرمنی فیه
باحضار المسائل وقرب وسیلتی الیك
من بین الوسائل یا من لا یشغله الحاح الملحین
همچنین باشد که جمیع گرسنگان را سیر کرده باشد و جمیع تشنگان
را سیراب کرده باشد روز بیست هشتم هر که درین روز روزه
دعا را بخواند اللهم غشنی فیه بالرحمة وارزقنی

فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الْمَعِيبَاتِ
وَالتُّهْمَةِ يَا رَحِيمًا بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ عطا کند اورا
خدای تعالی در آخرت نصیبی وافر که چهل هزار برابر دنیا باشد
روز بیست نهم هر که درین روز روزه دارد و این دعا بخواند که
اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَصَيِّرْنِي فِيهِ
كُلِّ أَمْرٍ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ وَاقْبَلْ مَعَاذِيرِي وَحُطَّ
عَنِّي الْوِزْرَ يَا رَؤُوفًا بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ بنا کند خدای
تعالی برای او در بهشت هزار شهر از طلا و نقره و زبرجد و
مروارید روز سیام هر که درین روز روزه دارد و این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ
وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مُحْكَمَةً
فُرُوعُهُ بِالْأُصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّا
هِرِينَ اکرام کند خدای تعالی او را بکرامت پیغمبران انشاء
شرح دعاء مبارک الله تعالی و تقدس مجیر اینست
روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که در مقام
ابراهیم

ابراهیم پیغمبر علیه السلام بودم و بنماز مشغول بودم و از جهت امتان خود
طلب مغفرت میکردم که جبرائیل علیه السلام در رسید شادان و خندان
گفتم یا اخی جبرائیل مرا چیزی بیاموز که چون امتان من بخوانند حق تعالی
برایشان رحمت کند جبرئیل عم فرمود که یا محمد علیه الصلوة والسلام امتان خود را بفرمای
که این دعا را بیاموزند و بخوانند و با دبر خود دمند و با خود دارند
و در ایام البیض در ماه مبارک رمضان بخوانند بجلال قدرت
الله تعالی که اگر برابر آسمان و زمین و کوههای دنیا گناه داشته باشد
که حق تعالی همه را بیامرزد و این دعای بزرگوار گرد بر گرد عرش مجید
نوشته است و منکه جبرائیلم بقوت این دعا در آسمان و زمین پرواز
میکنم و روز قیامت درهای بهشت بدین نام گشاده گردد
و هر که این دعا را بخواند از مرگ مفاجات و جور سلطان و مکر شیطان
ایمن باشد و هر که این دعا را بخواند روز قیامت روی او چون
ماه شب چهارده باشد و خلق عرصات پندارند که او پیغمبرست یا محمد
هر که روز روزه دارد و در شب این دعا را بخواند و با وضو در خواب
شود ترا که محمدی علیه الصلوة والسلام در خواب ببیند و هر که پانزده بار این دعا را

بخواند منکر جبرئیلم برسر قبر او آیم و با براقی از نور و ملایکه گویند
که بار خدایا این کدام بندهٔ نیکوکار است امر آید از جلیل جبار که ای
ملایکه این بنده ایست در دنیا چند بار این دعا را خوانده است پس
حق تعالی فرموده که وی را در بهشت برید و در همسایگی حضرت ابراهیم
(علیهم الصلوة والسلام) وحضرت محمد او را جای دهید و هر که این دعا را بخواند چندان
ثواب داشته باشد که ریگ بیابان و قطرهٔ باران و برگ درختان
و شماره ستارگان آسمان و پر پرندگان و موی چهارپایان و
جمیع خلایق از احیا و اموات یا محمد (صلی الله علیه وسلم) اگر دریاها مداد گردد
و شاخ درختان قلم گردد و زمین و آسمان کاغذ گردد و خلایق عالم
از جن و انس نویسنده گردد و نه هنوز از صد یکی نه نویسند و
از ابو ذر غفاری رحمت الله علیه روایتست که چون من این دعا را
میخواندمی حضرت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را در خواب دیدمی و عبد الله
سلام رحمت الله گفت من این دعا را میخواندم تا اسلام قرار یافت
و عبد الله مسعود فرمود که من قران فراموش کرده بودم چون
این دعا را بخواندم حافظ شدم و حضرت امیر المؤمنین علی ع

فرمود

فرمود که هر گاه بغضا رفتمی این دعا با من بودی و پیوسته میخواندم
تا حق تعالی مرا نصرت دادی یا محمد (صلی الله علیه وسلم) هر که این دعا را بخواند توانگر
گردد و اگر قرض داشته باشد ادا گردد و اگر در زندان باشد خلاص
شود و اگر در سفر باشد از بلیات ایمن باشد و اگر چیزی گم کرده
باشد چهار رکعت نماز بدان نیت بگذارد و در هر رکعتی الحمد
یکبار و قل هو الله احد ده بار بخواند و چون از نماز فارغ گردد این
دعا را بخواند خدای تعالی آن چیز را بوی رساند و حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم)
از قول حضرت جبرائیل ع فرمود که هر که این دعا را باخلاص بر کوه
خواند پاره پاره گردد و اگر بر آب خواند از رفتن بماند و اگر بر زمین
خواند بلرزه درآید زیرا که نامهای بزرگ خدای تعالی است و هر که
این دعا را با خود داشته باشد از جمیع بلیات در امان خدا باشد
و هر که این دعا را بر مومنان آموزد ثواب عظیم داشته باشد
و هر که شک آورد کافر گردد و دیگر فرمود که اگر کسی نتواند اعتقاد
کند که نام بزرگ خدای با من است و عزیزش دارد چندان ثواب
داشته باشد که بشرح نیاید باید که این دعا را بمنافقان نیاموزد

مباد اکہ ایشان از خدا چیزی در خواهند کہ در او گناه باشد و بالله
التوفیق هذه الدعا بسم الله الرحمن الرحیم مبارک محمد
سبحانك يا الله تعاليت يا رحمن اجرنا من النار يا
مجير سبحانك يا كريم تعاليت يا رحيم اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا سلام تعاليت يا مؤمن
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ملك تعاليت
يا قدوس اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا معيد
تعاليت يا جميل اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا غفور تعاليت يا شكور اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا مسهل تعاليت يا مكمل اجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا عليم تعاليت يا كريم اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا حليم تعاليت يا قديم اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا حنان تعاليت يا
منان اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا فائق
تعاليت يا سابق اجرنا من النار يا مجير سبحانك

يا فعال

يا فعال تعاليت يا اصح اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا مبين تعاليت يا امين اجرنا من النار يا
مجير سبحانك يا علي تعاليت يا ملي اجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا معبود تعاليت يا موجود اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا مذكور تعاليت يا
مشكور اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا غفار تعاليت
يا قهار اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا جلال تعاليت
يا جمال اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا رزاق
تعاليت يا عدل اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا سميع تعاليت يا وافي اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا مؤمن تعاليت يا مهيمن اجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا مقدر تعاليت يا مصور اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا عليم تعاليت يا حكيم
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا كافي تعاليت يا
وافي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا دائم تعاليت

يا قابض اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا عاصم تعاليت
يا قائم اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا غني تعاليت
يا قوي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا مكرم تعاليت
يا مفهم اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا جليل تعاليت
يا جميل اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا غفور تعاليت
يا صبور اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ذا المن
تعاليت يا ذا الطول اجرنا من النار يا مجير سبحانك لا اله الا
انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه
من الغم وكذلك ننجي المؤمنين اللهم اعطنا خير
الدارين واصرف عنا شر كل ذي شر وشر كل
دابة يا ارحم الراحمين بسم الله الذي لا يضر مع
اسمه شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع
البصير ونعم المولى ونعم النصير ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد وآله
اجمعين الطيبين الطاهرين والحمد لله رب العالمين

روایت است میکند امیر المومنین حسین بن
رضی الله عنه داود از حضرت رسول
علی علیه السلام از پدر بزرگوار خود که گفت روزی در گلستان
بودم و بغیر از من کسی دیگر نبود ناگاه دیدم مرغی سبز بالها نور
افشان از آسمان فرود آمد که مثل آن مرغ هرگز ندیده بودم مرغ
علیه الصلوة والسلام
گفت یا رسول الله بر تو روشن است که عرش خدای بران بزرگی
که مرسل از سدرة المنتهی بیک پریدن از ساق عرش [illegible]
نتواند پریدن با وجود این عظمت که عرش است خدای تعالی مرا
قوتی داده که هر روز هفتاد بار گرد جمیع عرش میگردم این
قوت مرا از برکت این دعا خدای تعالی مرا تعلیم کرده است این
دعا را هر که از صدق و اعتقاد درست بخواند و بر بد بگوید نیست
شود و اگر بر دریا خواند خشک شود بفرمان خدای تعالی و این
دعا را خاصیت بسیار است فردای روز قیامت خواننده این
این دعا چون سر از گور بردارد بحکم خدای تعالی میکائیل با هفتاد
هزار فرشته بیایند و براق بیاورند و آن بنده را سوار کنند و به
برند تا به بهشت علی و شهدا و پادشاهان عادل بنشانند و حق

سبحانه و تعالی آن بنده را اعزاز و اکرام کند و گفت یا رسول الله
بجلال خدا که اگر جمیع آفرینش از آدمی و ملایکه و پریان گرد شوند
و خواهند که شرح این دعا را بنویسند و از هزار یکی نتوانند نوشت
یا رسول الله صلی الله علیه و سلم اگر آسمان و زمین زوبین گردند و همه زنند خواننده
و دارندهٔ این دعا در امان خدای تعالی باشد و خواننده و دارندهٔ
این دعا را تلخی جان کندن و عذاب قبر نباشد و سؤال منکر و
نکیر با آسانی گذراند و از عذاب روز قیامت در امان خدای باشد
ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم هر روز ترا از حضرت ندا میرسد که هر که این دعا را
هر روز یکبار بخواند و اگر نتواند خواند با خود نگاه دارد از جمیع بلاها
ایمن باشد و اگر خواندن من این دعا نبودی آسمان و زمین را
قرار نبودی و ملک الموت نزد و را آنها با ایستادی و گفت ای رسول صلی الله علیه و سلم
بعزت و جلال خدا که ای دعا را بغیر از من مخلوقات هیچکس
نیاموخته بغیر از تو هیچ پیغمبری نفرستاده است پیغمبر صلی الله علیه و سلم
فرمود که ای مرغ بدین جثه هر روز هفتاد هزار بار چگونه
گرد عظیم میکردی گفت ای پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم اگر بصورت اصل خود آمدی

صلی الله علیه و سلم
کی در دنیا گنجیدمی ای رسول خدا مرا هزار بال است و در هر بال
من هزار پر است و بر هر پر من چندین هزار دنیاست ای رسول صلی الله علیه و سلم
خدا نور عرش از نور من است و نور من از نور تست ای رسول خدا که
خواجهٔ کاینات منی هر بار که گرد عرش میگردم و طواف کنم
این دعا را میخوانم و بر تو صلوات میفرستم تا که توانم بگرد عرش برآیم
ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم مرا فرمودن رسیده از رب العزت تا این دعا را نزد
دیک تو آورم تا خود بخوانی و به پسر عم خود بیاموزی تا نصرت
دین تو کند و در ضرب هیچ دشمن بر وی ظفر نیابد بحرمت
این دعا یا رسول الله صلی الله علیه و سلم این دعا را بمنافقان نیاموزی که هر
منافقی که این دعا را بخواند یا با خود دارد من که طیر الاخضرم
و ناصر و مظفر او باشم و در همه احوال معاون او گردم یا
رسول الله صلی الله علیه و سلم اگر دریاها مداد گردد و درختان قلم گردد و
اولین و آخرین نویسنده شوند تا روز قیامت خاصیت این
دعا از هزار یکی نتوانند نوشت ما مختصر شد تا نویسنده و
خواننده را ملال بسنده الدعاء الموصوفه نباشد والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحيم

ويا حبيب الفقراء ويا عظيم الرجاء يا دليل المتحيرين
يا حي يا قيوم يا حنان يا منان يا مسبب الاسباب يا
مفتح الابواب ويا مقلب القلوب والابصار يا ذو
الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين وخالق الماء
والطين وصلى الله على محمد وآله اللهم اني اسئلك
باسمك العظيم الاجل الاعز الاكرم الذي اذا
دعيت به اجبت واذا سئلت به اعطيت يا نور النور يا
مدبر الامور يا عالم ما في الصدور يا سميع يا قريب يا
مجيب الدعاء يا لطيفا لما يشاء يا رؤف الرحيم
يا ذو الجلال والاكرام الم الله لا اله الا هو الحي
القيوم يا الهي واله كل الاها واحدا لا اله الا
انت اللهم اني اسئلك باسمك يا الله يا الله يا الله الذي
لا اله الا هو رب العرش العظيم فتعالى الله الملك
الحق لا اله الا هو رب العرش العظيم انت

الاول

الاول والاخر والظاهر والباطن وسعت كل
شيء رحمة وعلما كهيعص حمعسق
الم ن والقلم يا واحد يا قهار يا قهار يا عزيز يا عزيز
يا جبار يا احد يا صمد يا ودود يا غفور هو الذي
لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة وهو الرحمن الرحيم
اللهم اني اعوذ بك باسمائك المخزون المنزل السلام
المطهر الطاهر القدوس يا ديهور يا ديهار يا
ابد يا ازل يا من هو لا يزال يا هو يا لا اله الا هو
انت يا من لا يعلم الا هو يا من اهيا شراهيا اذوني
صباوتون يا عالي عن آية الامور اللهم اني اعوذ
بك من زوال نعمتك ومن تحويل عطيتك اللهم
اني اسئلك والصلوة على محمد وآل محمد واسئلك
من كله يا عاجله منه وما لم اعوذ بك من شر
كل عاجله واجله يا علمت وما لم اعلم يا حي يا قيوم
برحمتك استغيث لا تكلني الى نفسي طرفة عين

واصلح لی شأنی کله بدیع السموات والارض یا
ذا الجلال والاکرام اللهم یا عالم الخفیات
ویا رفیع الدرجات یلقی الروح بامره علی من یشاء
من عبادک غافر الذنب وقابل التوب ان الله
شدید العقاب ذی الطول ان الله لا اله الا هو
الیه المصیر اللهم انی اسئلک برکات الحیوة وخیر
الحیوة واعوذ بک من شر الحیوة وشر الوفات
واسئلک خیر ما بینهما احینی حیوة السعداء
حیوة من تحت لقاء یا احکم الحاکمین
وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین

دوازده امام بنبی عربی ورسول مدنی واخیه
اسد الله مسمی بعلی وبزهراء بتول وبام ولدیه
وبسبطیه وشبلیه هما نسل زکی وبسجاد وبالباقر والصادق
حقا وبموسی وعلی وتقی ونقی وبذی العسکر والحجة
القائم الحق وضربا بالسیف علی ان لی احب الیوم دعائی
فتقبل بقبول حسن رب دعائی بعلی بعلی

فصل در بیان اختیارات ایام ماه از خوبی و نحوست او

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سید المرسلین محمد وعترته
الطاهرین المعصومین اجمعین چنین گوید احقر عباد الله محمد باقر بن محمد تقی
عفی الله عن جرائمهما که این رساله ایست در بیان آنچه از احادیث معتبره اهل بیت
رسالت پناه صلوات الله علیهم اجمعین معلوم میشود از سعادت و نحوست ایام
هفته و ماه بجهت ارتکاب و اشتغال اعمال بر وجه اختصار مرقوم میگردد
تا آنکه جمعی از خلص شیعیان که در جمیع امور متابعت پیشوایان دین لازم
میدانند باین رساله رجوع نموده محتاج باختیارات ساعات نجوم که
بحسب شرع مذموم است نباشند و علی الله التوکل و هو حسبی و نعم الوکیل

فصل اول در اختیارات ایام ماه سید علی بن طاوس علیه الرحمه از حضرت امام بحق
ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت نموده که در روز **اول ماه**
حضرت آدم علیه السلام مخلوق گردیده روزیست مبارک از برای طلب حوائج و از
برای رفتن بنظر پادشاهان و طلب علم و دادوستد و سفر کردن و خرید
و فروخت و کشتن چهارپایان و اگر بنده یا حیوانی گم شود ...

آید و هر که درین روز بیمار شود شفا یابد و فرزندی که در این روز متولد شود
بخشنده و فراخ روزی و با برکت باشد **روز دویم** در این روز حضرت
حوا مخلوق شده است و شایسته است برای زن خواستن و خانه بنا کردن
و تمسکها و قبالجات نوشتن و حاجات طلب کردن و اختیار کلها نمودن
و هر که در اول این روز بیمار شود و بیماریش سبک باشد بخلاف آخر روز اگر
فرزندی متولد شود در این روز نیکو تربیت یابد **روز سیم** نحس است
و آدم و حوا را درین روز از بهشت بیرون کردند پس بهترین کارها تو در این
روز آنست که مشغول صلاح خانه خود گردی و تا ممکن باشد برای کاری
بیرون نروی و بپرهیز در این روز از رفتن بنظر پادشاهان و خرید و
فروخت و سایر کارها هر بنده که در این روز بگریزد بدست آید و هر که در این
روز بیمار شود بمشقت افتد و فرزندی که متولد شود روزیش فراخ و عمرش
دراز باشد در حدیث سلمان وارد شده است که روز کراهیت و برای
هیچ کار شایسته نیست **روز چهارم** نیکست برای زراعت کردن و شکار
کردن و عمارت بنا کردن و چهارپایان گرفتن و مکروه است در آن سفر
کردن پس هر که سفر کند بیم آن هست که کشته شود یا مالش را ببرند یا بلائی

او را عارض

او را عارض شود و در این روز هابیل متولد شد و فرزندی که در این روز متولد
شود شایسته و مبارک پی باشد تا زنده است و هر که در این روز بگریزد
یافتنش دشوار باشد و پناه بجائی برد که او را نتوان یافت **روز پنجم**
روز نحست که در آن روز قابیل ملعون متولد شده و در همین روز برادر
برادر خود را کشت پس هیچ کار را اختیار مکن و از خانه بیرون مرو و هر که
در این روز سوگند دروغ بخورد جزای خود را بیابد و هر که در این روز متولد
شود حالش نیکو باشد بروایت سلمان وارد شده است که در این روز
اختیار کاری مکن و بنظر پادشاه مرو **روز ششم** روز نیکیست که برای
برآمدن حاجات و زن خواستن و هر که سفر کند در این روز در دریا یا صحرا
برگردد بسوی اهلش با آنچه خواهد و دوست دارد و نیکست از برای خریدن
چهارپایان و بنده که در این روز گم شود بزودی پیدا شود و هر طفلی که در این
روز متولد شود نیکو تربیت یابد و از آفتها سلامت باشد و در روایت دیگر
از آنحضرت منقولست که شایسته است برای شکار و طلب معاش و هر
حاجتی بروایت سلمان وارد شده است که خوابی که درین روز دیده شود
بعد از یک روز یا دو روز تعبیرش ظاهر شود **روز هفتم** برای همه کار

شایسته است و هر که درین روز شروع بمشق و کتابت نماید به نیکی بکمال رسد
و هر که ابتدا کند درین روز بعمارت یا بعروسی عاقبتش نیکو باشد و هر
طفلی که درین روز متولد شود تربیتش نیکو باشد و روزیش فراخ باشد
در حدیث دیگر شایسته است برای شکار و طلب روزی **روز هشتم**
شایسته است برای هر حاجتی از خرید و فروخت و هر که درین روز بنزد
پادشاهی برود حاجتش بر آورده شود و مکروه است درین روز بدریا
نشستن و سفر خشکی کردن و بجنگ رفتن و هر طفلی که متولد شود ولادتش
شایسته باشد و هر که بگریزد بر او ظفر نتوان یافت مگر بتعب بسیار و هر که
راه گم کند درین روز راه نیابد مگر بمشقت و هر که درین روز بیمار شود
تعب بسیار کشد و در روایت دیگر آنکه شایسته است برای هر کاری
مگر سفر کردن و سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده است که برای
هر کاری شایسته است **روز نهم** روز نیکست و نیکست برای هر امری
که اراده نماید پس ابتداء کارها در آن بکن و قرض بکن و زراعت بکن و
درخت مکار هر که درین روز با دشمن جنگ کند غالب آید و هر که در
این روز سفر کند مال او را روزی شود و خیر ببیند و هر که درین روز

از دشمن

از دشمن بگریزد نجات یابد و هر که بیمار شود بیماریش سنگین شود و هر که
گم شود بزودی یافت شود و هر فرزندی که متولد شود شایسته باشد در
همه حال توفیق یابد و در روایت دیگر آن فرزند فراخ روزی گردد و
بروایت سلمان خوابی که درین روز دیده شود اثرش در آن روز
ظاهر شود **روز دهم** حضرت نوح درین روز متولد شده است
و هر طفلی که درین روز متولد شود بسیار پیر و معمر شود و فراخ روزی
باشد و نیکست برای خرید و فروخت و سفر کردن و گمشده در آن زود یافت
شود و گریخته زود بدست آید و به بند افتد و هر که درین روز بیمار شود
سزاوار آنست که وصیت کند و در حدیث دیگر برای تخم کردن و
زراعت نمودن و سلف خریدن نیکوست و بروایت سلمان خوابی
که درین روز دیده شود تا مدتی بظهور آید **روز یازدهم** حضرت
شیث درین روز متولد شده و شایسته است برای کارها و خرید و
فروخت و سفر کردن و باید که احتراز نماید از رفتن بنزد پادشاهان
و هر که درین روز بگریزد بزودی باز گردد از روی اطاعت و هر که بیمار
شود امید هست که بزودی شفا یابد و هر طفلی که متولد شود به نیکی زندگانی

کند ولیکن نمیرد تا انکه پریشان شود و از پادشاهی بگریزد و در روایت
دیگر هرگز پریشان نشود و بروایت سلمان خوابی که درین روز بیند تا
بیست روز اثرش ظاهر شود روز دوازدهم روز شایسته است برای زن خواستن
و دکان گشودن و شریک شدن و بدریا سفر کردن در این روز واسطه
میان دو کس نباید شد و بیمار امید شفا در او هست و فرزندی که متولد شود
بآسانی تربیت یابد و در روایت دیگر گریخته بدست آید و فرزند بسیار عمر
یابد و پریشان نشود روز سیزدهم روز نحس است بپرهیزد در آن از
منازعه کردن و به نظر پادشاهان رفتن و روغن بر سر مالیدن و موی
تراشیدن و هر که در کاری که بگریزد بر او دست نیابند و هر که بیمار شود
بتعب افتد و فرزندی که متولد شود چندان زندگانی نکند و بروایت
سلمان خوابی که بیند تا نه روز بعمل آید روز چهاردهم نیکست برای هر
کاری و هر فرزندی که متولد شود ظالم باشد و نیکست برای طلب علم و
خرید و فروخت و صلح کردن و قرض گرفتن و بدریا نشستن و گریخته
بدست آید و بیمار صحت یابد ان شاء الله و در روایت دیگر فرزندی که متولد
شود عمرش دراز باشد و بطلب علم راغب باشد آخر عمر مالش فراوان

گردد

کرد و بروایت سلمان نیکست برای هر امری چیزی و برای دیدن
پادشاهان و فرزندی که بهم رسد خوش نصیب و دانا گردد و خوابی که دیده
شود بعد از بیست شش روز بعمل آید روز پانزدهم نیکست برای همه امور
مگر قرض دادن و گرفتن و کسی که درین روز بیمار شود بزودی شفا یابد
و کسی که بگریزد بزودی بدست آید و فرزندی که متولد لال باشد یا در زبانش
عیبی باشد بروایت سلمان خواب بعد از سه روز اثرش ظاهر شود
روز شانزدهم روز نحس است برای هیچ کار خوب نیست مگر عمارت
بنا کردن و پی گذاشتن و هر که سفر کند در این روز هلاک شود و هر که
بگریزد بزودی باز گردد و هر که راه گم کند سالم ماند و هر که بیمار شود
بزودی شفا یابد و فرزندی که متولد شود پیش از زوال متولد شود دیوانه
و اگر بعد از زوال متولد شود نیکو باشد و بروایت سلمان خواب بعد از
دو روز اثرش ظاهر شود روز هفدهم روز میانه است پرهیز
در آن روز از منازعه کردن و قرض دادن و گرفتن پس هر که قرض
بدهد باو نه دهند و هر که قرض بگیرد پس نه دهد و فرزندی که متولد
شود حالش نیکو باشد و در روایت دیگر روز گرامیست در آن حاجتی

طلب مکن و در روایت دیگر وارد شده است که حجامت در هفدهم ماه
موجب شفاست روز هجدهم روز مبارک است برای هر کار نیک است از خرید
و فروخت و زراعت و کسی که با دشمن خصمی کند بر او غالب آید و اگر طلبی
بقرض دهد باو بر گردد و بیمار شفا یابد و فرزند حالش نیکو باشد روز
نوزدهم روز مبارک است در این روز حضرت اسحق علیه السلام متولد شده است
و شایسته نیست برای بنده و چهارپا خریدن و برای سفر و طلب روزی
وسعی در کارها و آموختن علم خوبست و گریخته بعد از پانزده روز بر گردد
و فرزندی که متولد شود در این روز توفیق خیرات بیابد روز بیستم
میانه است و نیکوست برا سفر کردن و بر آمدن حاجتها و بنا کردن بناها
و دار بست کردن و درختان و گرفتن چهارپایان و کسی که بگریزد دور است
بر او دست یافتن و کسی که راه گم کند خوف هلاک بر او هست و کسی که
بیمار گردد بیماری بر او صعب گردد و فرزندی که بوجود آید با مشقت
زندگانی کند روز بیست و یکم روز نحس بسیار بد است پس در آن حاجتی طلب
مکن و بپرهیز در آن روز از پادشاهان و کسی که سفر کند خوف هلاک
بر او هست و فرزندی که بهم رسد فقیر و پریشان باشد و بر روایت

دیگر روز نحس است و همچنین برای کشتن حیوانات نیک است روز بیست و
دویم شایسته است برای بر آمدن حاجتها و بیع و شرا و رفتن
بنزد پادشاهان و تصدق دادن در این روز مقبول است و بیمار بزودی
شفا یابد و مسافر بعافیت بر گردد و بروایت دیگر روز نیک است
و برای همه کار نیک است روز بیست و سیم در این روز حضرت یوسف ع
متولد شده است و نیک است برای طلب حوایج و تجارت و زن خواستن
و نزد سلاطین رفتن و کسی در این روز سفر کند غنیمت یابد و خیر بسیار
بیند و فرزندی که متولد شود نیکو تربیت یابد روز بیست و چهارم
روز بسیار نحس است فرعون در این روز بوجود آمده است پس
هیچ کاری در این روز اراده مکن و فرزندی که متولد شود روزگار
ببدبختی گذراند و توفیق چیزی نیابد در آخر عمر یا کشته شود یا غرق
شود و هر که در این روز بیمار شود بیماریش بطول انجامد روز
بیست و پنجم روز نحس است پس حذر دار در این روز حفظ کن و در پی
کاری مرو که در این روز حق تعالی اهل مصر را با فرعون به آیات
عذاب خود مبتلا گردانید و بیمار حالش بد میباشد و فرزند مبارک

و فراخ روزی و نیکوکار میباشد اما ببلای سختی مبتلا میشود و آخر نجات
میابد و در روایت دیگر هر که در این روز بیمار شود تا آخر روز بهوش
نیاید و بروایت سلمان از شر این روز بخدا پناه ببرد و بدعا و نماز و اعمال
خیر **روز بیست ششم** شایسته است برای سفر و هر امری که اراده کنی مگر زن
خواستن هر که در این روز تزویج نماید میان او و زوجه اش جدائی افتد
زیرا که در این روز دریا شکافته شد برای حضرت موسی ع و اگر از سفر بر
گردی در این روز بخانه خود داخل مشو و بیمار در این روز حالش بد باشد
و فرزندی که بوجود آید عمرش دراز باشد **روز بیست هفتم** برای همه کار
نیکست و فرزندی که در این روز متولد شود خوش خو و خوش رو و طویل
العمر با خیر فراوان و محبوب دلهای مردمان باشد و بروایت دیگر
برای سفر بسیار نیکست **روز بیست هشتم** نیکست برای هر کاری و در این
روز حضرت یعقوب علیه السلام متولد شده است پس هر فرزندی
که در این روز متولد شود غمهای عظیم براو برسد و بمرضی یا بضعف
یا چشم مبتلا گردد و بروایت سلمان خواب درهمان روز اثرش
ظاهر گردد **روز بیست نهم** برای جمیع کارها خوبست و فرزندی که در این

روز

روز متولد شود بردبار باشد و هر که سفر کند مال بسیار بیابد و هر که
بیمار شود زود صحت یابد و در این روز وصیت نامه بنویسند و در
روایت دیگر شایسته است برای همه کار خصوصا ملاقات پادشاهان
و دیدن برادران و دوستان و بروایت سلمان خوابی که در این روز
دیده شود همین روز اثرش ظاهر شود **روز سی ام** نیکست برای خرید
و فروخت و تزویج کردن و فرزندی که درین روز بوجود آید بردبار
و مبارک باشد و هر که بگریزد بدست آید و هر که چیزی گم کند بیابد
و هر که مالی قرض کند بزودی باز دهد و از حضرت امام موسی کاظم
منقولست که ترک مکن حجامت را در هفتم حزیران رومی و اگر بکنی
در چهارم هم البته بکن **فصل در اختیارات ایام هفته** روز جمعه مبارک
ترین روزهاست و سنت است در آن روز بحمام رفتن و سر تراشیدن
و ناخن گرفتن و شارب گرفتن و پیش از زوال بجهت نماز سفر کردن
خوب نیست و بعد از نماز سفر کردن مبارکست و حجامت کردن در
بعضی احادیث وارد شده است که نباید کرد زیرا که در آن روز
ساعتی هست که اگر در آن ساعت حجامت واقع شود هلاک میشود

و در روایتی نهی واقع شده است از حجامت در وقت زوال و در حدیث

حدیث دیگر واقع شده که قصوری ندارد مطلقا و در حدیث معتبر از

موسی بن جعفر ع منقولست که هرگاه در روز یا در شب یادتی

خون در حوز بینی آیة الکرسی بخوان و حجامت بکن و در حدیث است

که حضرت رسول صلعم چون هوا سرد میشد از بیرون باندرون

خانه نقل میفرمود در روز جمعه و در حدیث دیگر آنکه در وقتی که هوا

گرم میشد باز در روز جمعه به بیرون نقل میفرمود و در بعضی

روایات وارد شده است که نوره کشیدن در روز جمعه موجب

پیسی است و در چند روایت تجویز واقع شده است بلکه بعضی

از روایات دلالت بر استحباب میکند و در روایت معتبر

وارد است که روز جمعه روز خواستگاری و نکاح کردن است

و مستحب است موی سر و ریش را شانه کردن و بوی خوش

کردن و جامه نو و جامهای پاکیزه پوشیدن و میوه تازه

بخانه آوردن و سر را بسدر و خطمی شستن برای سایر کارها

مبارکست **روز شنبه** روز مبارکست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود

که خدا مبارک گردانیده است برای امت من و بامداد را که روز شنبه

و پنجشنبه است و برای جمیع کارها خوبست خصوصا سفر کردن

که در حدیث معتبر وارد شده است که اگر سنگی از سنگی دور گردد

در روز شنبه البته حق تعالی آن را بجای خود برمیگرداند و ناخن

گرفتن و شارب گرفتن نیز خوبست و در حدیث وارد شده است

که هر که ناخن در روز شنبه و پنجشنبه بگیرد از درد دندان و درد

چشم عافیت یابد و در روایتی وارد شده است که در روز شنبه

حجامت کردن موجب ضعف است **روز دوشنبه** میانه است برای

اکثر کارها و موافق حدیث معتبر حجامت کردن در طرف عصر

روز یکشنبه بسیار نافعست و در حدیث دیگر وارد شده است

که برای تجارت سفر کردن خوبست **روز سه‌شنبه** نحس ترین روزها است

و در ایام سال روز عاشورا از همه نحس تر است و در ایام هفته

روز دوشنبه و این دو روز منسوب به بنی امیه است که ایشان عید

کردند بسبب شهادت حضرت امام حسین ع و درین روز رسول

خدا از دنیا مفارقت نمود برای هیچ کار مبارک نیست

و در بعضی روایات وارد شده است که طرف عصر حجامت کردن خوبست
و در بعضی روایات مطلق وارد شده است که خوبست و در احادیث بسیار نهی
واقع شده از سفر کردن درین روز و بی سببی به حاجتی رفتن و در حدیث
معتبر از حضرت امام علی نقی منقولست که هر گاه کسی خواهد که خدای تعالی
او را از شر روز دوشنبه نگاهدارد در رکعت اول نماز صبح روز دوشنبه
سورهٔ هل اتی علی الانسان بخواند **روز سه شنبه** میانه است برای اکثر کارها
و در حدیث وارد شده است که سفر کنید در روز سه شنبه که درین روز
خداوند عالمیان آهن را از برای حضرت داود نرم گردانید و در
روایتی از حضرت رسول منقولست که هر که روز سه شنبه چهاردهم یا
هفدهم یا بیست و یکم ماه حجامت کند شفا باشد او را از دردهای
سال و در حدیث دیگر وارد شده که در روز سه شنبه ساعتی است که
اگر حجامت در آن ساعت اتفاق افتد خون نمی ایستد تا او را هلاک
کند و در حدیث معتبر وارد است که هر که حاجتی که بر او دشوار باشد آنرا
طلب باید در روز سه شنبه و در حدیث دیگر وارد شده است که ناخن
بگیرید در روز سه شنبه و در روایت دیگر وارد شده که روز جنگ شود خون گرفتن

روز چهارشنبه روز نحس است برای اکثر کارها شایسته نیست و نهی
واقع شده است از حجامت کردن و نوره کشیدن و سفر کردن درین
روز و در بعضی روایات تجویز حجامت و سفر وارد شده است و اگر حجامت
ضرور شود بهتر آنست که در آخر روز واقع سازند چنانچه در بعضی احادیث
وارد شده و در حدیث دیگر نهی واقع شده از حجامت در روز چهارشنبه
هر گاه ماه در عقرب باشد و در روایت معتبری وارد شده که حمام
بروید در روز چهارشنبه و در حدیث دیگر وارد است که روز خون رود
مهمل او را دو است **روز پنجشنبه** روز خجسته مبارکست و برای جمیع کارها
خوبست خصوصاً حجامت کردن موافق احادیث بسیار و بهتر آنست
که پیش از زوال واقع سازد و برای ناخن گرفتن خوبست و بهتر آنست
که یک ناخن را برای جمعه بگذارد و در روایتی وارد شده است که حضرت
رسول چون هوا گرم میشد بیرون نقل میفرمودند در روز پنجشنبه
میکردند و در حدیث وارد شده که هر که در پنجشنبه آخر ماه و اول روز حجامت
کند درد را از بدن نفی میکند و در روایتی دیگر وارد شده که روز پنجشنبه
روز داخل شدن بر امرا و بر آوردن حاجتهاست و بدانکه سفر کردن

و تزویج کردن در قمر در عقرب که ... دارد و روزهائی که در ماه مذکور شد
که نحوست دارد اگر در ماه فرس قدیم ... آن ها را رعایت نماید بهتر است

فصل سیم در بیان امری چند که موجب رفع نحوست ایام و ساعات

بد است توکل و تفویض و اعتماد بر جناب مقدس الهی نمودن در جمیع امور
و استمداد از حضرت ائمه معصومین ع نمودن هر نحوستی را استعاذت میسل
میکند و توسل بآیات کریمه قران و دعا و تصدق تدارک هر یک از
اینها میکند چنانچه در حدیث معتبر وارد شده است که آیة الکرسی بخوان
و هر روز که بخواهی سفر کن و در احادیث بسیار وارد است که تصدق
و دعا رد میکند بلاهای مبرم را و در احادیث معتبر منقول است از سهل بن
یعقوب که بخدمت حضرت امام علی نقی ع رفتم و حدیثی که از حضرت
امام جعفر صادق ع منقول است در باب اختیارات روزها بر آنحضرت عرض
کردم و تصحیح نمودم پس گفتم که در اکثر روزها چیزی چند هست که مانع
رفتن بطلب حوایج است بسیار است که مرا ضرور میشود در این روزها
حرکت کردن و متوجه طلب شدن حضرت فرمود که یا سهل ولایت
و محبت ما اهل بیت نگاه دارند و حافظ شیعیان است از جمیع بلاها اگر

باولایت

باولایت ما متمسک شوی و بیابانها و میان جانوران درنده یا دشمنان
و ظالمان و حسودان شهر بینه ایمن باشند از شر ایشان ببرکت ولایت
یا هر حاجت که خواهی متوجه شو و چون صبح کنی سه مرتبه این دعا بخواند
که اَصْبَحْتُ اللّٰهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِکَ المَنیعِ الَّذی لا یُطاوَلُ
وَلا یُحاوَلُ مِنْ کُلِّ طارِقٍ وَغاشِمٍ مِنْ سائِرِ ما خَلَقْتَ
وَما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِکَ الصّامِتِ وَالنّاطِقِ فی جُنَّةٍ مِنْ
کُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَةٍ وَلاءِ اَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ مُحْتَجِزاً
مِنْ کُلِّ قاصِدٍ اِلی اَذِیَّةٍ بِجِدارٍ حَصینٍ الاِخْلاصِ فِی
الاِعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّکِ بِحَبْلِهِمْ جَمیعاً مُوقِناً اَنَّ
الحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفیهِمْ وَبِهِمْ اُوالی مَنْ والَوْا
وَاُجانِبُ مَنْ اَجانَبُوا فَاَعِذْنِی اللّٰهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ کُلِّ
ما اَتَّقیهِ یا عَظیمُ حَجَزْتُ الاَعادِیَ عَنّی بِبَدیعِ السَّمٰواتِ
وَالاَرْضِ اِنّا جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ اَیْدیهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ
سَدّاً فَاَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ و در شام نیز
سه مرتبه این دعا بخواند پس در امان خواهی بود از هر چه حذر مینمائی

ازآن در قلم حفظ امان الهی خواهی بود از
رو بخش خواهی که در این کار بروی
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و آیه
وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بخوان و از حضرت امام محمد باقر جواد
منقولست که چون ماه نو در آید در روز اول دو رکعت نماز بکن و در رکعت
اول بعد از حمد سی نوبت قل هو الله احد بخوان و در رکعت دویم بعد از
حمد سی نوبت سورهٔ انا انزلناه بخوان پس تصدق بکن و سلامتی ماه را
از خدای خود بطلب دیگر **باب** ترجمه در حدیث شریفی که مشتمل
بر احکام کسوف و خسوف و حوادث هر سال شیخ بزرگوار قطب الدین راوندی
در کتاب قصص الانبیا روایت کرده است بسند خود از شیخ صدوق محمد
بن بابویه قمی و سند را متصل گردانیده بحضرت مبین الحقایق امام جعفر
بن محمد الصادق علیه صلوات الله که آنحضرت فرمود که در کتاب دانیال
نوشته است که **هر گاه** اول ماه محرم روز شنبه باشد در آن سال زمستان
بسیار سرد باشد و باد در آن سال بسیار باشد و یخ فراوان باشد و گندم گران
باشد و طاعون و مرگ کودکان بسیار شود و تب بسیار بهم رسد و

عسل کم باشد و مبلان بسیار باشد و زراعتها از آفت بسلامت مانند و
بعضی از درختان میوه و انگور آفت برسد و ارزانی باشد و در روم
طاعون باشد و عرب با ایشان جنگ کنند و اسیر و غنیمت بسیار از ایشان
بدست عرب آید و پادشاه را در جمیع مواضع غلبه باشد بمشیت حق تعالی جل جلاله
و هر سال که ماه محرم روز یکشنبه باشد زمستان نیکو گذرد و باران بسیار
بارد و بعضی از درختان و زراعتها آفت برسد و دردهای مختلف و مرضهای
صعب شایع گردد و عسل کم بعمل آید و در هوا شد طاعون دو با هم رسد
و در آخر سال پادشاه را غلبه بود و **هر سال** که اول ماه محرم روز دوشنبه
بوده باشد زمستان نیکو گذرد و تابستان گرم باشد و باران در وقت خود
بسیار آید و گاو و گوسفند باربردار آید و عسل بسیار باشد و نرخ خورد
نیها در بلاد جبل یعنی شهرهائی که در میان آذربایجان و عراق عرب و خوزستان
و فارس است بعضی گویند یعنی همدان و حوالی او ارزان باشد و میوه بسیار باشد
و زنان بسیار بمیرند و در آخر سال کسی بر پادشاه خروج کند در نواحی مشرق
و به بعضی از اهل شام غم و دلگیری برسد و زکام در بلاد جبل بسیار باشد
و هر سال که اول ماه محرم روز سه شنبه باشد زمستان بسیار سرد باشد و

برف و یخ بسیار باشد و در بلاد جبل و در ناحیه مشرق کوسفند و غول بسیار باشد
و بعضی از درختان آفت بسیار باشد و در ناحیه مغرب و شام حادثه در آسمان
ظاهر شود که از آن خلق بسیار بمیرند و بر پادشاه کسی باغی شود و بر او
غالب آید و در زمین فارس از غلها آفت رسد و نرخها گران شود و در
آخر سال **هر سال** که اول ماه محرم روز چهارشنبه باشد زمستان وسط باشد
در تابستان بارانها نافع بارد و غلات و میوها در بلاد جبل و بلاد مشرق
بسیار باشد اما مردان بسیار بمیرند در آخر سال و در زمین بابل و بلاد جبل
آفتی بمردم برسد و نرخها ارزان باشد و پادشاه بر دشمنان غالب باشد
و هر سال که اول ماه محرم روز پنجشنبه باشد زمستان ملایم گذرد و در جمیع
نواحی مشرق گندم و میوها و غلّه بسیار باشد و در اول و آخر سال تب بسیار حادث
شود و در زمین بابل در آخر سال تب بسیار بهمرسد و روم را بر مسلمانان
غلبه بهمرسد پس عرب بر ایشان غالب شوند و در ناحیه مغرب و در زمین
هند محاربات واقع شود و پادشاه عرب مظفر باشد **و هر سال** که اول
ماه محرم روز جمعه باشد و در زمستان سرما باشد و باران کم بارد و آب چشمها
رودخانها کم باشد و در بلاد جبل صد و نرخ غله کم باشد و مرگ در میان همه

مردم

مردم بسیار باشد و در ناحیه مغرب گران باشد و به بعضی از درختان آفت
برسد و روم را بر فرس غلبه عظیم بهمرسد **باب در گرفتن آفتاب در ماههای
دوازده گانه** پس هر گاه سال که در ماه محرم آفتاب بگیرد در آن سال آزار
باشد و در آخر سال دردها و بیماریها در مردم حادث شود و پادشاه بر دشمنان
ظفر یابد و زلزله حادث شود بعد از آن بلامت باشند **و هر سال** که در ماه
صفر آفتاب بگیرد در ناحیه مغرب ترس و گرسنگی مردم را رو دهد و جنگ و
کشش بسیار در مغرب بظهور آید پس در ماه ربیع صلح واقع شود پادشاه
ظفر یابد **و هر سال** که در ماه ربیع الاول آفتاب بگیرد در میان مردم
صلح بدید آید و اختلاف کم باشد و پادشاه در مغرب ظفر یابد و کار و گوسفند
کم باشد و در آخر سال فراوانی بهمرسد در بادیه در میان شتر و با بهمرسد
و هر سال که در ماه ربیع الثانی آفتاب بگیرد در میان مردم اختلاف
بسیار باشد و خلق عظیم بقتل رسند و کسی بر پادشاه خروج کند و
بیم ترس و کشش حادث و مرگ بسیار شود **و هر سال** که در ماه جمادی
الاول آفتاب بگیرد و در روزی مردم فراخی باشد و در ناحیه مشرق
و مغرب پادشاه با رعیت در مقام سقف باشد و با ایشان احسان نماید

و پس خاطر ایشان بارد و هر سال که در ماه جمادی الثانی افتاب بگیرد
مرد عظیمی در جانب مغرب بمیرد و در بلاد مصر جنگهای عظیم و کشش بسیار
واقع شود و در بلاد مغرب در آخر سال گرانی رسد و هر سال که در ماه رجب
افتاب بگیرد و زمین آبادان شود و در کوهستانها و ناحیهٔ مشرق باران
بسیار ببارد و در ناحیهٔ فارس ملخ فرود آید اما ضرر با یشان نرساند
و هر سال که در ماه شعبان افتاب بگیرد همگی مردم از شر پادشاه سالم
باشند و پادشاه لمن بر دشمنان در مغرب ظفر یابد و در بلاد جبل در آخر
سال و در آخر مرگ بسیار پدید آید و بزودی بر طرف شود و هر سال
که در ماه رمضان افتاب بگیرد مردمان همگی پادشاه فارس را اطاعت
کنند و روم را بر عرب غلبهٔ عظیم بهم رسد پس ایشان بر روم غالب
شوند و غنیمت و اسیر بسیار از ایشان بگیرند و هر سال که در ماه شوال
آفتاب بگیرد در بلاد هند رنج و کشش بسیار شود و گیاه زمین در شهرها
بسیار باشد و هر سال که در ماه ذی قعده آفتاب بگیرد باران بسیار
بارد و خرابی در ناحیهٔ فارس بظهور آید و هر سال که در ماه ذی
حجه افتاب بگیرد باد بسیار بوزد و درختان کم شود و در همه شهرها

معز

مغرب خرابی پدید آید و گندم و جو کم در ان باشد و کسی بر پادشاه خروج
کند و آزار بسیار از و بپادشاه رسد و در سال دیگر ارزان شود والله
واما آثار گرفتن ماه دوازده گانه بموجب تست پس هر سال که در ماه محرم
ماه بگیرد در مغرب بزرگی بمیرد و میوه در بلاد جبل کم باشد و در میان مردم
خارش بدن بسیار باشد و در زمین بابل درد چشم بسیار بهم رسد و کرگ
بسیار باشد و زخاکران باشد و کسی بر پادشاه خروج کند و پادشاه
بر آن ظفر یابد و لشکر او را بقتل آورد و هر سال که در ماه صفر ماه بگیرد
قحط و بیماری در شهرهای بابل حادث شود بحدی که بیم هلاک با شد
پس بعد از آن باران بسیار ببارد و گیاه زمین و احوال مردم نیک
شود در بلاد جبل میوه بسیار باشد و هر سال که در ماه ربیع الاول
ماه بگیرد و در بلاد مغرب کشش بسیار شود و مرض یرقان بر مردم
بهم رسد و در ناحیهٔ شهرها میوه بسیار باشد و در بلاد جبل کرم کرم بسیار
ایشان افتد و خرابی بسیار در شهرها پدید آید و هر سال که در ماه ربیع
الثانی ماه بگیرد و آب در کوهها باشد و فراوانی بسیار بهم رسد و آب
بسیار باشد و آن سال مبارک باشد و پادشاه بر مغرب ظفر یابد

٤٥,٤

و هر سال که در ماه جمادی الاول بگیرد خون بسیار در بادیه ریخته شود و
پادشاه شام را بلائی عظیم برسد و کسی بر پادشاه خروج کند و پادشاه
ظفر یابد و هر سال که در ماه جمادی الثانی ماه بگیرد باران کم آید و آب
کم باشد و در نینوی کوفه که در حوالی کوفه هست یا موصل و در آن محل جنگ
عظیم و گرانی شدید حادث و پادشاه بابل را بلای عظیم رو دهد
و هر سال که در ماه رجب ماه بگیرد در ناحیه مغرب طاعون و قحطی پیدا شود
در بابل بسیار بیارد و در همه شهر درد چشم بسیار شود و هر سال
که در ماه شعبان ماه بگیرد پادشاه کشته شود یا بمیرد و پسرش پادشاه
شود و تعبیرات [illegible] بود و قحطی در میان مردم پیدا شود هر سال
که در ماه رمضان ماه بگیرد در بلاد جبل سرما سخت شود و برف و
باران بسیار بارد و آب بسیار باشد و در زمین فارس درندگان
بسیار بهم رسد و در هر شهرها مرگ اطفال و زنان بسیار باشد و
هر سال که در ماه شوال ماه بگیرد پادشاه بر دشمنان غالب شود و در
میان مردم بلا و فتنه بسیار باشد و هر سال که در ماه ذی القعده ماه
بگیرد شهرهای عظیم فتح شود و گنجهای بعضی از زمینها و کوهها پیدا شود

و هر سال که

هر سال که در ماه ذی حجه ماه بگیرد و مرد بزرگی در مغرب بمیرد و مرد
فاجر و فاسق دعوی پادشاهی کند والله اعلم بالصواب و التحیة و السلام

بجهت عقد النوم اگر خواهد که کسی خواب کسی را ببندد چنانچه
در صحبت تو بیقرار شود هفتش بزد بیار که او برهنه [illegible]
نوبت سورة الم نشرح را بخواند و بر کاغذ بدمد [illegible]
و مارش و این تعویذ را نیز نوشته بر کاغذ بچسبد [illegible]
[illegible] فرو بندد خواب [illegible]
یا هو یا من هو یا لا اله الا هو الحی القیوم بحق
انا س اقولک ببند خواب فلان بن فلان [illegible] فلان
بن فلان بحق یا عزیز [illegible] یا مقلب القلوب
والابصار [illegible] بسیار [illegible]
شام سورة الم تر کیف را با این [illegible]
برکار [illegible] فرو برد خواب [illegible]
وکلمات اینست و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة
اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار عقد النوم

مناجات نامه

ای آنکه دلم بجز تو خرم نشود — جز نام خوش تو عین مرهم نشود
بر جملهٔ خلق گر کنی بخشایش — یک ذره ز لطف رحمتت کم نشود

ای مفضل بی فضول و ای عادل بی عدول و ای قاضی بی عزل و ای قدیم
بی هزل و ای ناظر بی نظیر و ای دانای بی ضمیر و ای دانای بی ظهیر
ای پادشاه بی وزیر و ای قادر و میر و ای قدیر بی منیر و ای قهار بی
دلیل و ای جبار بی عدیل و ای خالق بی مدد و ای رازق بی عدد و ای
اول بی بدایت و ای آخر بی نهایت و ای ظاهر بی صورت و ای باطن بی
ضرورت و ای حی بی حیات و ای قیوم بی حالت و ای عزیز بی دولت
و ای غنی بی قلت و ای صانع بی آلت و ای سمیع بی علت و ای معطی
بی فکرت و ای بخشاینده بی محنت و ای مبدای حاجت و ای بینای
بی حدقه و ای توانای بی چاره و ای علام بی تفکر و ای قسام بی
تغیر و ای قهار بی تهور و ای معذوری که تیر تقدیر تو بهیچ تدبیر
تو رد نشود و ای رازقی که رزق هیچ بنده باز نگیری و ای
حی که هرگز نمیری و ای سلطانی که در سلطنت مشغولی نداری و ای

مالکی که از مملکت معزولی نداری و ای بخشنده که از بخشایش ملول
نگردی و ای سمیعی که هرگز معلول نگردی و ای مالکی که اوهام بکنه
کمال تو نرسد ملکا بحرمت سبکباران باطاعت تو و بحرمت ساکنان
حضرت تو بحرمت رضا دادگان محنت تو بحرمت مقربان بقربت
تو بحرمت خستگان ضربت تو بحرمت مشتاقان روی تو و ای دارنده
خایبر و ای پسندندهٔ سرابر ای دستگیر همه سرگشته و ای فریادرس
هر درمانده و ای عذرپذیر بیچارگان و ای راهنمای بی راهان و ای
دوستدارندهٔ نیکوکاران و ای مرهم جراحت رسیدگان و ای درمان
درماندگان و ای مطلوب جان مشتاقان و ای محبوب سینهٔ بی نفاقان
و ای جان درویشان و ای پناه بی خویشان و ای سرمایهٔ مفلسان
و ای عز و جاه مخلصان و ای کس بیکسان و ای امید امیدواران و ای
خداوند زمین و آسمان و ای قبول کنندهٔ توبهٔ عاصیان ای آنکه
رحمت تو رحیمیت و ذات تو قدیمیت و نام تو رحمن و رحیم است یا
دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین و سکنت طلبی و عجلی و فرجی بحق
محمد العربی برحمتک یا ارحم الراحمین ای دستگیر درماندگان و ای حضیر

آموزندگان وای کارکشای متفکران وای راهنمای متحیران وای معبود جانوران وای روزی رساننده بیکاران وای جمیع کنندگان وای مطیع جویندگان ملکا بحرمت امید محرومان و بحرمت دل امیدان وای بخشاینده بخشایندگان وای عزیز کننده خوارکان وای پناه رستگاران وای مطلوب دل شکستگان وای مقصود جگر خستگان وای عطابخش نکوکاران وای خطابخش گنه کاران وای خریدار عاصیان وای خداوند هر دو جهان وای آرزوبخش آرزومندان یا ملجا الضعفا یا مونس الفقرا برحمتک یا ارحم الراحمین

یا رب بسی دارم گنه استغفر الله العظیم — در لطفت آورده‌ام پناه استغفر الله العظیم
در کوی عصیان گشته‌ام بی حکم و فرمان گشته‌ام — اکنون پشیمان گشته‌ام استغفر الله العظیم
جرم و گناه آورده‌ام نامه سیاه آورده‌ام — چون رو براه آورده‌ام استغفر الله
همدرد و همدرمان توئی هم راحم رحمان توئی — همراه بی‌پرایان توئی استغفر الله
خوانم تورا در هر نفس جز تو ندارم هیچکس — در دم مرا فریادرس استغفر الله العظیم
عمری بباطل گشته‌ام بسیار غافل گشته‌ام — امروز عاقل گشته‌ام استغفر الله
من صبر دارم در بلا من شکر دارم در عطا — من بر قضای حق رضا استغفر الله

تا من ز مادر زاده‌ام در راه شهوت داده‌ام — در معصیت افتاده‌ام استغفر الله العظیم
من تابع شیطان شدم پوسته سرگردان شدم — در راه حق حیران شدم استغفر الله
من شرع را ورزیده‌ام من راه حق نگزیده‌ام — اکنون ز بد ببریده‌ام استغفر الله
کردم بسی جور و ستم بر غیر و بر خود نیز هم — چون در دلم آمد ندم استغفر الله
دارم گناه بی‌عدد برگشته‌ام از راه بد — میخواستم از لطفت مدد استغفر الله
از بسکه بودم بی‌خبر کس را نکردم نظر — نشنیده‌ام پند پدر استغفر الله
غافل شدم از حال خود از کرده افعال خود — باز آمده‌ام بر حال خود استغفر الله
از من همه جرم و خطا از تو همه فضل و عطا — گشتم پشیمان ربنا استغفر الله
دارم گناه بیشمار از بد نخود و هم شرمسار — از من خدایا درگذار استغفر الله
در راه باطل تاختم جان در جهان دریاختم — اکنون که اندر یافتم استغفر الله
تا کی روم در گمرهی گشته تهی دست تهی — یا رب جهانم آگهی استغفر الله
هم چاره کارم توئی پوسته غمخوارم توئی — غفار و ستارم توئی استغفر الله
گر ننگ بدزان توام در خانه مهمان توام — بر سفره خوان توام استغفر الله
بند هوا بکشاده‌ام تن در قضا بنهاده‌ام — خود را بتو وا داده‌ام استغفر الله
جز تو ندارم هیچکس در دم مرا فریادرس — میگوییم اندر هر نفس استغفر الله العظیم

که اگر این دعا را بر آهن خوانند نرم گردد و اگر بر کرسنه خوانند
کرم شود و اگر باب روان خوانند بسته گردد و اگر کرسنه
خواند سیر گردد و اگر گمراه خواند باز براه آید و اگر آتشی در
دهی یا در شهری افتد نعوذ بالله و این دعا در هر خانه که باشد
از برکت این دعا انخانه نسوزد و اگر زنی حامله باشد و بدشواری
بار نهد این دعا را باب بشوید و بخورد بار باسانی نهد و اگر کسی
گناه عظیم کرده و از سوال منکر و نکیر علیهم السلام و از هول گور ترسد
این دعا را عادت بخواند و بر کفن مرده نویسد از برکت
این دعا جواب قبرش باشد و سوال منکر و نکیر باسانی گذراند
و اگر کسی وام دارد این دعا را عادت کند و پیوسته بخواند
وامش گذارده شود بزودی بشرط انکه بامداد و شبانگاه
بخواند اگر کسی را رنجی و دردی باشد که هیچ دارو به نشود
این دعا بنویسد و باب بشوید و بخورد و وی دهد و از آن آب
در اندام وی مالد بزودی شفا یابد و اگر در بندی یا در
زندانی گرفتار باشد این دعا را بخواند و اگر نتواند خواند

یا ربنا اغفرلنا از ما اجابت کن دعا
بنده بهین خوارز نور استغفر الله العظیم



غرق بحر رحمت دان کسی باد
که کاتب را بالحمدی کند شاد

ماه نو را چنین عمل کند

در حمل در صلاح و مصقول نکرد
در ثور سبزه و جواهر نکرد
در جوزا در روی علما نکرد
در سرطان نقره و آب روان نکرد
در اسد جواهر و مروارید نکرد
در سنبله گیاه و سبزه نکرد
در میزان در آینه روشن نکرد
در عقرب در زر و سیم نکرد
در قوس روی ... نکرد
در جدی کشته زار نکرد
در دلو قران و صحیفه نکرد
در حوت نگین انگشتر نکرد

باخود دارد به زودی خلاصی یابد و اگر از پادشاهی یا دشمنی ترس
دارد این دعا را بخواند یا باخود نگاه دارد از آن خوف ایمن گردد
و بر دشمن ظفر یابد پس گفت یا علی اگر خواهند که مراد در خواب
ببینند طهارت کند و جایگاه خالی بنشیند بصدق درست
و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی الحمد یکبار و معوذتین
یکبار زیاده پانزده بار و چون فارغ شود هفت بار این
دعا را بخواند و سر سجده نهد و بگوید یا مالک یوم الدین ایاک
نعبد وایاک نستعین و سبحان بجانب راست تکیه
کند بیشک مراد در خواب ببیند و بشارت شنود و بر تو باد
که این دعا بسیار خوانی و اگر کسی نتواند خواندن باخود دارد
از همه بلاها و غمها فرج یابد و مرادش حاصل گردد والله
اعلم بالصواب هذه الدعاء بزرگوار
بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الملک الحق المبین شهد الله انه لا
اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما با

القسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین
عند الله الاسلام نور السموات والارض له
الحکمة والحول القوة والسلطان والهیبة و
القدرة والبرهان یا من لا ینام لا اله الا
الله آدم صفی الله لا اله الا الله نوح نجی الله
لا اله الا الله ابرهیم خلیل الله لا اله الا الله موسی
کلیم الله لا اله الا الله عیسی روح الله لا اله الا
الله محمد رسول الله وحبیب الله وعلی ولی
الله صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین
اسکن سکنتک بما سکن له ما فی السموات و
الارض وهو العزیز القدیر اسکن سکنتک
بما سکن الریح فیظللن رواکد علی ظهرها
ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور سبحان
الله الابد الابد سبحان الله الواحد الاحد
العزیز الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم

يكن له كفوا احد ليس كمثله شئ وهو السميع
العليم البصير اياك نعبد واياك نستعين
سبحانك الله لا ياتي بالخير الا الله الا الله سبحان
الله لا يصرف السوء الا الله الا الله لا نعبد الا
اياه مخلصين له الدين ولا يغفر الا الله لا يقضي
الحاجات سوى الله بحق هذه الاسماء وبحرمة
الطامات العليات ان تحفظنا من جميع البليات
والعاهات والآفات بفضلك وجودك و
برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير
خلقه محمد واله اجمعين

اخوا فيها ولا يكلمون صم صم صم بكم بكم بكم
عمي عمي عمي فهم لا يبصرون وخشعة الاصوات
للرحمن ان باطل برحمتك يا ارحم الراحمين
... الله على ... خلقه ... وعلى اله المعصومين
برحمتك يا ا ...

الا الله
لا الله
الف توبه

(سبراي محبت و دوستي)

بسم الله الرحمن الرحيم يحبو
نهم كحب الله والذين امنوا اشد حبا لله و
لو يرى الذين ظلموا اذ يرون العذاب ان القوة
لله جميعا **واگر کسی** این مهر را در صبح نگاه کند همچنان
باشد که حج کرده باشد واگر در پیشین نگاه کند همچنان
باشد که هزار دینار بصدقه داده باشد واگر در پسین نگاه
کند همچنان باشد که ده کنیز و غلام آزاد کرده باشد واگر
در شام نگاه کند همچنان باشد که هزار کس را اسیر کرده باشد
واگر در خفتن نگاه کند همچنان باشد که در کربلا آب به امام
حسین سبط رسول صلی الله علیه و آله و سلم رسانیده باشد و
شرح این مهر بسیار است ما بدین قدر مختصر شد والله اعلم

هذا الطلسم ااا ح آا د و ااا اا ا ... ح د ...
ااا ده ا رم ا ر ه ر اا د ط ط در ظ ا ر ه د ا ج ...

نقشست سو ر ح ه ک ر د لا ح ب ع و ر ب ط ب

که روزی در مسجد مدینه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

ابو امامه رحمة الله علیه نشسته بود یکی از در در آمد و گفت یا ابو
امامه آتش در خانه وا محله افتاده که خانه تست و خانه تو مجموع خانها
سوختند ابو امامه گفت حاشا و کلا خانه من نسوزد و در این اثنا
دیگری آمد و گفت یا ابو امامه خانه تو و مجموع خانها سوختند گفت
حاشا که خانه من بسوزد دیگری باز بیامد و گفت ابو امامه آتش
در آن محله افتاده است که خانه تست و مجموع خانها سوختند الا
خانه ما و تو که نسوخت ابو امامه گفت صدق الله و صدق رسول
الله صلی الله علیه وسلم یعنی رسول گفت خدای مردمان گفتند چه گفت رسول
خدا صلی الله علیه وسلم و در این مبالغه نمودند گفت حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم دعایی بمن
آموخته که اگر از مشرق تا مغرب از آتش بسوزد یا عالم را طوفان
بگیرد و هر سرائی که این دعا باشد یا صاحب این دعا در هر جا که باشد
مداومت نماید بخواندن این دعا هیچ مضرت بوی و خانمان وی
نرسد و من صباح این دعا را خوانده ام دانستم که ضرری
بجان مان من نرسد والله اعلم بالصواب هذا الدعا
بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انت ربی لا اله الا الله انت علیک توکلت
وانت رب العرش العظیم ما شاء الله کان وما لم
یشاء لم یکن ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
اعلم ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط بکل
شیء عددا وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک
بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه
لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین نقلست
که اگر زنی دشوار زاید کوزه شکسته آب نرسیده پاره سفال از
وی و بر هر پاره هفت مهر کنند و هر پاره را یکبار زیر پا نهند
و زور کنند تا بشکند بآسانی بار بنهد و اگر خواهی که بچشم
مردمان عزیز و گرامی باشی بگیر این مهر را در برابر چشم مردمان
بدار تا مهر را بنام تو گردانند و آن مهر را بگلاب حل کنند و
بر روی وی بمالند و بیرون رود در چشم مردم عزیز و گرامی
باشد و هر کس این مهر را در انگشتری بکند و با خود نگهدارد
در آب غرق نشود و هر روزگار او بالا گیرد و در چشم مردمان

عزیز و گرامی باشد و هر حاجت که خواهد خدای عز و جل برکت
این مهر بر آورده گرداند و هر چه از خدای تعالی بخواهد بیابد
باید که در روزه و نماز کاهلی نکند و هر که این مهر را نگاه دارد
هرگز مانده نشود و شرح این مهر بسیار است ما بدین اختصار
کردیم والله اعلم بالصواب **هذا طلسم** ... طوب
۹۲۰۵۵ ... مصافاه ... آنرا **در**
روایت که درویشی شبی خفته بود جمال جهان آرای خواجه
کاینات را در خواب دید و سؤال کرد و گفت یا رسول الله من
مرد درویشم از فاقه بتنگ آمده ام مرا چیزی بده رسول صلی
الله علیه و آله و سلم گفت که برو در فلان محله خانهٔ فلان خواجه
و بگو که پیغمبر میگوید که هزار دینار بمن ده درویش گفت یا
رسول الله اگر نشان خواهد چگویم گفت که بگو آن نشان
که هر شب پنجشنبی تا ده هزار صلوات بمن نوشتی درویش
چون بیدار شد و برخواست پرسان پرسان بدر خانهٔ خواجه
رفت چون خواجه از خانه بیرون آمد سلام کرد و گفت که

رسول خدا مرا فرستاده است و ترا فرموده که مرا هزار دینار
بدهی بدان نشان که پنجشنبی تا هر شب ده هزار بار صلوات
نوشتی خواجه گفت راست است و در خانه رفت و هزار دینار
بیرون آورد و بوی داد درویش چون زر بستد گفت
ای خواجه هر شب چگونه شما ده هزار بار صلوات میفرستید
خواجه گفت که هر کس بعد از نماز خفتن یکبار این صلوات
بنویسد هم چنان باشد که ده هزار بار صلوات بر خواجهٔ
کاینات فرستاده باشد خدا بر آن بنده رحمت کند که هر شب
این دعا را بخواند یا با خود دارد تا بدین درجه برسد والله
اعلم بالصواب **هذه الصلوات**

بسم الله الرحمن الرحیم
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ
رَحْمَةِ اللهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ فَضْلِ
اللهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ حُرُوفِ
كَلَامِ اللهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ وَرَقٍ

الاشجار اللهم صل على محمد بعدد قطر
المباهات برحمتك يا ارحم الراحمين

نقلست که هر که این مهر را با خود دارد خدای تعالی
در فتح و نصرت بروی وی کشاده کرداند به برکت
این مهر هرگز در مانده نشود والله اعلم بالصواب مهر اینست

و	ح	ا	ب	وتقت الساق با
ب	ف	ح	ا	الساق الی ربک یومئذ
ا	ت	ف	ح	المساق ولا صدق ولا

صلی ولکن کذب وتولی اسکن باذن
الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

هر کس این صلوات را یکنوبت بگوید چهار
هزار نوبت صلوات گفته باشد هذه صلوات

بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم بلغ روح محمد صلی الله علیه واله

وسلم مني الف الف تحية والف الف سلام يا ارحم
الراحمين رجب دائما على النبي
الهاشمي الف صلوات الله وملائكته وانبياءه
ورسله وجميع خلقه على رسوله محمد عليه و
عليهم الصلوة والسلام ورحمة الله وبركاته
يا ارحم الراحمين هذه الدعاء مبارك قدح

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله باسمه المبتدا رب الاخرة و
الاولى لا غاية له ولا منتهى في السموات
العلى الرحمن على العرش استوى الله الاكرم
دائم النعماء وقاهر الاعداء قادر على ما
يشاء الرحمن عاطف برزقه عادل في
حكمه معروف بلطفه عالم في ملكه
رحيم الرحماء عليم العلماء بصير البصراء
باعث الانبياء صاحب الاولياء قادر على

ما يشاء سبحان الملك الحميد ذي العرش المجيد
فعال لما يريد رب الارباب ومسبب الاسباب
وسابق الاسباق ورازق الارزاق وخالق
الاخلاق وقادر على ما يشاء وقادر المقدر
المقدور وقاهر المقهر المقهور وعادل يوم
الحشر والنشور واله الالهة ليوم الواقعة
رحيم غفور حليم شكور الحمد لله رب
العالمين والحمد لله رب العرش العظيم
والحمد لله الملك الرحيم الاول القديم
خالق العرش والسموات وهو السميع العليم
قابل التوبة شكور حليم هو الاول و
الاخر والظاهر والباطن والدايم رازق
البهايم والدواب صاحب العطايا ومانع
البلايا يشفي السقيم ويغفر الهاديين ويحب
الصالحين وينجي المغمومين ويبرئ النادِ

مين

مين ويؤمن الخائفين ويستر المذنبين
سبحانك لا اله الا الله الكريم المعبود كثير
العطايا ويغفر الخطايا ويستر العيوب شكور
حليم رحيم في الحد والحدود ومنبت الزروع
والاشجار فالق الحبوب والثمار غني عن
الخلق قاسم الارزاق عالم الغيوب انت
الذي ليس كمثله شيء وانت على كل شيء شاهد
انت الذي تعلم السر والاعلان وما تخفي
الصدور وما تخفي القلوب انت الذي تعفو
عن العاصي بعد ان يغرق في الذنوب انت
الذي كل شيء خلقته بقدرتك وينصرف
اليك بالمنسوب اغفر لي خطيئتي كلها كما
قلت ادعوني استجب لكم وانت بوعدك
صادق نجني من الكرب العظيم والغم
والهم والعسرة والشدة انت غياث مكروب

انت الذي قلت لا تقنطوا من رحمتي وانت
بقولك صادق لست بمكذوب حفظني
من آفات الدنيا وعذاب الآخرة وهول اللحود
ولا تفضحني باسبغا على رؤس الخلايق في
يوم الموعود الله اكبر الله اكبر الله اكبر
لا اله الا الله رحيما رحيما لا اله الا الله غفورا
شكورا لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله
ايمانا وصدقا لا اله الا الله تلطفا ورفقا
لا اله الا الله محمد رسول الله اعيذ
نفسي وشعري وبشري وديني ومالي و
اهلي وولدي وذريتي من كل ذي يؤذيني
واعيذ نفسي وجميع ما رزقني من نعمته
واحسانه وجميع اخواني من المؤمنين
والمؤمنات بالله العلي العظيم وبقل
كتاب انقله الله عز وجل بعزة الله وقدرة

الله وقوة الله وعظمة الله وسلطان الله وسعة
الله ومنة الله ورحمة وحكم الله وغفران
الله واحسان الله وانبياء الله وملائكة الله
وكتاب الله ورسل الله واعوذ بالله من
غضب الله وعقابه وسخطه ونكاله ومن شر
كتاب قد سبق ومن زوال النعمة والمو
جبات للهلكة والفضيحة في الدنيا والآخرة
اعوذ بالله العظيم من شر ذي شر وما اخاف
واحذر ومن شر فتنة العجم ومن شر
الجن والانس والشياطين ومن شر ابليس
وجنوده ومن السلاطين واتباعهم ما
ينزل من السماء وما يعرج من شر ما يلج
في الليل والنهار وما يعرج من شر كل دابة
انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط
مستقيم اللهم احتجبت بك منهم من شر

كل شيء خلقته واحترس منهم واعوذ بالله
العظيم من الغرق والحرق والهدم والخسف
والحجارة والزلازل والصيحة والفتنة و
الصواعق والجنود وجميع انواع البلايا في الدنيا
والاخرة اعوذ بالله العظيم من شر ما استعاذ
به الملائكة المقربون والانبياء والمرسلين
والنبي محمد عبدك ورسولك ونبيك
واسئلك الخير كله لا اله الا الله وحده
لا شريك لك ومحمد عبدك ورسولك
لا اله الا الله وحده لا شريك له الها واحدا
احدا صمدا فردا وترا لم يتخذ صاحبة
ولا ولدا اللهم اني اسئلك باسمك الذي
له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير
وخشعت له الاصوات ووجلت به القلوب
يا غايثي من كل كربتي ويا صاحبي في

شدتي ويا الهي واله ابائي ابراهيم و
واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط و
هرون يا شاهد كل نجوى لا اله الا الله
وحده لا شريك له وصلى الله على محمد و
واله اجمعين يا ارحم الراحمين الله اكبر
كبيرا لا ضد له ولا ند له ولا حد له ولا
حد ولد له ولا كفو له ولا مثل له ولا شريك
له في العدل اسئلك يا عزيز يا عزيز يا عزيز يا
الله يا الله يا الله يا رب يا رب يا رب اقض
حاجتي ان ترينى في منامي لقاء محمد
صلى الله عليه واله وسلم وتعطيني في
ديني ودنياي ما رجوت منك واكرمني
بمغفرة خطيئتي انك على كل شيء قدير لا
حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم يا حنان
يا منان يا ديان يا سبحان اشهد ان كل معبود

من دون عرشك الى منتهى قرار الارضين
باطل غير وجهك الكريم امنت بك لا اله الا انت
اغثني من سخطك اجرني من عذابك فقد
وسعت كل شيء فانك غفور رحيم يا حنان
يا منان انت الذي اغفرلي ولوالدي ولجميع
المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات
برحمتك استغيث يا مغيث ويا ارحم الراحمين
وصلى الله على محمد واله اجمعين

شرح دعاي پنج گنج چنين آورده اند كه حضرت
امير المومنين علي ع بازو بندي داشت كه هرگز از خود
جدا نكردي و در هر معركه بخواندي و بر خود دميدي پس
روي بمصاف آوردي و ظفر يافتي و در كتاب ديگر چنين
آورده اند كه هيچ بنده نباشد از بندگان خداي عز و جل
كه او را دشمني نباشد چون اين دعا را بخواند يا با خود دارد
از دشمنان خلاص شود و دارندهٔ اين پنج گنج در پيش

پادشاه و سلاطين عزيز و مكرم باشد و از شر شيطان و
ديو و پري و مار و كژدم و سحر جادويان و زبان بندان
و خطا شدن از اسب و آفات دنيوي و اخروي در امان
خداي عز و جل بوده باشد و از درد هفت اندام و هشت
باد كه در اندام آدمي جاي ميكند و از جميع گزندگان در
امان خداي تعالى **هذا الگنج اول** بسم الله الرحمن
الرحيم بسم الله و توكلت على الله و
افوض امري الى الله فاستفتح بالله ما شاء الله
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وما النصر الا من عند الله لا اله الا الله
شهد الله قل هو الله اللهم احرسنا بعينك
التي لا تنام وارحمنا بقدرتك علينا ولا
تهلكنا **گنج دويم** بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اهدنا من عندك وافض علينا
من فضلك وانشر علينا من رحمتك وانزل

عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ اَعُوذُ بِكَ مِنْكَ عَزَّ جَارُكَ
وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ يَا قَادِرُ **گنج سیم** بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ اَرَادَنَا بِسُوءٍ فَارْدُدْهُ
مَنْ كَادَنَا بِكَيْدٍ فَكِدْهُ مَنْ بَغٰى عَلَيْنَا فَاَهْلِكْهُ
رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي وَاغْسِلْ حَوْبَتِي وَاَجِبْ دَعْوَتِي
يَا اَمَانَ الْخَائِفِينَ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ **گنج چهارم**
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْنَا وَمِنْ خَلْفِنَا
وَعَنْ اَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِلِنَا وَاجْعَلْ لَنَا الْوَارِثَ
مِنَّا وَجَعَلْنَا نَادِ يَا عَلِيُّ مِنْ ظَلَمَنَا وَانْصُرْنَا
عَلٰى مَنْ عَادَانَا وَلَا تَخْذُلْنَا وَاَنْتَ وَثِيقَتُنَا
وَاَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ **گنج پنجم**
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ يَا شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ وَيَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ
وَيَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ وَيَا خَالِقًا غَيْرَ مَخْلُوقٍ

وَيَا رَازِقًا غَيْرَ مَرْزُوقٍ وَيَا مَعْبُودًا غَيْرَ عَابِدٍ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ اَسْاَلُكَ
وَارْزُقْنِي نِعَمَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ **دعای دفع زوال ذات** الرَّاحِمِينَ
باید که این دعا را بنویسد و انکس با خود دارد که دیگر آل
بیراهن او نگردد که بسیار مجربست **دعا** ...
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ
يَا رَحِيمُ يَا رَحِيـ[illegible]ـحِيمُ يَا صَمَدُ يَا صَمَدُ
يَا صَمَدُ يَا فَرْدُ [illegible] فَرْدُ يَا وِتْرُ يَا وِتْرُ يَا
وِتْرُ يَا حَيُّ يَا حَـ[illegible] حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا
ذُو الْجَلَالِ [illegible] بِرَحْمَةِ اَسْمَائِ
الْاَعْظَمِ نبشتم ال[illegible] سیصد و شصت و شش
رک و چهار صد و چهل و چهار صد پاره استخوان آل

در چهار ماهگی بر شکم زن حامله نویسند و بخوانند و دستی

بمالند اگر فرزند دختر باشد باذن الله تعالی پسر شود

دعا اینست اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَ مَا فِی بَطْنِهَا ذَکَرًا فَسَمِّیت

بِاِسْمِ نَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰه عَلَیْهِ وَآلِه بِرَحْمَتِكَ

یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ باب کریه کودکان که گریند و شب خواب

نکنند این دعا را با خود دارد تا آرام گیرد دعا اینست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَخَشَعَتِ

الْاَصْوَاتُ لِلرَّحْمٰنِ فَلَا تَسْمَعُ اِلَّا هَمْسًا وَعَنَتِ

الْوُجُوهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّومِ وَقَدْ مِنْ کُلِّ کَلِمَاتِ الْحَکِیمِ

اٰیَةُ الْخَیْرِ مِنَ الْمَکْ[illegible] الضَّحِیحَامِ وَالْاُنْثٰی وَ

وَالصَّحِیحُ اسْکُ[illegible] یکن عز رحب اللهِ

الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ [illegible] لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ

رَبِّ الْعَرْشِ [illegible]

بمیرد باید که سه عدد تخم مرغ [illegible] تانند و این دعا

را بر تخمها بنویسد دیگر علاحده بر کاغذ [illegible] سید و در موم

را بستم که بند شود از وجود فلان بنت فلان که دیگر

نیاید بفرمان خدای عز و جل بحرمت محمد رسول

الله و بحرمت علی ولی الله و بحرمت حضرات ائمه

معصومین صلوات الله علیهم اجمعین ا ||| ب

||| ت ||| ث ||| ج ||| ح ||| خ ||| د |||

ذ ||| ر ||| ز ||| س ||| ش ||| ص |||

ض ||| ط ||| ظ ||| ع ||| غ ||| ف ||| ق

||| ک ||| ل ||| م ||| ن ||| و ||| ه ||| لا

||| ی ||| دعا [illegible] طفلی که پا

نگیرد و بنویسد سه بار [illegible] ن را در کت

گوسفند [illegible] بدوزند

بعد از آن [illegible] شند و بعد از

آن در قبرستان [illegible] ل و یک بسم الله

را بنویسد در زانو بندد پا بگیرد و بگوید ببریدم

علتهای فلان بنت فلان را دعای [illegible]

ودر طاسی پر آب کنند و بر بالای بام نهند تا تمام ستارها را ببیند
علی الصباح بر داشته در ظرفی ریزند و آنچه از برای غسل باشد
آب داخل کنند و آب را گرم کنند و زن و شوهر هر دو بدان آب
غسل کنند و پارهٔ از آن آب بر داشته در خانه به پاشد و خانه
را جاروب کنند و تخم مرغها را دو عدد در زیر سر و یکعدد در
زیر پا خاک کنند در موضعی که میخوابند تا چهل روز این دعا
را صبح در آب اندازند و دست و روی خود بدان آب بشویند
و چهل دانه گندم شمارد هر روز یکعدد بخورد فرزندش بمیرد
و خطا نشود بفرمان حق تعالی [illegible] دعا آزموده درست

دعا اینست بسم اللّٰه الرحمن الرحیم
هو اللّٰه الذی لا اله [illegible] الغیب و الشهادة
هو الرحمن الرحیم [illegible] لا اله الا هو
[illegible] المهیمن
[illegible] عما یشرکون
سلام المؤ[illegible] الحمد لله رب العا[illegible]

لمن الهی بحق توریة موسی و انجیل عیسی و
زبور داود و صحف ابرهیم و فرقان محمد
صلی اللّٰه علیه و آله و سلم و بولایت امیر المؤمنین
علی ولی اللّٰه و بحق پیغمبران اولین و آخرین
و الظاهرین و الباطنین برحمتک یا ارحم الراحمین
و این دعا را بر تخم مرغها خواند که چهل کونه از بروی رفع شود
و چهل مرادش نیز حاصل شود اگر این آیات را بر لوح
آب چاه نویسند و یکنوبت بخوانند و آب بر خانه و بام و حوالی
و حوشی افشانند جمله کیک و پشه بروند و ضرر نرسانند
آیت اِنَّ یَاجُوجَ وَمَاجُوجَ مُفْسِدُونَ فِی
الْاَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَکَ خَرْجًا عَلٰی اَنْ تَجْعَلَ
بَیْنَنَا وَبَیْنَهُمْ سَدًّا جهت رفع [illegible] بر انگشت
شهادت یا چوب بخواند و بر گرد خود خطی بکشد که رفع
میشود دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَاِلَی اللّٰهِ کَمَا شَاءَ اللّٰهُ وَنِعْمَ

القادر والله اعلم والله قد احاط بكل شي علما
واحصى كل شي عددا جهت درد دندان کلنار
وهليله وطباشير ه سماق نبات نيز بركيره ه زين پنج
كه گفتمت مساوي وبايد كه چو توتيا بسازي ه چون كشت
ضعيف بيخ دندان ه يكپاره ازاو براو برافشان ه دندان
شودت سفيد ومحكم ه تو نيز رهائي يابي از غم از جهت
خشكي بر خاك كلوم با آب بهن تر كند وبعد از او بجو اندو بر
موضع خشكي بمالد برطرف شود اسيت بسم الله الرحمن
الرحيم باعو ببه وانت عو به واسمك عو به بخطى
وبغطى دو ذلك رنكى وتو ابط ربعى هذا قاموس
قدرت بسم الله الرحمن الرحيم
الهى قد تلاطمت امواج قاموس قدرتك
ربى فظهرت في كل مقدور آثار قدرة عجيبة
غريبة لا يبلغ كنهها عقول العقلاء وفهوم
العلماء واوهام الحكماء فكل شي في قبضته

قدرتك اسير وان ذلك عليك سهل يسير و
انت على كل شي قدير يا شديد البطش الشديد
واسئلك مددا من قوتك واسئلك مددا من قوتك
من سلطانك واسئلك مددا من
لتسخير كل متمرد وتليين كل صعب واذلال كل
منيع وقهر كل عدو ومحق كل خصم وازهاق
كل منافق ذي شقاق من الانس والجن والهوا
واسئلك مددا من كيد كل ماكر وحاسد فلا
يبقى شي من المكونات الا لينت ولين بيدي
عزيكته وكسرت شدة شكيمته وفرط عتوه و
تفرعنه وتفوع عيبته بعزتك يا عزيز يا عزيز
يا عزيز يا معز يا مذل يا مقدم يا موخر وصلى الله
على خير خلقه محمد واله اجمعين در بيان خاصيت
هدهد روايتست از حكماي سابق كه اكر كسى زبان هدهد
با خود دارد زبان مردم بروى بسته كردد و اكر سر هدهد

رادر هر خانه دود کنند گزندگان بگریزند اگر موی سر هدهد با
خود دارد خلق بروی ظفر نیابند و اگر تاج هدهد را در سر نگاه دارد
درد سر نبیند و اگر چشم راست هدهد را با خود نگاه دارد دیا
هر کودک هدهد حافظه پدید کند و اگر کسی خون وی در چشم کشد
موی بر نیاورد و اگر کسی لب زیرین هدهد را خشک کند و
بساید و بامداد و شب دود کند و بوقت دود کردن این دعا را
بخواند وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو کار وی
گشاده گردد و اگر کسی مغز سر او را مشک و زعفران باهم
معجون کند و با خود دارد بنام هر که خواهد مطیع وی گردد و اگر
زبان او را کسی خشک کند و بساید و هر زن که از آن بخورد
باردار شود و اگر استخوان سینه وی را خشک کند و بساید
با هلیله بیامیزد و هر روز قدری از آن بخورد و انگشتری فربه
شود و اگر کسی خواهد که چشم بندی کند دل هدهد را بریان
کند و پاره از آن بخورد و در میان خلق رود کسی او را نبیند
اما شرایط انواع چشم بندی که حکما در عمل می آوردند اگر

باسانی مهمات چنانکه حضرت امام المعصومین الناطق امام جعفر
بن محمد الصادق علیه السلام که این فال دلالت میکند
بر آمدن غایب ایمن خاطر باشد تا مهمات و کارهای بسته
او گشاده گردد و در طاعت کوشد که در طاعت نیت او
روا گردد و مرادها حاصل شود ان شاء الله تعالی و تقدس

بفالت ای برادر بی برآمد	حروف بی
زوال عمر دشمن بسر آمد	چه صاحب دولتی ای صاحب فالی
که اندر فال تو چون بی برآمد	زغایب هم خبرهایی بزودی
مرادت ناگهان از در درآمد	الا ای آنکه بی در فال داری
ترا بخت و سعادت یار آمد	ای خداوندگا فال

آفریدگار هجده هزار عالم چشم مرحمت با تو دارد امروز تا
چند روز دیگر بتو از صاحب دولتی منفعت تمام بدست
آری چنانکه از آن خرم شوی یعنی ازین پریشانیها
دغدغه بخاطر خود راه و این فال بزرگوار است و حاجات
بر آید از ندامت خلاص شدی جهد کن که روز بروز مراد

حاصل شود انشاء الله تعالی و تقدس **حروف تی**

اگر تی آید اندر فال زنهار | وجود خویش را بهر گنه میازار
که ازین فال توبه کرده باید | که کارت آخر از دوران گشاید
اگر توبه کنی لطف خداوند | گشاید کار را بیت بکیر از بند

الخداوند فال بدانکه این فال میانه است باید که
توبه کنی و در طاعت کوشی اما حضرت علماء علیهم المغفرت را
یقین آنست که صاحب این فال اگر ازین نیت تجاوز کند شاید
که از غایت منفعت یابد که دلیل کند امام جعفر صادق علیه السلم
میفرماید که درامروز تعجیل مکن که صبر میباید تا چهار ده روز
دیگر مراد و مقصود دست حاصل شود و انشاء الله تعالی

حروف ثی

چه ثی آمد بفالت ای برادر | عجایب فال نیک اختر
ترا نامت به نیکی فاش گردد | سخن کوتاه شد والله اکبر

الخداوند فال
خوش باش و باین نیت پریشانی بخاطر خود راه مده که صفا
و خرمیت علماء ائمه در خیر و صلاح این فال فرموده اند

دلیل

دلیل بفرزند غایب عزت یافتن به نظر سلاطین کرده اند
و خرمی و فرح از عقد و نکاح نیت خرید و فروخت خوبست
لیکن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده حرف
حروف انشاء الله فی الرمل یدل العزة بالفظ جمیع السلا
طین للوسع فی الرزق یعنی نیکوست حرف ثی در فال زیرا
که دلالت میکند بعزت یافتن بنظر پادشاهان و رزق فراخی
کارت بگشاید تا ده روز دیگر و کامت بر آید انشاء الله تعالی

حروف جیم چه جیم آمد بفالت ای نکوکار

بسی جهدی بباید کرد ناچار | چه حرف جیم آمد نباشد
ولیکن سعی باید کرد بسیار | چه سعی خود بجا آورده باشی
پس انکه روی مراد خود بدست آر | درین نیت اگر حیی نباشی
مرادت را دهد معبود ستار | **الخداوند فال**

فالت نیکوست درین نیت سعی و جهد کن که بتوانی از تحمل
کارت بالا گیرد و مقصودی که داری شب و روز در طلب
اوئی و میگوئی که این نیت بر آید یا نه علماء ائمه درین

حرف جمعیت و آسایش نشان داده اند عزم مقام بنیت معاملات
نیکوست حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که مطلوب
هرکسی باید که از همنشینی ناجنس احتراز کنی که از فرزند صالح
خرم شوی و محترم گردی نزد سلاطین و از غایب خرم شوی
تا هفت و یک روز دیگر همه مقصود بر آید ان شاء الله تعالی تقدس

حروف حی
چو حی آمد ترا حاجت روا شد
همه کارت صفا اندر صفا شد
چو حی آمد حرامت شد غم و رنج
همه دردت ترا نیکو دوا شد
زغایب گر کسی داری بجائی
شود حاضر دلت غمگین چرا شد

الخداوند فال

این فال سعادتمندان اهل کمالست همواره بطاعت
باش و سر خود با کس مگوی که فتوحی حاصل شود که ترا از آن
خبر نباشد و از غایب رزقی حلال یابی باید که از حرام
احتراز نمائی که حضرت امام معصوم والدلیل الحق امام جعفر
الصادق علیه السلام فرموده که الحیاء فصل مقصودات
ورفع درجة وسیر امور یعنی چون حرف حی بفال
کسی آید جمله مقصودات وحاصل گردد نزد حق سبحانه و تعالی
کار او بخیر مبدل گردد و چشم تو بدیدار غایب فرزند که در
او صلاحی باشد خرم شوی بنیت معامله و نکاح بغایت خوبست
تا چهارده روز دیگر بمراد برسی ان شاء الله تعالی و تقدس

حروف خی
چو خی آمد بفالت اندرین دم
نباشد مال و ملک و نعمتت کم
چو خی آمد بخیری دست بکشا
که تا خوفی نباشد بیش یا کم
اگر فرزند خواهی از خداوند
دهد فرزند گردی شاد خرم

الخداوند فال

علی ابن ابی طالب بحرف خی حرفها فرموده اند یقین اگر ترا
عزم جایست ابتدای کاریست خرمیت با منیت غایب با فرزند
یا دوستی بشادی و خرمی غرض اگر بطاعت کوشی و راز خود
با کسی نگوئی راحت و خیر کلی درین فالست لیکن خود را خبر
نگاهدار که اهل نفاق هست که محبت زبانی با تو دارند ولیکن
بدل دشمن تواند و نمیخواهند که مهمات تو رونقی گیرد اما حضرت
امام جعفر صادق ع فرموده که حرف خی خیر الدنیا صاحب

ابواب الفتوح حضرت امام فرمود که نی خیر و فتح است در دنیا و
صاحب این فال را بگشاید خدای تعالی بروی درهای رزق
و فتح را از فوت شده خبر یابد تا ده روز دیگر همه مراد برسی
انشاء الله تعالی و تقدس

حروف دال

چه حرف دال آمد اندرین فال — نکو گردد ترا هم کار هم حال
چه دال آمد دلالت میکند این — که اصالت بود بهتر ز هر سال
بطاعت اولی کردی تقاضا — که زود افزون شود هم روز اقبال
بود شادیت از فرزند صالح — دیگر خرم شوی ز غایب و طفل

الخداوند فال اندوهی در طالع بود به دولت
و جمعیت مبدل شود هر قدر که در امورات مشغول کنی قوت
تمام حاصل شود اما از غایبی یا از بزرگی انعامات و خیرها
یابی و طاعت ترا سودمند است باید که از حرام احتراز کنی
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که الدال مبتل
علی دوات الدارین معین باید کرده روز حرف دال او را
به دولت دنیی و عقبی احتراز او کند که بی تشویش مقصود ها
حاصل گردد انشاء الله تعالی و تقدس

حروف ذال

چه ذال آمد ذلیل از تو شود دور — حسود دشمنانت گشته مقهور
بیا ای روشنائی با دل خویش — الا ای چه من دین دار مشهور
بفال هر که حرف ذال آید — شود کار خرابش خوب و معمور
شوی از غایبی دلشاد و خرم — سعادت یابی از نزدیک و از دور

الخداوند فال محنتی و سختی که ترا در مدت عمر بود
دفع شد اکنون روزگارت بعیش و خرمی گردد و کار بسته
بگشاید و هر قدر که با بی زکوة دهی کارت بالا گیرد و
ترا دو چیز زیان دارد حرام و دروغ زیرا که یک دینار حرام
ده دینار حلال را زیان آورد آن غیبت که شب و روز طالب
آن بودی دلخوش دار که مطلوب میرسی اگرچه تو سنگینی
مینماید اما حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه علیه السلام فرمود که
اگر این مراد از کوه سنگین تر بود از کار و سبک تر بر آید یعنی
خار بی مشقت از تو رفع شد مقصود است تو روا گشت اما
در نماز کاهلی نباید کرد که سر پوشیده بر تو آشکار گردد و عقد

ونکاح وعزم سفر جملهٔ این کارها به تحمل وصبوري حاصل شود
ومقصودها بیابی انشاء الله تعالی وتقدس **حروف ر**

چه ر آمد بر واشد حاجت زود … ابا عیش ونشاط کام مقصود
چه ر آمد تو اکنون سعی بنمای … قدم در نه که دولت روی بنمود
اکر فرزند خواهی از خداوند … خداوندت دهد فرزند محمود
اکر از بهر غایب بود نیت … بجاید غایبت با نعمت وجود

ایخداوند فال این فال دلالت میکند بر روا
شدن حاجات جمله مرادات روا شود از جانب غایبی
یا از جانب بزرکی راحت ونعمت یابی وبر همه کارها تورا
فرصت باشد امام جعفر صادق ع فرمود تا هشت روز دیگر
از مردمان ناجنس احتراز کن که هر قدر با ایشان وفا کنی جفا
بینی خرید وفروخت ومعاملت وعزم مقام بحسب دلخواه است
بی نام خدای تعالی نباشی که هرچه بتو رسد از چشم وزبان
خلق رسد پیوسته بطاعت باش وراز خود نکاه دار وعقد و
نکاح وبیع وشرکی نیز نیکوست واکر چیزی تورا فوت شده

طالب باش که محصول شود انشاء الله تعالی **حروف ذ**

چه در فال تو ذ آمد زیان نیست … ولیکن هیچ سودی در میان نیست
بصبر وصابری حاصل شود کام … ازین نیکوترم شرح وبیان نیست
نمیکویم که زین نیت حذر کن … ولی تعجیل کردن همچنان نیست

ایخداوند فال خود را از خصم احتراز کن وصبر درین نیت
بنمای که بصبر مقصود یابی اما امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
اکر ترا ازین نیت که هست تعجیل نباید کرد وصبر در پیش کیری
جمله غمهای تو بشادی مبدل کردد وکارت لیکن غایبت
سلامتی دارد واکر تو راخته بود بصحت مقرون یافت کارت
بکشاید وکامت بر آید انشاء الله تعالی **حروف سین**

چه سین آمد سعادت یار کردد … غنوده بخت تو بیدار کردد
چه سین آمد سفر کردن بود به … اکر خواهی که زر بسیار کردد
هم از غایب شوی دلشاد وخرم … هم از فرزند جانت شاد کردد
مرادات شود حاصل بزودی … ازین غم دشمنانت شاد کردد

ایخداوند فال سعادت وخرمی رفیق تو شد دولت

اهری است که بار اکشت سنگینی و چیزی ای بو زحمتی ظاهر
کرتو طبو بگذشت نیز اکثرها همه بعیش و حضور مبدل شد
سعی در هر کار کنی آن کار را از پیش ببری و مقبول کردی
اندوه فرزندی یا از غایبی شادی یابی و دعای اجابت مقرون
و دل خصمان محزون از غایبی خرم کردی ... تا به هر کس
نیکی کنی بدی یابی اما نظر باری تعالی با تو هست دلخوش دار که
ایشان مظفر شوی دو چیز تو را سودمند هست یکی آنکه در نماز
مداومت کنی دوم آنکه دعوات چشم زخم و دفع بلیات حمایل
کنی که مقصودات بخیر و خوبی محصول شود انشاء الله تعالی

حروف شین چو شین آمد شقاوت می‌نماید
بخصمان خصومت می‌نماید — چو شین آمد برو شوری مفکن
که از شور تو خود چیزی نیاید — مکن شرکت مجوسی مکن قرض
کز این ها همه زیانت می‌نماید

الخداوند فال

از جای شر بر حذر باش و در جمیع امورات تامل کن و مشورت
با عاقلان کن و در این نیت تحمل کن بر شخصی ترا سودمند است

هر کار که کنی تا ده روز دیگر کار تو بصبر نیکو شود شرکت و
معاملت نیز موافق حال تو نیست اگر نیت حجت غایبی
غایبت سلامتی دارد اما از آن مقام که هست حالا عزم این
جانب ندارد ولیکن خبری بتو رسد خرم شوی و مقصودات
حاصل شود انشاء الله تعالی

حروف صاد

چه در فال تو حرف صاد بنمود — در صبر و تحمل بر تو بگشود
چه صاد آمد صبوری کن صبوری — که از صبر [illegible] یابی نیست جز سود
پریشانی ندارد این چنین فال — همه شادیست اما صبر بود
چه صاد آمد اگر صبری نمایی — مرادت را دهد معبود مسعد

الخداوند فال این فال صلاحیت و صابران
صدق و درستی و صبر پیش آر تا بیست روز دیگر چراغ رحمت
باحتیاط باش و صبر کن و خوی نیکو پیش گیر که بصبر و تحمل
کارت رونق گیرد و از غایب کار بسته ات بگشاید انشاء
الله تعالی و تقدس

حروف ضاد

چه ضاد آمد بفالت ای برادر — بگویم شرح آن با تو برابر

چو ضاد آمد زمان کس مشو تو　　دل خود از غم و اندوه بکند

دگر هر کار خواهی رو بکن زود　　بکن تعجیل کار خود جز و شر

کرحرف ضاد باشد پس مبارک　　ازین نیت نمر خویش برخور

اگر از غایب بود این فال　　بیاید غایبت با مال بسیار

الخداوند فال دلالت میکند این فال بصفای خاطر و صحت بدن و حصول مراد و عمر دراز و نیکو شدن اقبال و حضور و عافیت یافتن از روزگار آمدن غایب دور با مال و سر پوشیده بر تو آشکار اگر دد و از فوت شده خبر یابی و بر دشمن ظفر یابی ولیکن از دو چیز احتراز باید نمود اول خصمان کس بقول حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دیگر انکه بطاعت کوشی و تیغ بند حضرت شاه اولیا علی مرتضا علیه السلام و چشم زخم با خود داری که روز بروز جملهٔ حاجات میسر گردد انشاء الله تعالی و تقدس

حروف طی

اگر در فال حرف طی بر آید　　همه کارت بامر حق کشاید

کرحرف طی مبارک فال باشد　　بقای عمر تو صد سال باشد

درین فال ای برادر خوشدلی است　　ترا بخت و سعادت میدهد دست

در بسته بهر نیت بر کشاید　　مرادت ناگهان از در در آید

الخداوند فال حرف طی مبارک است پیوسته بطهارت باش و طاعت که از بزرگی راحت یابی و بر خصم مظفر شوی و مهمات سخت بر تو آسان شود کارت از او بالا گیرد و کدورت گذشت و اقبال پیوست بخت یا تو یار شود از بزرگی یا فرزندی یا غایبی خرم گردی و چون ترا چیزی از دست رفته باشد باز بدست تو آید امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که حرف طی بفال کسی که آید بطلب هر حاجت که باشد حق سبحانه و تعالی حاجت او را روا کند چون ترا عزم سفر یا چیز خرید و فروخت یا نیت عقد و نکاح باشد در دوشنبه در آن روز شروع نمائی بکوا انشاء الله تعالی

حروف ظی

چو ظی آمد مرادت حاصل آید　　همه دعوی خصمت باطل آید

نکو فالست فال ظی یا دوست　　نه فال کودکان غافل آید

بفال هر که حرف طی آید   یقین دان کان زمان مقبل آید
ازین فال و ازین بیت دی بفال   کل امید تو از کل بر آید
ابجد اوند فال چنین مینماید که طلب مرادی میکنی و
جماعتی ترا از سر کار خود دور کرده اند و تو چگونگی حال خود نمیدانی
و با خود اندیشه میبری که آیا این مراد بر آید یا نه ولیکن توکل با حضرت
احدیت کن که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود یعنی دولت
روشن گردد و نعمتی یابی که ترا به هیچ اشیا محتاج نباشد خرمی
تو از جانب غایب و فرزند قدم مبارک بود و هر کار که قدم نهی
کارت نظام گیرد و نیت معین و شرکت و پیوند تو را نیکوست
لیکن دایم باسماء الله باش و از خود جدا مکن و در نماز نیز کاهلی
کردن نقصان عمرست پیوسته بطاعت باش که از فوت شده
چیزی یابی و از حق تعالی نظر رحمت انشاء الله تعالی و تقدس
حروف عین   چه عین آمد علا رقم بد اندیش
بکن عیش و نشاط و نوش بی نیش   چه عین آمد عزیز خلق گردی

بیابی خرمی با نوش بی نیش   ز فرزندان صالح شاد گردی
مبر اندوه بر خاطر کم و بیش   چه عین آمد بفال ایت عمر یابی
صد و ده سال از حکم الهی
ابجد اوند فال
این فال امیر المومنین و امام المتقین علی مرتضی علیه السلام بشارت
باد تو را درین نیت ازین حالت بخیر و خوشی بگذرد زیرا که این
فال مژده است بشادی و خرمی ایمن خاطر جمعیتها و فرزند نیک
از جانب فی زند که حق تعالی بتو کرامت کند و صاحب علم و قلم باشی
اگر چه هر چند که هر دم دوست و دشمن نیکوئی کند با زنگ
آورند و بدی تو گویند ترا دو چیز ضرورست که دایم با آن
عمل کنی والا انکه بنماز پنج وقت کوش که خیر تو در طاعت باشد
هر چند که طاعت کنی ترا از غایب دوری خبرهای خیر رسد
و از بزرگان منفعت یابی دویم آنکه تیغ بند مرتضی علی علیه
السلام و دعای چشم زخم با خود داری تا زبان کس بر تو
کار نکند و فراخی روزی یابی انشاء الله تعالی و تقدس
حروف غین   چه غین آمد مشو زین کار غمگین

فراغت میش کن دل شاد بنشین — اکر در فال قران صدق داری
بده صدقه بدرویش و بمسکین — چه خیری کرده باشی آن زمان تو
برات بخت دولت را بیابین — برو دنبال این نیت که نیکیست
ازین نیت نخواهی بود غمکین

الخدا و ند فال

غم و اندوه از تو رفع شد و بشارت و منفعت بر سد اما خود را
از هم صحبت ناجنس دور دار که نمیخواهند که کارت نظام کیرد
و بخیرات کوش که سبب خیراتی که کرده باشی از غایب دور شاد
شوی و از صحبت اولیا رخ متاب که جمعی ترا سخن خیر میکویند
شنیدن سخن ایشان سودمند است فرزند صالح یابی اما در قول
حضرت امام جعفر صادق علیه چنین روایتست که تورا امسال
جمعیت از همه سال بود نقصان ملال کار در خانه نشت بحمد الله
تعالی که از تو نقصان بیرون رفت این نیت تو چون کلست
که ناکاه از میان کل بر آید یقین از غایب خرمی یابی و روز بروز
طالعت مسعود کردد ان شاء الله تعالی و تقدس

حروف فی

چه فی آمد بفالت کام یابی — میان سرفرازان نام یابی

چه فی آمد فتوحی خواهدت بود — ز صاحب دولتی انعام یابی
درین نیت سفر کردن نشاید — دیکر از هر چه خواهی کام یابی
همه کار پریشانت شود جمع — ز غایب ناکهان پیغام یابی

الخدا و ند فال

تا هشت روز یا بیست روز دیکر علامت
این حرف فتح و جمعیت است مثلا اکر ترا بستکی باشد در کار تو
نیکی پیدا شود یقین در ابتدای هر کار که کنی با نتهای انکه برسد
تمام کشاید و راحت بتو رسد در آمدن غایب و نیت فرزند
کار خیر آنها همه دلخواه است اما اکر عزم قضا میباشد چند روز
صبر کن اما حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که تعجیل
در آن منمای که این نیت بصبر و نظام بر آید و کاری که میکنی
مشورت با عاقلان کن که درین نیت خرمی حاجات که بی
تشویش مرادت حاصل شود ان شاء الله تعالی و تقدس

حروف قاف

چه در فال تو قاف آمد قرار است
درین نیت فتوحی بیشمار است — چه قاف آمد قبول خلق کردی

تو را باری چرا خاطر فگار است | چو قاف آمد قدم در ره در نگار
بکن سعی که وقت انتظار است | مرادت میشود حاصل نه روزی
و زین غم دشمنت در زیر بار است | **الخداوند فال**

ترا دولت عظیم روی نموده است چندانکه در کارها سعی نمائی
قبول دلها گردی هرچند که تردد نمائی جمعیت زیادت شود
امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که توکل بحضرت الهی کن
که کارهای سخت بر تو آسان شود درین نیت بدیدار غایبی
خرم شوی دولت انه فرزند شاد شود درین نیت عقد
و نکاح و معامله عزم مقام نیک است همواره بطاعت باش
و از خصم احتراز کن که جمله مقصودات حاصل گردد و بمراد برسی
انشاء الله تعالی و تقدس

حروف کاف

چو کاف آمد کدورت مینماید | بخصمانت خصومت مینماید
چو کاف آمد مکن تعجیل ای یار | بکن صبری که تا کامت برآید
چو کاف آمد تو صبری کن غائی | مرادت ناگهان از در درآید

الخداوند فال تا چهارده روز دیگر درین نیت کدورت
تشویش خاطر هست درین نیت صبری نمائی و از کارهای
بد دور شو و از مصاحب ناجنس احتراز کن که امام جعفر صادق
علیه السلام این نیت را بصبر دلالت میکند و صبری و شادی
و مقصودانی که داری محصول گردد و مرادت حاصل شود
انشاء الله تعالی و تقدس

حروف لام

چو لام آمد لبت پر خنده گردد | بمرده کارهایت زنده گردد
ازین نیت که لام آمد بفالت | یقین دان طالبت فرخنده گردد
ز خلق خوب و خوی نازنینت | حسود و دشمنت شرمنده گردد

الخداوند فال این فال حضرت الیاس پیغمبر علیه
السلام است همچنانکه خضر و الیاس زنده جاوید اند کارهای
مرده تو زنده گردد و امید کلی که داری محصول گردد در غم
مقام در آمدن غایب و نیت فرزند تمام این کارها بغایت
دلخوش است از فوت شده نشان یابی و بمراد برسی

انشاء الله تعالی و تقدس

حروف میم

چه میم آمد حذر کن از ملامت / بگفتم شرح حالت را تمامت

حذر کن از چنین کار ای برادر / چه میم آمد غمی بینم سلامت

الخداوند فال بتعجیل درین نیت نباید کرد که مقصود را
کلی حاصل شود و بدشمن مظفر گردی رونق کارت آشکارا مکن
که ترا زیان آرد و از جائی که ترا خبر نباشد منفعتها یابی تا بیست
و یک روز یا شصت روز دیگر درین کار مناسب حال تو باشد
و از غایب دل خرم شوی و راز خود با همه کس مگو انشاء الله تعالی

حروف نون

ایا ای آنکه در فال تو نون است

بقول عالمان گویم که چون است / چه نون آمد غمارت را مکن فوت

کسوی دولت ای رهنمون است / چه نون آمد بغالت ای نکو روی

ترا دولت قرین دشمن نگون است / درین نیت که کردی سعی کن

که هر روزت سعادت بر فزون است

الخداوند فال

رزق و حضور یابی برکت این فال نعمت زیاده گردد و روز

طلب او بی سعی کن که عاقبت کارت نظام گیرد و از جائی که ترا
خبر نیست چیزی بتو رسد دل خود خوش کن که بد و برسی طاعت
خدای بجای آر که هر چه یابی از برکت خیر و طاعت بتو رسد
و همه مراد برسی انشاء الله تعالی

حروف واو

چه در فال تو واو آمد وصالست / همه کارت کمال اندر کمالست

نیاز و حاجت با کس نباشد / زهی فالی که چون آب زلالست

درین فال این برادر ذوق باشد / بقای عمر تو صد سال باشد

ز دشمن هیچ نتوانم که گویم / سر دشمن بپایت پایمالست

الخداوند فال این فال حضرت یوسف علیه السلام است
همچنانکه یوسف از چاه بلا امان یافت حق تعالی او را تاج
و تخت داد و بدولت رسانید ترا نیز از جمیع آفات نجات
و هشت روز دیگر فرح خاطر گردی و از غایب ترا خرمی
حاصل شود چشم تو بدیدار عزیز یا غایبی یا فرزندی روشن
میشود کارت بالا گیرد مرادها بیابی انشاء الله تعالی و تقدس

حروف هی

چه هی آمد هراس از کس نداری

چه‌ها آمد هران کاری که داری   بکن آن کار از خود خوف منمای

که یابی منفعت از دو سعتداری   الخداوند فال

درین نیت تشویش بخاطر خود مرسان که صفا و عیش یابی

تا پانزده روز دیگر یا یکماه کار تست بسته است گشاده گردد و روز

بروز کار تست بالا گیرد که قدم نهی غم در خاطر خود راه مده که بکام

تو گردد ان شاء الله تعالی و تقدس   حرف لام الف لا

بفالت لام الف لا آمد ای یار   سبک برگرد ازین نیت تو زنهار

تو میدانی که لا معنی چه دارد   همین گوید که تو به کن ازین کار

حروف یی

چو یی آمد بفالت یار یابی   اگر بیکار بودی کار یابی

چو یی آمد خبر از غایبت نیز   غنوده بخت خود بیدار یابی

چو یی آمد ز عیش شادکامی   یقین میدان که چیز دوار یابی

چو یی آمد که خواهی گشت مشغول   حسودت را ز غم بیمار یابی

الخداوند فال

بدانکه غایبت سلامت بتو رسد و چیزی که از ان خبر داره

نباشی بتو رسد و اگر نیت عقد و نکاح بود نیکست که بمراد

برسی ان شاء الله تعالی و تقدس تمت الکتاب بعون الملک الوهاب

دعا جهت دفع خوره بنویسد و با خود نگاهدارد شفا یابد

دعا جهت لیعلموا عما یکون ۱۱۲۱۲۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۲۱۲۱۱

۲۱ هم ۱۱ ه نقلست از اهل دل که اگر کسی را دشمن قوی باشد

که ظالم و جبار و قهار باشد باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز کند

و بعد از آن سر بسجده نهد و هفتاد و پنج بار بتضرع و زاری بگوید

که یا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ بِقَهْرِ عَزِیزِ سُلْطَانِهِ

یا مُذِلُّ   باب اگر کسی بیمار باشد که جمیع طبیبان عالم

از معالجه او درمانده باشند این چهار نام را در ظرفی بنویسد و

آب بشوید که بیمار بخورد بیمار بخورد شفا یابد و اگر کسی را درد

قولنج باشد بدین نوع بنویسد و آبش را بخورد تا شفا یابد

دعا اینست یا مُنْتَنَا خَلْپِنَا یا مُسْتَجِیعْ یا طَیْهُو

یا سَقْیُونَا یا مَسطُوشْ یا رَغْنُوشْ یا مَطَانُونْ

سوره

یا مسلطیع **باب** در آمیختن زنکار اول اورا در جوقانی
باریک فرو ریزد در سکوده کند و قطرهٔ سرکهٔ سفید با آب لیمو
دراو ریزد و بانکشت بمالد تا حل شود انکاه قدری سمغ عربی
را کوفته وبخته دروی آمیخته و بکار کند **باب** چهل و چهار
کونه رنج کوسفندان دیو آن را نزد سلیمان علیه السلام آوردند
سرش چون سر آدمی و دستش چون دست خران و پایها چون
کوسفندان و بر اسپی نشسته بود و سر آدمی بر دست داشت
چون سلیمان ع بدید کفت ای دیو مقام تو کجاست دیو
کفت مقام من دیکلا کوسفندان باشد و زحمت من چون
بادهای او کانه و سم کانه و سم لنکه و سم ترکیده وکان پر خون
کردن و زهر بر آب کردن و با دطبقه وشش کرفتن ولاش
بزرک و آب کرم ازدهان رفتن تمامت از فعل من باشد سلیمان
علیه السلام کفت علاج وی چه باشد دیو کفت این تعویذ را بنویسد
و طاسی پر آب کند و دعا را در موم کیرد و در آب اندازد و بکذارد
که شب همه ستارها سیاه خوذ بیند و بنماید و بامداد در میان تمام
کوسفندان

کوسفندان بیفشانند و تعویذ کردن یکی کوسفند بند د شفا یابد **دعا اینست**
ده بو ٣٣٣ ٥٥٥ ٠ ک لا ٥ ٣٣٣ بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله
رَبِّ الْعَالَمِینَ الْمُصَاحِ وَالْمُصَاحَاتِ یا ملک یا الله وا روایا
العجو الحد لواد رالتو عخ لا اله الا انت یا ذوالجلال
والاکرام فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم عخ ولا
یموت انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم
هوا هوا هوا هوا اهاه اهاه اهاه اهاه اه یا رثاه یا رثاه یا رثاه
یا رثاه یا ربا یا رتلا یا اشدی یا شدی یا مایاب بستم درد ها و بادهای
کوسفندان فلان بن فلان بستم کربسته با د بحق محمد و آل
وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ
وَلَا یَزِیدُ الظَّالِمِینَ إِلَّا خَسَارًا **روایت** که اکر کودکی
بسیار کریه کند این دعا بنویسد و با خود دارد خاموش کردد
دعا اینست إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا
١٣ لا ا سا ص ع م و ر ٢ ا ا ٥ ٥ **حیسم** ماده کاوی کر کوساله

برحو دیگیر دو عاصی باشد و شیر بدهد این را بنویسد و بر شاخ او

بندد طلسم ۸ لای ی ی ۱۱۱۱۱ ۳ ۱۱ لا ۱۱ ی الا ام ۵ ۱ر ما ی ۱۱ ۱۱ ۲

لا ی ی ۱۱۱۱ کا ۱۱ ۳۱ ۳ ۱۱ ۴ ۱۱۱۱ لا لای ی ان لار ر ر

نوع دیگر معالجه ۹ م ۹ ۲ ۵ ۱ ۳ ۱۱ ۹ ۹ ۱۱ ۲ ۹ ۹ ۱۱ ۵ ۹ جهة سپرز هر که

را سپرز بود باشد سرکه را با گلاب بجوشاند تا لعاب پیدا

کند و در روی کرباس کبود که آب ندیده باشد بمالد و در بالای

سپرز بگذارد دفع درد سپرز شود و بر طرف گردد دعای

دفع تب سرد و تب گرم بر سه چوب سپید نویسد و در زیر دامن

مریض دود کند شفا یابد انشاء الله تعالی چوب اول ککھکھه

دوم کلقناو سیم کسلونو نوعی دیگر از ... شنو طریق

جواب از برای فتح رجال که بسته گشت بمکر زنان بد افعال

بچون کرده بود و زعفران بنویس دو قل اعوذ بکردن ...

بماند رجال شود گشاده بحق خدای عز و جل اگر چه بسته

او ... سال نوعی دیگر فتح الرجال بر تیشه فولاد

بنویسد و در آتش ... گرم شود و سوراخ آن بول کند تا بخار آن

بر ... اعضا رسد طلسم منت ۱۱ ۸ ۱ ۸ لا ۶ ۶ ۶ ططط ط ۱۱۱۱ ط ۱۱۱

حیدری ف والذین العها بعجل و یطیل هبا ها باساعة بساعة

بساعة بساعة  نوعی دیگر جهت

گشادن مرد این آیت را بنویسد بر ران راست بندد گشاده

شود بفرمان خدای عز و جل هذا الدعا قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ

مِّن رَّبِّي ۖ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ ۖ وَكَانَ

وَعْدُ رَبِّي حَقًّا وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ ۖ وَ

نُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا فتحت ذكر فلان

بن فلان على فرج فلانه بنت فلان نوعی دیگر

بمشک و زعفران بر کاسه چینی بنویسد و شربت کند بخورد

دعا منت یا قریب المتعال فوق کل شی علوا ارتفاعه

نوعی دیگر بنویسد بر تخم مرغ و با شمشیری که خون کرده باشد

پاره کند و نصفی از آن زن بخورد و نصفی را مرد بخورد گشاده

شود بفرمان خدای تعالی م ح م سا ... صح اله فللی

عند دطلاا طع فنحت ذکر فلان بن فلان علی فرج فلانه بنت
فلان هر کس امید عار را هفت بار بخواند و بر مریض دمد شفا
یابد دعای منیت أَسْأَلُ اللهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اَنْ
يَشْفِيَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دفع فسخ الرجال
هر که خفاش را خشک کند و خورد بساید و با روغن یاسمین بر
ذکر مالد مرد بسته بگشاید و اگر از درختی بیاویزد ملخ از آن
نواحی بگریزد و مجرب و آزموده است سر البته لله البته

هذا کتاب هفتاد و دو دیو حضرت سلیمان ع

بسم الله الرحمن الرحیم

اما بعد آنکه این کتابیست که در ایام حضرت سلیمان پیغمبر صلعم
بنیاد کرده است و حضرت سلیمان پیغمبر ع کردن قضا
دوست داشتی کاهی بغزا کردن کافر بودی و کاهی
بغزا کردن جنیان مدتی چون این کارها کردی از مرغ

و ماهی و دیو و پری و باد و آدمی و کل اشیا فرمان بردار و مسخر
وی شدند بفرمان خدای تعالی و حضرت سلیمان ع نود و
نه وزیر داشت و هر یکی را بر سر قومی کماشته بود که افعال نیک
و بد بدانند و سلیمان ع را معلوم کنند و این نود و نه وزیر که بودند
بزرکتر همه آصف بن برخیا بود و کهتر همه قفطیس جنی بود
که بر سر همه جنیان کماشته بود و کاری که ایشان میکردند
براستی و کجی نکاه میداشت و از عمل نیک و بد و خیر و شر هر یکی
قوم خویش را نکاه میداشتند بعد از آن حضرت سلیمان ع
وزیران را یکیک میخواند و احوال از ایشان می پرسید و حرمت
ایشان میکرد تا مطیع امر وی شدند و از کارهای نهی دست
باز میداشتند و چون بآخر رسید قفطیس جنی را بخواند و
از وی پرسید که ای قفطیس قوم تو چکونه است قفطیس گفت
یا رسول الله باقبال شاهی تو که همه سر بفرمان شما نهاده
اند و بامر و فرمان تو کار میکنند الا هفتاد و دو تن که ایشان
را عمل بدست حضرت سلیمان ع گفت ایشان را در بند کن

گفت یا رسول الله ایشان را نتوان بند کردن زانکه حضرت
حق سبحانه تعالی ایشان را بر آدمی زاد گماشته است از هر انواع
زحمت میرسانند تا روز قیامت چندانکه اولاد ایشان باشد
بر اولاد بنی آدم زحمت خواهند رسانیدن بعد از آن حضرت
سلیمان ع گفت برو و ایشان را با شمالت و دل خوش بیاور
و بر من عرض کن تا من یکیک از ایشان را سؤال کنم قفطیر
برفت و ایشان را بیاورد هر هفتاد و دو تن را جمله بر سلیمان
ع عرضه کرد حضرت سلیمان ع بر ایشان یک یک نظر میکرد
و از ایشان سؤال میکرد و اسامی ایشان بدین مرقومست

باب دیو اول بهم بر آمدن و آشفته شدن
باب دیو دویم چون مار پیچیدن و ابتر شدن
باب دیو سیم حلقش گرفتن و کف بدهن آوردن
باب دیو چهارم دیوانه شدن و درد سر کشیدن
باب دیو پنجم لرزیدن و بیخود شدن
باب دیو ششم زبانش در بند کردن و سخن گفتن

باب دیو هفتم سودائی و گمراهی که احوال خود ندانند
باب دیو هشتم باد بگیرد روی و دهن ایشان بگرداند
باب دیو نهم کودکان را ترسانیدن و بیخود گردانیدن
باب دیو دهم زنان را حمل و فرزندش هلاک کردن
باب دیو یازدهم حلقش را بگیرد و بیخود شود
باب دیو
باب دیو سیزدهم در خوردن و بول کردن
باب دیو چهاردهم فرزند انداختن زنان
باب دیو پانزدهم سرد کردن بدرد آمدن
باب دیو شانزدهم درد چشم که بهم ندارد
باب دیو هفدهم همه جانش درد کند و مبتلا گردد
باب دیو هیجدهم آشفته شود و جواب سخن نگوید
باب دیو نوزدهم باد بگیرد و بدرد فرو ماند
باب دیو بیستم دل زنان بدرد آوردن و خیال نمودن
باب دیو بیست و یکم زنان را بچه در شکم بکشتن و مرده کند

باب دیو بیست و دویم حیض زنان بستن و درد پشت گرفتن

باب دیو بیست و سیم علت استسقا بگیرد و بلغم غلبه گیرد

باب دیو بیست و چهارم درد دل زنان و مردان خیال بد نمودن

باب دیو بیست و پنجم حلقش را بگیرد که دندان در هم بساید

باب دیو بیست و ششم باد بگیرد و به درد فرو ماند

باب دیو بیست و هفتم بادی بوی رسد که کد

باب دیو بیست و هشتم گریه میکند و جامه میدرد

باب دیو بیست و نهم از خود میرود و اختیارش نماند

باب دیو سی ام حلق کودکان را میگیرم تا میلرزند و میمیرند

باب دیو سی و یکم در آب زحمت رساند همه جانش درد کند

باب دیو سی و دویم از عقل برود و نام پیغمبران برد

باب دیو سی و سیم ابتر شود و جامه بر تن بدرد

باب دیو سی و چهارم عقلش زایل شود و کف بر دهن آورد

باب دیو سی و پنجم در خوابشان بترساند که خوابشان نبرد

باب دیو سی و ششم بی‌عقل شود و سخنان واژگونه گوید

دیوسی هم

باب دیو سی و هفتم گمراهی و سودائی و بیم هلاک شود

باب دیو سی و هشتم گاهی خندد و گاهی خاموش شود

باب دیو سی و نهم چه زنان بار نهند زحمت نمایند

باب دیو چهلم درد پشت در آن پدید آید

باب دیو چهل و یکم خود بر زمین زند و می جهد

باب دیو چهل و دویم آدمی مفلوج شود و باد بگیرد

باب دیو چهل و سیم در میان زن و شوهر افتد و فتنه برانگیزد

باب دیو چهل و چهارم شل و مبتلا شود

باب دیو چهل و پنجم بترساند و بلرزاند و بگریاند

باب دیو چهل و ششم در دل وی خوف و ترسی پدید آرد

باب دیو چهل و هفتم آب دهن خود بر دهن وی افکند

باب دیو چهل و هشتم ساعتی خندد و ساعتی گرید

باب دیو چهل و نهم آشفته شود و درد سر و درد چشم پدید آید

باب دیو پنجاهم درد پشت و ران و زانو پدید آید

باب دیو پنجاه و یکم درد پشت و تا شود

باب دیو پنجاه و دویم فریاد و زاری کردن

باب دیو پنجاه و سیم اندام کوفته و شل شود

باب دیو پنجاه و چهارم زبان گنگ شدن

باب دیو پنجاه و پنجم رویشان ریش و ناسور کردن

باب دیو پنجاه و ششم دست برهم زند و دندان برهم ساید

باب دیو پنجاه و هفتم زبانش بسته شود و زحمت نماید

باب دیو پنجاه و هشتم طپانچه بزند و رویشان بگیرد

باب دیو پنجاه و نهم بازمانده دیو بخورد و شکمش بزرگ شود

باب دیو شصتم در میانه دشمنی افگندن

باب دیو شصت و یکم آشفته و ابتر حال شود

باب دیو شصت و دویم بیهوش و بیقرار گردد

باب دیو شصت و سیم زبانش سنگین و دلش پراکنده شود

باب دیو شصت و چهارم درد ران و زانو پدید آید

باب دیو شصت و پنجم از خواب برمد و ابتر شود

باب دیو شصت و ششم از جای خود در راه بجهد و بیخود شود

باب دیو شصت و هفتم بلای بر سرش زنم زحمت وی قوت کرد

باب دیو شصت و هشتم زنان در وقت زادن بچه بمیرد

باب دیو شصت و نهم زن و شوهر با خود دشمن دارد

باب دیو هفتادم که زن آبستن نشود

باب دیو هفتاد و یکم فرزند که همزاد دیو باشد

باب دیو هفتاد و دویم زنی که آبستن نشود

باب دیو اول درآمد در نزد حضرت سلیمان

عم بر صورت زنی زشت و حضرت سلیمان علیه السلام گفت
ای ملعون مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت نام من جمیک
دیو است سلیمان ع گفت ای ملعون هیچ چیز از من پوشیده و
پنهان مکنید و راست بگوئید دیو گفت یا رسول الله حضرت
حق سبحانه و تعالی آنچه بر آباء و اجداد ما حوالت کرده است بجدنست
تو عرضه کنیم سلیمان ع گفت چگونه زحمت بمردم رسانی دیو گفت
یا رسول الله از میان گوش چپ ایشان زحمت رسانم تا بهم برآید
و آشفته شود حضرت سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو

کفت یا رسول الله اسفند سیاه در زیر دامنش دود کنند و این اسم
را بنویسند بخون کوسفند سرخ یکرنک خود را از حیوان پرهیز
کند تا شفا یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست بسم الله
الرحمن الرحیم فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ له
له له له له له شراهیا اذونی اصباوت لساعة الساعة
الساعة باب دیو دویم در نزد حضرت سلیمان
علیه السلام بر صورت مردی دست و پای چون دست شتری
و ماری در پا پیچیده سلیمان ع کفت مقام تو کجاست و چه فعل
میکنی دیو کفت یا رسول الله مقام من در کورستان باشد
و فعل من آنست که در تن و بینی آدم روم او خود را چون مار
پیچد ساعت بساعت سلیمان ع کفت علاج وی چیست دیو کفت
پیه مار و پوست کاو کوهی بهم بیامیزد و در بینی وی چکاند و نان
بی نمک خورد که دختر بکر خمیر کند و پخته کرد اند و هفته پرهیز
کند و این نامها را بخون کوسفند سیاه بنویسد و با خود

دارد تا شفا یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یا مُحْیِیْنَا وَالْقُرْآنِ الْعَظِیْمِ
یا رَؤُفُ الرَّحِیْمِ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ اللّٰهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ
یا عزیز یا عزیز یا عزیز یا الله یا الله یا الله ما شاء الله لا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ فَسَیَکْفِیْکَهُمُ
اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ باب دیو سیم در آمد
در پیش حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت مردی دو سر
سلیمان کفت نام تو چیست و مقام تو کجاست دیو کفت یا رسول
الله نام من برکه است و مقام من در خانهای و زیارتهای باشد
و زحمت من آنست که کسی را تنها ببینم دست بر روی زنم و حلقش
را بفشارم تا بیخود شود و کف بدهن آورد سلیمان کفت علاج
وی چه باشد دیو کفت چوب عود در زیر دامنش دود کنند و چند
روزی پرهیز کند و این دعا با خود دارد تا شفا یابد بفرمان خدای تعالی
دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
فَسَیَکْفِیْکَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ بکتبه

وکتبه یا الله یا الله یا حی یا قیوم یا ذو الجلال و ننزل
الی اخره **باب** دیو چهارم درآمد در نزد حضرت
سلیمان علیه السلام بر صورت عجایب سلیمان گفت ای ملعون
نام تو چیست مقام تو کجاست دیو گفت نام من هابرون و مقام
من در خانها و آبادانیها باشد و آفت من آنست که دیر وقت
کس را ببینم بادی بوی زنم تا کشل شود و بدرد فرو ماند سلیمان
گفت علاج وی چه باشد دیو گفت تخم اسفند سیاه با روغن
زیتون در وی بمالند و عزیمت بخوانند و این دعا با خود دارد شفا
یابد بفرمان خدای تعالی **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم
کهیعص حم عسق وان یکاد الذین کفروا
لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون
انه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین وقعت
عین عین الانس وعین الخلق یا حی یا قیوم یا
ذو الجلال والاکرام **باب** دیو پنجم درآمد
در نزد سلیمان علیه السلام بر صورت زنی بیک چشم کور

سلیمان

سلیمان ع گفت یا ملعون نام تو چیست و مقام تو کجاست و چه
فعل میکنی دیو گفت نام من خطروش و جای من در چاهها
باشد و هر کس که در چاه و سنگ اندازد و یا بول کند بادی بوی
زنم که اندام وی در لرزه افتد سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد
دیو گفت زهره گرگ در بینی چپ وی چکانند و این دعا با خود
دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی **دعا اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم سواسرو یا الله یا الله
یا الله الف ما هیا شراهیا اذونی اصباوث ره ع
ها هته هیا الرحمن الرحیم من ما هیا شراهیا هی هه
بهه و ننزل الی اخره **باب** دیو ششم در نزد
حضرت سلیمان ع آمد بر صورت شیری سلیمان ع گفت
ای ملعون نام تو چیست و مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو
گفت نام من جنب و مقام من در سر راهها باشد و آفت من
آنست که هر کسی براه آید و نام خدای تعالی نبرد و بر من بگذرد
خود را بوی زنم تا ترسی در دل وی پدید آید و زبانش در بند

رود که چیزي نتواند گفت سلیمان فرمود که علاج وي چه باشد دیو
گفت زهرهٔ بز سیاه و کف دهن شتر و چوب عود در زیر دامنش
دود کنند و قدري در بیني چکانند و این دعا با خود دارد شفا یابد
بفرمان خداي تعالی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اهیا شراهیا آذوني اصباوت اوي هو وهیه وهیه
به به بجبا سلطان العظیم هو هو همل صعاوث
یا متخیثا و نزول تا آخم باب دیو هفتم در آمد
در نزد حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت زني سلیمان ع
گفت ای ملعون نام تو چیست و مقام تو کجاست و چه فعل میکني
دیو گفت نام من عرب و مقام من در صحرا باشد و آفت من آنست
که خود را بروي عرضه کنم که راهي و سودائي در سر وي افکنم که خود
درماند سلیمان ع گفت علاج وي چه باشد دیو گفت گل نرگس
و گل بنفشه در زیر دامن اش دود کنند و این دعا با خود دارد
شفا یابد بفرمان خداي تعالی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا حي یا قیوم یا دائما بلا فناء و لا زوال ملکه

ولا

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظیم هو هو
الاملقین بها بهکیني ۷۸۸۷۶۹۹۱۱۱ ٤ یا قدیر
یا کریم یا رحیم باب دیو هشتم در نزد
حضرت سلیمان ع آمد بر صورت مرغي و ماري در پا پیچیده
سلیمان ع گفت ای ملعون نام تو چیست و مقام تو کجاست و چه
فعل میکني دیو گفت نام من هامي و هوي و مقام من در
گورستان باشد چون کسي بر من بگذرد و نام خداي تعالی
نبرد بادي بوي زنم دهن و روي ایشان بگردانم سلیمان ع
گفت علاج وي چه باشد دیو گفت مرزنگوش و جوز با روغن
زیتون بیامیزد و در سر و روي بمالد و یک جوز دیگر در دهن
بگیرد و این دعا با خود دارد شفا یابد بفرمان خداي تعالی
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا طهور
الشمس والقمر والعرش الملک القدوس السلام یا
حنان یا منان یا دیان یا سبحان یا سلطان یا غفران
و نزول تا آخم باب دیو نهم در آمد در نزد

حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت کفتاری سلیمان ع
کفت ای ملعون نام تو چیست و مقام تو کجاست و چه فعل میکنی
دیو کفت مقام من در کرد آبادانیها باشد و آفت من آنست
که در شب و در هر وقت کودکان را بتر سانم و بلرزانم و بکریانم
سلیمان ع کفت علاج وی چه باشد دیو کفت زهرهٔ کفتار
با الجیر بجوشاند و در سر و روی بمالد و اینده عا با خود دارد شفا
یابد بفرمان خدای تعالی **دعا اینست** بسم الله الرحمن
الرحیم هیا هیا اسر الاسر لا رصوما اهم دعا استوما
فرشاد من شقوا زنا شرا هیا فرسطون **باب**
دیو دهم در آمد در نزد حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت
مردی دو سر داشت سلیمان ع کفت ای ملعون مقام تو کجاست
و چه فعل میکنی دیو کفت بر زنان حامله موکل باشم و در وقت
حمل زحمت نمایم که زن هلاک شود یا فرزندش تلف کردد سلیمان
کفت علاج وی چه باشد دیو کفت نرکس و کل بنفشه در زیر دامن
خود دود کند و این دعا با خود دارد شفا یابد باذن الله تعالی

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
حسبی الله و کفی یا قیوم بحق کهیعص و حمعسق
فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم و ننزل الخ
باب دیو یازدهم در آمد در پیش حضرت
سلیمان علیه السلام بر صورت مردی بیک پا لنک سلیمان ع
کفت ای ملعون مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو کفت نام
من شخوت اعراجت و مقام من در کوه باشد و آفت من آنست
که هر که را تنها ببینم حلقش را بکیرم تا بی خود شود و بیفتد سلیمان
ع کفت علاج وی چه باشد دیو کفت یا رسول الله چهل روز
پرهیز کند و هلیلهٔ زرد و کل سرخ و زیرهٔ کرمانی بکوبید با عسل
بیامیزد و بناشتا بخورد و این دعا با خود دارد شفا یابد بفرمان
الله تعالی **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم
یس والقرآن العظیم یا حی یا قیوم یا الله یا
عزیز یا غفور یا شکور یا لطیف یا مجید یا رفیع ار
فع علیهم یا ارحم الراحمین یا رب العالمین بحق

محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین **باب**

دیو دوازدهم در نزد حضرت سلیمان علیه السلام درآمد بر صورت
سگی سلیمان ع گفت ای ملعون مقام تو در کجاست و چه فعل
میکنی دیو گفت مقام من در کوهها و رودخانها باشد و آفت
من آنست که بادی بروی زنم تا سر و چشم بدرد آید و زحمت بر
وی غالب شود سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت
چوب انگور با گل بنفشه و روغن بادام درهم بیامیزد و در سر و
روی بمالد و این دعا با خود دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الم تنزیل
الکتاب هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب
ویقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون و تنزل
اخره **باب** دیو سیزدهم در پیش حضرت سلیمان
ع درآمد بر صورت شب سلیمان گفت ای ملعون مقام تو
کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در کمرها و غارها
باشد و کسی که نام خدای تعالی با وی نباشد و برابر بجانم و

نشان

نشان زحمت من آنست که درتن وی شوم و حلقش را بیفشارم
تا در خود بول کند سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد دیو گفت
دانهٔ انار و انگبین معجون کند و ناشتا بخورد و از حیوانات
پرهیز کند و این دعا با خود دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا
دائما بلا فناء و لا زوال ملکه سبحانه لا اله الا انت
یا رب کل شیء و وارثه یا الهنا و اله کل شیء یا ذو الجلال اصبا و
الشدی یا حی یا قیوم **باب** دیو چهاردهم
درآمد نزد حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت خوکی سلیمان
ع گفت ای ملعون مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت
مقام من در چشمهای آب باشد و آفت من آنست که زنان که
در کنار آب آیند در شکمهای ایشان روم و بیفشارم تا فرزند
بیندازد اگر مرده باشد دیوانه شود سلیمان گفت علاج وی
چه باشد دیو گفت بلیله و جو شیر و گل باغی با عسل معجون کند و بخورد
و این دعا با خود دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی **دعا اینست**

بسم الله الرحمن الرحیم ماهو ماهو ماهو
الواهی ال شدی اضادث هیه شراهیا هیه بحق
جبرئیل واسرافیل وعزرائیل وجمیع ملائکة المقربین
وننزل تا آخره باب دیو پانزدهم در آمد در نزد
حضرت سلیمان علیه السلام بصورت مردی سرش چون سر
سگان سلیمان ع گفت ای ملعون مقام تو در کجاست و چه فعل
میکنی دیو گفت مقام من در گورهای کهنه باشد وآفت
من آنست که بادی بزنم و سرو گردن وکتف بدرد آید سلیمان
گفت علاج وی چه باشد دیو گفت یا رسول الله سیاه شونیز
وبادیان ودانه انار را بایکدیگر بخورد واینه دعا با خود دارد شفا
یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
وان یکاد الذین کفروا وننزل تا آخره بنویسد
باب دیو شانزدهم در نزد حضرت سلیمان علیه
السلام آمد بصورت خری سرش مانند سر آدمی سلیمان ع
گفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در

خرابها باشد وهر کس که در خرابه بگذرد و نام خدای تعالی با خود نداشته
باشد بادی بوی زنم تا درد سر و درد چشم پدید آید سلیمان ع
گفت علاج وی چه باشد دیو گفت زهرهٔ گنجشک و روغن زیتون
درهم بجوشاند و در سر و روی و چشم بمالد واینه دعا با خود دارد
تا شفا یابد بفرمان خدای عزوجل دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا محیثا طه طسم الله لا اله الا هو الحی القیوم
لا تاخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات وما فی
الارض وننزل الی آخره باب دیو هفدهم
در نزد حضرت سلیمان علیه السلام آمد بصورت گاوی سلیمان
گفت ای ملعون مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت
مقام من در خرابها باشد وآفت من آنست که بادی بوی زنم
همه جانشان درد کند و نتوانند برخواست حضرت سلیمان گفت
علاج وی چه باشد دیو گفت سیاه شونیز و بادیان و نعنا بابل
معجون کند و بخورد شفا یابد بفرمان خدای تعالی واینه دعا با خود دارد
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم

لاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم وبحق شهد
الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قا
ئما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم وتنزل الی آخره
باب دیو هیجدهم درآمد در نزد حضرت سلیمان
علیه السلام درآمد بصورت شتری سلیمان ع گفت ای ملعون
مقام تو کجاست وچه فعل میکنی دیو گفت مقام من در صحرا
باشد وآفت من آنست که کسی بر من بگذرد و نام خدای تعالی
با خود نداشته باشد بادی ببوی زنم تا آشفته شود و جواب
سخن نگوید سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت سه
روز پرهیز کند و عزیمت بخواند واین دعا با خود دارد شفا یابد
بفرمان خدای تعالی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله وبالله وعظمة الله بسم الله وبالله والسلطان
الله بسم الله وبالله والشفقة الله بسم الله و
بالله والبرهان الله لاحول ولاقوة الا بالله العلی
العظیم یا حی یا قیوم یا ذوالجلال والاکرام

وتنزل الی آخره باب دیو نوزدهم درآمد
در پیش حضرت سلیمان علیه السلام بصورت مردی سلیمان
گفت ای ملعون مقام تو کجاست وچه فعل میکنی دیو گفت مقام
من در بیابانست وآفت من آنست که بادی بزنم همه اندام کبود
وسیه شود پر درد باشد وبجان خود درماند سلیمان ع گفت علاج
وی چه باشد گفت سیاه شونیز و نعناع با انگبین بیامیزد و
ناشتا بخورد و یک هفته پرهیز کند واین دعا با خود دارد شفا یابد
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا هیا
شراهیا اذونی اصباوتا ال شدی بحق توریة
موسی و انجیل عیسی و زبور داود وصحف ابرهیم
و فرقان محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم و تنزل
آخره باب دیو بیستم درآمد نزد حضرت سلیمان
ع بصورت ماری سلیمان ع گفت ای ملعون مقام تو کجاست
وچه فعل میکنی دیو گفت مقام من بر سر چشمهای آب باشد
وآفت من آنست که زنان آیند که آب بر گیرند تا بخورند یا

بهم بریزند در اندرون ایشان روم و خیالهای بد نمایم تا بیخود شوند
سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد دیو گفت دنبهٔ گوگرد کشته و بر کرده
مورد با هسم بیامیزد و بخورد و هفته پرهیز کند و این دعا با خود
دارد شفا یابد باذن الله تعالی **دعا اینست** بسم الله الر
حمن الرحیم بسم الله القدیر بسم الله الکریم
بسم الله الرحیم رب السموات والارض ورب
العرش الکریم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم
و ننول تا آخر بنویسید **باب** دیو بیست و یکم
در آمد در نزد حضرت سلیمان علیه السلام بصورت شیری
سلیمان گفت ای ملعون مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو
گفت مقام من در کنار آبها باشد و هر کس که بی نام خدای تعالی
بر کنار آب بگذرد بادی بوی زنم که اگر زن باشد بچه در شکم
او بکشم و اگر مرد باشد دیوانه شود سلیمان ع گفت علاج وی
چه باشد دیو گفت گشنیز و زیرهٔ کرمانی بکوبد و با عسل بیامیزد
و بخورد

و تا هفته بخورد و هفته پرهیز کند و این دعا با خود دارد شفا یابد
بفرمان خدای تعالی **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم
بلخ بیلخ یا هو الله ماهیا هیه شراهیا اهاه اهاه
اذونی صباوت ال شدی یا الله یا قیوم بحق کهیعص
حمعسق وطه ویس والقرآن الحکیم لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وننول تا آخر بنویسید
باب دیو بیست و دویم در آمد در نزد حضرت سلیمان
ع بصورت مردی سلیمان ع گفت ای ملعون مقام تو کجاست
و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در بیخ درختان باشد
و آفت من اینست که چون زنان بر من بگذرند بادی بدیشان
زنم حیض شان بسته شود سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو
گفت زهرهٔ گفتار و زهرهٔ گاو سرخ و مایهٔ خرگوش ببول خویش
بیامیزد و سه بار که مرد پیش وی رود بخورد بر گیرد و این دعا
با خود نگاه دارد شفا یابد **دعا اینست** بسم الله الرحمن
الرحیم ما شاء الله کان و ما لم یشاء لم یکن و

ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء
عددا لا اله الا هو یا الله یا رحیم یا کریم و تنزل اخ
باب دیو بیست سیم در نزد حضرت سلیمان ع در
آمد بصورت مرغ سلیمان گفت مقام کجا داری و چه فعل میکنی
دیو گفت مقام من در گورها باشد و آفت من آنست که در شکم
زنان روم و غم و اندوه بدو گمارم که خسته باشد و نه رنجور رنجور در
ماند سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد دیو گفت فرعون بهیب
بجوشانند و بخورد و این تعویذ با خود دارد شفا یابد باذن الله تعالی
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله
الوافی بسم الله المعافی بسم الله الکافی بسم الله الذی لا
یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم
و تنزل اخ باب دیو بیست و چهارم در نزد حضرت
سلیمان ع در آمد در صورت مرغی بزرگ سلیمان گفت ای ملعون
مقام کجا داری و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در چشمها
باشد و آفت من آنست که بادی بوی زنم که علت

یکبیرد و بلغم غلبه کند و رنج وی زیاده گردد سلیمان گفت علاج وی
چه باشد دیو گفت فلفل و دارچینی باهم بکوبید و در عسل بیامیزد
و ناشتا بخورد و هفته پرهیز کند و این دعا با خود دارد شفا یابد
باذن الله تعالی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحی
القیوم العلی العظیم الواحد الاحد القدیم ما هو المکنون
المخزون بحق عرش و کرسی و لوح و قلم و بحق حملة العرش
و الکروبیان و بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل
و تنزل اخ باب دیو بیست و پنجم در آمد در نزد
حضرت سلیمان ع بصورت زنی صاحب جمال سلیمان ع
گفت ای ملعون مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت
مقام من در کنار دریاها و رودخانها باشد و آفت من آنست
که حلق آدم بگیرم تا دندان برهم نهد و دیوانه شود سلیمان
گفت علاج وی چه باشد دیو گفت زهرهٔ گاو سرخ و زهرهٔ
مار سیاه در زیر دامنش دود کند و این تعویذ با خود دارد
شفا یابد بفرمان خدا دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم

یا عظیم یا کریم یا حنان یا منان یا دیان یا سبحان
یا سلطان یا ذا المن و البیان یا عزیز یا غفار یا کریم
یا ستار ارحم علی هذا المریض بحرمة محمد نبی المختار
و سید الابرار یا حی یا قیوم و نزل آخرم باب دیو بیست
و هشتم در آمد در نزد حضرت سلیمان بصورت بز کوهی
سلیمان عم گفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت
مقام من در زمین ست و نام من طرار دیو ست و فعل من آنست
که چون آدمی را تنها در صحرا بینم من خود را بوی نمایم در حال دیوانه
و بیقرار کردد سلیمان عم گفت علاج وی چه باشد دیو گفت مفرح
بهمن سرخ و خربا هندی با هم بیامیزد و ناشتا بخورد و دعا
با خود دارد تا شفا یابد **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الشافی بسم الله الوافی بسم الله المعافی بسم
الله الکافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض
و لا فی السماء و هو السمیع العلیم ه ه ه ه ه ه
ع ع ع ع ع ه ص م و نزل اخرم باب دیو بیست

هفتم

هفتم در آمد در نزد حضرت سلیمان عم بصورت مردی دو سر
داشت و سیاه سلیمان گفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت
مقام در زیر پلها و راه گذارها باشد و آفت من آنست که وجود
آدمی بدوم و گوشت و پوست او را بخورم و ضعیف گردد و زحمت
بر وی قوی گردد سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت
چوب عود و گل بنفشه با هم بجوشاند و در او ما الدوا نید و دعا با خود دارد
شفا یابد **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم الذین یذکرون
الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون
فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا
باطلا سبحانک فقنا عذاب النار و نزول تا آخر دیو بیست
باب دیو بیست و هشتم در آمد در نزد حضرت
سلیمان عم بصورت مردی سلیمان گفت مقام تو کجاست
و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در بیشه ها باشد و آفت
من آنست که هر کس بی نام خدای بر من بگذرد گلویش بگیرم
و بیفشارم تا از خود ببرود و بیخود شود سلیمان گفت علاج وی

چه باشد دیو کفت مرزنکوش آب بیازجوشاند و در بینی چکاند
واین دعا با خود دارد شفا یابد **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم
رب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل یا اهیا شراهیا
آذونی اصباوث آل شدی و بحق وان یکاد الذین کفروا
لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون
وما هو الا ذکر للعالمین و نتول آخره **باب** دیو بیست و
نهم در آمد در نزد حضرت سلیمان عم بر صورت کاوی سلیمان
کفت مقام کجا داری و چه فعل میکنی دیو کفت مقام من در
رهکذر بود و آفت من آنست که آب دهن خود در دهن وی
افکنم که بیخود شود و از جا در رود و کریه کند سلیمان کفت
علاج وی چه باشد دیو کفت روغن کاو و کل بابونه در روی مالد
و قدری در بینی چکاند و این دعا با خود دارد شفا یابد باذن الله
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم وان یکاد الذین کفروا
تا آخر اعیذوا صاحب الکتاب من شر الجن و
من شر الانس و من شر الخلق یا حی یا قیوم ما

ذالجلال

ذالجلال والاکرام **باب** دیو سی ام در آمد
در نزد حضرت سلیمان عم بر صورت زنی سلیمان کفت مقام
تو کجاست و چه فعل میکنی دیو کفت مقام من در جایگاهی
که زنان حمل می نهند آنجا حاضر باشم بگذارم تا فرزند جدا شود
بعد از آن خود را باد نمایم و دل وی را ببرم و قصد هلاک وی کنم
و درد شکم بروی پیدا کنم سلیمان کفت علاج وی چه باشد دیو
کفت کل بنفشه و زیره کرمانی بعسل بیامیزند و ناشتا بخورد و
هفته پرهیز کند و این دعا با خود دارد شفا یابد **دعا اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم احیا ناقدوس آهیا شراهیا آذونی
اصباوث ال شدی عز الله جلاله و قدوس رب الملائکة و
الروح حسبنا و کفی بالله یا کریم **باب** دیو سی و یکم
در آمد در نزد حضرت سلیمان بر صورت مردی سر درشت سلیمان
عم کفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو کفت مقام من
در بادیها بود و آفت من آنست که حلق آدم را بگیرم که از جای
بجهد و بترسد سلیمان کفت علاج وی چه باشد دیو کفت عنبر و

وعود با هسم بجوشانند و در بینی چکانند و این دعا با خود دارد شفا
یابد **دعا اینست** شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم
وننزل آخره **باب** دیو سیم و دویم در نزد حضرت
سلیمان ع در آمد و بر صورت شتری سلیمان گفت مقام
تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت چون کسی را بی نام خدای
تعالی بینم آب دهن خود را در دهن وی افکنم تا بیخود شود سلیمان
علیه گفت علاج وی چه باشد دیو گفت روغن بنفشه در بینی چکانند
و این دعا با خود دارد شفا یابد **دعا اینست** قل هو الله او
ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا
تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا رب
العرش العظیم س ابحاء م م و م م و او هه ل ۵ ه ۱ ۲ ا ه
ا ا ا ا ا و ا ا ا ل **باب** دیو پنجم سیم در آمد در نزد حضرت
سلیمان ع بر صورت زنی سلیمان ع گفت مقام کجا داری
و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در باغهای و بوستانها باشد

واقف

و آفت من آنست که خود را بر ایشان عرضه کنم که از عقل بروند
بر هسم زند سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد دیو گفت قند و بادیان
با هسم بیامیزد و بخورد و قدری در بینی چکانند و این دعا با خود
دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی **دعا اینست** اعوذ بکلمات
الله التامات کلها من شر ما خلق یا اهیا شراهیا
آذونی اصباوت آل شدی یا الله یا الله یا الله ما هو
وننزل الآخره **باب** دیو ششم و چهارم در آمد
در نزد حضرت سلیمان ع بر صورت مردی و ماری در یافته پیچیده
سلیمان گفت مقام کجا داری و چه فعل میکنی دیو گفت مقام
من در گرد زراعت باشد و آفت من آنست که خود را بوی
نایم عقلش زایل شود و کف بر دهن آورد سلیمان گفت علاج
وی چه باشد دیو گفت چوب عود و آب گل بجوشانند و در بینی
چکانند و این دعا با خود دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی
دعا اینست لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی
الله ۵ ا م ا الا م ی ا و س مهما بهاء بها و لمی ۱۹ ا ع ا ع ا ع ا و ع

باب دیو سی و پنجم در آمد در نزد حضرت سلیمان ع
بر صورت مردی تیر و کمان در دست داشت و بیک چشم کور سلیمان
گفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در گرد
خانها باشد و آبادانیها و فعل من آنست که در خواب ایشان بکیرم
و بترسانم و بلرزانم سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت
زهرهٔ مار سیاه را با آب گل بجوشانند و در بینی چکانند و اینه دعا با خود
دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست شهد الله
انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط
لا اله الا هو العزیز الحکیم و تنزل الی اخره باب
دیو سی و ششم در آمد در نزد حضرت سلیمان بر صورت زنی سلیمان
گفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من
در سر راهها باشد و آفت من آنست که در دل مردمان وسوس
افکنم گاه گوید چنین و گاه گوید چنان سلیمان ع گفت علاج
وی چه باشد دیو گفت اینه دعا با خود دارد تا شفا یابد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بعزة الله و قدرة

الله و جلال الله بحق یس والقران الحکیم و بحق
حمعسق فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم یا حی
یا قیوم باب دیو سی و هفتم در آمد در نزد حضرت سلیمان
بر صورت زنی سلیمان گفت مقام کجا داری و چه فعل میکنی
دیو گفت مقام من در بیابان باشد و آفت من آنست که هر کس
بی نام خدای تعالی بر من بگذرد روی را گمراه گردانم سلیمان ع گفت
علاج وی چه باشد دیو گفت بادیان و دانه انار با هم بخورد
و اینه دعا با خود دارد شفا یابد باذن خدای تعالی دعا اینست
اعوذ بک من شر الشیطان و من یتوکل علی الله فهو
حسبه لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و
له الحمد و هو علی کل شیء قدیر و الیه المصیر باب
دیو سی و هشتم در آمد در نزد حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت
مردی سلیمان گفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت
مقام من بر سر کوهها باشد و چون کسی بر من بگذرد و نام خدای
تعالی یاد وی نباشد خود را بر وی عرضه کنم اول خاموش شود

دکاه خند دسلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت برگ توت
سفید و برگ شادانه باهم بکوبد و آب آن در بینی چکاند و اینده عا
با خود دارد شفا یابد ان شاء الله تعالی دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یا اهیا شرا هیا اذونی اصبا وثا عیذها
صاحب الکتاب مِنْ شَرِّ الجِنِّ وَمِنْ شَرِّ الانس وَمِنْ
شَرِّ الخلق یا کریم باب دیو سی و نهم در نزد حضرت
سلیمان علیه درآمد بر صورت مردی سلیمان گفت مقام تو کجاست
و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در خرابها باشد هر کس بر
من بگذرد و نام خدای تعالی با وی نباشد خود را بروی عرضه کنم تا در
دل وی ترسی و خوفی بدید آید سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو
گفت تخم زعفران و روغن زیتون و روغن بادام در بینی چکاند
و اینده عا با خود دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست
شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ
قَآئِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ اعوذ بکلمات
اللّٰه التامات کلها من شر ما خلق یا حی یا قیوم یا ذو

الجلال

الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ باب دیو چهلم درآمد در نزد حضرت
سلیمان عم بر صورت شیری دو سر داشت سلیمان گفت مقام تو کجاست
و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در بیشها باشد و آفت من
آنست که بادی بوی زنم مبتلا شود سلیمان گفت علاج وی چه باشد
دیو گفت توت سفید و فلفل و روغن زیتون درهم بمالد و قدری
باز خورد و اینده عا با خود دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست
یا دَائِمًا بِلَا فَنَاءٍ وَیَا قَائِمًا بِلَا زَوَالٍ مُلْکُهُ سُبْحَانَهُ وَلَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ یَا رَبَّ کُلِّ شَیْءٍ وَوَارِثَهُ وَنَزْلَ آخیم باب
دیو چهل و دوم یکم درآمد در نزد حضرت سلیمان عم بر صورت مردی
سلیمان عم گفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت مقام
من در ویرانها باشد و آفت من آنست که خود را بوی نمایم اگر
خند دو گاه گرید سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت زعفران
و گل بنفشه باهم بجوشاند و پوست مار در زیر دامنش دود کند و
اینده عا با خود دارد شفا یابد بفرمان خدا دعا اینست یا هو یا
مَنْ هُوَ یَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ هَا وَلَادَةَ الْوَاهِبُ هی هی اوثیل

امری بسم الله الرحمن الرحیم الحی القیوم کل لع هو یو
حی یا قیوم باب دیو چهل سیم در آمد در نزد حضرت
سلیمان عم بر صورت زنی سلیمان عم گفت مقام تو کجاست و چه
فعل میکنی دیو گفت مقام من در چاه باشد و آفت من
آنست که در میان زن و شوهر افتم و جنگ و عداوت پیدا
کنم که از هم دیگر بیزار عی خود مشد سلیمان گفت علاج وی
چه باشد دیو گفت این طلسم بنویسید و با خود دارد در میان
ایشان محبت پیدا شود بفرمان خدای تعالی دعا اینست

ط ۱۱۱۱ ۵۵ و ک ۱۹۱ ک ۹ ۷ ۱۱ ۸۸
۱۱۱ ۱۴ ۱۴

یحبهم و یحبونه کحب الله یا حی یا قیوم باب دیو
چهل و چهارم در آمد در نزد حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت
مردی سگ پای سلیمان گفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی
دیو گفت مقام من در گرد خیک آب باشد و آفت من آنست
که چون کسی آب فرو کند و نام خدای تعالی نبرد از آن آب
قطره بر ما افتد و برا و زنم تا که شل شود و مبتلا گردد

سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت زعفران و روغن بادام
با اسم بیامیزد و در وی بمالد و قطره در بینی چکاند و پوست مار در
زیر دامنش دود کند و این تعویذ با خود دارد شفا یابد بفرمان خدای
تعالی دعا اینست هبالاهو و هدی ها العلین صعط سعکل
اضبا و شا ال شدی قدوس ربنا و رب الملائکة
والروح و نزل اخم باب دیو چهل و پنجم در آمد در نزد
حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت مردی سلیمان عم گفت
مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در چاه و
گورستان باشد و آفت من آنست که مردم را بترسانم و بلرزانم
که ساعت بساعت گریه کنند سلیمان عم گفت علاج وی چه باشد
دیو گفت بنفشه با روغن بادام به بینی چکاند و هفته پرهیز کند
و این دعا با خود دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست
یا هیا شراهیا ادونی اصبا وت ال شدی وصانا و صانا
وصانا مهابروی سجا اسرم مرد سواه یوحس موکی
الکتاب یا الله یا الله یا الله باب دیو چهل و ششم

در آمد در نزد حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت مردی سلیمان گفت
مقام کجا داری و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در باغها و
باغچها و مرغزارها باشد و آفت من آنست که خود را بر ایشان افکنم
که حال بحال مبدل شوند سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد دیو
گفت زیرهٔ کرمانی و شکر با آب شربت کند و بخورد و این دعا با خود
دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست ما شاء الله کان
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له الملک وله الحمد
وهو علی کل شیء قدیر یا حی یا قیوم باب دیو چهل
و هفتم در آمد در نزد حضرت سلیمان ع بر صورت زنی سرش
مانند سر سگان سلیمان گفت مقام کجا داری و چه فعل میکنی
دیو گفت مقام من در آبها باشد و آفت من آنست که بادی بوی
زنم در دشت در آن گیرد و خون از دهنش روانه شود و بجای
بول خون می آید سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد دیو گفت
خوک دشتی و گل باغی را با روغن شیر بخت بخورد و پارهٔ زعفران

وصندل

وصندل پریشانی مالد و این دعا با خود دارد شفا یابد ان شاء الله تعالی
دعا اینست الا تعلوا و اتونی مسلمین و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم ونتول اخو باب
دیو چهل و هشتم در آمد در نزد حضرت سلیمان ع بر صورت
زنی سلیمان ع گفت ای ملعون مقام تو کجاست و چه فعل میکنی
دیو گفت مقام من در چاه آب باشد و آفت من آنست که هر که
دلو در چاه افکند و نام خدای تعالی نبرد چون از آن آب بخورد
شکمش بزرگ شود سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت
جو شیر و زهرهٔ کلاغ سیاه در بینی چکاند و این دعا با خود دارد شفا
یابد بفرمای خدای تعالی دعا اینست اعوذ بالله من الجن
و شر الانس و شر الخلق رب انی نذرت لک ما
فی بطنی محررا فتقبل دعائی انک انت السمیع العلیم
بحق توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود
و صحف ابراهیم و فرقان محمد مصطفی ص باب
دیو چهل و نهم در آمد در نزد حضرت سلیمان ع بر صورت کبوتر

سلیمان ع گفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من
در رهگذر باشد و آفت من آنست که چون کبوتر میپرم بر بلندی
انجا که کودکان بازی کنند دست بر یکی زنم مبتلا شود و لرزه بر وی
افتد و درد سر و چشم پدید آید سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت
عود قمری در بینی چکاند و این تعوید با خود دارد شفا یابد انشاء
الله تعالی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم شهد الله انه
لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا
اله الا هو العزیز الحکیم وبحول الحی باب دیو پنجاه و سیم
در آمد نزد حضرت سلیمان ع بر صورت سگ سیاه سلیمان گفت
مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در سر راهها
باشد و آفت من آنست که بادی بزنم که همه اندامش پر خروش
شود و کف از دهانش برود سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد
دیو گفت مغز استخوان گوسفندان همه شب در بینی چکاند و
این تعوید با خود دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست
ان الله العزیز الحکیم الکبیر خلق السموات والارض

تبارک الله احسن الخالقین انه من سلیمان وانه
بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم یا ذو الجلال
والاکرام باب دیو پنجاه و یکم در آمد در پیش حضرت
سلیمان علیه بر صورت مردی سلیمان ع گفت مقام تو کجاست
و چه فعل داری دیو گفت مقام من در گرمابه باشد و آفت من
آنست که هر کس در گرمابه آید و نام خدای تعالی نبرد بادی بوی زنم
درد پشت پدید آید چنانکه پشت وی دق بماند سلیمان ع گفت
علاج وی چه باشد دیو گفت زر مبادبار و عنبر بزرگ در پشت
بمالد و این دعا با خود دارد شفا یابد دعا اینست یخرج من
بین الصلب والترائب انه علی رجعه لقادر یوم
تبلی السرائر فما له من قوة ولا ناصر والسماء ذات
الرجع والارض ذات الصدع وبحول الحی باب
دیو پنجاه و دویم در آمد در نزد حضرت سلیمان ع بر صورت
زنی سلیمان گفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی دیو گفت
مقام من در سر چشمه آب باشد هر کس که بی نام خدای بر من بگزرد

بادي بروي زنم كه از عقل برود و فرياد كند سليمان عم گفت علاج
وي چه باشد ديو گفت اسفند سياه در زير دامنش دود كند و اين دعا
با خود دارد دعا اينست اعوذ بصاحب الكتاب من شر ما
خلق يا دائما بلا فناء و يا قائما بلا زوال ملكه و نتول
آخره باب ديو پنجاه و سيم درآمد در نزد حضرت سليمان
عم بر صورت زني سليمان گفت مقام كجا داري و چه فعل ميكني
ديو گفت مقام من در گرد آباداني باشد و آفت من آنست كه شب
بانگ كنم مردم پندارند كه دزد هست برخيزند و سر طلب كنند و من
حلق ايشان را بگيرم و بيفشارم كه خون از دهن و بيني وي روان
شود سليمان عم گفت علاج وي چه باشد ديو گفت اين تعويذ را
بمشك و زعفران بنويسد و با خود دارد شفا يابد بفرمان خداي
دعا اينست [illegible]
و نتول آخره باب ديو پنجاه و چهارم درآمد در نزد
حضرت سليمان عم گفت مقام كجا داري و چه فعل ميكني
ديو گفت مقام من در رهگذر مردم بود و آفت من آنست

كه

كه كسي نام خداي تعالى نبرد خيو در دهن وي افكنم زبانش گنگ شود
سليمان عم گفت علاج وي چه باشد ديو گفت نبات مصري صباح
ناشتا بخورد و هفته پرهيز كند و اين تعويذ با خود دارد شفا يابد
بفرمان خداي تعالى دعا اينست سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
يا حي يا قيوم يا ذو الجلال والاكرام [illegible]
[illegible] باب ديو پنجاه و پنجم درآمد در نزد
حضرت سليمان عم بر صورت مردي دو سر داشت سليمان گفت
مقام كجا داري و چه فعل ميكني ديو گفت مقام من در جايهاي
تاريك باشد و آفت من آنست كه بادي بوي زنم تا آدم ديوانه
شود و خود بخود سخن گويد سليمان گفت علاج وي چه باشد ديو
گفت زيره كرماني و استخوان ماهي و نمك و تبرزد با هم بجوشانند
و در روي بمالند و اين دعا با خود دارد شفا يابد بفرمان خداي تعالى
دعا اينست اعوذ بكلمات الله التامات و نتول آخره
[illegible]

باب دیو پنجاه و ششم در آمد در نزد حضرت سلیمان ع
بر صورت مردی سرش مانند سر سگان سلیمان گفت مقام کجا
داری و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در آبادانیها باشد و
آفت من آنست که بادی بزنم دست بر سر زند و دندان در سم
گذارد و کف بر آورد سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت
خروس سفید بکشد و خون او تعویذ بنویسد و با خود دارد شفا
یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست بحق توریة موسی انجیل
عیسی و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان محمد صلی الله علیه
واله وسلم سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء و وارثه یا حی
یا قیوم باب دیو پنجاه و هفتم در آمد در نزد حضرت
سلیمان ع بر صورت خوک سلیمان گفت مقام کجا داری و چه
فعل میکنی دیو گفت مقام من در صحرا و سر چشمها باشد و آفت
من آنست که کسی که آب خورد و نام خدای تعالی نبرد بادی زنم
ویرا دیوانه گردانم و زبانش بسته کرد سلیمان گفت علاج
وی چه باشد دیو گفت خون مرغ و زهره کلاغ سیاه در
بینی

بینی چکاند و اینده دعا با خود دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی
دعا اینست یا تحیثا یا تحیثا یا موشطیثا یا هیا شراهیا
اذونی اصباوت ال شدی یا حی یا قیوم و نزول الخ
باب دیو پنجاه و هشتم در آمد در نزد حضرت سلیمان ع
بصورت خوکی سلیمان ع گفت مقام کجا داری و چه فعل میکنی
دیو گفت مقام من در بیشها باشد و علفزارها باشد و آفت
من آنست که بادی زنم و روی ایشان بگردانم و شکمشان
بدرد آورم سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد دیو گفت
زهره کفتار و جوشیر در بینی چکاند و اینده دعا با خود دارد شفا
یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست یا دائما بلا فناء و زوال
ملکه ٥٩٩٩ ١١ ام ١١ ام ١٢ ام ام ١١١ ١١ ٢ ١١١ ٩٩ ٥ یا حی یا
قیوم باب دیو پنجاه و نهم در آمد در نزد حضرت سلیمان
بر صورت گربه سلیمان گفت مقام تو کجاست و چه فعل میکنی
دیو گفت مقام من در میان خانها باشد و آفت من آنست
که هر طعامی که من بخورم باز بان در روی زنم هر کس از آن

طعام بخورد بیمار گردد و گداخته شود و شکمش بزرگ شود
سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد دیو گفت از حیوان پرهیز
کند و این دعا با خود دارد شفا یابد انشاء الله تعالی دعا اینست
یاهو یا من هو لا اله الا هو ۱۱۱۹۱۱۱۱۱۷۵۱۹۹۱۱۱۱۱۹۹
۱۹۹۹۹۹۹۸ صاااه باب دیو شصتم
درآمد در نزد حضرت سلیمان علیه برصورت مردی سلیمان گفت
مقام کجا داری و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در خارزارها
و آفت من آنست که بادی زنم که مردمان دشمن یکدیگر شوند
سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد دیو گفت این تعویذ با خود
دارد شفا یابد انشاء الله تعالی دعا اینست ۱۱۱۱۱۱۱۹
۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۲۱۱۲۲۱۸۱۷۱۱ ولاللاو داررعلا
۱۱۱۱۱۱ ۱۹۹۱۸ لا ۱۱ لام یا حی یا قیوم باب
دیو شصت و یکم درآمد در نزد حضرت سلیمان ع برصورت
سیمرغ سلیمان ع گفت مقام کجا داری و چه فعل میکنی دیو
گفت مقام من در سر غزارها باشد و آفت من آنست که بال

بزاسم زنم و مردمان بدوند که مرا بگیرند و از بیم ایشان را
آشفته و بدحال گردانم سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت
گل باغی با روغن زیتون بجوشانند و در بینی چکانند و این دعا با خود
دارد شفا یابد انشاء الله تعالی دعا اینست بسم الله الکافی
بسم الله الشافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع
اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم بحق توریة
موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان محمد
مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم باب دیو شصت و دویم
درآمد در نزد حضرت سلیمان ع برصورت مردی سلیمان
گفت مقام کجا داری و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من
در شکافها و گورستانها بود و آفت من آنست که مردم را
دستی زنم تا شفته شود سلیمان گفت علاج وی چه باشد
دیو گفت زهرهٔ لک لک و باز زهرهٔ کلاغ سیاه و باز زهرهٔ گرگ
در بینی چکانند و این تعویذ با خود دارد شفا یابد بفرمان
خدای تعالی دعا اینست بحق جبرئیل و میکائیل

واسرافیل و عزرائیل و بحق حملة العرش و کروبین
و روحانیین **باب** دیو شصت سیم درآمد در نزد حضرت
سلیمان ع بر صورت زنی سلیمان گفت مقام کجا داری و چه فعل
میکنی دیو گفت مقام من در کلیسیا باشد و آفت من آنست
که مردم را باد زنم که زبانشان بسته گردانم که هیچ نتوانند گفتن
سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد دیو گفت جوز بوا و فلفل
و نمک و طبرزد در آب حل کند و بخورد و این دعا با خود دارد
شفا یابد بفرمان خدای تعالی **دعا اینست** صلهه
اطش ١١٨٨ و بنزل اخرج **باب** دیو شصت و چهارم
درآمد در نزد حضرت سلیمان ع بر صورت زنی سلیمان گفت
مقام کجا داری و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در دریا
باشد و آفت من آنست که دست بزنم و درد ران و درد پشت
پدید آید سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت طباشیر
و سیاه دانه و شونیز بعسل بیامیزد و ناشتا بخورد و هفته
پرهیز کند و این دعا با خود دارد شفا یابد **دعا اینست** بعز

الله

الله و قدرة الله بحق توریة موسی و انجیل عیسی و ز
بور داود و صحف ابرهیم و فرقان محمد و بنزل اخرج
باب دیو شصت و پنجم درآمد در نزد حضرت سلیمان
بر صورت مردی سلیمان گفت مقام کجا داری و چه فعل میکنی
دیو گفت مقام من در تاریکیها باشد و آفت من آنست که مردم
را در خواب جهد کنم و از خواب برمد و بترسد سلیمان ع گفت
علاج وی چه باشد دیو گفت اسفند و پوست مار در زیر دامنش
دود کند و این دعا با خود دارد شفا یابد بفرمان خدای تعالی
دعا اینست یفعل الله ما یشآء و یحکم ما یرید لحج
مرحبا فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم و
بنزل اخرج **باب** دیو شصت و ششم درآمد در نزد
حضرت سلیمان ع بر صورت زنی سلیمان گفت مقام کجا
داری و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در غارها باشد و آفت
من آنست که آدم را بفکنم که بیخود گردد سلیمان گفت علاج وی
چه باشد دیو گفت خرما و روغن گاو معجون کند و ناشتا

بخورد و مغشه پرهیز کند و این دعا با خود دارد شفا یابد بفرمان
حق تعالی دعا اینست مَن عَدَلَ الله وَاَوفوا الرحمن ایاما
تدعوا الها الا الاسماء الحسنی ولا تجهر بملائکة
ولا تخافیها و ابتغ بین ذلک سبیلا یا حی یا قیوم یا
ذو الجلال والاکرام باب دیو شصت هفتم
درآمد نزد حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت زنی سلیمان
عا گفت مقام کجا داری و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در سایه
درختان باشد و اگر کسی بی نام خدای تعالی بر من بگذرد بادی
بر سروی زنم تا درد سرش روز بروز قوت گیرد سلیمان گفت
علاج وی چه باشد دیو گفت اسفند سیاه و چوب صندل با گل
باغی باهم بیامیزد و در شقیقه بمالد و این تعویذ با خود دارد
شفا یابد بفرمان خدای تعالی دعا اینست قد احاط
منکم سبیلا کثیرا و بحق عزة الله و بنور وجهه
الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بحق
هبه هبه و بنا الاسماء الحسنی سبحان ربی الاعلی

یا حی یا قیوم باب دیو شصت هشتم درآمد نزد
حضرت سلیمان عا بر صورت زشت سلیمان گفت مقام تو کجاست
و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در آبادانیها باشد و آفت من
آنست که جائی که زنان حمل می نهند آنجا حاضر شوم زن و بچه
را هلاک گردانم سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت
چون آن زن حامله باشد این دعا با خود دارد و کاغذی بالای
وی بگیرند و بمشک و زعفران بنویسد بفرمان خدای تعالی
شفا یابد دعا اینست الحمد لله الذی فاطر السموات والارض
یا هیا شراهیا اذونی اصباوت ال شدی یوذن یا الله
یا الله یا الله یا رحمن بحق اسماء العظام یا ذو الجلال والاکرام
و تنزل آخرم باب دیو شصت نهم درآمد نزد حضرت
سلیمان عا بر صورت زنی سلیمان گفت مقام کجا داری و چه
فعل میکنی دیو گفت مقام من در گرد آتشگاه تنور باشد
و آفت من آنست که زنان را خیالهای بد در دل افکنم که شوهر
خود را نتوانند دید سلیمان گفت علاج وی چه باشد دیو گفت

این تعوید با خود دارد محبت پدید آید بفرمان خدای تعالی **دعا اینست**
یحبونهم ویحبونه کحب الله الذین حسبنا الله با ابلیل
اسحایو منہمان بجاها هوها الا بالله العلی العظیم
للّٰهم الا و لکم ولا حول ولا قوة **باب** دیو افتادم
درآمد در نزد حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت سلیمان گفت
مقام تو کجاست وچه فعل میکنی دیو گفت مقام من در گرد خانها باش
وآفت من آنست که زنی که او را حیض باشد بر من بگذرد و بادی
بزنم و دامن وی به بندم که از فرزند نا امید باشد سلیمان
ع گفت علاج وی چه باشد دیو گفت زهرهٔ گرگ و مایهٔ خرگوش
و زهرهٔ گاو سرخ فتیله کند و بخود بردارد و روغن دنبه و خرما
و آرد گندم عیماغ سازد و ناشتا بخورد سه روز و هفته پرهیز
کند و امید عا با خود دارد و بعد از آن بامرد جمع شود بفرمان
خدای تعالی **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم سبحان
الملک القدوس سبحان الله عما یصفون انتم
تدخلون خالدین بحق سوره انا انزلناه بحق

دیو افت طفلان

تنزل بحق الله العظیم بحق سلیمان بن داود ع
بحق توریة موسی وانجیل عیسی و زبور داود و
صحف ابرهیم و فرقان محمد مصطفی صلی الله علیه
وآله وسلم **باب** دیو افتاد و یکم در آمد در نزد
حضرت سلیمان ع بر صورت مردی سلیمان ع گفت مقام تو کجاست
وچه فعل میکنی دیو گفت مقام من در علف زارها و مرغزارها باشد
و چون زنان بزایند آفتی بفرزندان ایشان برسد مثل آنکه هم
نادر روز بروز بچه باریک وضعیف گردد و بفرزند دیو ماند سلیمان
گفت علاج وی چه باشد دیو گفت درمان وی آنست که ترا با
خود ببرد در بیخ درختها بنگرد هر جا که تو بینی یا ترکه علفی بروی
پیچیده باشد دعای افسون بروی بخواند و آن علف را از آن
ترکه جدا کند و خرما در جای وی بمالد و نام بچه اگر پسر و اگر دختر باشد
ببر دو مادرش دعا بخواند و این تعوید بخون مرغ سیاه بنویسد و
در گور کهنه دفن کند و یکی کودک با خود دارد شفا یابد انشاء الله
تعالی **دعا اینست** یا الله یا الله یا الله بحق عزمت علیکم

٤٣١

طله قل هو الله احد یا هیا شراهیا اذونی اصباوت آل
شدی یا حی یا قیوم کهیعص ما شاء الله کان ما یشاء
لم یکن و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر علی الله قد
احاط بکل شیء عددا **باب** دیو هفتاد و دویم
در آمد در نزد حضرت سلیمان علیه السلام بر صورت زنی سلیمان
گفت مقام کجا داری و چه فعل میکنی دیو گفت مقام من در
همه جایها و آبادانیها باشد موکلم بر زنان و آفت من آنست که
زنان که آبستن شوند هفت علت با ایشان هست که من آن علتها را
میدانم که از چه سبب نشود سلیمان گفت علاج وی چه باشد یک
بیک بیان کن دیو گفت یا رسول الله زنی باشد که آبی زرد
در خزانه دارد چون مرد باوی نزدیکی کند دل احبتن کیر دش و
میطلبید زهرهٔ دال با زهرهٔ کلاغ سیاه در میان پشم نشته
بهند و کار فرماید و تعوید با خود دارد مراد حاصل شود و انچه گوشت
در زهار دارد در وقت مجامعت کار فرماید آبستن شود بفرمان
خدای تعالی و انچه باد در خزانه دارد افیون زرد و روغن مغز
کردکان

کردکان و آب کند تا و آب سداب بهم بیامیزد و در میان پشم
نشته بخود بر گیرد و سه بار کار فرماید و در وقت مجامعت مراد بر
آید انچه این علتها باشد مشک و زعفران در میان پشم نشته
بخود بر گیرد و سه بار در وقت مجامعت کار فرماید مراد بر آید و انچه
جادوئی بر وی کرده باشند زهرهٔ خروس سفید و زهرهٔ خرگوش
با زعفران در میان پشم نشته بخود بر گیرد و سه بار کار فرماید انچه
از دیو دمش بسته باشد زهرهٔ گرگ و زهرهٔ گاو سرخ و مایهٔ
خرگوش و مشک و زعفران هر کدام که باشد با پشم نشته سه بار
کار فرماید در وقتی که از حیض پاک شود و پیش از مجامعت کار
فرماید و این دعا بنویسد و زن بران راست بندد در وقت
مجامعت کردن بفرمان خدای تعالی **دعا اینست** قدوس قدوس
یا رب العالمین و هیه و هیه اللهم یا هیا شراهیا یا
مهولک اهیه ماهیه اللهم الملک القدوس قدوس
قدوس به به به به به اه اه اه طه محمد صلی
الله علیه و آله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

کتاب هفتاد و دو پری حضرت سلیمان ع

بسم الله الرحمن الرحیم

بدانکه حضرت حقسبحانه و تعالی هرچه در عالمست از جن و انس و وحوش
و طیور و دد و دام همه را در فرمان حضرت سلیمان ع کرده بود
بحرمت اسمهای اعظم این نامها را در نگین قدرت نهاد و بدست
جبرئیل امین داد و به نزد سلیمان ع فرستاد و جمیع مخلوقات اطاعت
امر او کردند قوله تعالی وخلقنا لهم من مثله ما یرکبون
و چون سلیمان ع آن نگین را در انگشت کرد در ساعت جمیع مخلوقات
در نزد او حاضر شدند و سجده کردند بفرمان خدا قوله تعالی
واذا ذکروا بها خروا سجدا وسبحوا بحمد ربهم
وهم لا یستکبرون اما چون سلیمان ع آن لطف و کرم از
خدای تعالی دید زبان بحمد خداوند گشود قوله تعالی اعملوا
ال داود شکرا وقلیل من عبادی الشکور آورده
اند که سلیمان ع هر شب هزار رکعت نماز گذاری و مدام روزه
داشتی اما او را وزیری بود نیکو نام او آصف بن برخیا و

ازقوم سیاووش بود اتفاقا روزی سلیمان ع با وزیر مشورت کرد که
مبادا در مملکت ظلمی واقع شود وزیر گفت یا نبی الله هیچ ستمی نیست
الا آنکه پری هست که او را همیلای پری گویند و او هفتاد و دو
پری دارد هر یکی پادشاهی اند که زحمت به مردمان رسانند و مقام
او در دریای عدن است چون سلیمان ع بشنید غمناک شد برخواست
و دو رکعت نماز بگذارد و مناجات با خدای عز و جل کرد در ساعت
حضرت جبرئیل نازل شد و گفت خدای تعالی میفرماید که این آیت
برخوان قوله تعالی وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا
هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا
یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس
الا فی کتاب مبین چون سلیمان ع این آیت برخواند در
ساعت همیلا حاضر شد و سلام کرد و در پیش تخت سلیمان ع و
حضرت سلیمان گفت ای همیلا میخواهم بدانم که لشکر تو چند است
همیلا گفت یا نبی الله مرا هفتاد هزار لشکر باشد و مقام من
در دریای عدن است سلیمان ع گفت میخواهم که لشکر تو را به

ببینم همیلا برخواست و نعره از جگر بر کشید در ساعت تمامی لشکریان
حاضر شدند سلیمان ع گفت یا همیلا از پریان سؤال کن که در دنیا
چرا بفرزندان آدم از شما زحمت میرسد ایشان گفتند تا از آدم بما زحمت
میرسد از ما بایشان زحمت میرسد چون سلیمان علیه این بشنید
پادشاه ایشان را در بند کرد و چون چنان دیدند همه رام شدند
پادشاهان گفتند یا نبی الله ما را از بند خلاص کن تا دفع مضرت
را بگوئیم و تو در کتاب بنویس پس سلیمان ع ایشان را خلاص داد
و آنچه مضرت بود میگفتند و آصف بن برخیا می نوشت تا این
کتاب هفتاد و دو پری تمام شد تا مسلمانان از آفت دیو و پری
ایمن باشند والله اعلم باب پری اول عضو آدم بخارش آورد
باب پری دوم پستان زنان سوراخ کند باب سیم بره و بزغاله را مضرت رساند
باب چهارم جگر گوسفندان را علت رساند باب پنجم حیوانات از اسب و شتر و گاو تنگ شوند
باب ششم گاوی که گوساله بچه نگیرد باب هفتم درد سر و گوش و نمیر پیدا کنید
باب هشتم تمام بدن جراحت کند باب نهم مرد را از مردی باز دارد
باب دهم گرمی و سیخ دندان پدید کنند باب یازدهم درد چشم بهم رساند

باب دوازدهم دهن ریش بهم رساند باب سیزدهم درد گلو بهم رسد و آماس کند
باب چهاردهم آفت در دو سر پدید کند باب پانزدهم از اکل و شرب بماند
باب شانزدهم درد شکم بمردم پدید آورد باب هفدهم بمردمان درد پهلو پدید آرد
باب هجدهم درد پشت بمردم رساند باب نوزدهم زنهار بدرد آورد
باب بیستم بول مردمان را بسته گرداند باب بیست یکم درد قد و کمر بهم رساند
باب بیست دوم عضو آدمی جراحت شود باب بیست سیم بدن آدمی آماس کند
باب بیست و چهارم درد زانو بهم رساند باب بیست پنجم درد پای بهم رساند و سست گردد
باب بیست ششم بر حیوان گری بهم رساند باب بیست هفتم شیر گوسفندان کم کند
باب بیست هشتم برکت از شیر ببرد باب بیست نهم لک در بدن مردم پدید آرد
باب سی ام مرد از مردی باز دارد باب سی یکم اندام مردم خشک گرداند
باب سی دوم مردم را مفلوج کند باب سی سیم درد دهن خوره پدید کند
باب سی چهارم دهن مردم کج کند باب سی پنجم دست و پای مردم شل کند
باب سی ششم بنی آدم را درد و سوزن اندازد باب سی هفتم در گهواره طفلان زحمت رساند
باب سی هشتم مردم را هرزه گوید باب سی نهم اب چشم و بینی مردم رود
باب چهلم درد دل بمردم رساند باب چهل یکم در اعضا جوش پدید آورد

باب چهل و دویم مردم را بیقرار و بی آرام گرداند باب چهل سیم
باب چهل و چهارم درد دل شورش پدید کند باب چهل پنجم
شکار مردم بند کند باب چهل ششم
بمردم درد سر پدید کند باب چهل هفتم
بمردم درد گلو بهم رساند باب چهل و هفتم
مردم را هذیان گوید باب چهل هشتم
مردم را دیوانه کند باب چهل و نهم
زن از فرزند باز ماند باب پنجاهم
در خانه بی عصمتی پدید کند باب پنجاه و یکم
درد چشم بمردم رساند باب
پنجاه و دوم درد گردن بمردم رساند باب
پنجاه و سیم رنگ مردم زرد گرداند باب
پنجاه و چهارم زبان مردم سنگین گرداند باب
باب پنجاه و پنجم اندام مردم بلرزاند باب
باب پنجاه و ششم یکدست و یکپای مردم جنبان کند باب

پنجاه و هفتم نگذارد که در شکم زنان بچه بزرگ شود باب
پنجاه و هشتم درد چشم بمردم رساند باب
پنجاه و نهم سراسیمه کند و گردش سر بهم رساند باب
شصتم زهرهٔ گوسفند سیاه کند بمیرد باب
شصت و یکم طبقه بر گوسفند رساند باب
شصت و دویم شیر زن خشک گرداند باب
شصت و سیم نکبه مضرت رساند باب
شصت و چهارم مردم را ابتر رساند باب
شصت و پنجم زبان مردم اماس کند باب
شصت و ششم مردم را دیوانه کند باب
شصت و هفتم نطفهٔ مرد بسته کند باب
شصت و هشتم به پسران و دختران مضرت رساند باب
شصت و نهم زن با شوهر ناسازگاری کند باب
هفتادم زنان از فرزند نا امید شوند باب
هفتاد و یکم درد زادن زنان زحمت رساند باب

باب پری اول که زنان آبستن نشوند علت سازند باب پری دوم [ی] عقاد
که در اندام مردم خارش بهم رسانند سلیمان ع پرسید که علاج او چیست
پری کفت شیر خر و زبان پلنک و خردل و کوهان شتر و شاخ آهو
در و بندند و موی خوک و موی روباه در زیر دامنش دود کنند
وانیطلسم را با خود دارد خدای تعالی شفا دهد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم ۱۱۱۱۱۸ ۱۱۱ آ ه ۸ ۹۹ ب ۸ ۸ ۸ ۸ ۹۹ ۱۹۱
۲۲۲ ۱۱۱۱ ۱۱ ه ۱۱۱ ۲۱ ۲ ۹ یا شافی کل مریض باب پری دویم
که پستان زن و کوسفند جراحت کند سلیمان ع پرسید که علاج او چیست
پری کفت علاج آنست که کشنیز و مغز خر و استخوان خارپشت
در زیر او دود کنند و روغن کنجد و چقندر و برک سپند در هم
بجوشانند و بر و بندند و بخون مرغ این اسمها بنویسید و در بازو
بندد خدای تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
۴ ۳ ۲ ه ۳ ۱ ثم ه صلاه کاه ای احای اهیا شراهیا
شبلها حاطا نا آنه انقاسی مرم علیم یا دافع البلیات
باب پری سیم که بره و بزغاله تلف شوند سلیمان ع
کفت

کفت علاج او چیست پری کفت که سه روز آیة الکرسی در میان شبانروز
بخوانند و بدمند و کل باغی و پر کلاغ سیاه و برک کاه و پاره از
جامه چوپان در میان کله دود کنند و این اسم اعظم را نوشته
در موم کیرند و در آب اندازند و آن آب را در میان کله افشانند و
این دعا را بر کردن بره نشان دار بندد از رنج و علت خلاصی یابد
انشاء الله تعالی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا الله
المحمود فی کل فعاله سبحانک یا لا اله الا انت یا رب
کل شیء و وارثه و رازقه نعم المولی و نعم النصیر
۵ ۱۱۱ ممم ۱۱۱ ه و باب پری چهارم که بر حیوان درد جکر
رساند و لنک شوند سلیمان ع پرسید که علاج او چیست پری
کفت علاج آنست که کوسفندان سرخ بکشند و بخون او این دعا
بنویسند و در موم کیرند و در آب اندازند و سه صباح آب دعا را
بر کله افشانند و کل سرخ و جامه پسر یتیم و جامه دختر نابالغ
و موی استر در میان کله دود کنند نافع باشد و دعا در کردن
کوسفند بندد خدای تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله

الرحمن الرحیم یا ایها النبی ادعکم علی نعیتی طیوما
البرلها اسوا ما ۲ ه ۲۹ ۱۱۱۹ ه ا ط ۱۱ آ م الحه احکم
ع ما ه ۱۱ ۹ ر سعو عوصه ۹ ما ۱۱ ۱ ۹ عه ماه لو و عرو ۱۱۱۹ ه اه ۱ه
۲۲ ۲۴۱۱ باب پری پنجم که علت بر اسبان و شتران رسانند
و دست و پای ایشان لنک شود و علت درد اندرون بدید آید
سلیمان ع گفت علاج او چیست پری گفت علاج آنست که سیر و سرکه
در بینی ایشان چکانند و داغی در پهلوی ایشان بکشند و اسبان را
خرما و آب شب مانده و زعفران و روغن گاو در گلوی ریزند و
این دعا را بنویسند و در گردن اسب و شتر بندند نافع باشد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم وجعلنا من بین ایدیهم سدا و من
خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ع ع ۱۱ آ ل ا ر م ۱۱۹ ۲ ۹
۹ و صه ۱۸۹ ا و و باب پری ششم که گاو انرا علت رساند و پستان
ریش گردد و نگذارد که بدوشند و گوساله بخورد بگیرد سلیمان
گفت علاج وی چه باشد پری گفت علاج آنست که گلاب شنی
و نمک و جزوی قند در آب کرده در گلوی آن ریزند و نان

نی نمکی و بر مرغ سفید بر آن افشانند و بخورد گاو دهند و این
دعا را در گردن او بندند نافع است دعا اینست بسم الله الرحمن
الرحیم آهیا شراهیا بحق سادات و بحق حامل القرآن و بحق
حمعسق و الم بحق ق والقرآن المجید ارحم بهذه البقرة یا رب
العالمین باب پری هفتم که درد سر و درد گوش و نیم سر و رنگ
رویش زرد شود سلیمان ع گفت علاج آن چیست پری گفت
مغز گوش را در شکم ماهی کرده بخورد و چند تار موی خوک در
زیر دامن او دود کنند و این اسم را نوشته در بازو بندد خدای
تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
کهیعص ذکر رحمة ربک عبده زکریا اذ نادی
ربه نداء خفیا قال رب انی وهن العظم منی
واشتعل الرأس شیبا ولم اکن بدعائک رب شقیا
۱۹ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۹ ا ه ۱۱۱ ۹ ه باب پری هشتم که در میان
پوست و گوشت رود و تمام بدن جراحت کند سلیمان علیه السلام
گفت ای پری علاج او چیست گفت علاج آنست که مصطکی و هلیله

تعویذ درد کردم

وزعفران وآمله وخون جگر کوساله در بهم بیامیزد و بخورد واین
طلسم بنویسد و در آب ندازد و بخورد خلاص شود **دعا اینست**
اه اه اه اه اه ۳ ا ۳ ا ۲ ا ۱ د ۹ ه ۱۱۱ ۳ ۵ ۲ ا و ۸ ا ۱ ا ۲ ا ۲ ا هر او ر ۱۱۱۱
ع ۱۱۱ ه ۱۱۱ ه ۹ ۱۱ حم ۱۱۱۱ اسماد بکرط طور لا **باب پری نهم**
مردی که اورا مردی باشد و نطفه باشد و فرزندش نشود و همیشه
دست و پایش سست کرد سلیمان گفت ای پری علاج او چه
باشد گفت علاج آنست که پارهٔ از کاسهٔ چینی و گوگرد فارسی
وآب منی اهم معجون کند و در سه صباح در حمام گرم بخورد و مالد
واین اسم اعظم بخون گوسفند کبود بنویسد و در آب اندازد
ودران آب غسل کند و یکمن خرما و نان صدقه بدرویشان دهد
خلاص شود بفرمان خدای تعالی **دعا اینست** بسم الله الرحمن
الرحیم یا کافی یا شافی بلطفک یا وافی بکرمک یا کریم یا اکرم
الاکرمین ویا ارحم الراحمین والحمد لله رب العالمین **باب**
پری دهم که درد دندان بمردم بدید آورد که گوشت دندان
ببرد و سلیمان ع گفت علاج او چیست پری گفت که دندان

آدم مرده وخایهٔ خرگوش در بهم آمیزد و از آب حل کرده در پای دندان
ریزد واین اسم را بر پارهٔ نان بنویسد و بخورد خدای تعالی نجات
دهد **دعا اینست** بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یا شفیع یا بدیع
یا سمیع یا کفیل یا عماد التی لم یخلق مثلها فی البلاد
ویا خلیفنا الارض ۹۹/۹۹/۸۱۱۱۹ دکو ۸ ا ۲ ا ع ا ۱ ا لا ع
ط محبوب من دیکو هلک ۲ ۱ ۰ ا ۲ ار جا ر طروب دیکر یا مالک
الملکوت یا مالک الملکوت یا فاطر السموات و
الارض بحق ق والقران المجید وبحق کتاب
الرحیم وبحق ان الله بکل شیء قدیر ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین
باب پری یازدهم درمیان آب یا خاکستر که در چشم مردم
جنک زند و بدرد آورد سلیمان ع ازوی پرسید که علاج
او چیست پری گفت یا نبی الله این اسم بخون مرغ یا کبک
بر طاسی بنویسد که سفید باشد واندک نقره در طاس اندازد
وآب در او کند و نی در دست گرفته و آتش در نی زند و سه

اخرج

نوبت نی را بکر دسر بکر داند و بکوید اخرُج اخرُج من هذا
بحق سلیمان بن داود ع تا من از چشم او بیرون روم و
این اسم بچون مرغ نویسد و با خود دارد خدای تعالی شفا دهد
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یملیخا شملیخا
آوطوطیا اذونی عنها بان الله حکیم ما یوییل
هی هی هی اکر بخواند و باد بر چشم دمد نیز نافع بود باب
پری دوازدهم که آب دهن خود در میان خوردنی اندازد هر که
بخورد بوی دهن او ناخوش شود سلیمان ع پرسید که علاج
او چیست پری کفت علاج آنست که روغن کاو و دانه و سماق
و آرد جو و تخم چقندر را با یکدیکر بیامیزد و در دهن کیرد
و این اسم بنویسد و در موم کیرد و در آب افکند و سه صباح
از آن بخورد و دهن را بشوید خداوند باری تعالی شفا
دهد اسم اینست اا ااا ب ۸ ا ۸ ا ه ا ۸ ع ۹ ااا ع ع ع ع ا ع ا هم
م ط ۹ ا ا ا ه ا ۹ ۹ ا ه اا ا ا م اا ا م بسم الله الرحمن الرحیم
الم نجعل الارض مهادا والجبال اوتادا ۸ ااا

ع ا م ام ام باب پری سیزدهم که دست در کلوی مردم
بمالد و بدرد آورد و کلوا آماس کند و بیقرار شود و سخن نتواند
کفت سلیمان ع کفت علاج او چیست پری کفت علاج آنست
که پیه روباه و کوشت کاو اشپت و کشنیز و سیر و تخم ریحان
در هم بکوبند و زرده تخم مرغ بر آن بیامیزند و بر کلوی او ببندند
و سه من نان و دو من خرما بصدقه دهد و این اسم اعظم را
بنویسد و با خود دارد خدای تعالی شفا دهد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا مُقلِبَ القلوبُ و
الابصارِ یا صانعَ الارضِ والسماءِ یا فاتحَ الفتحِ
والابوابِ یا دافعَ البلیاتِ ادفع هذا البلاء بحق
اسمائک العظیم وبحق اسمِ حضرت محمد مصطفی
و حضرت فاطمه ع و حضرت علی باب پری
چهاردهم در میان راه خسبد و بمردم درد سر رساند سلیمان
ع کفت علاج او چیست پری کفت که چند از فلفل و زنجبیل
و تخم کرز و روغن کنجد با عسل بخورد و چوب امرود و کاشنی

وپوست خرگوش در زیر دامن او دود کند واین اسم بخون مرغ سرخ
بنویسد وباخود دارد حضرت حق سبحانه وتعالی شفا دهد اسم اینست
اسا ۱۲ ۱۲۱۹ ۱۸ ۱۲۱ ۱۲۲ اعا عا اعا اعا اعرم طرعر ۴ عر ۱۷ ۱۷ دیگر ۱۱
صر اصر ۱۱۱ ۹ ۹ ۹ ط ۱۱۱ دیگر ۹ ۱۱۱ عه عه ۱۱ ۲ ۲ ۲ دیگر ام وطی
۱۱۱ ۱۱ ۵ ۱۵ ۱۵ ۱۱۱ ۹ ام ام ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۵ ی ای ی بوب
الفلق برب الناس الم نشرح لك صدرك باب پری
پانزدهم که مردم از اکل وشرب بازدارد وبیهوش کند سلیمان
علیه السلام پرسید که علاج او چیست گفت اینست که او را بر سر راه بزنند
ودر ترجمان بنشانند وعزایم بخوانند تا من حاضر شوم وچیت
نامها ز من بستانند واین اسم را بنویسد وباخود دارد وچهل
روز پرهیز کند از رنج خدای تعالی شفا دهد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم ایها الملکان الکریمان الم اعهد
الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین وان
اعبدونی هذا صراط مستقیم باب پری شانزدهم که درد شکم
بمردم رساند سلیمان علیه السلام پرسید که علاج او چیست پری گفت

علاج

علاج وی آنست که صندل سفید در آب اندازد وبچشاند وبدهد
تا بخورد وپوست شیر وپوست پلنگ وموی روباه وسم اسپ
در زیر دامن او دود کند وباید دعا بنویسد ودر بازو بندد خدای
تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم تنزیل
الکتاب من الله العزیز الحکیم غافر الذنب وقابل
التوب ان الله شدید العقاب ذی الطول لا
اله الا هو العزیز الرحیم ونزل احم باب پری
هفدهم که بر آدمی درد پهلو پدید کند در حالت جنب بودن
علاج وی آنست که کوزه آب نو بدو بیاورند وباید دعا بنویسد
وباخود دارد الله تبارک وتعالی او را شفا دهد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم اصبحت بالله واعتصمت بالله
دخلت فی حرز الله وفی امان الله والحمد لله علی
نعمائه واعنی علی ذکرك وشکرك یا عالم السر
والنجوی یا کاشف الضر والبلوی اجعلنی من امری
فرجا ومخرجا ایاك نعبد وایاك نستعین ولا حول

ولا قوة الا بالله العلي العظيم ٨ ٨ آآ ه ١١١١ ٢ ١١١

باب پری هجدهم که پشت مردم را بدرد آورد سلیمان ؑ
پرسید که ای پری علاج او چیست گفت یا نبی الله کل زرد و
کاشنی و پوست هلیله در زیر دامن او دود کند و این دعا را
بخون مرغ سیاه یا بخون کوسفند کبود بنویسد و در موم گیرد
و در آب اندازد و انرا بخورد و قدری بر پشت ا و مالند
خدای تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ
بکلمات الله التامات و رضیت بالله الصابر التواب
واطهر ما انزلنا مسطیرا هیا شراهیا اسج اسج فرجوا
ما انزلنا قال یا ادم اسکن انت و زوجک الجنة

باب پری نوزدهم که زنان مردم بدرد آورد سلیمان ؑ
پرسید که علاج او چیست پری گفت علاج آنست که دنبه و موی
گربه و تخم گزر و پشم شتر باهم آمیخته پخته کند و مرهم کند و بر او
بندد و پوست کاسه پشت در زیر دامنش دود کند و این دعا بمشک
و زعفران بنویسد و با خود دارد خدای تعالی شفا دهد دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم بطوش ناصرا و غلوشیا فهاذب
احد شئ ففغاء مقدارا فردا صمدا حیا قیوما دائما
ابدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا و لم یکن له شریك
فی الملك و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا
یا احد باب پری بیستم آدمی را عقد البول کند یعنی باد ها بر
زنان مردم دمد که بول مردمان بند شود سلیمان ؑ گفت ای
پری علاج او چیست گفت علاج انست که خرما و چوب کدو
و بادیان رومی و شاخ اهو در زیر دامن او دود کند و روغن
مغز کدو را فتیله از پنبهٔ خود رنگ لوله کرده در سوراخ ذکر
نهند و این اسم اعظم نوشته در موم گیرد و در آب اندازد
و از آن آب بخورد و بر اندامش مالد خدای تعالی شفا دهد
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی
الماء علی امر قد قدر فتح فتح فتح ه ١١١ محمد
١١١١ ه باب پری بیست یکم که در دقدو کمر مردم ساند

و پاهاش سست میشود سلیمان ع گفت علاج او چیست پری گفت
باید که روغن زیت و برگ سپید و زیتون کوهی از هر یک ده
مثقال بگیرند و درهم کنند و از آرد گندم خمیر کنند و به پزد و
سه صباح ناشتا بخورد و این اسم را چون کبوتر بنویسید و با خود
دارد خدای تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا اله الالهة الرفیع جلاله بسم الله و بالله و الحمد لله و لا
حول و لا قوة بجلالك و عظمتك و بکمال الله و عظمة
الله و بعزة الله کما امرت الی انما اخرج یا ریح من بدن
فلان بن فلان بحق اصحاب الریح و اصحاب الهم و الغم و بحق
سلیمان بن داود علیهم السلام سبحانك انی کنت من الظا
لمین باب پری هفت و دوم که عضو مردم را زخم و جراحت
بهم رساند و ماوای او در غارها و سوراخها و انگشت چون
بر اندام مردم چون سوزن زند و علاج وی آنست که روغن
و زهرهٔ خرگوش و زرده تخم مرغ بر آن بندند و این دعا را
بچون گوسفند زرد بنویسید یا بچون مرغ زرد بر کاغذ
بغدادی

بغدادی بنویسند و در موم گیرند و در آب اندازند
آن بخورد و بر جراحت بمالد تا خدای تعالی شفا دهد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا جاعل الظلمات و النور بالله
خیر حافظا و الله بصیر بالعباد و کفی بالله شهیدا اطیورا
هیورا یا ارحم الراحمین قل من یشاء ١١ ١١ ١١ ١١ ١١ ١١ ١١
ع ٩ باب پری هفت سیم که در وقت آب خوردن مضرت
رساند که بدن مردم آماس کند و درد کند سلیمان ع پرسید که
علاج او چیست پری گفت علاج آنست که برنج سرخ و خون
خروس سیاه و استخوان آدم و کف گوشت گاو باهم بیامیزد
و در و مالد و این اسم اعظم بنویسید و با خود دارد خدای
تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم قد جاء
الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا فارجع البصر
هل تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک
البصر خاسئا و هو حسیر ١١ ط ط ١ ١ ١١ ١١ ١٢ ٩ ٢ ١
باب پری هفت و چهارم که دست بمردم زند که درد زانو هم

رسانند سلیمان ع گفت علاج او چیست پری گفت یا نبی الله علاج
او آنست که پوست درخت الو درمیان دنبه نهد و در زیر دامن
او دود کند و این دعا چون خروس بنویسد و در زانو بندد که خدای
تعالی شفا دهد **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم والتفت
الساق بالساق الی ربک یومئذ المساق فلا صدق ولا صلی
و صدق الله رسوله الرؤیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام من
السلطان و من الماء و من الریح و من الخوف و من الجوع و من
الغرور **باب پری پنجم** که پای بر روی مردم نهد درد پای
بهم رسد سلیمان ع گفت علاج چیست پری گفت علاج او آنست
که گل زرد باغی و کاشنی و بیخ گل سرخ نگون با دوشاب یا مویز
حل کند و بر پای مالد و این دعا با خود دارد خدای تعالی شفا
دهد **اینست** ٨١٨١٧١٩١١١٥١١١ م ١١١ م دیگر ١١١ ٨١١٨١١
٩ ام ١٢١ اعرد دام ردام م **باب پری ششم**
که خارش گری در حیوان بهم رساند ماوای او درمیان خاکستر است
و چون حیوانات در خاکستر خسبند بادی بر حیوان دمد خارش

کری بهم رساند سلیمان ع گفت که علاج او چیست پری گفت
علاج آنست که چوب گوگنار و شاخ بز کوهی در آتش کند تا بسوزد
و سوخته او را با بول آدم در تنبهٔ عطاران در آفتاب گرم به
بدن او مالند نافع بود و این طلسم بنویسد و در آب اندازند
و آن آب بر وی بپاشند بفرمان خدای تعالی شفا یابد
طلسم اینست عوم ٨١ر صف سیه ٤٫ ٩١٨١١١ دیگره ١١ آمم
سلسله ١١١١ هو **باب پری هفتم** که شیر در پستان گو
سفندان خشک کند سلیمان ع گفت علاج آن چیست پری
گفت علاج آنست که کاغذ بغدادی با مشک بسوزانند و در
آب ریزند و در روز شنبه بخورد گوسفندان دهد بفرمان خدای
تعالی نیک شوند و این طلسم را بنویسد و در گردن گوسفند
بندد نافع **طلسم اینست** لوهیا و لواهیا مسلح بصلح
بصلح عه ٥ ١١١٤ ا ذ ٤ **باب پری هشتم**
که برکت از شیر ببرد سلیمان ع گفت علاج او چیست پری
گفت علاج آنست که این دعا چون گوسفند بنویسند و در

موم گیرند ولبشیر بر آورند وتعوید را انکه کوسفند دوشد بر دست بیندد

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم هل اتی علی الانسان حین

من الدهر لم یکن شیأ مذکورا انجی ستنده الاسماء آ ٤ ا ع ٥ ا ٥ الهم

الکم سلط دیکرا ١١١ ٩٩ باب پری هست و نهم که آب دهن خود

بر مردمان زند که لک در بدن ایشان پیدا شود سلیمان ع

گفت علاج انست که زیره و بادیان رومی و روغن کدو وآب

شبادبه بهم بجوشانند وسه صباح بر وی مالند وخط بر دور او

بکشند واین اسم را بنویسد و بر بازو بندد نیکو شود دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم والهکم اله واحد لا اله

الا هو ولا فتح ولا غالب علی شکوم ١٢ ٩٩ ١١١ ١٩ ام

باب پری سی ام که مردرا از مردی باز دارد سلیمان

ع گفت علاج او چیست پری گفت علاج وی آنست که هفت عدد

سوزن وحلقه زره وابریشم سبز وکربا بر خام بیاورد واورا

باد بندی کند واین اسم را بنویسد ودر گورستان جهودان دفن

کند خلاص شود انشاء الله تعالی دعا اینست بسم الله

الرحمن الرحیم الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن

ان ربنا لغفور شکور قد اتیتنی من الملک وعلمتنی

من تاویل الاحادیث ربنا اغفر لنا انک انت علام

الغیوب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب

لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب ربنا انک

انت العلیم الحکیم ربنا اتنا فی الدنیا حسنة وفی

الاخرة حسنة وقنا عذاب النار باب پری

سی و یکم که بادی در بینی آدمی وزد واندام مردم خشک

گرداند سلیمان ع گفت علاج او چیست پری گفت علاج او انست

که بیخ زعفران بر آن مالند وچوب کوکنار وچوب عود خر مادر

زیر دامن او دود کنند واین دعا بنویسد وبا خود دارد خدای

تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم

یخرج من بین الصلب والترائب انه علی رجعه لقادر

یوم تبلی السرائر فما له من قوة ولا ناصر والسماء

ذات الصدع انه لقول فصل ٨ ٨ ٨ ١١١ ع ا ه ٥ کرم

اهم ص ٢٨ الا ادی ا باب پری سی سیم که بادی بر مردم
زند و مفلوج کند سلیمان ع گفت علاج او چیست پری گفت علاج
آنست که سه روز دنبهٔ میش و روغن استخوان گاو بر اعضای مالند
و عود و عنبر در زیر دامنش دود کنند و این اسم را نوشته در بازو
بندد خدای عز شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا حافظ یا ناصر یا معین ایاک نعبد و ایاک نستعین
و یحق بنصرک الله نصرا عزیزا فما لهم من قوة و لا
ناصر فانهم لا یعقلون باب پری سی و چهارم
که بر دهن مردم خوره پدید کند سلیمان ع گفت علاج وی چه باشد
پری گفت علاج او آنست که سه روز روغن گاو و دانهٔ دنبهٔ میش در
هم کنند و این اسم را بر روغن بخوانند و در دهن او ریزند و
این دعا را با خود دارد خدای تعالی شفا دهد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم کراهیا شراهیا خراهیا
خاهیا تخحبثا یا هو یا من هو یا لا اله الا هو و سول احی
الله عراه اه ع ه باب پری سی و پنجم که دهن مردم را کج
کنن

کند سلیمان ع پرسید که علاج او چیست پری گفت علاج وی آنست
که دیواس و برگ زیتون و گندم بهاره و گل خطمی و روغن زیتون
با هم بیامیزد و بر رو بمالند و این دعا با خود دارد خدای تعالی
شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا رب
العالمین یا مجیب الدعوات یا دافع البلیات یا اسمع
السامعین یا ارحم الراحمین استغفر والحمد لله رب
العالمین باب پری سی ششم که یکدست و یکپای مردم شل
کند و دمبدم بیهوش کرد سلیمان گفت علاج او چیست پری
گفت علاج آنست که سه ماه پرهیز کند و شیرهٔ گندم و گوشت مرغ
جوان و جزوی برنج داخل کنند و نان کم خورد و اسم اعظم با خود
دارد در امان خدا باشد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا اله الالهة الرفیع جلاله یا الله المحمود فی کل فعاله
یا کودلم العدل و العفو باب پری سی هفتم
که بنی ادم را در وسوس اندازد و خیال باطل کند و عاقبت
دیوانه شود سلیمان ع گفت علاج او چیست پری گفت علاج آنست

کوکنار و خرمای هندی و دل و جگر و گوشت شیر گاو زرد بهم بیزند
و بخورد و این دعا با خود دارد صحت یابد دعا اینست بسم الله
الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الناس الی آخر القرآن الی آخر
باب پری سی هشتم که طفلان را در گهواره مضرت رساند
تا نعره زنند سلیمان علیه السلام پرسید که علاج او چیست پری گفت علاج
آنست که پوست مار و برگ انجیر و خاک گور جهود در زیر دامن
او دود کند و این دعا با خود دارد صحت یابد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا حبیب الفقراء یا معین
الضعفاء یا عظیم الرجاء یا انیس الفقراء یا دلیل
المتحیرین یا غیاث المستغیثین یا حی یا قیوم یا حنان
یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذوالجلال
والاکرام باب پری سی نهم که مردم را هرزه کو کند سلیمان
علیه السلام گفت علاج او چگونه است پری گفت موی گربه و زهره کبک
و خرما و فلفل در زیر دامن او دود کند و این دعا بجو را بنویسند
و در آب بشویند و بدو دهند تا بخورد صحت یابد انشاء الله تعالی

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم ختم الله علی قلو
بهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة ولهم
عذاب عظیم یا شمخیثا یا ملثلمیثا آهیا اشراهیا ادونی
اصباوث برحمتك یا ارحم الراحمین باب پری
چهلم که آب از چشم و بینی مردم روان شود سلیمان گفت
علاج او چیست پری گفت که گزر و شلغم با زنجبیل و زیت شربت
کرده بخورد و پوست پلنگ و موی کفتار و سیاه دانه و سیر در
زیر دامن او دود کند صحت یابد و این دعا را بنویسد و با خود
نگاه دارد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم قل اوحی
الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا
یهدی الی الرشد فآمنا به ولن نشرك بربنا
احدا ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان
آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا
سیئاتنا وتوفنا مع الابرار وقنا عذاب النار باب
پری چهل و یکم که در شکم بنی آدم رود و بند جان را بگیرد

سلیمان علیه السلام پرسید که علاج او چیست پری گفت علاج آنست که خاک
چهار راه و جامهٔ کهنهٔ جهودان و استخوان آدمی مرده در زیر دامن
او دود کند و گوشت بزغاله را گوشت آب کرده بخورد و از خون بزغاله
این دعا بنویسد و با خود دارد خدای تعالی شفا دهد **دعا اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم یا کبیر المتعال یا عظیم المن
والنوال یا قدیم یا ذو الجلال والاکرام یا لم یزل
ولا یزال ٥ ا ا ا م ا ا ا ٤ ا ا ا م م ا ا ا ٥ برحمتک یا رب **باب**
پری چهل و دویم که در اعضای بنی آدم جوشش پدید آورد سلیمان
علیه السلام پرسید که علاج او چیست پری گفت علاج آنست که شکر سفید
و انجیر سیاه و شیره جو شربت کند و ناشتا بخورد و این اسم
را بخون مرغ بنویسند و در موم گیرند و در آب اندازند و از آن
آب بدهند تا بخورد و بر خود دارد نافع بود **دعا اینست** بسم الله
الرحمن الرحیم قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی
ابرهیم وال ابرهیم یا رب الارباب یا مسبب
الاسباب واطلم للمظلوم ا ا ا م ا ا ٩ ا ا ا ا ٨ ا ر ا ی ٤ ٢ ٤ ٢

٤٤ ا م ا ا ا ٥ ع ٤ ر ط ا ا آ ا ا ا آ ٨ ا ا ا ع ا ر ا ٩ ١ ٢ **باب پری**
چهل سیم که بنی آدم را بیقرار و آرام کند سلیمان علیه السلام پرسید که
علاج او چیست پری گفت علاج وی آنست که روغن گاو و گل
باغ بر خود بمالد و قدری در بینی چکاند و این دعا با خود دارد شفا
یابد **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم وان یکاد
الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر
ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین اللهم
احفظ صاحب هذا الدعاء من شر الجن والانس
ومن شر ما خلقت یا حی یا قیوم **باب پری چهل**
چهارم که شورش در دل مردم پدید کند سلیمان علیه السلام پرسید
که علاج او چیست پری گفت علاج آنست که خرما هندی و شکر
و آرد کنار و مغز کرده در هم آمیزند و شربت کنند و بخورد
و این دعا نوشته با خود دارد خدای تعالی شفا دهد **دعا اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم وما لهم من علم ان یتبعون
الا الظن ولا یغنی من الحق شیئا فاعرض عن من

تولّوا ورزوا الحیوة الدنیا ذلك بلغتهم من الیکم هم

١١٤٩٨٨ اعم احرادارا عرعر عم **باب پری چهل و پنجم**

که گل انکار مردم ببندد سلیمان عم پرسید که علاج او چه باشد پری گفت

یا نبی الله علاج آنست که از هفت خانه آرد بستانند و اینده عا را بنویسد

و در موم گیرد و در آب اندازد و از آن آب خمیر کنند و فطیر بپزد و

بصیاد دهد بخورد و جزوی مستحق دهد و اینده عا را با خود دارد و در

وقت تیر انداختن نام خدای تعالی یاد آورد بامر خدای تعالی

کشاده شود **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم و لله

ملك السموات والارض تولج اللیل فی النهار و

هو علیم بذات الصدور امنوا بالله و رسوله والذین

امنوا منکم وانفقوا لهم اجر کبیر فیح فیح فیح

ععع ععع ال ال اهی هی هی هی هی هی **باب پری**

چهل ششم که مرد و دست بر سر آدمی زاد زند که درد سر پیدا

کند سلیمان عم پرسید که علاج او چیست پری گفت علاج آنست

که زهرهٔ گوسفند و جگر کلاغ و پیه خرگوش و موی گربه و خون

خروس سیاه در هم آمیزد و با آرد جو خمیر کند و گرم گرم بر سر نهد و این

اسم بنویسد و در گردن بندد شفا یابد **دعا اینست** بسم الله

الرحمن الرحیم و من یضلل الله فما له من هاد من

سبیل لربك من قبل ان یاتی الامر کم من ملجا یومئذ و ما

لکم نکیر فان اعرض وما ارسلناك علیهم حفیظا ان

علیك الا البلاغ وما اورثنا الانسان منا رحمة

باب پری چهل هفتم که صفرا بهم رساند سلیمان عم پرسید

که علاج او چیست پری گفت یا نبی الله هر که را صفرا و درد گلو بهم رسد

علاج آنست که کنگر و پیاز سفید و پیه گاو در هم کنند و شربت کرده

بخورد و اینده عا با خود دارد خدای تعالی شفا دهد **دعا اینست**

بسم الله الرحمن الرحیم وما انتم بمعجزین فی الارض

وما لکم من دونه من ولی ولا نصیر ومن ایاته

الجوار فی البحر کالاعلام ان یشا یسکن الریح فیظللن رواکد

علی ظهره ٥ ١١١ ممم ١١١١ ٥ **باب پری چهل هشتم**

که باد بر دامن مردم زند که هذیان وفحش بمردم گویند علاج وی

آنست که استخوان خرما و کنجد و موی خرگوش در زیر دامن او دود کنند
و این نوشته در موم گیرد و با خود دارد نافع باشد **دعا اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم ان فی ذلک لآیات لکل
صبار شکور او یوبقهن بما کسبوا و یعفوا عن کثیر
و یعلم الذین یجادلون فی آیاتنا وقوا **باب پری**
چهل نهم که چون مرد با زن مجامعت کند مرد دم را دیوانه
کند سلیمان ؑ فرمود که علاج او چیست پری گفت علاج او آنست
که هیکل ستاتا بنویسند و پوست کاو و سم ستر در زیر دامن او
دود کنند و اینه دعا را با خود دارد خدای تعالی شفا دهد **دعا اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم وذلکم ظنکم الذی
ظننتم بربکم اردیکم من ربکم فاصبحتم من الخاسرین
٩ آآآ ٩ ١١١ ٩ ١ع ١ ١١١ ٤٢ ١١١ ٤ ١١١ ٤
باب پری پنجاهم که نگذارد
فرزندان مرد و زن بهم رسد سلیمان ؑ گفت علاج او چیست
پری گفت علاج وی آنست که پوست پیاز و پوست سیر و پوست
سوسمار آبی در زیر دامن او دود کنند و موی سر خود و ابریشم

بند طنبور و هفت سوزن تازه و پاره کرباس نا شوی و موی‌ها را
در سوزن بکشد اند و این اسم را بر کرباس بنویسد و با خود دارد
و یکمن نان بصدقه دهد خدای تعالی شفا دهد **دعا اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم استعین بالله دخلت فی حرز
الله و فی امان الله و فی حصن الله من شر دیو الرجیم
المعتدل المنافق فاستعذ بالله انه هو السمیع العلیم
١٠ آآآ محم ١١١١ ٩ **باب پری پنجاه یکم** که در خانه بی‌حصتی
در آورد و خیر و برکت ببرد سلیمان ؑ بپرسید که علاج او چیست
پری گفت یا نبی الله علاج آنست که مرد و زن از حرام توبه
کنند و اسم اعظم با خود دارند و ریشهٔ درخت یا برگ
درخت و برگ ریوس و اسفند سیاه در خانه دود کنند و اینه دعا
با خود دارند یا در خانه گذارند برکت پدید آید بفرمان خدای
تعالی **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم یا اهل
الله لا تخافون و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التی
کنتم توعدون ٥ ٥ ٩ ١١١١ ٩٩ م ١١ **باب پری پنجاه دوم**

٤٥,٤

که مضرت درد چشم برساند بمردم سلیمان علیه السلام گفت که علاج او چیست
پری گفت علاج وی آنست که روغن بادام و نبات مصری و کشنگ کو
مرغ سیاه با یکدیگر معجون کنند و بخورد و موی دم و دستر و موی دم
شتر در زیر دامن او دود کنند خدای تعالی نجات دهد و این دعا
با خود دارد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا حی
یا قیوم لک الملک ظاهرین فی الارض فمن ینصرنا من
باس الله اذ نادی فرعون انی لا اریکم الا ما اری وما
اهدیکم الا سبیل الرشاد وقال الذی آمن یا قوم انی
اخاف علیکم مثل یوم الاحزاب باب پری پنجاه سیم که درسر
خانه کند مضرت درد سر و کردن بمردم رساند سلیمان علیه السلام پرسید
که علاج او چیست پری گفت یا نبی الله علاج آنست که پیچ کند تا و
برگ چوزق و موی زن خوش صورت در زیر دامن او دود کنند
و این دعا با خود دارد شفا یابد دعا اینست بسم الله الرحمن
الرحیم مثل دأب قوم نوح وعاد وثمود و
الذین من بعدهم وما الله یرید ظلما للعباد ویا قوم

انی اخاف علیکم یوم التناد یوم تولون مدبرین
ما لکم من الله من عاصم ومن یضلل الله فما له من هاد ۱۱۱۰ع
ع۱۱۱۵ ع باب پری پنجاه چهارم که در دل مردم وسوسه اندازد و
رنگش زرد شود و بیهوش گردد سلیمان علیه السلام پرسید که علاج وی چیست
گفت علاج آنست که عزایم بخوانند و بوی خوش بسوزانند و مرغی بکشند
و این اسم بخون مرغ بنویسد و با خود دارد حق تعالی شفا دهد اینست
بسم الله الرحمن الرحیم ایاک نعبد وایاک
نستعین ع۱۴ع ۱۹ه ۳ ۱۲ ه۱ ۱۰ ۸ ۱۱ ۱۱۱ آم مم ه ه ه ه مم مم
عمم کوندم مم م ه ۱۱۱۱ اعای وصدوا عن سبیل الله وکید کن
قل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا
وننزل الی آخره باب پری پنجاه و پنجم که زبان بنی آدم را
سنگین کند که سخن نتواند گفت سلیمان علیه السلام گفت علاج او چیست
پری گفت یا رسول الله باید که گوسفند بکشند و دل او را با روغن
سرخ کنند تا بخورد و موی گاو و گوسفند و پر مرغ در زیر دامن
او دود کنند و این دعا با خود دارد خدای تعالی شفا دهد اینست

بسم الله الرحمن الرحيم وصدوا عن سبيل الله اضل
اعمالهم والذين آمنوا وعملوا الصالحات وآمنوا
بما نزل على محمد ص باب پری پنجاه ششم که اندام بنی
آدم را بلرزاند و بیقرار کند سلیمان ع پرسید که علاج او چیست
پری گفت علاج وی آنست که زبان کوهی و زهرهٔ خرگوش
و روغن گاو با هم بجوشانند و بخورد و این اسم با خود دارد
خدای تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن
الرحيم وهو الحق من ربهم وكفر عنهم سيئاتهم واصلح
بالهم ذلك بانهم الله الذين آمنوا واتبعوا الحق من
ربهم كذلك يضرب الله للناس امثالهم واذا
لقوا الذين كفروا فضرب الرقاب والحمد لله رب
العالمين باب پری پنجاه و هفتم که یکدست و یکپای آدم را
بیجان کند سلیمان ع از وی پرسید که علاج او چیست پری
گفت یا نبی الله علاج آنست که چهار کبوتر بکشد و گوشت کبوتر
را با شیر و انجیر و دارچینی و جوز و گلاب و روغن کنجد بجوشاند

و بخورد سه روز عزایم بخواند و این دعا با خود دارد حق سبحانه و تعالی
شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحيم طمير
طيا و جعفرا توا و شغلتى وتكلى و صفاتى و حيوا
نوعى المثانى كلمانى ١١ ه ع ٩ ١١١١ ه باب پری
پنجاه نهم که بچه در شکم زنان نگذارد که بزرگ شود سلیمان
ع گفت علاج او چیست پری گفت علاج او آنست که چهار سنگ
سرخ بیاورد و این اسمها را بر آن سنگها نویسند و هر سنگی را
در گوشهٔ دفن کند کنند و دو من نان بصدقه دهند و این اسم
بنویسد و با خود دارد خدای تعالی شفا دهد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحيم صل على يصلهالك
اهيا شراهيا اذونى طهرون بحق تحيثا و ملكميتا
يا الهكهيج باب پری شصتم که در چشم بهم ساند سلیمان
ع گفت که علاج او چیست پری گفت موی دراز گوش و پوست
تخم مرغ و پیه خرگوش در زیر دامن او دود کنند و اینه علیکون
مرغ سفید بنویسد و با خود دارد دعا اینست بسم الله الرحمن

وَاَنْ اَعْيُنُنَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا سَهْوًا مِنْ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ
رَبٍّ رَحِيمٍ اَلْفُنَا مِنَ الْعَيْنِ حَفِيظٌ بِمَا يَصْدُرُونَ
فَاَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۲۵ م ۱۴ باب پری شصت
و یکم که مردم را سر اسیمه کند و کردش سر بهم رساند سلیمان علیه السلام پرسید
که علاج او چیست پری کفت علاج وی آنست که ریحان و ریوند چینی
و فلفل و دارچینی بگلاب صلایه کند و در سر بمالد و سه روز نخود آب
مرغ جوان بخورد و بادل بره و اینده دعا با خود دارد خدای تعالی شفا
دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم تحصنت بذی الملك
والملكوت و اعتصمت بذی العزة والجبروت و توكلت علی الحی
الذی سبحان القائم سبحان الدائم ۰۰ ۲ ۲ ۲ ۱۱ ۱ ۱ ع ۱ ۰۰ باب
پری شصت دویم که زهره کوسفندان سیاه کند و بمیرند سلیمان
کفت علاج او چیست پری کفت یا نبی الله علاج آنست که موم
سفید و کاشنی و موی خرکوش و پیاز در اقشای کله دود کند
و کوسفندی سیاه بکشد و بخون او اینده دعا بنویسد و در موم
کیرد و در آب نداز و بر کله افشاند نافع بود ان شاء الله تعالی

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الم تر کیف الی
الذین تولوا قوما غضب الله علیهم منکم ولا منهم ویحلفون
علی الکذب وهم یعلمون ۱۱۰ آم ۱ ۱۹۱۹ ۱ ع ۱ باب پری شصت
و سیم که طبقه بر کوسفند رساند سلیمان علیه السلام پرسید که
علاج آن چیست پری کفت علاج آنست که تخم کرفس و تخم پیاز
و تخم خیار و تخم کزر با موی روباه در میان کله دود کند و اینده دعا
بخون کوسفند سفید بنویسد و در کردن کوسفند بندد شفا یابند
ان شاء الله تعالی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اِنَّ الَّذِینَ یُحَادُّونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ اُولٰئِكَ فِی الْاَذَلِّینَ
كَتَبَ اللّٰهُ عَلٰی اِنَّ اللّٰهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ ۱۱۱ ۰ آم ممم سسسسس ۱۱۱۱ د
باب پری شصت چهارم که زن بزاید باد بر اعضای او دهد و شیر
در پستان او خشک شود سلیمان علیه السلام کفت علاج او چیست پری
کفت علاج او آنست که نمد کبود و برک بادام و برک انجیر و
موی خرس در زیر دامن او دود کند و اینده دعا با خود دارد
خدای تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم

وذللناها لهم فمنها ركوبهم ومنها يأكلون ولهم فيها منافع ومشارب أفلا يشكرون هم هه هه هه هه

باب پری شصت و پنجم که خود را بکله نماید و دیوانه و هار کرداند سلیمان گفت که علاج او چیست پری گفت یا نبی الله علاج آنست که هفت سنگ از هفت جانب کله انداز و این دعا را بنویسد و در موم گیرد و در آب اندازد و آب را بر کله افشاند که خدای تعالی شفا دهد

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجواکم صدقة ذلک خیر لکم واطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم فدنیا قربنا قریبا جلا و صلا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

باب پری شصت و ششم که نفس بر مردم زند تا که بترسد و کف از دهن او برود و دست و پایش بلرزد سلیمان ع گفت علاج او چیست پری گفت باید که خشت پخته را بر سر چهار راه نهند و چهار چراغ بر چهار گوشه آن بسوزانند و گوسفندی سیه بکشند و خون او با ریسمان

که دختر نابالغ رشته باشد بیامیزد و فتیله چراغها کند و دومن خرما و نان صدقه کند و این اسم را با خود دارد خدا شفا دهد اسم اینست عـعـ ١١٥ ١١٩ ١١١ ٩٩ ١١١١١١١م ١١١م

باب پری شصت و هفتم که زبان آماس کند و لال شود سلیمان گفت علاج او چیست پری گفت علاج آنست که روغن گاو و گل سرخ باغی و آب شب مانده شربت کند و بخورد و پوست پلنگ و زبان کلاغ و موی خر گوش در زیر دامن او دود کند و این دعا با خود دارد خدای تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم وفتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا ١١ ١١١٨ ٣٨ ٣٩١ ٣٨ ٣٣٨ عـعـعـعـ ٢٤٢ ٢٤٢ ٢١١١

باب پری شصت و هشتم که مردم را دیوانه کند که جامه بر تن خود بدرند حضرت سلیمان ع پرسید که علاج او چیست گفت یا پیغمبر خدا باید که دانه انار و پوست جوز و پوست خربزه و موی سر سفید در زیر دامن او دود کند و این اسم بخون مرغ بنویسد و در گردن بندد حق تعالی شفا دهد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم ولقد آتیناهم کتابا من قبل فهم یحکمون

قالوا وجدنا على آثارهم ونتنزل من القرآن الى آخره باب پری
شصت نهم که راه نطفهٔ مردان بسته کند که فرزند ایشان نشود
سلیمان ع فرمود که علاجش چیست پری گفت علاج وی آنست که زهرهٔ
خروس را در شراب اندازد و در محل مباشرت هر روز از آن بخورد
و این اسم را زن باخود دارد حامله شود بفرمان خدای تعالی
دعا اینست ع ع ع ع ع ل ل ل ل ل ی ی ی ی
ی ی ی لم لم لم لم لم لم لم سمه سمه سمه سح سح سح
سح سح ه ا ا رام اع باب پری هفتادم که بر پسران و دختران
مضرت ساند اگر پسر است مردی نداشته باشد و اگر دختر بود
اندام او خشک شود و فرزندش نشود سلیمان ع گفت علاج
او چیست پری گفت علاج وی آنست که گل ریحان و مویز
کوهی سه درم زعفران و روغن کنجد باهم معجون کند و بخورد
و این دعا را باخود دارد نافع بود ان شاء الله تعالی
دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم حسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی
ونعم النصیر رب اغفر وارحم وتجاوز عما انک انت الاعز الاکرم

وانت

وانت ارحم الراحمین رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین
ربنا والیک المصیر ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا
من لدنک رحمة انک انت الوهاب باب پری هفتاد یکم
که مردم را از خواب بجهانم بترساند سلیمان ع گفت علاج او چیست گفت
اسفند و پوست مار در زیر دامنش دود کند و این دعا باخود دارد
شفا یابد بامر خدای تعالی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یفعل الله ما یشاء ویحکم ما یرید ملیخ مرجا فسیکفیکهم الله
وهو السمیع العلیم وننزل آخره باب پری هفتاد دوم
که زن حیض داشته باشد و بروی بگذرد بادی بروی زند که از
فرزند باز ماند و آبستن نشود سلیمان ع گفت علاج او چیست
گفت زهرهٔ گرگ و مایهٔ خرگوش و زهرهٔ گاو سرخ فتیله کند و بخود
بردارد بعد از آنکه از حیض پاک شود و در وقت جماع روغن
دنبه و خرما با آرد گندم قیماق کند و سه روز ناشتا بخورد خدای
تعالی شفا فرزند دهد و این دعا باخود دارد دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله الملک القدوس

[illegible]

قدوس سبحان الله عما یصفون و سلام علی
المرسلین والحمد لله رب العالمین بحق توریة موسی
و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد مصطفی
صلی الله علیه و آله   که چون زنان
وضع حمل بگذارند بر زمین زحمت
[illegible] نوشته [illegible] بر
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم
[illegible] الله [illegible] نور السموات
والارض [illegible]
[illegible]
[illegible] یا [illegible] قدیر [illegible]

یا منان	یا حنان	یا حیی	یا حلیم
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

کان کم پول مانند شاخ
رمستان ناآرام و غمگیر
آز آغاز زمستان م
میکند و حکومت بر
وسیله راد شگ
و نبات همه کم
اثر حیاندازد و کار
یکه برف باری ن
نداران و مامورین همه د

ص ۷۶۱ برای زردی کودک و چاره‌ای (ایوالع)

جهت درد زانو و مفاصل و پاهای مختلفه

درمش خشته زردآلو با ایمیریه از درمجو

برطرف شود

برای خوردنک شامی کو گفتند

۴۰۱ خورده شود

جهت بیماری کودک چشم بزرده شود

در ص ۷۲۶ جهت گرفتن کودک در ...

در ص ۷۶۲ ... درخ چشم چارپایان

در ص ۲۸۶ دعای ...

شکوفه المنتهی

دو شعر نوشته شود

در وظیفه محو ... قرین ...

[illegible]

در ص ۴۰۷ جهت محبت خلق

در ص ۴۱۸ رفع فصل زنان در درد ... و ...

و قوه محبت ... دختران ...

در ص ۴۶۰ جهت بیماری ... گوش

در ص ۴۱۰ جهت ... خوردن اطفال

... ص ۶۶۱